
بسم الله الرحمن الرحیم

چکیده مقالات

چهارمین کنفرانس بین المللی حقوق کودک

و آثار برگزیده نخستین یادواره ملی شاگردان آفتاب

ویژه بزرگداشت شهدای دانش آموز شهرستان میناب

۶ و ۷ آبان ۱۴۰۵

تالار همایش های دانشگاه مفید

باهتمام:

انجمن علمی حقوق کودک ایران

اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی

پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت

دپارتمان حقوق دانشگاه مفید

کانون وکلای دادگستری استان قم

با حمایت:

شرکت زاگرس دارو پارسیان

چکیده مقالات

چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک

و آثار برگزیده نخستین یادواره ملی شاگردان آفتاب
ویژه بزرگداشت شهدای دانش‌آموز شهرستان میناب

۶ و ۷ آبان ماه ۱۴۰۵

رییس کنفرانس

دکتر محمود عباسی

دبیر علمی کنفرانس

دکتر محمد مهدی مقدادی

دبیر هماهنگی کنفرانس

دکتر مهرداد تیموری

دبیر اجرایی کنفرانس

جناب آقای حسین سعیدی

دبیر بین‌الملل کنفرانس

دکتر محمدمهدی سیدناصری

طراح و گرافیست: محمدحسن عرفان‌منش

صفحه‌آرایی: زینب حاجتمند

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: حقوقی

چکیده مقالات

چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک

و آثار برگزیده نخستین یادواره ملی شاگردان آفتاب

ویژه بزرگداشت شهدای دانش‌آموز شهرستان میناب

برگزارکنندگان

انجمن علمی حقوق کودک ایران
اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی
پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت
دپارتمان حقوق دانشگاه مفید
کانون وکلای دادگستری استان قم

با همکاری و مشارکت

مؤسسه استنادی و پایش علم و فناوری جهان اسلام (ISC)
معاونت حقوق بشر و امور بین‌الملل وزارت دادگستری
مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه
دپارتمان فلسفه حقوق کودک مجمع فلاسفه ایران
معاونت منابع انسانی و امور فرهنگی قوه قضائیه
کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو
اتحادیه انجمن‌های علمی گروه حقوق ایران
مرجع ملی حقوق کودک وزارت دادگستری
کمیته اخلاق در علم و فناوری کمیسیون ملی آیسسکو
پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی
انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی
مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی
مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی
انجمن علمی حقوق پزشکی ایران
دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، دادسرای عمومی و انقلاب قم
وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، انجمن آیین دادرسی مدنی ایران
پژوهشگاه قوه قضائیه، کانون وکلای دادگستری استان البرز
کلینیک حقوق کودک قم، دانشکده غیردولتی غیرانتفاعی رفاه
دفتر نمایندگی انجمن علمی حقوق کودک قم، دادستانی کل کشور
مرکز اروپایی حقوق سلامت، ستاد حقوق بشر قوه قضائیه
دادگستری کل استان قم، مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)
مرکز پژوهشی توسعه آسیایی، سیویلیکا، دانشگاه بغداد



این کتاب و جوایز یادواره ملی شاگردان آفتاب با حمایت ریاست هیأت مدیره شرکت زاگرس دارو پارسیان در پرتو نگرش ایشان به مسئولیت اجتماعی شرکت چاپ و منتشر گردیده است.

اعضای شورای سیاست‌گذاری کنفرانس

رییس شورای سیاست‌گذاری کنفرانس: دکتر محمود عباسی

دکتر محمود عباسی
دکتر محمدمهدی مقدادی
دکتر سیدمحمد قاری سیدفاطمی
دکتر قاسم محمدی
مهندس حسین صیادی
دکتر محمد جواد شریعت باقری
دکتر احمد شفیعی
دکتر مهدی خاقانی اصفهانی
دکتر مهرداد تیموری
آقای حسین سعیدی
دکتر محمدمهدی سیدناصری

اعضای کمیته علمی کنفرانس
دبیر علمی کنفرانس: دکتر محمد مهدی مقدادی

دکتر محمود عباسی
دکتر علیرضا زالی
دکتر عباس کریمی
دکتر مریم‌السادات محقق داماد
حجّت‌الاسلام والمسلمین ناصر نقویان
دکتر قاسم محمدی
دکتر حسین شریفی طرازکوهی
دکتر محمدمهدی مقدادی
دکتر فریبا برهانی
دکتر مهرداد تیموری
دکتر آرین قاسمی
دکتر آرین پتفت
دکتر عباس عباس‌زاده
دکتر محمد روشن
دکتر سید طه مرقانی
دکتر مهدی خاقانی اصفهانی
دکتر محمدمهدی سیدناصری
پروفسور اسکندر احمد شاه
الدکتور کامل اسماعیل
دکتر حسین علی حمید
دکتر پژمان پورزند مقدم
پروفسور فلیپ جفه
دکتر هاکری هاکان
دکتر فاطمه سادات میرمحمد مکی
دکتر مهدی شادنوش
دکتر فلور قاسم‌زاده لیاسی
دکتر عاطفه عباسی کلیمانی
دکتر سیدعلی کاظمی
دکتر حسین خالق‌پرست
دکتر نوید رهبر

دکتر فاطمه محمد
دکتر محسن مینا
دکتر عسکر جلالیان
دکتر سیدمحمد قاری سیدفاطمی
دکتر سیدمصطفی میرمحمدی
دکتر محمد حبیبی مجنده
دکتر فتاح ملکی
دکتر محمدجعفر ساعد
دکتر احسان آقامحمد آقایی
الدکتور کاظم الماجدی
جناب آقای حسین سعیدی
دکتر علیرضا ایرانشاهی
دکتر کوروش دل‌پسند
دکتر سعید بیرودیان
دکتر علی ایزدیار
حجّت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمید ستوده
دکتر سید مسعود موسوی اردبیلی
مهندس حسین صیادی
دکتر احمد شفیعی
دکتر چیا نعمتیان
دکتر منصوره نیکبخت نصرآبادی
دکتر سید علی میرخان
حجّت‌الاسلام والمسلمین دکتر سعید رهایی
حجّت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسین جعفری

اعضای کمیته اجرایی کنفرانس

دبیر اجرایی کنفرانس: جناب آقای حسین سعیدی

مرجان آقانوه‌سی
محمدحسن عرفان‌منش
میثم کلهرنیا گلکار
اطهره دُرزاده
فاطمه زیبایی‌نژاد
شقایق مدیر شهلا
سهیلا داموغ
سجاد کاظمی
فاطمه سادات موسوی رکنی
طیبه ایلاقی‌نژاد
فاطمه قیاسی
هانا پیری تیتکانلو
محمد عباس‌زاده
عبدالصاحب مرقاتی
سمیه عباسی
علی مویدی
مهدی مهدوی‌نیا
سید مجتبی شاهرخی
غلامحسین بداغی‌پور
نبی صادق‌زاده
سمیرا عربی
فاطمه پردل
اصغر فتحی
ثارالله جعفریان
لیلا قربانی
امیرحسین امانی
محمد علی بخشی

یونس بیانی
محسن ابوالفتحی
محمد شبستری
محمد نیازی
مجید نسیمی
میثم غضنفری
مهدی پاشازاده
زکریا مهتری
هادی ابراهیمی
محسن برنامنش
فاطمه جوادی
نسیم اشعریین
زهرا عابدیان
سارا ستوده نژاد
مبینا برقعی
عطیه حاجی‌زاده
نرگس سادات حسینی
محمد پارسا صابری
سید محمد میراحمدی
علیرضا محمدزاده
متین باقری

بخش اول: چکیده مقالات چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک

دیباچه ۲۹
حمایت از حقوق کودک در عصر هوش مصنوعی؛ تحلیل چالش‌های حقوقی و الزامات تنظیم‌گری در حقوق ایران.....۳۵
محمود عباسی*، فاطمه قیاسی، هانا پیری تیتکانلو
نقش هوش مصنوعی در آموزش کودکان و تأثیر آن بر عدالت آموزشی ۳۷
مهرداد تیموری*، طاها اسلامی
حمله جنایتکارانه به مدرسه شجره طیبه میناب؛ الگوریتمی شدن فرایند هدف گیری و تعهد به اقدامات احتیاطی ۳۹
محمد مهدی مقدادی، فاطمه زیبائی‌نژاد
تداوم حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه: الزامات حقوقی حفاظت از مدارس و استمرار یادگیری.....۴۱
احمد مشکوری محمود عباسی*، طیبه ایلاقی‌نژاد
بررسی جامعه شناختی جنگ رمضان و کودکان مدرسه شجره طیبه میناب ۴۳
غلامرضا تاجبخش
چالش‌های حقوقی و اخلاقی کاربست هوش مصنوعی در حوزه حقوق کودک: مرور روایتی و تحلیل مفهومی چارچوب‌های حمایت و حکمرانی ۴۴
شیدا شریفی ساکی، محمود عباسی*
نقض حق تصویر کودک در عصر هوش مصنوعی؛ تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از تولید و انتشار تصاویر دیپ‌فیک.....۴۶
دریا خسروی*، مریم بلندی
ردیّه‌ای بر فلسفهٔ حقوق کودکِ غیرکودک‌مدار: در پرتو طرح نگرهٔ حقِ نانوشته-ناشناخته بر خطاکاری.....۴۸
سلمان کونانی
چالش‌های دادرسی جرایم کودکان و نوجوانان در مواجهه با هوش مصنوعی ۵۰
عاطفه عباسی

تداوم حق بر آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه: تعامل تعهدات حقوق بشری و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب ۵۳
عباس کریمی، میثم نصرالهی، عماد نوبخت
حمایت از سلامت روانی کودکان در برابر مخاطرات و آسیب های ناشی از جنگ از منظر فقه و حقوق ۵۵
محمد مهدی مقدادی، سمانه مقدادی ۵۵
حق بر سلامت روان کودکان در عصر الگوریتم‌ها؛ ۵۷
مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال ۵۷
محمدمهدی سیدناصری ۵۷
خسارت روانی طفل به عنوان زیان قابل جبران در نظام مسئولیت مدنی ایران ۵۹
محمدتقی رضوانی فر، سعیده علی زاده.....۵۹
اثربخشی برنامه آموزشی حقوق کودک بر آگاهی و نگرش دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی استان البرز ۶۱
ثریا قورهجیلی ۶۱
عدالت کودک‌محور و هوش مصنوعی؛ تفسیر عمومی شماره ۲۷ و حق دسترسی به عدالت و جبران خسارت ۶۳
محمدمهدی سیدناصری ۶۳
نقض حریم خصوصی و تبعیض الگوریتمی در محیط‌های هوش مصنوعی؛ چالش‌های نوین حقوق کودک با نگاهی به نظام حقوقی ایران ۶۶
فریبرز صفری*، سیده فائزه خلفوند ۶۶
بزه‌دیدگی کودک توسط والدین در اقتصاد اینفلوئنسری:.....۶۸
از اشتراک‌گذاری زندگی کودک تا کار کودک دیجیتال ۶۸
مهدی خاقانی اصفهانی.....۶۸
حمله به مدرسه میناب در پرتو کنوانسیون حقوق کودک: نقض حق حیات، آموزش و حمایت در مخاصمات مسلحانه.....۷۱
سیده لیلا نقیب‌زاده*، محمد کریمی

حمایت از حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه؛ بررسی روندهای نوظهور، چالش‌های حقوقی و سازوکارهای بین‌المللی حمایت ۷۳
چیا نعمتیان
کودک در عصر پزشکی پیش‌بینانه؛ چالش‌های حقوقی تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی درباره سلامت کودکان ۷۵
محبوبه دهقان نیری
دندان‌های دیجیتال کودکان؛ هوش مصنوعی و داده‌های سلامت در دندانپزشکی کودکان ۷۸
سارا سیدناصری
مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمله آمریکا به مدرسه میناب؛ تحلیل حقوقی واقعه در پرتو مقررات ناظر بر جنایات جنگی ۸۰
عباس شیری ورنامخواستی
اعتبار سنجی قراردادهای کودکان یتیم در شرایط جنگ.....۸۲
جواد حسین زاده
حق بر سلامت و مسئولیت حقوقی هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان.....۸۳
سارا سیدناصری
حق حیات جنین در موضوع کاهش جنین در بارداری‌های چندقلویی ناشی از فناوری‌های کمک‌باروری؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان ۸۵
علی بلوری
«کودکان و مخاصمات مسلحانه: ارزیابی سه دهه تلاش ملل متحد از هنجارسازی تا آزمون اراده سیاسی» ۸۷
سید مصطفی میرمحمدی عزیزی
حریم خصوصی و هویت دیجیتال کودک در عصر هوش مصنوعی مولد: ارزیابی خلأهای حقوق ایران و راهکارهای حمایتی با رویکرد تطبیقی ۹۱
رضا قلی‌پور گودرزی
تعهدات و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر آثار تغییرات اقلیمی بر حقوق کودکان.....۹۳

سید نصرالله ابراهیمی، علی فرحزادی*
تحولات اجتماعی و چالش حمایت از کودک در برابر اضرار؛ بازخوانی فقهی ـ حقوقی حق کودک بر پایه آموزه‌های اهل‌بیت(ع) ۹۵
محمد حسن زرین اقبال
حق کودک بر مشارکت هنری؛ چالش‌های حقوقی و اخلاقی کاربرد هوش مصنوعی مولد در تئاتر کودک و نوجوان.....۹۷
مریم احسان پور چیمه
معیارهای شناسایی اماکن مورد استفاده کودکان به‌عنوان اهداف نظامی در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر مشارکت مؤثر در اقدام نظامی، مزیت نظامی مشخص و چالش تسلیحات خودمختار ۹۹
رخساره وزیری گودرزی*، محمد عرب طاط، فاطمه زیبایی‌نژاد
حقوق کودکان در تربیت جنسی توسط والدین.....۱۰۱
فاطمه منظمی*، فاطمه زمانی نژاد
نقض اصل عدم تجاوز و پیامدهای روانی آن بر کودکان در جنگ: خوانشی روتباردی.....۱۰۲
سجاد غلامی
حق کودک بر سلامت روان در مخاصمات مسلحانه از منظر فقه امامیه ۱۰۳
سعید احمدی
نسبت‌سنجی نقش خانواده و حاکمیت در صیانت از حقوق کودک در فضای دیجیتال.....۱۰۴
ثمین اسماعیل زادیان
بررسی نقض حق آموزش کودکان در حملات مسلحانه به مدارس.....۱۰۶
علی اکبر جعفری ندوشن
آسیب های روانی وارده بر کودکان دخیل در فرایند دادرسی کیفری و ارائه راهکارهای پیشگیرانه.....۱۰۸
صادق صفری*، هادی عالی، نفیسه عرب‌زاده

تأثیر اضطرار اقلیمی بر حقوق بنیادین کودکان: مطالعه تطبیقی کنوانسیون حقوق کودک و رویه‌های نوین قضایی بین‌المللی..... ۱۱۰
پریچهر قنبری*، محمدرضا رشنوادی
حریم خصوصی کودکان در عصر هوش مصنوعی: تعارض میان حق کودک بر حریم خصوصی و ضرورت نظارت والدین ۱۱۲
علی جاوید، راضیه صابری*، علی صفاری
حمایت کیفری از کودکان در برابر سوءاستفاده جنسی آنلاین در پرتو کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی ۱۱۴
حمید پورعیسی*، آرزو تاجوک، سامان جوادپور
مسئولیت حقوقی هوش مصنوعی در غربالگری و تشخیص کم‌شنوایی کودکان.. ۱۱۶
فاطمه عابدین
مسئولیت حقوقی ناشی از خطاهای الگوریتمی در تصمیمات درمانی مرتبط با کودکان..... ۱۱۸
احمد امی*، هانیه محموزاده
تحلیل جرم‌شناختی آثار جنگ بر سلامت روان کودکان و نقش عدالت ترمیمی در حمایت از آنان ۱۲۰
حمید پورعیسی*، آرزو تاجوک، سامان جوادپور
حمایت کیفری از سلامت روان کودکان در شبکه‌های اجتماعی: چالش‌ها و حدود مداخله در حقوق ایران ۱۲۲
رباب فیاضی
چالش‌های حقوقی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه..... ۱۲۴
محمدصادق جعفری*، صادق تاری‌وری، محمدحسین صادقی
مسئولیت حقوقی در زنجیره تصمیم گیری هوش مصنوعی در عملیات نظامی : تحلیل موردی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب ۱۲۶
حسین مهدوی
حقوق کودک و عدالت آموزشی الزامات تحقق فرصت‌های برابر یادگیری در تحولات اجتماعی معاصر ۱۲۸

مهسا رضازاده مقدم چماچایی، صغرا علی‌آبادی*، زهرا نودهی، نازیلا سلیمی
حمایت از کودکان و مدارس در مخاصمات مسلحانه؛ تحلیل انتقادی تعهدات حقوق بشردوستانه و مسئولیت بین‌المللی؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب ۱۳۰
محسن حمیدی پور
تحلیل ابعاد حقوقی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب با تأکید بر حمایت کیفری از کودکان و حمایت از اماکن آموزشی در پرتو حقوق کودک ۱۳۲
سام آژند*، مسلم قاضی پور
الزام به ثبت رسمی معاملات مرتبط با اموال کودک و نوجوان در پرتو مصلحت طفل ۱۳۴
مائده لطفی
تعقیب آمران و مباشران جنایت مدرسه شجره طیبه در دیوان کیفری بین‌المللی ۱۳۶
پیمان نمامیان
چالش‌های حمایت از حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه در پرتو حقوق بین الملل بشر دوستانه ۱۳۸
فاطمه خلیلی
حق دسترسی کودک به دارو و درمان در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران از تعهدات جهانی تا چالش‌های اجرایی ۱۴۰
پریناز ممیز
مصلحت کودک و حدود ولایت والدین؛ بازخوانی فقهی ـ حقوقی مفهوم مصلحت عالیه کودک ۱۴۲
محمد حسن زرین اقبال
حقوق کودک در بستر تحولات اجتماعی: ضرورت بازاندیشی در نظام‌های حقوقی ۱۴۴
محمد طاعتی سرشکه
چالش‌های حقوقی حفاظت از هویت دیجیتال کودکان در عصر هوش مصنوعی مولد ۱۴۶

خلیل اله احمدوند*، نگین نجفی
هوش مصنوعی و بازتعریف حقوق کودک در عصر دیجیتال: تحلیل جامعه‌شناختی فرصت‌ها، تهدیدها و الزامات سیاست‌گذاری ۱۴۸
محمد رضا حشمتی
بازاندیشی در سن و مراتب مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران؛ با تأکید بر استانداردهای حقوق کودک ۱۵۰
حمیدرضا کارگر
بررسی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با میزان آگاهی و رعایت حقوق دیجیتال کودکان.....۱۵۲
محمد رضا حشمتی
بررسی دسترسی کودک به فناوری ارتباطات از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی.۱۵۴
صادق تاریوردی، کامبیز اکبری
بررسی انتقادی دیدگاه مشهور فقهای امامیه، بر محرومیت فرزندان نامشروع از حق ارث.....۱۵۶
سید محمدمهدی میری رمی*، سجاد زعفریان ملکشاه
حدود اختیار والدین در انتشار اطلاعات کودک در فضای مجازی تحلیل فقهی ـ حقوقی با تأکید بر کرامت و مصلحت طفل.....۱۵۷
سکینه آذری
حق اعتراض کودک به استفاده از داده‌های شخصی در آموزش مدل‌های هوش مصنوعی مولد ۱۵۹
کیان نیک‌بخش ذاتی
ارزیابی ولایت قهری جد پدری بر صغیر در پرتو مصلحت عالیه طفل در حقوق ایران ۱۶۱
حنانه محمودی
حکمرانیِ شناختی بر هوش مصنوعی؛ چارچوبی برای صیانت از حقِ کودک بر سلامتِ ذهنی(بر پایه حکمتِ متعالیه).....۱۶۳
سیده محیا سیدعلیخان

حمایت از حریم خصوصی و داده‌های شخصی کودکان در عصر هوش مصنوعی و فضای مجازی ۱۶۵
محمدعلی رستمی
چالش‌های حقوقی هویت و رضایت کودک در عصر هوش مصنوعی و واقعیت مجازی ۱۶۷
محمد سروش گل‌چی
تحلیل حقوقی مشروعیت حمله به مدارس در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر مدرسه میناب ۱۶۹
جواد جمال اوغلی
بررسی تطبیقی حمایت از مادران و فرزندان حاصل از تجاوز جنسی در پرتو اصول حقوق خانواده ایران و رویه جامعه ایزدی (با تأکید بر قاعده عدم انتقال مذهب از طریق مادر و چالش‌های هویتی فرزندان) ۱۷۱
مریم سپه وند
تعهد دولت به تأمین هزینه‌های خدمات سلامت روان کودکان آسیب‌دیده از جنگ در ایران ۱۷۳
مریم‌السادات محقق داماد*، عرفان فتوحی
کودک‌آزاری هوشمند؛ چالش‌های نوین حمایت کیفری از کودکان ۱۷۵
در عصر هوش مصنوعی ۱۷۵
محمدجواد مقدم
حق کودک بر سلامت روان در مخاصمات مسلحانه: چالش‌ها، تعهدات حقوقی و راهکارهای حمایتی ۱۷۶
عسکر جلالیان*، علی درست‌کردار
توازن میان حقوق کودک و تکلیف والدین به نظارت در عصر هوش مصنوعی؛ بررسی مسئولیت مدنی والدین در قبال آسیب‌های ذهنی و روانی فضای مجازی ۱۷۸
مرضیه صفدری
جبران خسارات معنوی افسردگی بالینی کودکان ناشی از جنگ ۱۸۰
مسعود بندار

سازوکارهای جبران نقض حقوق کودک در کودک‌همسری با تأکید بر اسناد بین‌المللی ۱۸۲
آرزو ملکشاه*، نگین کرد
هوش مصنوعی و حقوق کودک: بررسی الزامات حمایت، ایمنی و پاسخ‌گویی در سامانه‌های هوشمند ۱۸۴
اکبر بشیری، آزاد حسن زاده*
واکاوی چالشهای سیاست جنایی ایران در حمایت از حق بازپروری کودکان بزهکار و ارائه راه کارهای تقنینی و اجرایی..... ۱۸۵
امیرحسین رجبی
تبیین ابعاد تربیت اخلاقی-روانشناختی کودک در سیره حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) با تأکید بر سلامت روان و حقوق کودک ۱۸۷
مریم میر، اعظم اعتمادی‌فرد*، احمد صادقیان
پلیس و حقوق اطفال و نوجوانان با تأکید بر حمایت از کودکان کار و بزه‌دیده .۱۸۹
فائزه پناهی آزاد*، نرگس زارعی
حق بر حریم خصوصی کودک در بستر پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی؛ مطالعه‌ای در الزامات حمایت قانونی و نظارتی ۱۹۰
آرزو ملکشاه*، دلاور برادران، اکبر بدری
وقتی ابزار به رابطه تبدیل می‌شود: تحلیل چالش های نوظهور بین هوش مصنوعی و حقوق روانشناختی کودک ۱۹۲
محمد نیک سیرت
تأثیر روش‌های نمایشی مبتنی بر داستان‌های حماسی (شاهنامه) بر همدلی و نظریه ذهن کودکان: یک مرور نظام‌مند ۱۹۴
هادی سرافرازی
سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در قبال جذب و به کارگیری کودکان در گروه‌های تروریستی با تاکید بر چالش های تقنینی؛ مطالعه موردی: گروهک تروریستی پژاک ۱۹۶
روح‌الله عباسی

مسئولیت بین‌المللی درحمله به اماکن آموزشی؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب ۱۹۸
احمدرضا توحیدی، آزاده حسینی
بررسی حق حیات و امنیت کودکان در مخاصمات مسلحانه:مطالعه موردی مدرسه شجره میناب ۲۰۰
حسین زارع خورمیزی، سید محسن میرحسینی، سیده مریم رجائیان
جایگاه کودک‌کار در حقوق ایران: جرم‌انگاری و ضمانت کیفری بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در پرتو کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک ۲۰۲
محمدحسین میرزائی
بررسی تعارض معلم‌بلاگری با حقوق معنوی کودک در پرتو سند ملی حقوق کودک و نوجوان ۲۰۴
فاطمه سادات اشرف آل طه*، زهرا امیرحائری
حق بر سلامت روان کودکان در مخاصمات مسلحانه؛ از خلأ هنجاری تا تعهد الزام‌آور در حقوق بین‌الملل ۲۰۶
احمدرضا توحیدی*، زینب زارع، سجاد سلیمان پور
نقش شاهنامه‌خوانی نمایشی در پرورش خلاقیت و تفکر واگرای دانش‌آموزان: مروری بر پژوهش‌های تجربی ۲۰۸
هادی سرافرازی
اخلاق جنگ و بی‌گناهی کودکان: تأملی فلسفی- حقوقی بر مرگ کودکان در بمباران یک مدرسه ۲۱۰
سیما حاتمی
تحلیل جنایت حمله به مدرسهٔ میناب از منظر حقوق بین‌الملل و ارائهٔ راهکارهای پیشنهادی جهت کنشگری حقوقی-سیاسی در مجامع جهانی ..۲۱۱
مسعود حسن‌آبادی، محمد گوهری، علی کفیلیان یزدی
مبانی و قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی کودک در پدیده والدین‌بلاگری؛ مطالعه‌ای در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی ۲۱۳
پریناز کریمی

تعارض منافع و حدود اختیار نماینده قانونی کودک در قراردادهای بهره‌برداری تجاری از تصویر: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه ۲۱۵
نوشین محمودی، میثم نصرالهی
تحلیل جرم شناختی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب با تاکید بر حقوق کیفری بین‌الملل ۲۱۷
علی بیرامی کشایش، جمال بیگی
کودکان در شکاف مسئولیت: میناب و گم شدن پاسخگویی در گسست میان حقوق فناوری، حقوق مخاصمات و نظام جبران خسارت ۲۱۹
بشری سادات امامی*، علیرضا معراجی
نقض مصالح عالیه کودک در فرآیندهای کمک‌باروری با مداخله شخص ثالث در فقدان چارچوب حقوقی منسجم ۲۲۱
فاطمه سادات حسینی
از رضایت والدین تا پاسخ‌گویی الگوریتمی: الگوی حقوقی ارزیابی اثرات هوش مصنوعی آموزشی بر حقوق کودک ۲۲۳
ایمان مختاری*، احسان آقامحمدآقایی
انتساب و توزیع مسئولیت مدنی در تصمیمات الگوریتمی حمایت از کودک: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و مقررات اتحادیه اروپا ۲۲۵
میثم نصرالهی، احمد امی*، نوشین محمودی
الحرب والصحة النفسية للأطفال..... ۲۲۷
ندى جاسم محمد الخفاجي
مسؤولية المتسبب في قتل الأطفال عند الخطأ في تحديد الهدف العسكري: دراسة فقهية مقارنة في ضوء هجوم مدرسة ميناب ۲۲۹
محسن تقي‌زاده
الابعاد القانونية للهجوم على مدرسة ميناب ۲۳۱
رضي محمد علي البلداوي
استراتيجيات تطبيق حقوق الإنسان في القانون العراقي..... ۲۳۲
رافد صالح علي سعد العكيلي

"حقوق الطفل في النزاعات المسلحة من منظور الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام): دراسة تحليلية مقارنه اعداد د ريح ٢٣٥
عبدالكريم الفضلي، اياد اركان جعفر
الأهلية القانونية ومعايير الكفاءة والمسؤولية القانونية الناشئة عن الاضطرابات النفسية ٢٤٠
رافد صالح علي
صيانة حقوق الطفل في النزاعات المسلحة من منظور الفقه الإمامي والقانون الدولي؛ دراسة حالة مدرسة شجرة طيبة في ميناب ٢٤١
أحمد صابري مجد
Children's Right to Mental Health in Armed Conflict: A Legal Analysis of Israeli and U.S. Military Attacks on Iran..... 243
Mohammad Mehdi Seyed Nasseri
States' Obligations Regarding the Mental Health and Psychological Rehabilitation of Child Victims of War: An Analysis of Article 39 of the Convention on the Rights of the Child 246
Mahshid Jamali
Applications of Artificial Intelligence in Strengthening Cybersecurity for the Safeguarding of Children's Rights in Private Law: A Comparative-Analytical Approach with Emphasis on International and Iranian Instruments 248
Abbas Karimi, Emad Nobakht*, Saeideh Mohseni Estalkhi
The Child's Right to Be Heard: Communicative Justice for Deaf and Hard-of-Hearing Children in the Age of Intelligent Technologies.. 250
Fatemeh abedin
Artificial Intelligence and Children's Rights: A Systematic Review and Meta-Analysis of Risks, Protections, and Policy Frameworks . 252
Saeid Mahmoudi
Validating the Digital Purchases of the Discerning Child in Imami Jurisprudence: Transitioning from Traditional Evidence to the Rational Conduct (Sirah 'Uqala)..... 254
Ahmad Saberi Majd
Pathology of the Legal and Social System of Child Labor vis-à-vis Economic Challenges; A Comparative Evaluation of the Legislative Trajectory in Iran and International Standards 255
Sadegh Yazdani

Challenges in Distinguishing Between "Constructive Work" and "Exploitation" in Children's Rights; An Anatomy of the Concept, Foundations, and Principles of Decent Work in Legal Systems 256
Sadegh Yazdani
Liability of the Causer of Children's Deaths in Cases of Error in Identifying the Military Objective: A Comparative Jurisprudential Study in Light of the Minab School Attack 257
Mohsen Taghizadeh
Allocation and Attribution of Civil Liability in Algorithmic Child Protection Decisions: A Comparative Study of Iranian Law and EU Regulations 259
Meisam Nasrollahi, Ahmad Ommi*, Nooshin Mahmoodi
Infringement of the Best Interests of the Child in Third-Party Assisted Reproduction Processes in the Absence of a Coherent Legal Framework 261
FatemeSadat Hosseini
Children in the Responsibility Gap: Minab and the Fragmentation of Accountability Across Technology Law, the Law of Armed Conflict, and Access to Remedies 262
Boshra Sadat Emami*, Alireza Meraji
A Criminological Analysis of the Attack on the Shajareh-ye Tayyebah School in Minab with an Emphasis on International Criminal Law 264
Ali Beyrami Koshayesh, Jamal Beigi
An Analysis of the Minab School Attack Crime from the Perspective of International Law and Proposed Strategies for Legal-Political Advocacy in International Fora 266
Masoud Hassanabadi, Mohammad Gowhary, Ali Kafilian Yazdi
An Examination of the Conflict Between "Teacher-Blogging" and the Moral Rights of the Child, in Light of the Natinal Document on the Rights of the Child and Adolescent 268
Fatemeh Sadat Ashraf Altaha*, Zahra Amirhaeri
The Status of Child Labour in Iranian Law: Criminalization and Penal Guarantees against the Economic Exploitation of Children in Light of the Convention on the Rights of the Child 270
MohammadHossein Mirzaee
When a Tool Becomes a Relationship: Analysis of Emerging Challenges at the Intersection of Artificial Intelligence and the Psychological Rights of the Child 272
Mohammad Niksirat
The Child’s Right to Privacy on Artificial Intelligence-Based Platforms: A Study on Legal and Regulatory Protection Requirements 274

Arezoo Malekshah*, Delavar Baradaran, Akbar Badri
Explaining the dimensions of moral-psychological education of children in the life of Hazrat Fatima Zahra (peace be upon her) with an emphasis on mental health and children's rights 276
Maryam Mir, Azam Etemadifard* , Ahmad Sadeghian
Analyzing the Challenges of Iran's Criminal Policy in Supporting the Right to Rehabilitation of Juvenile Offenders and Providing Legislative and Executive Solutions 277
Amir Hossein Rajabi
Criminal Liability of Al Platforms Regarding Child Rights Violations in Light of The Law on the Protection of Children and Adolescents..... 279
Akbar Bashirry, Arad Hasan Zadeh*
Mechanisms for compensating violations of children's rights in child marriage with an emphasis on international documents 280
Arezo Nalekshah*, Negin Kord
Compensation for Non-Pecuniary Damage Arising from Clinical Depression in Children Affected by War 281
Masood Bondar
The Child's Right to Mental Health in Armed Conflict: Challenges, Legal Obligations, and Protective Measures 282
Askar Jalalian*, Ali Dorost Kerdar
The State’s Obligation to Finance Mental Health Services for Children Affected by War in Iran 283
Maryam Sadat Mohaghegh Damad*, Erfan Fotuhi
Smart Child Abuse: Emerging Challenges of Criminal Protection of Children in the Age of Artificial Intelligence 285
Mohammad Javad Moqaddam
A Comparative Study of the Protection of Mothers and Children Born of Sexual Violence in Light of the Principles of Iranian Family Law and Yazidi Community Practice (with an Emphasis on the Rule of Non-Transmission of Religion through the Mother and the Identity Challenges of the Children) 286
Maryam Sepahvand
Cognitive AI Governance: A Framework for Safeguarding the Child’s Right to Mental Health(Based on Transcendent Philosophy)..... 288
Seyedeh Mahya Seyedalikhan
An Evaluation of the Paternal Grandfather’s Guardianship over Minors in light of the Best Interests of the Child under Iranian Law 289
Hannaneh Mahmoudi

Limits of Parental Authority in Publishing Children’s Information Online: A Jurisprudential and Legal Analysis with Emphasis on the Child’s Dignity and Best Interests 291
Sakine Azari
Critical Analysis of the Prominent View in Imami Jurisprudence on Depriving Illegitimate Children of Inheritance Rights 293
Seyyed Mohammad Medi Miri Rami*, Sajjad Zaferian Malekshah
The Relationship Between Family Cultural Capital and Children's Awareness of and Adherence to Digital Rights 294
Mohammad Reza Heshmati
Artificial Intelligence and the Redefinition of Children's Rights in the Digital Age: A Sociological Analysis of Opportunities, Threats, and Policy Requirements 296
Mohammad Reza Heshmati
The Rights of the Child in the Context of Social Transformations: The Imperative of Rethinking Legal Systems 298
Mohammad Ta'ati Sereshkeh
The Right of the Child to Access to Medicine and Treatment in International Instruments and Iranian Domestic Law From Global Obligations to Implementation Challenges 300
Parinaz Momayyez
Challenges in Protecting Children’s Right to Education in Armed Conflicts under International Humanitarian Law 301
Fatemeh Khalili
The Obligation of Official Registration of Transactions Involving the Property of Children and Adolescents in Light of the Best Interests of the Child 303
Maede Lotfi
Legal Responsibility in the AI Decision-Making Chain in Military Operations: A Case Study of the Attack on Shajareh Tayyebeh School in Minab 305
Hossein Mahdavi
Legal Challenges of Protecting Children in Armed Conflicts Department of Public Law 306
Mohammad Sadegh Jafari*, Sadegh Tariverdi, Mohammad Hossein Sadeghi
Status-Based Presumptions and the Burden of Justification: The Best Interests of the Child under Article 3(1) CRC and Sunni–Imami Islamic Family Law 308
Mohsen taghizadeh

Criminal protection of Children's Mental Health on Social Media: Challenges and Limits of Intervention in Iranian Law 310
Rabab Fayyazi
A Criminological Analysis of the Effects of War on Children's Mental Health and the Role of Restorative Justice in Supporting Them 311
Hamid Poureisa*, Arezoo Tajook, Saman Javadpoor
Criminal Protection of Children against Online Sexual Abuse in Light of the Convention on the Rights of the Child and International Instruments 312
Hamid Poureisa*, Arezoo Tajook, Saman Javadpoor
Children's Privacy in the Age of Artificial Intelligence: The Conflict Between the Child's Right to Privacy and the Necessity of Parental Monitoring 313
Ali Javid, Razieh Saberi*, Ali Saffari
The Impact of the Climate Emergency on Children's Fundamental Rights: A Comparative Study of the Convention on the Rights of the Child and Emerging International Judicial Developments 315
Prichehr Ghanbari*, Mohammad Reza Rashnavadi
Assessing the Nexus of Family and State Roles in Safeguarding Children's Rights in the Digital Space 317
Samin Esmaeilzdian
Criteria for Identifying Premises Used by Children as Military Objectives in Armed Conflicts: With Particular Emphasis on Effective Contribution to Military Action, Denfinite Military Advantage and the Challenges of Autonomous Weapons Systems 318
Rokhsareh Vaziri Goudarzi*, Mohammad Arab Tat, Fatemeh Zibaee
States' International Obligations and Responsibility for Climate Change Impacts on Children's Rights 319
Ali Farahzadi, Seyed Nasrollah Ebrahimi*
Children's Privacy and Digital Identity in the Age of Generative Al: A Comparative Assessment of Iranian Legal Gaps and Protective Solutions 320
Reza Gholipour Goudarzi
The fetus's right to life in the context of fetal reduction in multiple pregnancies resulting from assisted reproductive technologies; a comparative study of the legal systems of Iran and England 321
Ali Boloori
The Attack on Minab School in Light of the Convention on the Rights of the Child: Violation of the Right to Life, Education, and Protection in Armed Conflicts 323
Seyedeh Leila Naghibzadeh*, Mohammad Karimi

Privacy Violations and Algorithmic Discrimination in AI Chidren's: Emerging Challenges in"Iranian Legal System" 325
Fariborz Safari*, Seyedeh Faezeh Khalafvand
The Effectiveness of a Children's Rights Educational Program on the Awareness and Attitudes of Fifth-Grade Elementary Students in Alborz Province..... 327
Soraya ghorehjili
Continuity of Children's Right to Education in Armed Conflicts: The Interaction between Human Rights Obligations and Rules of International Humanitarian Law; A Case Study of Shajareh Tayyebeh Minab School..... 329
Abbas Karimi*, Meisam Nasrollahi Emad Nobakht
Legal and Ethical Challenges in the Application of Artificial Intelligence to Children's Rights: A Narrative Review and Conceptual Analysis of Protection and Governance Frameworks..... 331
Sheida Sharifi Saki, Mahmoud Abbasi*
Continuity of Children's Right to Education in Armed Conflict: Legal Requirements for School Protection and Learning Continuity..... 333
Ahmad Mashkouri, Mahmoud Abbasi*, Tayebeh Ilaqi Nejad
The Role of Artificial Intelligence in Children's Education and Its Impact on Educational Equity 335
Mehrdad Teymouri*, Taha Eslami
Protecting Children's Rights in the Age of Artificial Intelligence: An Analysis of Legal Challenges and Regulatory Requirements in Iranian Law..... 337
Mahmoud Abbasi*, Fatemeh Ghiyasi, Hana Piri

بخش دوم: آثار برگزیده نخستین یادواره ملی شاگردان آفتاب ویژه بزرگداشت شهدای دانش‌آموز شهرستان میناب

به نام خداوندِ میناب ۳۴۱
میثم کلهرنیاگلکار
نجواهای سوگواری برای نیمکت‌های خالیِ مدرسه‌ی میناب..... ۳۴۳
ساناز خانی
مدرسه در میدان جنگ؛ تحلیل حقوقی حمله به مدرسه میناب در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه ۳۴۵
سید مصطفی حسن نژاد*، اعظم زهرایی

از حق آموزش تا حق بقا: حمله به مدارس و زنجیره نقض حقوق کودک در مخاصمات مسلحانه ۳۴۷
امید نیاقی
تحلیل حقوقی ـ جرم‌شناختی حمایت از کودکان در شرایط بحرانی با تأکید بر جنایت جنگی علیه کودکان و اماکن آموزشی(مطالعه موردی: مدرسه شجره طیبه شهرستان میناب) ۳۴۹
عرفان حیدر آبادی
با هم به مدرسه می رویم ۳۵۰
مریم میرعلیجانی و علی میرعلیجانی

دیباچه

کودکی، نخستین فصل از کتابِ شکوهمند حیات انسانی است؛ فصلی که در آن، بذرهای شخصیت، هویت، امید و آینده در بستری از مهر، امنیت و آگاهی ریشه می‌دوانند. برهه ای که درعین طراوات و شادابی، گرانیگاه نگاره بندیِ شخصیت و حساس ترین و آسیب‌پذیرترین ساحت وجود آدمی به شمار می رود. لذا پاسداشت این دوران، صرفاً حمایت از مرحله‌ای گذرا در زندگی انسان نیست، بلکه صیانت از بنیادی‌ترین ارزش‌هایی است که حیات فردی و جمعی بر آن استوار است. از همین منظر، حقوق کودک را نمی‌توان تنها مجموعه‌ای از قواعد و تعهدات قانونی دانست؛ این حقوق، جلوه‌ای از کرامت ذاتی انسان، تجلی مسئولیت اخلاقی جوامع و معیاری بنیادین برای سنجش عدالت در نظام‌های حقوقی و اجتماعی است. جامعه‌ای که کودکان در آن از امنیت، سلامت، آموزش، آزادی و فرصت شکوفایی محروم باشند، هر اندازه نیز از مظاهر پیشرفت برخوردار باشد، در تحقق آرمان عدالت و توسعه انسانی با کاستی‌های بنیادین مواجه خواهد بود.

تاریخ تحول حقوق کودک، روایت گذار تدریجی از نگاهی حمایت‌گرایانه و عمدتاً مبتنی بر ترحم، به رویکردی حق‌مدار و متکی بر شناسایی کودک به‌عنوان صاحب مستقل حقوق است. این تحول که در اسناد بین‌المللی حقوق بشر و به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک نمود یافته، جایگاه کودک را از موضوع حمایت صرف، به انسانی برخوردار از حقوق بنیادین، شخصیت حقوقی مستقل و حق مشارکت متناسب با سن و میزان رشد و بلوغ او ارتقا داده است. بااین‌همه، فاصله میان شناسایی حقوق و تضمین برخورداری واقعی از آن‌ها، همچنان یکی از غامض ترین مسائل نظام حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی کشورهاست؛ فاصله‌ای که در سایه بحران‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و

تحولات شتابان فناورانه، گاه ژرف‌تر و نگران‌کننده‌تر می‌شود. ازاین‌رو، مسئله اساسی جهان امروز، دیگر صرفاً پذیرش حقوق کودک در ساحت هنجارگذاری نیست، بلکه چگونگی تحقق مؤثر این حقوق، پیشگیری از نقض آن‌ها و تضمین مسئولیت‌پذیری در برابر تعرض به حقوق کودکان است.

جهان معاصر، در میانه دو واقعیت به‌ظاهر متعارض ایستاده است: از یک‌سو، پیشرفت‌های چشمگیر دانش، فناوری و ارتباطات، افق‌های تازه‌ای برای آموزش، سلامت، توانمندسازی و مشارکت کودکان گشوده و از سوی دیگر، گسترش مخاصمات مسلحانه، بحران‌های نوظهور و مخاطرات پیچیده فضای دیجیتال، اشکال تازه‌ای از آسیب‌پذیری را پیش روی آنان قرار داده است. ظهور و توسعه هوش مصنوعی، در کنار ظرفیت‌های ارزشمند آن برای ارتقای کیفیت زندگی کودکان، پرسش‌های بنیادینی درباره حریم خصوصی، تبعیض الگوریتمی، امنیت داده‌ها، استقلال تدریجی کودک و مسئولیت حقوقی کنشگران فناورانه پدید آورده است. در چنین بستری، نظام‌های حقوقی ناگزیرند با حفظ اصول بنیادین حقوق کودک، ظرفیت‌های هنجاری و نهادی خود را برای مواجهه با مناسبات پیچیده و مخاطرات پیش‌بینی‌نشده بازآرایی کنند؛ چراکه حمایت از کودکان در جهان نوین، بدون شناخت تحولات آن و بهره‌گیری از رهیافت‌های میان‌رشته‌ای، به غایتی دشوار و گاه دست‌نیافتنی بدل خواهد شد.

در سوی دیگر این تحولات، مخاصمات مسلحانه همچنان از تلخ‌ترین جلوه‌های نقض حقوق بنیادین کودکان به شمار می‌روند. جنگ، برای کودک، تنها به معنای تهدید حیات و تمامیت جسمانی نیست؛ بلکه می‌تواند فروپاشی احساس امنیت، گسست پیوندهای خانوادگی و اجتماعی، محرومیت از آموزش و برجای‌ماندن آسیب‌های عمیق و پایدار روانی را در پی داشته باشد. کودکی که در سایه خشونت و ناامنی بالنده می‌شود، چه‌بسا آثاری از جنگ را تا سالیان متمادی با خود حمل کند؛ آثاری که پایان مخاصمه، لزوماً به معنای پایان آن‌ها

نیست. ازاین‌منظر، حمایت از کودکان در شرایط بحرانی جنگ، افزون بر ضرورت رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مستلزم توجه به الزامات خاص حقوق بین‌الملل بشر، سلامت روان، بازتوانی، جبران آسیب‌ها و تضمین بازگشت آنان به زندگی ایمن و شایسته است. در این میان، حمایت از مدارس و دیگر فضاهای آموزشی و بررسی حقوقی تعرض به آن‌ها، از جایگاهی ویژه برخوردار است؛ مدرسه، فراتر از مکانی برای آموزش، یکی از بنیادی‌ترین کانون‌های امنیت، رشد اجتماعی و شکل‌گیری آینده کودکان به شمار می‌رود و ناامن سازی آن در جریان مخاصمات و درگیری های نظامی علاوه بر نقض آشکار حقوق کودک، فروپاشی حقوق بشر را به ارمغان خواهد آورد.

در پرتو همین ملاحظات، چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک، با تمرکز بر محورهای «جنگ و سلامت روانی کودکان»، «حقوق کودک و هوش مصنوعی»، «ابعاد حقوقی حمله به مدرسه میناب»، «حقوق کودک و بحران‌های نوظهور» و «حمایت از کودک در مخاصمات مسلحانه»، کوشیده است بستری علمی برای بازاندیشی در چالش‌های معاصر این حوزه فراهم آورد. اهمیت این محورها در آن است که حقوق کودک را از محدوده مباحث انتزاعی فراتر برده و آن را با واقعیات عینی، مسائل مستحدثه و ضرورت‌های عملی حمایت از کودکان پیوند می‌دهند. پرداختن به ابعاد حقوقی حمله به مدرسه میناب نیز در همین چارچوب، فرصتی برای بازخوانی یک تراژدی بین المللی برای حقوق کودک و بررسی دقیق تعهدات حقوقی مرتبط با حمایت از کودکان و مراکز آموزشی در شرایط مخاصمه، الزامات پاسخگویی و ضرورت اتخاذ تدابیر مؤثر برای پیشگیری از تکرار چنین فجایع و رخدادهایی را فراهم می‌سازد.

مجموعه حاضر، دربردارنده چکیده مقالات علمی چهارمین کنفرانس بین‌المللی حقوق کودک، حاصل تلاش‌های پژوهشی در قلمرو حوزه های یادشده و جلوه‌ای از اهتمام و دغدغه‌مندی جامعه علمی به بازشناسی ابعاد

گوناگون حقوق کودک است. ارزش چنین مجموعه‌ای را نباید تنها در گردآوری آثار پژوهشی جست‌وجو کرد؛ اهمیت آن، بیش از هر چیز، در فراهم‌آوردن مجالی برای طرح پرسش‌های بنیادین، گفت‌وگوی انتقادی میان اندیشه‌های حقوقی، شناسایی کاستی‌های نظری و نهادی و گشودن افق‌هایی تازه برای پژوهش و سیاست‌گذاری نهفته است. بی‌گمان، پویایی دانش حقوق در گرو مواجهه مستمر با مسائل واقعی جامعه و توانایی آن در ارائه پاسخ‌هایی مستدل، عادلانه و متناسب با مقتضیات زمان است. حقوق کودک نیز از این قاعده مستثنا نیست و بالندگی آن، بیش از هر زمان، به هم‌افزایی دانش حقوق با دیگر حوزه‌های معرفتی، ازجمله اخلاق، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و مطالعات فناوری وابسته است.

در این چشم‌انداز، اصولی چون منافع عالیه کودک، منع تبعیض، حق بر حیات و بقا و رشد، حق بر شنیده‌شدن دیدگاه‌های کودک و ضرورت حمایت ویژه از او در وضعیت‌های آسیب‌زا، باید از متون قانونی فراتر رفته، در کانون تصمیم‌گیری‌های قضایی، تقنینی، اجرایی و سیاست‌گذاری عمومی ملموس باشد. گذار از حمایت‌های اعلامی به تضمین‌های واقعی، نیازمند پیوند میان دانش و عمل، مسئولیت و پاسخگویی، و قانون‌گذاری و اجرای مؤثر قانون است. چنین گذاری زمانی امکان‌پذیر خواهد بود که حقوق کودک از موضعی منفعلانه و موضوعی حاشیه‌ای در مناسبات اجتماعی، به یکی از معیارهای اصلی ارزیابی مشروعیت، عدالت و کارآمدی تصمیمات عمومی شناخته شود.

امید آن است که این مجموعه، فراتر از کارکرد علمی و اسنادی خود، سهمی درخور در تعمیق ادبیات حقوق کودک، تقویت تعاملات علمی و گسترش گفت‌وگویی مسئولانه میان پژوهشگران، حقوقدانان، سیاست‌گذاران و تمامی دغدغه‌مندان آینده کودکان ایفا کند. بی‌تردید، پاسداشت حقوق کودک، مسئولیتی محدود به امروز و نسل حاضر نیست؛ تعهدی است مستمر در برابر

انسان، جامعه و آینده‌ای که کیفیت آن در گرو تصمیم‌ها و کنش‌های امروز ما شکل می‌گیرد.

در نهایت، پاسداری از حقوق کودک، پاسداری از حق انسان بر آینده است؛ آینده‌ای که چه در ساحت بین المللی و چه در ساحت داخلی نباید در هیاهوی جنگ، پیچیدگی فناوری و غفلت نهادهای مسئول، از کودکان دریغ شود. چه آنکه عدالت، آنگاه به ژرف‌ترین معنای خود نزدیک می‌شود که بتواند از حقوق آنان که آسیب‌پذیرترند پاسداری کند و جهانی را که به نسل‌های آتی سپرده می‌شود، انسانی‌تر، ایمن‌تر و شایسته‌تر از جهان امروز بسازد.

در پایان لازم است مراتب تقدیر و تشکر خویش را از همکاران محترم، اعضای کمیته‌های علمی و اجرایی، ریاست محترم دانشگاه مفید و هیأت رییسه دانشگاه که میزبان این کنفرانس باشکوهند، ریاست محترم کانون وکلای دادگستری استان قم و اعضای هیأت مدیره، ریاست و اعضای هیأت مدیره انجمن علمی حقوق کودک ایران، ریاست هیأت مدیره شرکت زاگرس دارو پارسیان و دیگر مراکز علمی که ما را در برگزاری این کنفرانس یاری رسانیدند ابراز داریم و توفیقات همگان را از خداوند منان مسألت نماییم.

دکتر محمود عباسی
رییس کنفرانس
نایب رییس انجمن علمی
حقوق کودک ایران
و رییس اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی

دکتر محمد مهدی مقدادی
دبیر علمی کنفرانس
و رییس دفتر نمایندگی
انجمن حقوق کودک ایران
در استان قم

حمایت از حقوق کودک در عصر هوش مصنوعی؛ تحلیل چالش‌های حقوقی و الزامات تنظیم‌گری در حقوق ایران

محمود عباسی*[۱]، فاطمه قیاسی[۲]، هانا پیری تیتکانلو[۳]

چکیده: زمینه و هدف: گسترش کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه‌هایی همچون آموزش، سلامت، خدمات اجتماعی و محیط‌های دیجیتال، ضمن ایجاد ظرفیت‌هایی برای ارتقای دسترسی و کیفیت خدمات کودکان، مخاطرات جدیدی را برای حقوق و منافع آنان به همراه آورده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی ظرفیت و خلأهای چارچوب حقوقی ایران در حمایت از کودکان در مواجهه با این مخاطرات و تبیین الزامات تنظیم‌گری هوش مصنوعی با رویکرد حق‌محور است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بررسی اسناد بین‌المللی حقوق کودک، قوانین و مقررات داخلی و اسناد سیاستی مرتبط با هوش مصنوعی انجام شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین چالش‌های حقوقی، جمع‌آوری و پردازش داده‌های شخصی کودکان، تهدید حریم خصوصی و امنیت داده‌ها، تبعیض و سوگیری الگوریتمی، تصمیم‌گیری خودکار فاقد شفافیت کافی، تولید و انتشار محتوای زیان‌بار، سوءاستفاده از تصاویر و اطلاعات کودکان و تأثیرات احتمالی هوش مصنوعی بر استقلال، کرامت و رشد کودک است. در حقوق ایران، «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» و مقررات مرتبط با جرایم رایانه‌ای، ظرفیت‌هایی برای مقابله با برخی اشکال تعرض و بهره‌کشی از کودکان

۱. استاد حقوق پزشکی، رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. Email: dr.abbasi@sbmu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق پزشکی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق پزشکی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

فراهم می‌کنند؛ بااین‌حال، این مقررات به‌طور خاص برای ویژگی‌های سامانه‌های هوش مصنوعی، تصمیم‌گیری الگوریتمی و چرخه پردازش داده‌های کودکان طراحی نشده‌اند. همچنین، «سند ملی هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران» با تأکید بر عدالت، کرامت و حقوق انسان، جهت‌گیری‌های کلی حمایتی را مطرح می‌کند، اما فاقد الزامات تفصیلی و سازوکارهای اختصاصی ناظر بر حقوق کودک است.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش، حمایت مؤثر از کودکان مستلزم شناسایی صریح حقوق کودک در تنظیم‌گری هوش مصنوعی، ارزیابی اثرات سامانه‌ها بر حقوق کودک، تقویت الزامات حریم خصوصی و امنیت داده، تضمین شفافیت و پاسخ‌گویی الگوریتمی، پیش‌بینی نظارت انسانی و ایجاد سازوکارهای مؤثر اعتراض و جبران خسارت است. تحقق این الزامات می‌تواند زمینه را برای تنظیم‌گری منسجم‌تر هوش مصنوعی و تضمین حمایت مؤثر از حقوق و منافع کودکان در حقوق ایران فراهم سازد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، هوش مصنوعی، تنظیم گری

نقش هوش مصنوعی در آموزش کودکان و تأثیر آن بر عدالت آموزشی

مهرداد تیموری*[۱]، طاها اسلامی[۲]

زمینه و هدف: آموزش بی‌شک همواره به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، رکن اصلی توسعه پایدار و کاهش نابرابری‌های ساختاری شناخته شده است. امروزه، تحولات بنیادین و سیطره شتابان فناوری‌های نوین هوشمند به عرصه آموزش، به‌خصوص در بسترآموزش‌مجازی، اگرچه در ابتدا نویدبخش عادلانه‌شدن تحصیل و ایجاد فرصت‌های برابر بود، اما در عمل به ظهور لایه‌های جدید و پیچیده‌تری از نابرابری به دلیل شکاف دیجیتال و عدم‌هم‌سطحی‌جامعه در این راستا دامن زده است. لذا پژوهش حاضر با هدف شناسایی موانع تحقق عدالت‌آموزشی در بسترآموزش‌مجازی و بررسی تأثیر آن در آموزش کودکان انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی، رویکرد کیفی و با اتکا بر مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل تطبیقی منابع حقوق کودک و هوش مصنوعی انجام پذیرفته است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که تداوم و تعمیق بی‌عدالتی آموزشی ناشی از نابرابری‌های چندوجهی در دسترسی به زیرساخت‌ها، فقرسواد دیجیتال، تفاوت‌های پایگاه اقتصادی-اجتماعی و توزیع به‌شدت نامتوازن امکانات فیزیکی و فناورانه در سطح مدارس است که کیفیت‌یادگیری را به‌طور مستقیم متأثر می‌سازد. همچنان که قوانین به دلیل رویکرد واکنشی، عام‌گرایانه و فقدان سازوکارهای پیشینی نظیر ارزیابی تأثیرات حقوق کودک در برابر ماهیت جعبه‌سیاه و عاملیت‌محور هوش‌مصنوعی کارآمد نیستند.

---

۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
Email: dr.mehrdad.teymouri@iau.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

نتیجه‌گیری: نتیجه حاکی از این است که ادغام فناوری بدون در نظرگرفتن بسترهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به شکل‌گیری پدیده‌ای بغرنج به نام شکاف دیجیتال منجر می‌شود. این مفهوم تأکید دارد که فناوری به‌خودی‌خود دارای ماهیتی خنثی نیست و در صورت فقدان سیاست‌گذاری‌های دقیق، نه تنها نابرابری‌های موجود را کاهش نمی‌دهد بلکه با سرعتی فزاینده به بازتولید و تعمیق بی‌عدالتی‌های آموزشی دامن می‌زند. لذا نیازمند یک الگوی راهبردی و عملیاتی مبتنی بر فناوری‌های هوش مصنوعی برای بسط عدالت آموزشی است.
واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، آموزش و پرورش، عدالت آموزشی، آموزش مجازی، آموزش هوشمند، نابرابری اجتماعی.

حمله جنایتکارانه به مدرسه شجره طیبه میناب؛ الگوریتمی شدن فرایند هدف‌گیری و تعهد به اقدامات احتیاطی

محمد مهدی مقدادی[۱]، فاطمه زیبائی‌نژاد[۲]

چکیده: حمله جنایتکارانه به مدرسه شجره طیبه میناب، نمونه مهمی از نقضان جدی در ظرفیت سنجش نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه است که در مواجهه با دگرگونی های فناورانه در فرایند تصمیم‌گیری نظامی مبتنی بر هوش مصنوعی به وضوح خود را آشکار می‌سازد. این نوشتار با تمرکز بر الگوریتمی شدن فرایند هدف‌گیری، نشان می‌دهد که نمی‌توان با اتکا به سامانه‌های خودکار و ابزارهای مبتنی بر پردازش داده، مسئولیت حقوقی ناشی از حملات جنایتکارانه علیه اهداف غیر نظامی به ویژه کودکان را در پس پیچیدگی فنی، زنجیره های تصمیم‌گیری چند لایه و یا ادعای خطای الگوریتمی پنهان نمود. استدلال اصلی این است که الگوریتم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، نه فاعل مستقل حقوقی و نه مجوزی برای انتقال یا تقلیل تعهدات و مسئولیت انسانی است؛ بلکه به عنوان ابزاری در ساختار تصمیم گیری در نظر گرفته می شود. این نوشتار با تفسیر نظام مند اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در جنایت صورت گرفته؛ نشان می دهد که تعهد به اقدامات احتیاطی صرفا به الزام شکلی ختم نشده و باید دارای تعهدی مستقیم، مبتنی بر فرایندها و ناظر بر تمام چرخه شناسایی و هدف گیری باشد. این موارد شامل گردآوری، برچسب گذاری داده ها تا انتخاب هدف، تعیین زمان و شیوه حمله از پیش مشخص شده است. همچنین آثار، ارزیابی تناسب، اتخاذ اقدامات احتیاطی عملی و توقف حمله با وجود تردید درباره ماهیت هدف یا پیامدهای فاجعه‌بار قابل پیش بینی ناشی از آن باید صورت پذیرد. این در حالی است که هرچه اتکای تصمیم‌گیری

۱. دانشیار دپارتمان حقوق، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مفید قم، ایران
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید قم، ایران

بر سامانه های الگوریتمی هوش مصنوعی افزایش یابد؛ ضرورت مداخله انسانی موثر در قابلیت تشخیص، ثبت زنجیره و آزمون های پیشینی و پسینی سامانه های نظامی و امکان مداخله فوری وضعیت در تصمیم‌گیری افزایش پیدا می کند. در نهایت این نوشتار با رویکردی تحلیلی- انتقادی نشان می‌دهد که سوءگیری در تفکیک میان مسئولیت دولت، مسئولیت فرماندهی و مسئولیت فردی عاملان این جنایت بین‌المللی ذیل مواد ۲۸ و ۳۰ اساسنامه رم، دارای پیامدهای حقوقی و کیفری گسترده‌ای است. ارزیابی این مسئله به بازسازی کامل معماری تصمیم گیری، کیفیت اطلاعات، حدود اتکای انسانی، خروجی الگوریتم و اقدامات احتیاطی در نظام حقوق بین‌الملل بشردوستانه ختم می شود. همچنین این اقدامات مطابق حدود و ثغور تعیین شده در تعهد به اقدامات احتیاطی ذیل ماده ۵۷ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون های ژنو ۱۹۷۷ میلادی و حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی قابلیت پیگیری دارد. چنین رویکردی ضمن جلوگیری از وقوع جنایات بین‌المللی مبتنی بر الگوریتم های هوش مصنوعی، رعایت اصول بنیادین حمایت از غیر نظامیان به ویژه کودکان، در برابر عادی سازی تصمیم‌گیری ماشینی منجر به مداخله انسانی موثر در اقدامات احتیاطی حقوق بین الملل بشردوستانه است.

واژگان کلیدی: اصل تفکیک، اصل تناسب، مسئولیت بین‌المللی دولت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق کودک

تداوم حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه: الزامات حقوقی حفاظت از مدارس و استمرار یادگیری

احمد مشکوری[۱] محمود عباسی*[۲]، طیبه ایلاقی‌نژاد[۳]

چکیده: زمینه و هدف: مخاصمات مسلحانه از طریق حمله به مراکز آموزشی، استفاده نظامی از مدارس، جابه‌جایی جمعیت و ناامن‌شدن مسیرهای دسترسی، حق آموزش کودکان را با اختلال جدی مواجه می‌کنند. حمایت از این حق صرفاً به حفاظت از ساختمان مدرسه محدود نیست، بلکه استمرار یادگیری و بازیابی ظرفیت آموزشی را نیز دربرمی‌گیرد. هدف این مطالعه، تحلیل الزامات حقوقی و سیاستی حمایت از حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه و ارائه چارچوبی تحلیلی برای پیوند میان حفاظت، استمرار و بازیابی آموزش بود.

روش: این پژوهش با رویکرد مرور تحلیلی ـ اسنادی انجام شد. اسناد بین‌المللی حقوق کودک و حق آموزش، قواعد منتخب حقوق بین‌الملل بشردوستانه، قطعنامه‌های مرتبط سازمان ملل متحد، اعلامیه مدارس امن، مطالعات علمی و گزارش‌های معتبر بین‌المللی بررسی شدند. مطالب بر اساس ارتباط با موضوع و اعتبار منبع انتخاب و در سه محور حفاظت از محیط آموزشی، استمرار یادگیری و بازیابی آموزش تحلیل شدند. این مطالعه مرور نظام‌مند نیست و ادعای جست‌وجوی جامع همه منابع را ندارد.

یافته‌ها: اسناد بررسی‌شده نشان می‌دهند که حق آموزش در شرایط مخاصمه از میان نمی‌رود. قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز حمایت از جمعیت و اموال غیرنظامی را در شرایط مخاصمه مقرر می‌کنند؛ بااین‌حال، وضعیت

۱. گروه فلسفه و اخلاق سلامت، دانشکده سلامت و دین، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران.
۲. گروه پزشکی اجتماعی، دانشکده پزشکی، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران. Email: dr.abbasi@sbmu.ac.ir
۳. ایران دانشجوی دکتری تخصصی اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم.

حقوقی هر مدرسه و هر حمله باید با توجه به قواعد قابل‌اعمال و شرایط عینی ارزیابی شود. افزون بر خطر حمله مستقیم، استفاده نظامی از مدارس، ناامنی مسیرها، جابه‌جایی خانواده‌ها و فقدان معلم می‌توانند دسترسی واقعی کودکان به آموزش را مختل کنند. تحلیل منابع، ضرورت پیوند اقدامات پیشگیرانه با راهکارهای جایگزین یادگیری و برنامه‌های بازیابی آموزشی را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری: حمایت مؤثر از حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه نیازمند رویکردی چندبعدی است. چارچوب پیشنهادی سه‌مرحله‌ای «حفاظت، استمرار و بازیابی» می‌تواند برای سازمان‌دهی اقدامات حقوقی و سیاستی و تدوین شاخص‌های ارزیابی به کار رود؛ اعتبار و کارآمدی عملی آن باید در مطالعات میدانی آینده بررسی شود.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ حق آموزش؛ مخاصمات مسلحانه؛ حفاظت از مدارس؛ آموزش در شرایط اضطراری

بررسی جامعه شناختی جنگ رمضان و کودکان مدرسه شجره طیبه میناب

غلامرضا تاجبخش[۱]

چکیده: جنگ به‌عنوان پدیدهٔ بنیادین در تجربهٔ بشری، صرفاً در عرصه نظامی و سیاسی قابل تحلیل نیستند؛ این پدیده‌ها ساختارهای اجتماعی، روانی، فرهنگی و نهادی جوامع را عمیقاً دگرگون می‌کنند. و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی و غیره دارند و جامعه‌ای که با این پدیده مواجه می‌شود تحت تأثیر این تبعات و پیامدها قرار می‌گیرد. با حمله دشمن به مدرسه شجره طیبه میناب در دومین جنگ تحمیلی در سال ۱۴۰۴ میان ایران و دو قدرت هسته ای جهان ، ایالات متحده و رژیم صهیونی که درصبح روز ۹ اسفندماه آغاز شد و قریب ۴۰ روز به طول انجامید که از نظر وسعت و حجم عملیات نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شدیدترین درگیری نظامی در خاورمیانه محسوب می شود. بحث حقوق کودک در اسناد بین المللی در مخاصمات بیش از قبل مورد توجه جامعه بین الملل قرار گرفت. در این مقاله به واکاوی حقوق کودک در مخاصمات پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: جنگ رمضان، آموزش، حقوق کودک، مدرسه میناب

---

۱. استاد تمام، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. Email:tajbakhsh@abru.ac.ir

چالش‌های حقوقی و اخلاقی کاربست هوش مصنوعی در حوزه حقوق کودک: مرور روایتی و تحلیل مفهومی چارچوب‌های حمایت و حکمرانی

شیدا شریفی ساکی[۱]، محمود عباسی*[۲]

چکیده: گسترش سامانه‌های هوش مصنوعی در آموزش، پلتفرم‌های تجاری، نظام‌های حمایت از کودک و خدمات سلامت، فرصت‌هایی برای بهبود خدمات فراهم کرده است؛ اما هم‌زمان نگرانی‌هایی درباره حریم خصوصی، تبعیض، نظارت مستمر، تصمیم‌گیری خودکار و پیامدهای بلندمدت این فناوری‌ها برای کودکان ایجاد کرده است. این پژوهش با هدف تحلیل مفهومی و هنجاری مخاطرات هوش مصنوعی برای حقوق کودک و شناسایی الزامات حکمرانی مبتنی بر حقوق کودک انجام شد. پژوهش با رویکرد مرور روایتی و تحلیل مفهومی ـ هنجاری انجام گرفت. منابع مرتبط با کاربردهای هوش مصنوعی در حوزه کودک، مخاطرات فنی و نهادی و چارچوب‌های حقوقی بررسی و بر پایه اصول و مواد کنوانسیون حقوق کودک تحلیل شدند. نتایج نشان داد که آسیب‌های احتمالی صرفاً ناشی از خطای فنی یک مدل نیستند، بلکه از تعامل طراحی سامانه‌ها، الگوهای تجاری، داده‌های نامتوازن، شیوه استفاده نهادی و ضعف نظارت و پاسخ‌گویی شکل می‌گیرند. گردآوری و انباشت داده، پروفایل‌سازی، پیش‌بینی، طبقه‌بندی، پایش مستمر، شخصی‌سازی محتوا و تصمیم‌گیری الگوریتمی می‌توانند بر حریم خصوصی، هویت، برابری، مشارکت، حق رشد و دسترسی کودکان به فرصت‌ها اثر بگذارند. این پیامدها در قالب چهار الگوی اصلی شناسایی شدند: نظارت و انباشت داده، سوگیری و تبعیض

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران.
Email: dr.abbasi@sbmu.ac.ir
۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران ایران.

الگوریتمی، تثبیت مسیرهای آینده از طریق پیش‌بینی و محدودشدن استقلال شناختی بر اثر گزینش تجاری محتوا.

نتیجه‌گیری: حکمرانی هوش مصنوعی در حوزه کودک مستلزم ارزیابی اثرات بر حقوق کودک، حداقل‌سازی داده، شفافیت متناسب با سن، نظارت و بازبینی انسانی، امکان اعتراض و جبران و مشارکت معنادار کودکان است. مفهوم «آینده باز» نیز می‌تواند معیاری تحلیلی برای ارزیابی آثار بلندمدت تصمیم‌های داده‌محور بر امکان رشد، تغییر و خودتعیین‌گری کودک فراهم کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی؛ حقوق کودک؛ کنوانسیون حقوق کودک؛ حکمرانی؛ آینده باز؛ آسیب‌های ساختاری

نقض حق تصویر کودک در عصر هوش مصنوعی؛ تحلیل مسئولیت مدنی ناشی از تولید و انتشار تصاویر دیپ‌فیک

دریا خسروی*[۱]، مریم بلندی[۲]

چکیده: گسترش فناوری‌های مولد هوش مصنوعی و امکان تولید تصاویر دیپ‌فیک، حمایت حقوقی از حق تصویر کودک را با چالش‌های نوینی مواجه ساخته است؛ زیرا این فناوری‌ها می‌توانند بدون رضایت معتبر و حتی با انتساب اعمال یا موقعیت‌های غیرواقعی به کودک، تمامیت هویتی، حریم خصوصی، حیثیت و اعتبار اجتماعی وی را مخدوش سازند. پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی و حدود مسئولیت مدنی ناشی از تولید و انتشار تصاویر دیپ‌فیکِ ناقض حقوق کودک، به این پرسش می‌پردازد که در چارچوب حقوق ایران، مسئولیت اشخاص دخیل در ایجاد، انتشار و بازنشر این تصاویر بر چه مبانی استوار است و چه سازوکارهایی برای جبران خسارت و توقف نقض حق قابل اعمال است. روش پژوهش، توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه قوانین و مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی مرتبط و منابع معتبر حقوقی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هرچند نظام حقوقی ایران فاقد مقررات جامع و اختصاصی درباره دیپ‌فیک است، قواعد عام مسئولیت مدنی، حمایت از حیثیت و حقوق شخصیت و مقررات ناظر بر حمایت از کودکان، با احراز شرایط قانونی، ظرفیت حمایت از کودک زیان‌دیده را دارند. بااین‌حال، احراز ورود زیان، انتساب رفتار زیان‌بار، رابطه سببیت و تعیین حدود مسئولیت تولیدکننده، منتشرکننده، بازنشرکننده و حسب مورد سکوهای دیجیتال، مستلزم ارزیابی دقیق نقش و تقصیر هر شخص است. همچنین، رضایت والدین به استفاده متعارف از تصویر کودک،

۱. کارشناسی ارشد رشته حقوق خانواده دانشگاه کاشان.
Email: Darya.khosravi.law@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه کاشان

لزوماً مجوز تولید یا انتشار محتوای تحریف‌شده نیست. در نهایت، تقویت حمایت مؤثر از کودک مستلزم توسعه معیارهای روشن مسئولیت، تسهیل توقف انتشار محتوای زیان‌بار و پیش‌بینی سازوکارهای متناسب جبران خسارت مادی و معنوی است.

واژگان کلیدی: حق تصویر کودک، هوش مصنوعی مولد، دیپ‌فیک، مسئولیت مدنی، خسارت معنوی، حقوق شخصیت.

ردیّه‌ای بر فلسفهٔ حقوق کودکِ غیرکودک‌مدار: در پرتو طرح نگرهٔ حقِ نانوشته-ناشناخته بر خطاکاری

سلمان کونانی[۱]

چکیده: جامعهٔ جهانیِ پرادعای کنونی یک فهمِ حداقلی و منضبط از طبیعی‌ترین حقوقِ کودکان به این قشر بدهکار است.اغلبِ آنچه که در کنوانسیون حقوق کودک،اسناد متناظر یا متعامل با آن و نیز آنچه که در متون قانونی در بیشتر جوامع و نظام‌های حقوقِ ملی در خصوص کودکان و مقولهٔ حقوق کودک و فلسفهٔ آن نگاشته شده،اگر نگوئیم بیگانه با طبیعت،حقوقِ طبیعی و منزلت کودکان‌اند،که عمیقاً نسبت به آنها دور و ناآگاه هستند.باوجود همهٔ ادعاها و شعارها هنوز دنیای مدرن با عصر«کودک‌نشناسیِ حقوقی/حقوق‌زده»عجین و هم‌راستاست.چون اراده‌ای راسخ و طبیعی در زمینهٔ اذعان به حقوق حقّه و انسانیِ کودکان و نوجوانان وجود ندارد،اینهمه بی‌مهابا و با شکوهِ خاصی در محافل داخلی و خارجی از حقوق کودک بحث و گفتگو شده و برایش فلسفه‌ها بافته‌می‌شود.دنیای امروز به سندرومی از جنسِ«نقض-بی‌اعتنائیِ عیان»در مواجهه با بدیهی‌ترین مظاهر موجودیتِ انسانی کودکان مبتلاست که قرن‌هاست در پوشش حقوق‌مداریِ کودکانه مکتوم و مستور گزارده شده است.در این میان تنها چیزی که کودکانه است همین برخوردِ سیاسیون و بزرگسالان با مقولهٔ حقوق کودک است،بطورکلی و البته به‌طرزی وقیحانه!

جای سوگواری است که اغلب اسناد بین‌المللیِ مربوط به موضوعِ کودک و حقوق بیشمارش که ادعای ابتناء بر خِردی‌جمعی و عقلانیتی برخاسته از بیش از یکصد و اندی کشور را با خود یدک می‌کشند،هنوز متوجه نشده‌اند همهٔ آنچه

---

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب

که گفته‌اند فقط خوانش و روایتِ مُشتی بزرگسالِ کودک‌نشناس است از موجودیت،هویت و حقوقِ کودکانه یا مفاهیمی چون حقوق **با** کودکان/حقوق **برای** کودکان و فلسفهٔ حقوقِ کودک!

با عبور از«ویترینی‌شدنِ حقوق کودک»،شدیداً معتقدیم اغلبِ ساختارهای رایج و کنونی در جوامع ملی و مراجع فراملی که داعیه‌ی کودک‌مداریِ حقوقی دارند سنخیت و تقارنِ حداقلی و خاصی با هویت رژیم حقوق طبیعیِ کودکان و فلسفهٔ برآمده از آن نداشته و برای مواجهه‌ای انسانی‌تر با جمعیتِ کودکان ما به تغییر محتوا،لنزها و روش‌های اظهارنظرِ فلسفی و حقوقی در مورد این قشر محتاجیم؛دگردیسی و روندی که می‌توان آنرا ***ترسیم یک سبکِ حقوقی نوین برای کودکان*** نامید که وجوه و مقاصد متفاوتی داشته و طبعاً و تبعاً با خوانش‌هایِ رایج از فلسفه(های)حقوقِ کودک نسبتِ خاصی ندارد.

واژگان کلیدی: کودک،فلسفهٔ حقوق کودک،تخیّل حقوقی،جدالِ توهم و حقیقت،حق بر خطاکاری.

چالش های دادرسی جرایم کودکان و نوجوانان در مواجهه با هوش مصنوعی

عاطفه عباسی[۱]

چکیده: ورود فناوری‌های نوین در فرایند عدالت کیفری، پرسش‌های مهمی را پیرامون تضمین حقوق کودک و اصول دادرسی منصفانه مطرح می نماید. هوش مصنوعی و ظرفیت آن در پردازش داده‌های کلان، پیش‌بینی خطر تکرار جرم و حتی کمک به تصمیم‌گیری‌های قضایی، نظام سنتی دادرسی را مورد چالش قرار داده و ضرورت بازاندیشی ضوابط حقوقی حاکم بر دادگاه‌های اطفال را ضروری می نماید. این پژوهش با هدف تحلیل انتقادی چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از کاربرد هوش مصنوعی در فرایند دادرسی اطفال با رویکرد توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نقش هوش مصنوعی را در سه گام مورد بررسی قرار داد.

در مرحله پیشادادرسی می توان از ابزارهای ارزیابی خطر رایانه‌محور با استفاده از الگوریتم‌های مربوط به تحلیل داده‌های انبوه از قبیل سابقه کیفری، وضعیت خانوادگی، محله زندگی و حتی عوامل ژنتیکی و عصبی‌شناختی استفاده نمود که قادر است ریسک تکرار جرم از سوی کودک را ارزیابی نموده و بر اقدامات مربوط به قرار نظارتی، قرار بازداشت موقت، عویق صدور حکم، میانجیگری و ... موثر واقع شود. همچنین سیستم‌های تشخیص زودهنگام کودک‌آزاری و ابزارهای تحلیل محتوای تصویری مبتنی بر هوش مصنوعی، قادر به شناسایی تصاویر و ویدئوهای حاوی خشونت یا سوءاستفاده از کودکان است که به عنوان شواهد دیجیتال برای دادگاه اطفال قابل بهره برداری است. در نهایت چت‌بات‌های حقوقی هرچند عمدتاً برای بزرگسالان طراحی شده لکن به کودکان و خانواده‌ها در شناسایی حقوق خود و نیز طی برخی فرایندهای اداری قضایی یاری می‌رساند.

---

۱. دانشیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

در حین دادرسی، فناوری مزبور به تصمیم‌سازی و تسهیل فرایندها یاری می رساند. برای مثال سیستم‌های مدیریت پرونده هوشمند با استفاده از الگوریتم‌های پردازش داده و نیز طبقه‌بندی، اولویت‌بندی و خلاصه‌سازی پرونده‌های قضایی؛ تناقض‌های موجود در اظهارات را شناسایی کرده و پرونده‌های مشابه را برای کمک به تصمیم‌گیری قاضی بازیابی می کند. ابزارهای تشخیص چهره و هیجان نیز می تواند به تشخیص راستگویی، میزان استرس، یا حتی احساس ندامت کمک کند که البته واجد برخی حاشیه های اخلاقی و حقوق بشری است. استفاده از واقعیت مجازی برای بازسازی صحنه جرم بدون نیاز به حضور فیزیکی وی در مکان جرم یا مواجهه مجدد با عامل خشونت و نیز سیستم‌های پشتیبان جهت بررسی رویه قضایی موجود دادگاه‌ها و نیز تحلیل پرونده شخصیت به فردی نمودن هر چه بیشتر احکام صادره منتهی می گردد.

این فناوری در مرحله پسادادرسی به نظارت، بازتوانی و پایش کمک شایانی می‌کند. در این صورت نظارت الکترونیکی برتر از دستبندهای الکترونیک ساده بوده و می‌تواند با فراهم نمودن امکان پایش لحظه‌ای موقعیت مکانی کودک، تشخیص نزدیک شدن وی به مناطق ممنوعه و حتی پایش علائم حیاتی و استرس کودک تحت مراقبت و نیز با استفاده از پلتفرم‌های بازتوانی مبتنی بر هوش مصنوعی جهت اجرای برنامه‌های آموزشی، مشاوره و درمان متناسب با نیازهای هر کودک؛ اثربخشی مداخلات را به صورت برخط و مستمر اندازه‌گیری کرده و برنامه را اصلاح نماید. به این موارد باید سیستم‌های پایش رفتار در فضای مجازی در خصوص محکومان جرایم سایبری را نیز افزود که فعالیت‌های آنلاین کودک را تحلیل کرده و در صورت تشخیص الگوهای پرخطر به قاضی اجرای احکام یا مددکار اجتماعی هشدار می‌دهد.

لکن چالش‌های مربوط به حریم خصوصی و حمایت از داده‌های کودک با توجه به حساسیت مضاعف داده‌های اطفال و لزوم رعایت اصل محرمانگی در دادرسی جرایم ایشان؛ تبعیض الگوریتمی و باز تولید یا تشدید سوگیری‌های اجتماعی علیه کودکان به ویژه اقلیت‌ها، تهدید حق بر دادرسی منصفانه از جمله عدم

امکان تضمین اصل برابری سلاح‌ها و اعتراض به تصمیمات اتخاذشده توسط یا با کمک الگوریتم‌ها و نیز مسایل مربوط به جبران خسارات ناشی از تصمیمات مبتنی بر هوش مصنوعی از مهمترین مخاطرات این حوزه به شمار می روند. لذا پیش بینی سازوکار مستقل ممیزی یافته های هوش مصنوعی جهت افزایش دقت و اجتناب از سوگیری و تبعیض، تدوین دستورالعمل‌های قضایی جهت تعیین معیارهای اعتبار و استنادپذیری خروجی‌های هوش مصنوعی در دادگاه‌های اطفال در کنار آموزش تخصصی قضات، ضابطان و مددکاران اجتماعی برای کاهش چالش های این حوزه و استفاده بهینه از هوش مصنوعی ضروری است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، دادگاه، دادرسی منصفانه، حریم خصوصی، تبعیض، حقوق کودک

تداوم حق بر آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه: تعامل تعهدات حقوق بشری و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب

عباس کریمی[۱]، میثم نصرالهی[۲]، عماد نوبخت[۳]

چکیده: در مخاصمات مسلحانه، نقض حق بر آموزش کودکان به تخریب فیزیکی مدارس محدود نمی‌شود. ناامنی، اختلال در دسترسی، از بین رفتن ظرفیت‌های آموزشی و آثار روانی مخاصمه نیز می‌تواند امکان بهره‌مندی مؤثر از این حق را برای مدتی طولانی مختل کند. ازاین‌رو، حمایت از آموزش باید فراتر از لحظه حمله و در امتداد زمانی مخاصمه بررسی شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد دکترینال، رابطه میان تعهدات حقوق بشری و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در تضمین تداوم حق بر آموزش کودکان تحلیل می‌کند. این چارچوب برای ارزیابی حقوقی حمله جنایت‌بار به مدرسه شجره طیبه میناب و پیامدهای آن بر آموزش کودکان به کار گرفته شده است. تحلیل پژوهش بر سه مرحله متمایز پیش از حمله، هنگام عملیات نظامی و پس از آن استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در مرحله نخست، تعهدات پیشگیرانه و حفظ ماهیت غیرنظامی محیط آموزشی اهمیت دارد. در جریان عملیات، احراز دقیق هدف، تفکیک و رعایت الزامات احتیاطی محور حمایت است. پس از وقوع آسیب نیز مسئله به بازگرداندن دسترسی ایمن، آموزش

---

۱. استاد گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دکتری مهندسی صنایع، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. کارشناس ارشد مهندسی عمران، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی؛ دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

جایگزین، حمایت روانی ـ اجتماعی و بازیابی ظرفیت آموزشی تبدیل می‌شود. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که نوع تعهد، مبنای حقوقی و صاحب آن در تمام مراحل یکسان نیست. ازاین‌رو، مسئولیت ناشی از نقض قواعد مخاصمه باید از تعهدات حمایتی دولت سرزمینی پس از واقعه تفکیک شود. مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب نشان می‌دهد که ارزیابی حقوقی یک جنایت علیه محیط آموزشی با احراز ماهیت غیرنظامی مدرسه یا بررسی عدم‌مشروعیت عملیات پایان نمی‌یابد، بلکه آثار آن بر امکان واقعی ادامه تحصیل کودکان نیز بخشی از ارزیابی حقوقی است. اقدامات آموزشی، روانی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران و مشارکت گسترده نیروهای مردمی و داوطلب در حمایت از کودکان و بازگرداندن ظرفیت آموزشی، بُعد عملی این تداوم را آشکار می‌سازد. بر این اساس، حمایت مؤثر از حق بر آموزش مستلزم پیوند میان پیشگیری از آسیب، مسئولیت ناشی از عملیات و تضمین بازگشت واقعی و پایدار کودک به فرایند آموزش است.

واژگان کلیدی: حق بر آموزش کودکان؛ مخاصمات مسلحانه؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ حقوق بین‌الملل بشر؛ حمایت از مدارس

حمایت از سلامت روانی کودکان در برابر مخاطرات و آسیب های ناشی از جنگ از منظر فقه و حقوق

محمد مهدی مقدادی[۱]، سمانه مقدادی[۲]

چکیده: زمینه و هدف: در جهانی زندگی می‌کنیم که به‌سبب فتنه‌ها، زیاده‌خواهی‌ها و اقدامات توحش آمیز قدرت‌های سلطه‌گر، دامنه جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه رو به گسترش است و کودکان بیش از همه در معرض آسیب‌های جسمانی، روانی و اجتماعی قرار دارند. آنان نه‌تنها با خطرات مستقیم جنگ مانند کشته‌شدن، جراحت، آوارگی و فروپاشی ساختار خانواده روبه‌رو هستند، بلکه آسیب ها و پیامدهای روانی وشناختی ناشی از جنگ می‌تواند آینده آنان را به‌طور عمیق و پایدار تحت تأثیر قرار دهد.

روش: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی ـ تحلیلی است و با رویکرد فقهی ـ حقوقی انجام شده است. گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع معتبر فقهی، حقوقی، اسناد و مقررات مرتبط با حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه و نیز پژوهش‌های علمی مرتبط با سلامت روانی و معنوی کودکان صورت گرفته است.

یافته‌ها: پژوهش‌های علمی نشان می‌دهد که کودکان در شرایط جنگ با مجموعه‌ای از آسیب‌های روانی مواجه می‌شوند؛ از جمله ترس و نگرانی شدید، اختلالات یادگیری، استرس مزمن، اضطراب ناشی از فقدان والدین، و مواجهه رسانه‌ای با اخبار جنگ و تصاویر خشونت‌آمیز. این وضعیت، ضرورت توجه جدی به سلامت روانی کودکان را برجسته می‌کند؛ ضرورتی که متأسفانه، آن‌گونه که باید مورد اهتمام قرار نمی‌گیرد.

---

۱. دانشیار دپارتمان حقوق دانشگاه مفید

۲. دانشجوی دکتری پزشکی دانشگاه علوم پزشکی قم

نتایج: این مقاله می‌کوشد با شناخت دقیق مخاطرات و ابعاد آسیب‌های ناشی از جنگ، به تبیین راهکارهای پیشگیری، محافظت و حمایت مؤثر از کودکان بپردازد و نشان دهد که آموزه‌های اسلامی در این زمینه نقشی محوری دارند؛ چه این که شریعت اسلامی مجموعه‌ای ارزشمند از ملاحظات و تعالیم را برای حفظ سلامت روانی، معنوی و کرامت کودکان ارائه کرده است. تبیین و تحلیل این آموزه‌ها و استخراج تدابیر و راهکارهای عملی مبتنی بر آنها، می‌تواند در حمایت از کودکان آسیب‌دیده در مخاصمات مسلحانه نقش‌آفرین باشد.

واژگان کلیدی: حمایت از کودکان، مخاصمات مسلحانه، سلامت روانی کودک، سلامت معنوی کودک، کرامت کودک، مصلحت کودک.

حق بر سلامت روان کودکان در عصر الگوریتم‌ها؛ مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال

محمدمهدی سیدناصری[۱]

چکیده: زمینه و هدف: گسترش پلتفرم‌های دیجیتال و بهره‌گیری فزاینده از الگوریتم‌های توصیه‌گر، شخصی‌سازی محتوا و سازوکارهای افزایش تعامل، محیطی را ایجاد کرده است که کودکان بخش قابل توجهی از زندگی اجتماعی و ارتباطی خود را در آن سپری می‌کنند. اگرچه فناوری‌های دیجیتال می‌توانند دسترسی کودکان به آموزش، ارتباطات و خدمات حمایتی را تسهیل کنند، طراحی و عملکرد الگوریتمی برخی پلتفرم‌ها می‌تواند با تشدید مواجهه با محتوای زیان‌بار، ایجاد وابستگی و استفاده افراطی، نقض حریم خصوصی و بهره‌برداری تجاری از داده‌های شخصی، سلامت روان و رشد کودکان را با مخاطرات جدی مواجه سازد. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تبیین مبانی و حدود مسئولیت حقوقی پلتفرم‌های دیجیتال در قبال آسیب‌های روانی واردشده به کودکان و با تأکید بر رویکرد حق‌محور حقوق کودک انجام شده است.

روش: این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و بر پایه مطالعه اسناد بین‌المللی حقوق کودک، اصول حاکم بر مسئولیت دولت‌ها و بازیگران خصوصی و ادبیات حقوقی مرتبط با حکمرانی پلتفرم‌ها انجام شده است. در این چارچوب، الزامات ناشی از کنوانسیون حقوق کودک و به‌ویژه تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک درباره حقوق کودکان در محیط دیجیتال و همچنین رویکردهای نوین مرتبط با دسترسی به عدالت و جبران مؤثر در تفسیر عمومی شماره ۲۷ مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال در قبال سلامت روان کودکان را نمی‌توان صرفاً در قالب مسئولیت پسینی ناشی از

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

ورود خسارت تحلیل کرد. با توجه به ماهیت پیش‌بینی‌پذیر برخی خطرات الگوریتمی، پلتفرم‌ها باید پیش از عرضه و در طول فعالیت خود، نسبت به شناسایی و ارزیابی خطرات، طراحی ایمن و متناسب با سن، محدودسازی محتوای زیان‌بار، حفاظت از داده‌های شخصی و سلامت روانی کودکان و ایجاد سازوکارهای مؤثر گزارش‌دهی و رسیدگی اقدام کنند. همچنین، استفاده از الگوریتم‌هایی که با هدف افزایش زمان حضور و تعامل کودک طراحی شده‌اند، در صورت بی‌توجهی به آسیب‌های قابل پیش‌بینی، می‌تواند زمینه شکل‌گیری مسئولیت حقوقی را فراهم آورد. در این میان، مسئولیت دولت‌ها نیز از طریق تنظیم‌گری، نظارت و الزام پلتفرم‌ها به رعایت استانداردهای حقوق کودک قابل طرح است.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد که حمایت مؤثر از حق کودک بر سلامت روان در محیط دیجیتال، نیازمند گذار از الگوی سنتی «مسئولیت پس از ورود آسیب» به الگوی «مسئولیت پیشگیرانه و حقوق‌بنیاد» است. بر این اساس، پلتفرم‌های دیجیتال باید سلامت روان کودک را به عنوان یکی از ملاحظات اساسی در طراحی و حکمرانی الگوریتمی لحاظ کنند و در برابر پیامدهای قابل پیش‌بینی تصمیمات فناورانه خود پاسخگو باشند. در این چارچوب، ارزیابی اثرات بر حقوق کودک، شفافیت الگوریتمی، طراحی متناسب با سن، حداقل‌سازی داده، نظارت مستقل و دسترسی کودک به سازوکارهای شکایت و جبران مؤثر می‌تواند به عنوان ارکان نظام مسئولیت حقوقی پلتفرم‌ها مورد شناسایی قرار گیرد. چنین رویکردی، سلامت روان را از یک ملاحظه صرفاً پزشکی یا سیاست‌گذاری به یک حق بنیادین کودک و الزام حقوقی در حکمرانی فضای دیجیتال ارتقا می‌دهد.

واژگان کلیدی: سلامت روان؛ پلتفرم‌های دیجیتال؛ الگوریتم‌ها؛ مسئولیت حقوقی؛ هوش مصنوعی.

خسارت روانی طفل به عنوان زیان قابل جبران در نظام مسئولیت مدنی ایران

محمدتقی رضوانی فر[۱]، سعیده علی زاده[۲]

چکیده: خسارت روانی، بهویژه در قالب اختالالتی همچون افسردگی و اضطراب، از جمله پیامدهای زیانباری است که ممکن است در اثر رفتار زیانبار اشخاص نسبت به کودکان ایجاد شود؛ با وجود این، شناسایی و جبران مستقل این نوع زیان در نظام مسئولیت مدنی ایران با ابهامهایی مواجه است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا افسردگی و سایر آسیبهای روانی واردشده به طفل، در صورت احراز رابطه سببیت و انتساب عرفی، میتواند بهعنوان زیان قابل جبران مورد شناسایی قرار گیرد یا خیر. از منظر فقه امامیه، مفهوم ضررمنحصر به صدمات مالی و جسمانی نبوده و در مواردی، آسیبهای وارد شده به نفس،آبروو حاالت روانی اشخاص نیز در قلمرو زیان قرار گرفته است. در همین راستا، روایتی منقول در اأالمالیشیخ صدوق، ضمن بیان نحوه جبران خسارات ناشی از رفتار خالد بن ولید نسبت به بنیجذیمه، ازجبران مالیِ «روعه نساء» و «فزع صبیان» سخن میگوید؛ به این معنا که امیرالمؤمنین(ع) عالوه بر دیه جانباختگان، غُرّه جنین و خسارت اموال، برای ترس و هراس زنان و کودکان نیز مالی اختصاص داد. این روایت،از حیث مفهومی مؤید آن است که آثار روانی ناشی از رفتار زیانبار، بهویژه ترس و هراس کودکان، میتواند در ارزیابی خسارت مورد توجه قرار گیرد.

از سوی دیگر، در حقوق موضوعه ایران نیز قانون مجازات اسالمی در ماده۷۰۸، ایجاد برخی صدمات و اختالالت از جمله «ترس» و «غش» را موجب ارش دانسته است. باتوجه به ماهیت غیرمالی برخی از این عوارض و با لحاظ مفهوم

---

۱. دانشجوی مقطع دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مفید

۲. دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه عالمه طباطبایی

عرفی و پزشکی آسیبهای روانی، میتوان استدلال کرد که در مواردی که رفتار زیانبار موجب ایجاد یا تشدید اضطراب، افسردگی یا اختلالات روانی در طفل شود، اصل قابلیت جبران خسارت روانی، با مبانی فقهی و ظرفیتهای موجود در حقوق موضوعه ایران سازگار است؛ هرچند تعیین میزان و شیوه جبران، مستلزم احراز دقیق تحقق آسیب، شدت و استمرار آن، رابطه سببیت و انتساب آن به فعل زیانبار است. بر این اساس، پژوهش حاضربا بهره‌گیری از منابع فقهی و حقوقی، ضمن بررسی مفهوم خسارت روانی و جایگاه آن در نظام مسئولیت مدنی، امکان شناسایی افسردگی طفل به عنوان زیان قابل جبران را تحلیل میکند و نشان میدهد که حمایت مؤثر از شخصیت و سالمت روانی کودک اقتضا دارد مفهوم خسارت در حقوق مسئولیت مدنی، علاوه بر زیانهای مالی و جسمانی، آثار قابل اثبات آسیبهای روانی را نیز دربرگیرد .

واژگان کلیدی: خسارت روانی، افسردگی طفل، کودک، مسئولیت مدنی، ضرر، ارش، فقه امامیه، روعه و فزع

اثربخشی برنامه آموزشی حقوق کودک بر آگاهی و نگرش دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی استان البرز

ثریا قوره‌جیلی[۱]

چکیده :زمینه و هدف: آموزش حقوق کودک در دوره ابتدایی نقش مهمی در پرورش شهروندان مسئول، اخلاق‌مدار و آگاه دارد و می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای اجتماعی مثبت و رعایت حقوق دیگران شود. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برنامه آموزشی حقوق کودک بر ارتقای آگاهی و نگرش دانش‌آموزان کلاس پنجم استان البرز بود. **روش:** روش انجام این پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون همراه با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه‌ی آماری شامل دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی ناحیه ۳ استان البرز در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳ بود. از میان آنها، با روش نمونه‌گیری در دسترس۳۰ نفر از دانش‌آموزان کلاس پنجم انتخاب شده و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵نفر) و کنترل (۱۵ نفر) قرار گرفتند. گروه آزمایش در یک برنامه آموزشی هشت جلسه‌ای با رویکرد فعال و تجربه‌محور شرکت کرد. برای جمع‌آوری داده‌ها از آزمون محقق ساخته آگاهی و پرسشنامه نگرش نسبت به حقوق کودک استفاده شد. روایی محتوایی ابزارها با نظر سه نفر از استادان و صاحبنظران بررسی و پایایی آنها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تأیید شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شدند.
یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که پس از کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین دو گروه آزمایش و کنترل در متغیرهای آگاهی و نگرش نسبت به حقوق کودک تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد اثر کلی عضویت در گروه بر متغیرهای وابسته معنادار است (Wilks' Lambda= 0/348,

۱. دکترای مدیریت آموزشی دانشگاه تهران Email:s.ghorehjili@gmail. Com

(F(2/25)=23/393p<0/001). در تحلیل‌های تک‌متغیری، تفاوت دو گروه در آگاهی از حقوق کودک معنادار بود (F(1,27)=50/252, p<0/001, η²p=0/650)و در نگرش نسبت به حقوق کودک نیز تفاوت معناداری مشاهده شد (F(1/27)=4/993, P=0/034, η²p=0/156). **نتیجه‌گیری:** پژوهش حاضر نشان داد که برنامه آموزشی حقوق کودک تأثیر مثبتی بر افزایش آگاهی و بهبود نگرش دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی دارد. یافته‌ها بیانگر آن است که آموزش هدفمند و نظام‌مند در این حوزه، می‌تواند شناخت و نگرش دانش‌آموزان را تقویت کرده و نقش مؤثری در ارتقای رفتارهای اجتماعی مسئولانه ایفا کند. این نتایج اهمیت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی کاربردی و علمی در حوزه حقوق کودک را تأیید کرده و می‌تواند راهنمایی ارزشمند برای بهبود فرآیندهای یاددهی-یادگیری فراهم آورد.

واژگان کلیدی: آموزش فعال، آگاهی، حقوق کودک، پایه پنجم ابتدایی ، نگرش، نیمه‌آزمایشی.

عدالت کودک‌محور و هوش مصنوعی؛ تفسیر عمومی شماره ۲۷ و حق دسترسی به عدالت و جبران خسارت

محمدمهدی سیدناصری[۱]

چکیده: زمینه و هدف: تحول دیجیتال و گسترش سامانه‌های مبتنی بر هوش مصنوعی، ضمن ایجاد فرصت‌های جدید برای کودکان، اشکال نوینی از نقض حقوق آنان را پدید آورده است؛ نقض‌هایی که ممکن است در نتیجه تصمیم‌گیری الگوریتمی، پردازش داده‌های شخصی، تبعیض فناورانه، نقض حریم خصوصی، طراحی نامتناسب پلتفرم‌ها یا انتشار محتوای زیان‌بار تحقق یابد. در چنین محیطی، الگوی سنتی دسترسی به عدالت که عمدتاً بر مراجعه به مراجع قضایی پس از وقوع آسیب استوار است، پاسخگوی پیچیدگی، سرعت و فرامرزی بودن آسیب‌های دیجیتال نیست. نظر تفسیری شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک درباره حقوق کودکان برای دسترسی به عدالت و جبران مؤثر، با تأکید بر ضرورت تضمین دسترسی واقعی و مؤثر کودکان به سازوکارهای عدالت و جبران، ظرفیت مهمی برای بازتعریف این مفهوم در زیست‌بوم دیجیتال فراهم می‌سازد. پژوهش حاضر با هدف تبیین الزامات تحقق عدالت دیجیتال کودک‌محور و بازخوانی حق دسترسی کودکان به عدالت و جبران خسارت در پرتو نظر تفسیری شماره ۲۷ انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل اسناد بین‌المللی انجام شده است. در این راستا، مفاهیم و الزامات مندرج در نظر تفسیری شماره ۲۷ کمیته حقوق کودک، به‌ویژه در زمینه دسترسی مؤثر به عدالت، رفع موانع حقوقی و عملی، تضمین راهکارهای جبران، مشارکت کودک و مسئولیت دولت‌ها، با الزامات ناشی از محیط دیجیتال و کاربرد هوش مصنوعی تطبیق داده شده است. همچنین، با

۱. پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

بهره‌گیری از اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک، ظرفیت سازوکارهای قضایی، اداری و غیرقضایی برای پاسخگویی به نقض حقوق کودکان در محیط دیجیتال مورد ارزیابی قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بر مبنای رویکرد نظر تفسیری شماره ۲۷، دسترسی کودک به عدالت مفهومی فراتر از امکان مراجعه به دادگاه است و باید مجموعه‌ای از تضمین‌های حقوقی، نهادی، رویه‌ای و عملی را دربرگیرد. در محیط دیجیتال، این تضمین‌ها مستلزم آن است که کودک بتواند در برابر تصمیم‌ها و اقداماتی که به وسیله سامانه‌های هوش مصنوعی یا پلتفرم‌های دیجیتال حقوق وی را متأثر می‌سازند، از امکان اطلاع، اعتراض، شنیده‌شدن و دریافت جبران مؤثر برخوردار باشد. همچنین، آسیب‌های دیجیتال به دلیل سرعت انتشار، تداوم آثار، قابلیت تکثیر و گاه فرامرزی بودن، ضرورت توسعه سازوکارهای سریع، در دسترس، متناسب با کودک و قابل استفاده بدون تشریفات پیچیده را آشکار می‌سازند. یافته‌ها همچنین بیانگر آن است که مسئولیت تضمین دسترسی به عدالت دیجیتال صرفاً متوجه دولت نیست و باید مسئولیت و پاسخ‌گویی پلتفرم‌ها، شرکت‌های فناوری و سایر بازیگران خصوصی نیز در چارچوب تعهدات حقوق کودک مورد توجه قرار گیرد.

نتایج: نتایج پژوهش حاکی از آن است که نظر تفسیری شماره ۲۷ می‌تواند مبنای هنجاری مناسبی برای گذار از «دسترسی سنتی کودک به عدالت» به «عدالت دیجیتال کودک‌محور» فراهم آورد. بر این اساس، عدالت دیجیتال باید شامل دسترسی واقعی و برابر کودک به اطلاعات و مشاوره حقوقی، امکان مشارکت و شنیده‌شدن، سازوکارهای شکایت و اعتراض متناسب با سن، نظارت بر تصمیم‌های الگوریتمی و جبران سریع و مؤثر آسیب‌های دیجیتال باشد. از سوی دیگر، تحقق این الگو مستلزم پیش‌بینی تعهدات روشن برای دولت‌ها در زمینه قانون‌گذاری، نظارت و ایجاد سازوکارهای جبران و نیز الزام بازیگران خصوصی به رعایت اصول شفافیت، پاسخ‌گویی، ایمنی و رعایت منافع عالیه کودک است. بر این مبنا، مقاله استدلال می‌کند که نظر تفسیری شماره ۲۷ را

می‌توان فراتر از یک سند ناظر بر دسترسی سنتی به عدالت، به‌عنوان مبنایی برای بازسازی مفهوم عدالت کودک‌محور در عصر هوش مصنوعی و بنیان‌گذاری چارچوب هنجاری عدالت دیجیتال کودک‌محور مورد استفاده قرار داد.

واژگان کلیدی: نظر تفسیری شماره ۲۷؛عدالت دیجیتال کودک‌محور؛ دسترسی به عدالت؛ هوش مصنوعی؛ محیط دیجیتال.

نقض حریم خصوصی و تبعیض الگوریتمی در محیط‌های هوش مصنوعی؛ چالش‌های نوین حقوق کودک با نگاهی به نظام حقوقی ایران

فریبرز صفری*[۱]، سیده فائزه خلفوند[۲]

چکیده: زمینه:کاربست نظام های هوش مصنوعی در پلتفرم های تعاملی کودکان ، در کنار فرصت‌های آموزشی و درمانی، چالش‌های نوینی را در زمینه حمایت از حقوق آنان ایجاد کرده است. که زمینه نگارش در حوزه هوش مصنوعی و حقوق کودکان برای بسیاری از حقوقدانان شده است. از مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به نقض حریم خصوصی ناشی از گردآوری و پردازش گسترده داده‌های رفتاری و بیومتریک کودکان و نیز تبعیض الگوریتمی ناشی از سوگیری داده‌های آموزشی و فقدان شفافیت در فرایندهای تصمیم‌گیری الگوریتمی اشاره کرد. این چالش‌ها می‌توانند دسترسی برابر کودکان به خدمات دیجیتال را محدود و کلیشه‌های جنسیتی و اجتماعی را بازتولید کنند. **هدف:** پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های حقوقی ناشی از نقض حریم خصوصی و تبعیض الگوریتمی در محیط‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و ارزیابی ظرفیت نظام حقوقی ایران برای حمایت مؤثر از حقوق کودکان انجام شده است. **روش تحقیق:** در این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعه تطبیقی انجام شده است. در این راستا، مقررات و اسناد مرتبط اتحادیه اروپا، به‌ویژه مقررات ناظر بر سامانه‌های پرخطر، اسناد یونسکو و رویه نهادهای نظارتی، در کنار قوانین و مقررات ایران مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد چارچوب‌های سنتی حمایت از حریم خصوصی، از جمله مفهوم «رضایت یک‌باره»، در مواجهه با ماهیت پویا و مستمر پردازش داده‌های کودکان کارآمدی محدودی دارند. همچنین خلأهای تقنینی

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه حضرت معصومه(س) Email:safari.law@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه حضرت معصومه(س)

در نظام حقوقی ایران، از جمله در زمینه مسئولیت و نظارت بر تصمیم‌گیری‌های الگوریتمی و حمایت از داده‌های کودکان، نیازمند بازنگری است. گذار از رضایت ایستا به «رضایت پویا و مرحله‌ای» متناسب با سن و میزان رشد شناختی کودک و الزام ارائه «ارزیابی اثر بر حقوق کودک» پیش از عرضه عمومی سامانه‌های هوش مصنوعی، از راهکارهای اساسی شناسایی‌شده است. همچنین پیش‌بینی حق توضیح‌خواهی درباره تصمیمات الگوریتمی و ایجاد سازوکار نظارت مستقل بر داده‌های کودکان می‌تواند حمایت حقوقی مؤثرتری فراهم کند.

نتیجه‌گیری: حمایت مؤثر از کودکان در عصر هوش مصنوعی مستلزم گذار از رویکرد صرفا سلبی و حرکت به سوی تنظیم‌گری هوشمند، پیشگیرانه و مبتنی بر ریسک است؛ رویکردی که ضمن تضمین منافع عالیه کودک، امکان بهره‌مندی ایمن و برابر وی از ظرفیت‌های هوش مصنوعی را نیز فراهم سازد.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی؛ تبعیض الگوریتمی؛ حقوق کودک؛ هوش مصنوعی؛ ارزیابی اثر بر حقوق کودک؛ تنظیم‌گری هوشمند؛ نظام حقوقی ایران.

بزه‌دیدگی کودک توسط والدین در اقتصاد اینفلوئنسری: از اشتراک‌گذاری زندگی کودک تا کار کودک دیجیتال

مهدی خاقانی اصفهانی[۱]

چکیده : زمینه و هدف: ظهور اقتصاد اینفلوئنسری، الگوی جدیدی از بزه‌دیدگی کودکان را پدید آورده است که در آن منشأ آسیب نه یک بزهکار بیگانه، بلکه والدینی هستند که به‌طور مستمر تصاویر، اطلاعات و تجربه‌های خصوصی کودک را به محتوای قابل عرضه در سکوهای دیجیتال تبدیل می‌کنند. این رفتار که ممکن است از اشتراک‌گذاری متعارف زندگی خانوادگی آغاز شود، با حرفه‌ای‌شدن تولید محتوا و وابستگی جلب مخاطب، تبلیغات و درآمد به حضور کودک، می‌تواند به کالایی‌شدن حریم خصوصی و سرانجام «کار کودک دیجیتال» بینجامد. ویژگی متمایز این بزه‌دیدگی، تعارض نقش والد به‌عنوان متولی حمایت از کودک با جایگاه او به‌عنوان تولیدکننده و منتفع اقتصادی از حضور دیجیتال کودک است. هدف پژوهش حاضر، تبیین فرایند گذار از اشتراک‌گذاری والدینی به بزه‌دیدگی کودک، شناسایی گونه‌های آسیب ناشی از آن و ارائه معیارهایی برای تمایز بازنمایی مشروع زندگی خانوادگی از بهره‌برداری آسیب‌زا و استثماری از کودک است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد حقوقی ـ جرم‌شناختی، پدیده بزه‌دیدگی کودک در اقتصاد اینفلوئنسری را در پرتو اصول حقوق کودک، به‌ویژه مصلحت عالیه کودک، حق بر حریم خصوصی، حق بر هویت، حق شنیده‌شدن و حمایت در برابر استثمار اقتصادی تحلیل می‌کند. در این چارچوب، رابطه چندجانبه کودک، والد، پلتفرم، مخاطب و تبلیغ‌دهنده و

۱. استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران. Email:khaghani@samt.ac.ir

نقش ساختار اقتصادی سکوها در تبدیل حضور کودک به ارزش اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد.
ملاحظات اخلاقی: در انجام پژوهش، مصلحت عالیه و کرامت کودک، حفاظت از حریم خصوصی و هویت دیجیتال وی، پرهیز از بازنشر مصادیق آسیب‌زا و اصول امانت‌داری و بی‌طرفی علمی رعایت شده است.
یافته‌ها: پژوهش نشان می‌دهد بزه‌دیدگی کودک در اقتصاد اینفلوئنسری ماهیتی تدریجی، چندبعدی و غالباً پنهان دارد و الزاماً با اجبار آشکار یا دریافت مستقیم دستمزد توسط کودک همراه نیست. این بزه‌دیدگی در چهار بعد اصلی قابل شناسایی است: بزه‌دیدگی حریم خصوصی از طریق افشای مستمر زندگی کودک، بزه‌دیدگی هویتی از طریق ایجاد «هویت دیجیتال تحمیلی» پیش از شکل‌گیری قدرت انتخاب مستقل، بزه‌دیدگی اقتصادی ناشی از تبدیل حضور و فعالیت کودک به منبع درآمد بدون تضمین سهم و منافع وی، و بزه‌دیدگی ناشی از کار کودک دیجیتال در مواردی که کودک به‌صورت مستمر، برنامه‌ریزی‌شده و هدایت‌شده در فرایند تولید محتوای درآمدزا مشارکت می‌کند. ساختار اینفلوئنسری همچنین نوعی «تعارض منافع درون‌خانوادگی» ایجاد می‌کند که در آن افزایش درآمد و سرمایه اجتماعی والد می‌تواند به استمرار نمایش کودک وابسته شود، درحالی‌که همان والد مسئول تشخیص و تأمین مصلحت عالیه اوست. ازاین‌رو، رضایت والد به‌تنهایی نمی‌تواند معیار کافی برای مشروعیت بهره‌برداری تجاری از تصویر، زندگی خصوصی و فعالیت کودک تلقی شود.
نتیجه‌گیری: بزه‌دیدگی کودکان در اقتصاد اینفلوئنسری را نمی‌توان صرفاً با الگوهای سنتی سوءاستفاده از کودک یا کار کودک توضیح داد، بلکه با گونه‌ای از «بزه‌دیدگی خانوادگی ـ پلتفرمی» مواجهیم که در آن قدرت والدینی، انگیزه اقتصادی و معماری درآمدزای پلتفرم در ایجاد یا تشدید آسیب با یکدیگر تلاقی می‌کنند. حمایت مؤثر از کودک مستلزم شناسایی مرزی حقوقی میان اشتراک‌گذاری متعارف والدین و بهره‌برداری تجاری آسیب‌زا، محدودسازی

اختیار والدین در تجاری‌سازی حریم خصوصی کودک، تضمین مشارکت کودک در تصمیم‌گیری متناسب با سن و بلوغ، صیانت از منافع مالی حاصل از فعالیت او، شناسایی حق اعتراض و حذف محتوای دوران کودکی و ایجاد تکالیف حمایتی برای پلتفرم‌هاست. بر این مبنا، «مصلحت عالیه کودک» باید از یک اصل تفسیری به معیار عملی ارزیابی مشروعیت حضور تجاری کودک در اقتصاد اینفلوئنسری تبدیل شود.

واژگان کلیدی: بزه‌دیدگی کودک، اشتراک‌گذاری والدینی، کار کودک دیجیتال، کودک اینفلوئنسر، اقتصاد اینفلوئنسری، حریم خصوصی کودک، مصلحت عالیه کودک.

حمله به مدرسه میناب در پرتو کنوانسیون حقوق کودک: نقض حق حیات، آموزش و حمایت در مخاصمات مسلحانه

سیده لیلا نقیب‌زاده*[۱]، محمد کریمی[۲]

چکیده:: زمینه و هدف: در ۹ اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۶)، در جریان جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران، مدرسه ابتدایی دخترانه- پسرانه «شجره طیبه» در شهرستان میناب، استان هرمزگان، هدف حمله هوایی قرار گرفت. این حمله با موشک کروز تاماهاوک در ساعات آموزشی و هنگامی که ۲۶۴ دانش‌آموز در کلاس‌های درس حضور داشتند، انجام شد. هدف این پژوهش، تحلیل ابعاد حقوقی حمله به مدرسه میناب در پرتو کنوانسیون حقوق کودک و بررسی نقض حق حیات، حق آموزش و حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه است.

روش: این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای و اسنادی، مفاد کنوانسیون حقوق کودک (به‌ویژه مواد ۶، ۲۸ و ۳۸)، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی، اساسنامه رم (ماده ۸)، گزارش‌های نهادهای بین‌المللی (یونیسف، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر و گزارش‌گران ویژه سازمان ملل) و قطعنامه‌های شورای حقوق بشر را مورد بررسی قرار داده است.

یافته‌ها: حمله به مدرسه میناب موجب کشته شدن ۱۶۸ کودک ۷ تا ۱۲ ساله و زخمی شدن بیش از ۹۶ نفر دیگر شد. مدارس به‌عنوان اشیاء غیرنظامی تحت حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند و کودکان به‌صراحت مشمول حمایت‌های این حقوق می‌باشند. این حمله در ساعات آموزشی و با سلاح

۱. دانش‌آموخته دکتری، گروه حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.
Email:l.naghibzadeh@iau.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

دقیق‌المیسان انجام شده که حاکی از نقض اصول تمایز و تناسب است. گزارشگران ویژه سازمان ملل این اقدام را جنایت جنگی بر اساس ماده ۸ اساسنامه رم دانسته‌اند. همچنین، این حمله مصداق دو مورد از شش نقض شدید علیه کودکان در مخاصمات مسلحانه (کشتار و مثله کردن کودکان و حمله به مدارس) محسوب می‌شود. شورای حقوق بشر سازمان ملل در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۲۶ مناظره فوری در این باره برگزار کرد.

نتیجه‌گیری: حمله به مدرسه میناب نقض آشکار کنوانسیون حقوق کودک (مواد ۶، ۲۸ و ۳۸) و اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی است. این حمله علاوه بر سلب حق حیات و آموزش از کودکان، تعهد دولت‌ها به حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه را نقض کرده است. ضرورت تحقیق مستقل، بی‌طرفانه و مؤثر و نیز پاسخگویی عاملان این جنایت جنگی، از الزامات نظام حقوقی بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: کنوانسیون حقوق کودک، حق حیات، حق آموزش، حمله به مدرسه میناب، مخاصمات مسلحانه.

حمایت از حقوق کودکان در درگیری‌های مسلحانه؛
بررسی روندهای نوظهور، چالش‌های حقوقی و سازوکارهای بین‌المللی حمایت

چیا نعمتیان[۱]

چکیده: جهان در حال ورود به دوره‌ای است که با چند جانبه گرایی شکننده ، افزایش درگیری، از بین رفتن احترام به قوانین بین‌المللی، و عدم پاسخگویی در قبال تخلفات، شناخته می‌شود ، در نتیجه خطرات حفاظتی برای غیرنظامیان از جمله کودکان افزایش یافته است. در این محیط حقوق کودکان مورد حمله قرار می‌گیرد.

تخلفات شدید علیه کودکان اکنون سال به سال در حال افزایش است، در حالی که خدمات ضروری که کودکان برای نجات خود به آنها وابسته هستند مانند ، مراقبت‌های بهداشتی و آموزشی اغلب مورد حمله مداوم قرار می‌گیرند. فعالان بشردوستانه اغلب از دسترسی به جمعیت‌های نیازمند محروم می‌شوند. جنگ مدرن که با تکثیر و استفاده گسترده از پهپادهای مسلح و سایر عملیات هوایی، سلاح‌های انفجاری و سطح بالای آلودگی تسلیحاتی شناخته می‌شود تهدیدی فزاینده و مرگبار برای کودکان در درگیری‌های سراسر جهان ایجاد می‌کند.

یک الگوی واضح در حال ظهور است، وقتی سیستم‌های حمایتی فرسوده می‌شوند، کودکان بیشترین هزینه را می‌پردازند. این آسیب‌ها فراتر از ویران کردن زندگی افراد، خانواده‌ها را بی ثبات، نهادها را تضعیف، باعث آوارگی گسترده و گسترش چرخه‌های خشونت می‌شوند که صلح و امنیت را برای دهه‌ها تضعیف می‌کند. در این دوره از گسست و تنظیم مجدد جهانی، حفاظت از کودکان یک نگرانی بشردوستانه فرعی نیست بلکه یک ضرورت استراتژیک برای امنیت بین‌المللی است.

---

۱. پژوهشگر دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی
Email: chianematyan@gmail.com

در حالی که رهبران به سال ۲۰۲۶ نگاه می‌کنند روندهای زیر مبرم‌ترین خطرات پیش روی کودکان در درگیری‌های مسلحانه را با پیامدهایی برای صلح و امنیت برجسته می‌کنند.

واژگان کلیدی: کودکان در مخاصمات مسلحانه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه ، حفاظت از غیرنظامیان، آسیب‌های میان نسلی، سلامت روان و حمایت روانی – اجتماعی، نظامی سازی فضاهای آموزشی

کودک در عصر پزشکی پیش‌بینانه؛ چالش‌های حقوقی تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی درباره سلامت کودکان

محبوبه دهقان نیری[۱]

چکیده: زمینه و هدف: ورود هوش مصنوعی به حوزه پزشکی، الگوی تصمیم‌گیری بالینی را از تشخیص و درمان مبتنی بر وضعیت موجود به سمت پزشکی پیش‌بینانه و تصمیم‌گیری مبتنی بر تحلیل داده‌های گسترده سوق داده است. الگوریتم‌های هوش مصنوعی قادرند با پردازش داده‌های ژنتیکی، سوابق پزشکی، تصاویر تشخیصی، شاخص‌های زیستی و داده‌های رفتاری، احتمال بروز بیماری‌ها و پیامدهای سلامت در آینده را پیش‌بینی کنند. کاربرد این فناوری‌ها درباره کودکان، به دلیل وضعیت خاص آنان به‌عنوان اشخاص در حال رشد و دارا بودن حقوق مستقل، مسائل حقوقی پیچیده‌ای را در زمینه رضایت، حریم خصوصی، محرمانگی اطلاعات سلامت، تبعیض الگوریتمی، مسئولیت حرفه‌ای و تعیین عالی‌ترین منافع کودک ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل چالش‌های حقوقی ناشی از تصمیم‌گیری پزشکی مبتنی بر هوش مصنوعی درباره کودکان و بررسی ضرورت بازتعریف سازوکارهای حمایت از حقوق آنان در پزشکی پیش‌بینانه انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده و با استفاده از مطالعات اسنادی، اصول حقوق کودک، قواعد حقوق پزشکی و مبانی حقوق داده و حکمرانی هوش مصنوعی را مورد تحلیل قرار می‌دهد. در این چارچوب، با تمرکز بر اصول عالی‌ترین منافع کودک، حق بر سلامت، حق بر حریم خصوصی، حق دسترسی به اطلاعات، مشارکت متناسب با سن و میزان بلوغ کودک و حق بر عدم تبعیض، ابعاد حقوقی استفاده از سامانه‌های پیش‌بینی‌کننده در تصمیمات پزشکی مرتبط با کودکان بررسی شده است.

---

۱. کارشناس ارشد حقوق پزشکی، گروه حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پزشکی پیش‌بینانه مبتنی بر هوش مصنوعی، مفهوم سنتی «اطلاعات پزشکی» را به اطلاعاتی درباره وضعیت احتمالی و آینده سلامت کودک گسترش داده و همین امر مرزهای حقوقی رضایت و محرمانگی را با چالش مواجه کرده است. از یک سو، استفاده از داده‌های ژنتیکی و پزشکی کودک می‌تواند به شناسایی زودهنگام بیماری و اتخاذ مداخلات پیشگیرانه منجر شود و از سوی دیگر، ذخیره و پردازش این داده‌ها ممکن است پیامدهایی فراتر از دوران کودکی داشته باشد. همچنین، خطاپذیری، عدم شفافیت برخی الگوریتم‌ها و امکان بازتولید سوگیری‌های موجود در داده‌های آموزشی، خطر تصمیمات تبعیض‌آمیز یا نادرست درباره تشخیص و درمان کودکان را افزایش می‌دهد. مسئله مهم دیگر، تعیین مسئولیت در مواردی است که تصمیم پزشک بر مبنای خروجی سامانه هوش مصنوعی اتخاذ شده و پیش‌بینی الگوریتمی نادرست، موجب ورود آسیب به کودک می‌شود.

نتایج: نتایج پژوهش حاکی از آن است که اتکای صرف به رضایت والدین و قواعد سنتی مسئولیت پزشکی، برای تنظیم تصمیم‌گیری سلامت‌محور مبتنی بر هوش مصنوعی درباره کودکان کفایت نمی‌کند. ضرورت دارد چارچوبی کودک‌محور شکل گیرد که در آن، اصل عالی‌ترین منافع کودک به‌عنوان معیار بنیادین تصمیم‌گیری، در کنار نظارت انسانی مؤثر، شفافیت و قابلیت توضیح تصمیمات الگوریتمی، حداقل‌سازی و هدفمندی پردازش داده‌ها، تضمین محرمانگی اطلاعات سلامت و مشارکت متناسب کودک مورد توجه قرار گیرد. همچنین، تعیین مسئولیت حقوقی میان پزشک، مؤسسه درمانی، طراح و عرضه‌کننده سامانه هوش مصنوعی و سایر اشخاص دخیل، مستلزم بازنگری در قواعد سنتی مسئولیت پزشکی است. بر این اساس، استفاده از هوش مصنوعی در پزشکی پیش‌بینانه کودکان باید نه صرفاً به‌عنوان یک ابزار فناورانه، بلکه به‌مثابه حوزه‌ای نوظهور در حقوق پزشکی و حقوق کودک مورد تنظیم قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که پیشرفت فناوری به قیمت تضعیف حریم خصوصی، خودمختاری تدریجی و منافع بلندمدت کودک تحقق نیابد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ حقوق پزشکی؛ هوش مصنوعی پزشکی؛ پزشکی پیش‌بینانه؛ تصمیم‌گیری بالینی.

دندان‌های دیجیتال کودکان؛ هوش مصنوعی و داده‌های سلامت در دندانپزشکی کودکان

سارا سیدناصری[۱]

چکیده :زمینه و هدف: گسترش هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان، از تحلیل تصاویر رادیوگرافی و اسکن‌های داخل دهانی تا ارزیابی خطر پوسیدگی و پیش‌بینی وضعیت سلامت دهان، ظرفیت ارتقای تشخیص و درمان را فراهم کرده است. بااین‌حال، پردازش داده‌های سلامت کودکان، مسائل مهمی در زمینه حریم خصوصی، رضایت، امنیت داده، تبعیض الگوریتمی و مسئولیت حرفه‌ای ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین الزامات حقوقی استفاده از هوش مصنوعی و پردازش داده‌های سلامت کودکان در دندانپزشکی و ارائه چارچوبی برای حکمرانی کودک‌محور این فناوری انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر به روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. اصول حقوق کودک، اسناد مرتبط با حریم خصوصی و حق بر سلامت، اصول حکمرانی هوش مصنوعی در حوزه سلامت و ادبیات تخصصی مرتبط با دندانپزشکی دیجیتال بررسی و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها :یافته اصلی پژوهش آن است که داده‌های دندانپزشکی کودکان، از جمله تصاویر رادیوگرافی، اسکن‌های داخل دهانی و سوابق درمانی، به دلیل ماهیت شخصی و حساس و آثار بالقوه بلندمدت آنها بر حریم خصوصی و هویت دیجیتال کودک، نیازمند سطح بالاتری از حمایت حقوقی هستند. بنابراین، پردازش این داده‌ها باید بر پایه ضرورت، تناسب، محدودیت هدف، حداقل‌سازی داده و امنیت انجام شود. همچنین رضایت والدین نباید مجوزی نامحدود برای

۱. دکتری دندانپزشکی و متخصص اطفال، گروه دندانپزشکی، دانشکده دندانپزشکی عجمان، امارات متحده عربی. Email: zekr_publishery@yahoo.com

پردازش داده تلقی شود و مشارکت متناسب کودک با سن و ظرفیت‌های در حال تحول او باید مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، استفاده از الگوریتم نمی‌تواند موجب انتقال مسئولیت تصمیم پزشکی از دندانپزشک به سامانه هوش مصنوعی شود.

نتیجه‌گیری: مشروعیت استفاده از هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان، علاوه بر کارآمدی فنی، به رعایت هم‌زمان منافع عالیه کودک، حق بر سلامت، حریم خصوصی، امنیت داده، عدم تبعیض، شفافیت، مشارکت کودک و جبران مؤثر وابسته است. بر این اساس، پژوهش الگوی «دندانپزشکی هوشمند کودک‌محور» را پیشنهاد می‌کند که بر حکمرانی حقوق‌محور داده، ارزیابی اثرات حقوق کودک پیش از استقرار سامانه، نظارت انسانی مؤثر، قابلیت توضیح تصمیمات الگوریتمی و سازوکار روشن مسئولیت و جبران خسارت استوار است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی؛ دندانپزشکی کودکان؛ داده‌های سلامت؛ مسئولیت پزشکی؛ سلامت دیجیتال.

مسئولیت کیفری بین‌المللی ناشی از حمله آمریکا به مدرسه میناب؛ تحلیل حقوقی واقعه در پرتو مقررات ناظر بر جنایات جنگی

عباس شیری ورنامخواستی[۱]

چکیده: حمله به اماکن آموزشی و وارد آمدن خسارت به کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه، از جمله موضوعاتی است که بررسی آن مستلزم توجه هم زمان به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و معیارهای احراز مسئولیت کیفری بین‌المللی است .حمله آمریکا به مدرسه دخترانه شجره طیبه در میناب و گزارش‌های مربوط به کشته شدن شماری از دانش‌آموزان، ضرورت بررسی حقوقی این واقعه را از منظر حمایت از غیرنظامیان و امکان انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص دخیل در تصمیم‌گیری و اجرای عملیات نظامی مطرح می سازد .پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با اتکا به اسناد حقوق بین الملل بشردوستانه، اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، عناصر جرایم و رویه قضایی مرتبط، درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که تحت چه شرایطی می‌توان حمله به مدرسه میناب را در چارچوب جنایات جنگی ارزیابی کرد و مسئولیت کیفری بین‌المللی اشخاص دخیل در آن را مورد بررسی قرار داد .در این راستا، ماهیت و وضعیت حقوقی هدف مورد حمله، ارتباط رفتار با مخاصمه مسلحانه، تحقق عناصر مادی و روانی جرم و شیوه انتساب رفتار به مرتکبان احتمالی بررسی می‌شود .همچنین، شرایط تحقق مسئولیت فرماندهان و سایر مقامات مافوق، در پرتو قواعد حاکم بر مسئولیت کیفری فردی، مورد توجه قرار می‌گیرد .یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در صورت احراز غیرنظامی بودن مدرسه، فقدان وصف نظامی برای آن و تحقق سایر شرایط مقرر در حقوق بین الملل کیفری، حمله می‌تواند حسب اوضاع‌واحوال و ادله موجود، از منظر

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران Email: ashiri@ut.ac.ir

ارتکاب جنایت جنگی بررسی شود .بااین‌حال، صرف وقوع حمله، شدت تلفات انسانی یا انتساب عملیات به یک دولت و نیروهای مسلح آن، به‌تنهایی برای اثبات مسئولیت کیفری فردی کفایت نمی‌کند؛ بلکه احراز این مسئولیت مستلزم اثبات عناصر قانونی، مادی و روانی جرم، تعیین نقش اشخاص در طراحی، صدور دستور یا اجرای عملیات و، در موارد مقتضی، احراز شرایط خاص مسئولیت فرماندهی است .بر این اساس، دسترسی به اطلاعات مربوط به انتخاب هدف، ارزیابی‌های عملیاتی، آگاهی تصمیم‌گیرندگان و ساختار فرماندهی، نقشی اساسی در روشن شدن ابعاد کیفری واقعه دارد .در نهایت، پژوهش بر ضرورت انجام تحقیقات مستقل و بی‌طرفانه، حفظ و ارزیابی ادله و مستندسازی دقیق زنجیره تصمیم‌گیری و اجرای حمله، به‌عنوان پیش‌شرط‌های اساسی تحقق پاسخ‌گویی کیفری بین‌المللی تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی : آمریکا، مسئولیت کیفری بین‌المللی، جنایات جنگی، حمله به اماکن آموزشی، حمایت از کودکان، مدرسه میناب، مسئولیت فرماندهی، اساسنامه رم

اعتبار سنجی قراردادهای کودکان یتیم در شرایط جنگ

جواد حسین زاده[۱]

چکیده: حجر حمایتی، مبنایی برای بطلان اعمال حقوقی کودکان غیر ممیز و عدم نفوذ قراردادهای معوض کودکان ممیز در نظام حقوقی و مآلا پذیرش عمومی آن در میان حقوقدانان به شمار می‌آید. به دیگر سخن، مبنای یاد شده این پیآیند را به دنبال دارد که به واسطه فقد یا ضعف قوای دماغی و تشخصی، معاملات کودکان را باید بسته به قوه تمییز محمول بر بطلان یا عدم نفوذ نمود. امری که در نظام‌های حقوقی گوناگون رایج و در نظام حقوقی ایران برآمده از قانون مدنی نیز قابل پذیرش است. با این وجود، در شرایط جنگ چنین مبنایی می تواند برآمدی دیگر به دنبال داشته باشد. انگار کودکی که در شرایط جنگی والدین خود را از دست می‌دهد، بر مبنای بنیان یاد شده، این پرسش را فرا می‌آورد: آیا باید در شرایط جنگ نیز قائل به حکم مذکور در خصوص معاملات اطفال بود؟ چنین انگاری در وهله اول همراستا با حمایت از کودک به نظر می‌رسد اما مداقه در وضعیت خاص و شرایط پیرامون کودکی که امورات زندگی روزمره خود را تا پیش از جنگ با اتکای بر والدین خود می‌گذرانده نشان از آن دارد که حکم به بطلان یا عدم نفوذ در خصوص این کودکان دور از حمایت از ایشان است. مقاله حاضر به دنبال پی‌جویی از پرسش فوق با روش تحقیق تحلیلی-توصیفی و شیوه گردآوری منابع کتابخانه‌ای-اینترنتی به دنبال رد یا اثبات این فرضیه است که حکم مذکور در معاملات کودک یتیم در شرایط جنگ با تردید جدی مواجه است. محک فرضیه در سنجه آزمون و نتاج پژوهش نشان از آن دارد که مبنای حمایت دلالت بر اجرای حکم فوق در معاملات بزرگ و امکان عدول آن در معاملات مربوط به امور روزمره کودک دارد.

واژگان کلیدی: اعتبار عقود، اعتبار سنجی، کودک، شرایط جنگ، بطلان، عدم نفوذ

---

۱. دانشیار حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ.

حق بر سلامت و مسئولیت حقوقی هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان

سارا سیدناصری[۱]

چکیده: زمینه و هدف: کاربرد هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان، از تشخیص و تحلیل تصاویر رادیوگرافی تا پیش‌بینی خطر بیماری و پشتیبانی از تصمیم‌گیری درمانی، ظرفیت ارتقای خدمات سلامت دهان و دندان را فراهم کرده است. بااین‌حال، استفاده از سامانه‌های الگوریتمی در مورد کودکان، به دلیل آسیب‌پذیری، ظرفیت‌های در حال تحول و ضرورت رعایت مصلحت عالی آنان، پیامدهای مهمی برای حق بر سلامت و سایر حقوق بنیادین ایجاد می‌کند. پژوهش حاضر با هدف تبیین الزامات حقوقی کاربرد هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان و تعیین مبانی مسئولیت ناشی از تصمیم‌ها و خطاهای الگوریتمی انجام شده است.

روش: این پژوهش به روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، کنوانسیون حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک، اسناد و اصول مرتبط با حق بر سلامت و حریم خصوصی و نیز اصول حکمرانی هوش مصنوعی در حوزه سلامت، به‌ویژه الزامات ناظر بر نظارت انسانی، شفافیت، عدالت و پاسخگویی، بررسی و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها: یافته اصلی پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان، در صورت فقدان تضمین‌های حقوقی، می‌تواند به نقض حق بر سلامت، حریم خصوصی و اصل عدم تبعیض منجر شود. سوگیری داده‌های آموزشی، خطای الگوریتمی، عدم شفافیت تصمیمات و اتکای افراطی به خروجی سامانه، از مهم‌ترین مخاطرات شناسایی‌شده‌اند. همچنین، بروز

۱. دکتری دندانپزشکی و متخصص اطفال، گروه دندانپزشکی، دانشکده دندانپزشکی عجمان، امارات متحده عربی. Email: zekr_publishery@yahoo.com

آسیب الگوریتمی موجب انتقال خودکار مسئولیت از دندانپزشک به سامانه نمی‌شود و مسئولیت باید با توجه به نقش دندانپزشک، مرکز درمانی و تولیدکننده یا عرضه‌کننده سامانه تعیین شود.

نتیجه‌گیری: مشروعیت استفاده از هوش مصنوعی در دندانپزشکی کودکان، علاوه بر کارآمدی فنی، مستلزم رعایت مصلحت عالی کودک، حق بر سلامت، عدم تبعیض، حریم خصوصی، شفافیت، نظارت انسانی و امکان جبران خسارت است. بر این اساس، مسئولیت حقوقی باید از مرحله طراحی و ارزیابی سامانه تا استقرار و کاربرد بالینی مورد توجه قرار گیرد و تصمیم نهایی همچنان تحت نظارت و مسئولیت متخصص انسانی باشد.

واژگان کلیدی: حق بر سلامت؛ هوش مصنوعی؛ دندانپزشکی کودکان؛ مسئولیت حقوقی؛ تصمیم‌گیری الگوریتمی.

حق حیات جنین در موضوع کاهش جنین در بارداری‌های چندقلویی ناشی از فناوری‌های کمک‌باروری؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران و انگلستان

علی بلوری[۱]

چکیده: فرزندآوری با استفاده از فناوری‌های کمک‌باروری در کنار مزایای بسیار چالش‌های حقوقی و اخلاقی بسیاری نیز همراه می‌باشد. افزایش بارداری‌های چندقلویی و نیاز به حذف یک یا چند جنین از جمله این چالش‌هایی است که در اثر گسترش استفاده از فناوری‌های کمک‌باروری موضوعیت یافته است.

زمینه و هدف: هر نظام حقوقی بنا به دلایل گوناگون نگاه متفاوتی نسبت‌به موضوع کاهش جنین دارد. در این بین، مقررات دو کشور ایران و انگلستان در این خصوص به علت پیشرفت‌های قابل‌توجهی که در حوزه درمان ناباروری و استفاده از فناوری‌های کمک‌باروری داشته‌اند شایان بررسی است.

روش: در این پژوهش، به روش کتابخانه‌ای و با مطالعه کتب و مقالات موجود دیدگاه‌های حقوقی نسبت به جنین و حقوق او و همچنین مقررات حاکم بر سقط‌جنین و کاهش جنین در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌ها: در نظام حقوقی ایران، علی‌رغم عدم اشاره مستقیم قانونگذار و در نظام حقوقی انگلستان، بنا به تصریح قانونگذار، کاهش جنین نوعی سقط‌جنین پزشکی به شمار رفته و با رعایت قوانین و مقررات مربوط به سقط قابل‌انجام است. چرا که نتیجه نهایی کاهش جنین نیز مانند سقط‌جنین سلب حیات از یک یا چند جنین است و به همین علت، نمی‌توان بدون وجود سبب پزشکی اقدام به حذف یک یا چند جنین نمود.

---

۱. دانشجوی دکتری مطالعات حقوق خانواده دانشگاه شهید بهشتی
Email;a_boloori@sbu.ac.ir

نتیجه‌گیری: وضع قانون و ایجاد محدودیت درخصوص تعداد جنین‌های انتقالی در هر چرخه از فناوری‌های کمک‌باروری تأثیر قابل‌توجهی در کاهش آمار بارداری‌های چندقلویی و به دنبال آن عدم نیاز به کاهش جنین دارد. کما اینکه در کشور انگلستان با وضع قانون در این خصوص میزان بارداری‌های چندقلویی به‌طور قابل‌توجهی کاهش یافته است. در کشور ما نیز با وضع قانون یا دستورالعمل در این حوزه می‌توان آثار و پیامدهای پزشکی، حقوقی و اخلاقی بارداری‌های چندقلویی و کاهش جنین را به حداقل رساند.

واژگان کلیدی: کاهش جنین، بارداری چندقلویی، فناوری‌های کمک‌باروری، سقط‌جنین، حق حیات.

«کودکان و مخاصمات مسلحانه: ارزیابی سه دهه تلاش ملل متحد از هنجارسازی تا آزمون اراده سیاسی»

سید مصطفی میرمحمدی عزیزی[۱]

چکیده: ماموریت ملل متحد در باره «کودکان و مخاصمات مسلحانه» اکنون وارد سی امین سال تاسیس خود شده است. تاسیس این ماموریت مرهون گزارش «گراسا ماچل» به سال ۱۹۹۶ است. این گزارش با عنوان «تاثیر مخاصمات مسلحانه بر کودکان» در ۳۱۷ بند به عنوان گزارشی جامع و همه جانبه[۲] سنگ بنای تلاشهای بعدی را برای توسعه این ماموریت رقم زد. چهار ماه پس از این گزارش، مجمع عمومی قطعنامه ای به تصویب رساند که به موجب آن دبیرکل از نماینده ویژه در موضوع «کودکان و مخاصمات مسلحانه» برخوردار می‌گردد.

تاکنون پنج نماینده به دبیرکل در انجام این ماموریت یاری نمودند. تمرکز ملل متحد بر نشان دادن پی آمدهای ویرانگر جنگ بر کودکان و شش نقض مهم حقوق کودکان در مخاصمات؛ یعنی قتل و جراحت شدید، سربازگیری و استخدام کودکان، خشونت جنسی، ربودن، حمله به مدارس و بیمارستانها و جلوگیری از کمکهای بشردوستانه به کودکان[۳] از دستاوردهای نمایندگان ویژه است.

در خصوص گزارشهای سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۱۶ از نویسنده این یادداشت مقالاتی قبلا منتشر شده است.[۴] اما روی سخن در متن حاضر ارزیابی آخرین گزارش نماینده ویژه و در سی سالگی این ماموریت است.

---

۱. دانشیار دپارتمان حقوق دانشگاه مفید

2. A/51/306, 26 August 1996

3. The six grave violations are: killing and maiming, recruitment and use, sexual violence, abduction, attacks on schools and hospitals, and denial of humanitarian access.

۴. ر.ک: سید مصطفی میرمحمدی: حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه (رهیافت‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام) مجله حقوق بشر، دانشگاه مفید، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، بهار و تابستان

«ونسا فرایزر»[1] به عنوان پنجمین نماینده ویژه دبیرکل از کشور مالت آخرین گزارش خود را در ۶۶ بند، در ۲۸ ژوئیه ۲۰۲۶(تیرماه ۱۴۰۵) تهیه کرده است. این گزارش به همراه یادداشت ایشان در خصوص گرامیداشت سی امین سال تاسیس این ماموریت شایسته توجه است. مطابق این گزارش از زمان تاسیس این ماموریت، در سال گذشته ۲۰۲۵، شدیدترین نقض حقوق کودکان صورت گرفته است و در آن بیش از ۲۴ هزار کودک (۱۵،۴۹۳ پسر ۷،۹۹۰ دختر و ۶۹۱ جنسیت نامعلوم) آسیب دیده اند. همچنین نخستین بار است که نیروهای نظامی دولتی مرتکب نقض های شدید حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در حمله به مدارس و بیمارستانها و ممانعت در رسیدن کمکهای بشردوستانه شده‌اند.[2] همچنین در مخاصمات جدید استفاده از سلاحهای انفجاری گسترده و پهپادها در حمله به مناطق غیرنظامی و نیز افزایش بکارگیری فناوری دیجیتال و هوشواره(= هوش مصنوعی) باعث زیانهای جسمی و روحی به کودکان شده است.[3]

نماینده ویژه در جدیدترین یادداشت خود با عنوان «۳۰ سالگی مأموریت کودکان و مناقشات مسلحانه؛ فراخوانی برای اراده سیاسی قوی‌تر در حمایت از کودکان در میانه خطرات فزاینده و شمار بی‌سابقه کودکان آسیب‌دیده»[4] چنین ابراز می دارد:

«من از بازدید اخیرم در مناطق آسیب دیده، درگیری پس از درگیری را دیدم، با کودکان به گونه ای رفتار می‌شود که گویا آنان قربانی مزیت‌های نظامی، سیطره سیاسی و یا منبعی برای درآمد افزایی هستند. این پذیرفتنی نیست»

وی در باره اهمیت این ماموریت تصریح می‌کند:

« این ماموریتی اساسی است و نه برای نام بردن و شرمنده‌سازی، بلکه هدف آن

۱۳۸۷، صص ۵۵ تا۸۰ / همین نویسنده : حمایت از افراد درحقوق بین الملل بشردوستانه: متدلوژی تطبیقی و رهیافتهای اسلامی، انتشارات دانشگاه مفید، ۱۳۹۹، صص۱۱۲-۱۳۳

1. Vanessa Frazier
2. UN General Assembly: Report of the Special Representative of the Secretary-General for Children and Armed Conflict, 28 July 2026, A/81/263, Para.3
3. Ibid: Para 11
4. Frazier, Vanessa: 30 years of the CAAC mandate: Call for Stronger Political Will to Protect Children Amidst Rising Risks, Record Number of Children Affected.

ارایه طریق برای رعایت حقوق بین‌الملل، حمایت از کودکان و دستیابی به نتایج ملموس در این زمینه است»

و نیز می افزاید:

«نمی‌توان پذیرفت که بازیگران دولتی خود نخستین مرتکبان نقض حقوق کودکان باشند.» [1]

گزارش و یادداشت فوق، از یک سو انعکاسی از آخرین رویدادها و وضعیت‌هایی است که اکنون، پس از سه دهه، کودکان در وضعیت مخاصمات مسلحانه با آن روبرو هستند و از جانبی دیگر چالشها و موانع پیش روی این ماموریت را در دستگاه ملل متحد و جامعه بین المللی نشان می دهد.

تردیدی نیست نظام هنجاری ملل متحد به‌گونه بی‌سابقه‌ای تقویت شده است. زیرا از رهگذر گزارش کارشناسی ۱۹۹۶ بدین سو یک ماموریت دائمی، یک کارگروه شورای امنیت، انبوهی از قطعنامه ها و گزارشها و بیش از چهل برنامه اقدام با طرف‌های مخاصمه شکل گرفته است. مع الوصف نمی‌توان انکار کرد جامعه بین المللی همچنان از فقدان استراتژی پاسخگویی رنج می برد و چالش ملل متحد در این سه دهه، نه در هنجارسازی بلکه در تضمین و احترام به هنجار و پاسخگو بودن به نقض آنها، بویژه در منازعات سالهای اخیر، است.

بر پایه این گزارش، برای نخستین بار در سه دهه نظارت، نیروهای مسلح دولتی عامل اصلی نقض‌های فاحش حقوق کودکان اند. زیرا سابق بر این، فرض این بود که دولت‌ها به‌عنوان طرفهای اصلی تعهدات حقوق بشردوستانه، باری از مشکلات کودکان در مخاصمات بر می دارند. اما اکنون خود به بزرگ‌ترین ناقضان آن تبدیل می‌شوند. در این فرض روشن است نظام پاسخگویی و مسئولیت دولت‌ها ، به نوبه خود، بخش قابل توجهی از کارایی خود را از دست می‌دهد.

سازکار نظارت و گزارش‌دهی نیز با چالشهای اساسی روبرو است. ممانعت از دسترسی های بشردوستانه، استفاده نیروهای مسلح از ابزارهای دیجیتال برای

1. https://childrenandarmedconflict.un.org/en/news/30-years-caac-mandate-call-stronger-political-will-protect-children-amidst-rising-risks-record

جذب کودکان، استفاده از جنگ‌افزارهای مجهز به هوش مصنوعی و سیستم‌های تسلیحاتی خودکار ، زنگ خطر جدی و ناشناخته برای کودکان است و با این ابزارها سنجش اصول بنیادین حقوق بشردوستانه (مانند تفکیک، تناسب و احتیاط) و نظارت بر آن نیز دشوار شده است.

نمی توان انکار کرد ملل متحد در ایجاد یک چارچوب هنجاری و نهادی دستاوردهای موفقی داشته است و در چارچوب ۴۰ برنامه اقدام، کودکان بسیاری به جامعه و خانواده های خود برگشتند (بیش از ۲۰۰،۰۰۰ کودک)،[1] اما از جانبی دیگر این دستاوردها از معیارهای دوگانه سیاسی، شکاف میان هنجار و اجرا، ناتوانی در انطباق با تهدیدهای نوظهوری مانند بکارگیری شرکتهای امنیتی خصوصی، فناوریهای نوین در مخاصمات رنج می‌برند.

سخن آخر: جامعه بین‌المللی در برابر کودکان متاثر از مخاصمات مسلحانه در برابر یک آزمون قرار دارد. سه‌دهه تلاش نشان دهنده آن است که کودکان آسیب دیده از مخاصمات مسلحانه اکنون، با پشتوانه بسیاری از گزارشها و قطعنامه ها و سازکارهای جهانی و منطقه ای، در کانون توجه بین المللی قرار دارند. عبور از این تراکم هنجارها به اراده سیاسی و قوی دولتها برای پاسخگو کردن مرتکبان نیاز دارد. این همان چیزی که نماینده ویژه در آخرین یادداشت خود بر آن تصریح دارد. در غیبت اراده سیاسی جدی و بدون اقدامی موثر ما تنها به گزارش و شمارش قربانیان و شمارش نقض‌ها ادامه می دهیم.

عنوان «از هنجارسازی تا آزمون اراده سیاسی» به این دلیل انتخاب شد تا با مروری بر سه دهه تلاش ملل متحد نشان دهد قطعنامه های و گزارشهای گذشته تا چه میزان در پایبندی دولتها و ذی‌نفعان موثر افتاده اند. آخرین گزارش مبنی بر بالاترین رکورد نقض حقوق کودکان از زمان تاسیس این نهاد، گویای آن است جامعه بین المللی در برابر کودکان آسیب دیده از جنگ، اگر نگوییم توفیق نیافته است، ولی بی تردید راه طولانی در پیش دارد.

1. UN General Assembly: Op cit, A/81/263, Para.9

حریم خصوصی و هویت دیجیتال کودک در عصر هوش مصنوعی مولد: ارزیابی خلأهای حقوق ایران و راهکارهای حمایتی با رویکرد تطبیقی

رضا قلی‌پور گودرزی[۱]

چکیده: **زمینه و هدف:** هوش مصنوعی مولد، علاوه بر افشای داده، امکان ساخت تصویر و صدای منتسب به کودک را فراهم کرده است؛ ازاین‌رو، حفاظت از حریم خصوصی به‌تنهایی برای صیانت از هویت دیجیتال او کافی نیست. هدف پژوهش، سنجش کفایت حمایت‌های حقوق ایران و مقایسه آن با اسناد بین‌المللی و الگوهای اتحادیه اروپا، انگلستان و کالیفرنیاست.

روش‌ها: پژوهش از نظر هدف کاربردی-توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است. اسناد به روش کتابخانه‌ای گردآوری و با تحلیل محتوای کیفی در چهار محور حریم خصوصی، هویت دیجیتال، مخاطرات فناوری و سازوکارهای حمایتی بررسی شده‌اند.

یافته‌ها: قوانین بررسی‌شده در ایران ظرفیت حمایت از حیثیت و مقابله با انتشار یا تحریف تصاویر را دارند، اما قواعد اختصاصی و منسجمی برای پردازش داده‌های کودک، ارزیابی پیشینی خطر و تکالیف ارائه‌دهندگان هوش مصنوعی مولد فراهم نمی‌کنند. بنابراین، شکاف اصلی فقدان مطلق حمایت نیست، بلکه غلبه پاسخ پس از وقوع آسیب بر پیشگیری است. الگوهای منتخب، ابزارهای مکملی برای ارزیابی ریسک، طراحی ایمن و حفاظت پیش‌فرض ارائه می‌کنند؛ بااین‌حال، تفاوت قلمرو و ضمانت اجرای آنها مانع تلقی‌شان به‌عنوان چارچوبی واحد می‌شود.

نتیجه‌گیری: اصلاح حقوق ایران باید حمایت‌های موجود را با ارزیابی تأثیر بر حقوق کودک، حداقل‌سازی داده، محدودسازی پروفایل‌سازی و تعیین تکالیف

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائم‌شهر
Email: rezagoudarzi24@gmail.com

متناسب با نقش ارائه‌دهندگان تکمیل کند. مقابله با جعل هویت دیجیتال نیز به حذف سریع محتوا، حفظ ادله و دسترسی مؤثر به جبران خسارت نیاز دارد؛ برچسب‌گذاری محتوای مصنوعی به‌تنهایی جایگزین این حمایت‌ها نیست.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، هوش مصنوعی مولد، حریم خصوصی دیجیتال، هویت دیجیتال، حمایت قانونی

تعهدات و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در برابر آثار تغییرات اقلیمی بر حقوق کودکان

سید نصرالله ابراهیمی[۱]، علی فرحزادی*[۲]

چکیده: تغییرات اقلیمی با تشدید گرما، کمبود آب و غذا، بیماری‌ها، بلایای مرتبط با اقلیم و اختلال در خدمات عمومی، برخورداری کودکان از حقوق سلامت، آموزش و حیات را با مخاطره روبه‌رو می‌کند. هدف این پژوهش تبیین تعهدات دولت‌ها در برابر آثار قابل پیش‌بینی اقلیمی بر این حقوق و تعیین معیارهای گذار از خطر به نقض و مسئولیت بین‌المللی است. پژوهش با روش حقوقی اسنادی و توصیفی ـ تحلیلی، بر پایه کنوانسیون حقوق کودک، اسناد اقلیمی، قواعد عمومی مسئولیت دولت‌ها، تفاسیر نهادهای حقوق بشری، رویه‌های منتخب و شواهد علمی معتبر انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد تعهد دولت‌ها پیش از وقوع خسارت فعال می‌شود و پیشگیری و کاهش خطر، سازگاری و استمرار خدمات حیاتی، تنظیم فعالیت اشخاص ثالث، رعایت منافع عالیه کودک، منع تبعیض و مشارکت کودکان را دربرمی‌گیرد. ماهیت تجمعی و فرامرزی تغییرات اقلیمی مانع اعمال تعهدات حقوق بشری نیست، اما احراز مسئولیت در هر پرونده مستلزم تفکیک تعهد اولیه، استاندارد رفتار، نقض، انتساب و حسب مورد سببیت و زیان است. مقاله برای این ارزیابی مدلی مرحله‌ای ارائه می‌کند که خطر و حق در معرض تهدید را به تعهد، نقض، انتساب و آثار مسئولیت پیوند می‌دهد. نتیجه آن است که حمایت مؤثر از کودکان نیازمند ادغام حقوق کودک در سیاست‌های کاهش و سازگاری و طراحی جبران‌های متناسب با ماهیت پیشگیرانه و ترمیمی این تعهدات است.

---

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
Email: snebrahimi@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری رشته حقوق تجارت و سرمایه‌گذاری بین‌المللی، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ تغییرات اقلیمی؛ تعهدات دولت‌ها؛ مسئولیت بین‌المللی؛ حق سلامت، آموزش و حیات.

تحولات اجتماعی و چالش حمایت از کودک در برابر اضرار؛ بازخوانی فقهی ـ حقوقی حق کودک بر پایه آموزه‌های اهل‌بیت(ع)

محمد حسن زرین اقبال[۱]

چکیده: تحولات اجتماعی، تغییر الگوهای خانواده و گسترش اشکال نوین آسیب‌پذیری، مسئله حمایت مؤثر از کودک در برابر اضرار را پیچیده‌تر کرده است. کودک به دلیل موقعیت خاص سنی و وابستگی به خانواده، در برابر رفتارهای زیان‌بار والدین، سرپرستان و سایر اشخاص آسیب‌پذیر است و حمایت از او نیازمند شناسایی دقیق حق کودک بر مصونیت از اضرار و تعیین حدود مسئولیت اشخاص در قبال این حق است. مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آموزه‌های فقهی و روایی اهل‌بیت(ع) تا چه اندازه می‌تواند مبنای شناسایی و تقویت حق کودک در برابر اضرار در شرایط متحول اجتماعی قرار گیرد. هدف پژوهش، تبیین مبانی فقهی ـ حقوقی حمایت از کودک در برابر اضرار و ارائه الگویی متناسب با تحولات اجتماعی بر پایه آموزه‌های اهل‌بیت(ع) است. پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با رویکرد فقهی ـ حقوقی انجام شده و داده‌ها از طریق مطالعه منابع فقه امامیه، متون روایی، منابع حقوقی ایران و ادبیات حقوق کودک گردآوری و تحلیل شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در منظومه آموزه‌های اهل‌بیت(ع)، منع اضرار، حرمت ظلم، رعایت حق‌الناس، حفظ کرامت انسانی و مسئولیت در برابر آثار رفتار زیان‌بار، ظرفیت لازم برای شناسایی حق کودک بر مصونیت از آسیب را فراهم می‌کند. بر این اساس، حمایت از کودک صرفاً واکنشی به وقوع آسیب نیست، بلکه مستلزم پیشگیری، شناسایی خطر، مداخله متناسب و تضمین جبران و حمایت مؤثر است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که می‌توان با تکیه بر مبانی فقهی و روایی، الگوی

۱. پژوهشگر فقه و حقوق اسلامی Email:zarrineghbal.hasan@gmail.com

حمایت از کودک را از حمایت صرفاً پس از وقوع اضرار به حمایت پیشگیرانه، مسئولیت‌محور و متناسب با شرایط اجتماعی جدید ارتقا داد؛ الگویی که ضمن حفظ جایگاه خانواده، حق بنیادین کودک بر امنیت، کرامت و مصونیت از اضرار را در مرکز نظام حمایت قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: تحولات اجتماعی، حق کودک، اضرار، آموزه‌های اهل‌بیت(ع)، حمایت از کودک

حق کودک بر مشارکت هنری؛ چالش‌های حقوقی و اخلاقی کاربرد هوش مصنوعی مولد در تئاتر کودک و نوجوان

مریم احسان پور چیمه[۱]

چکیده: زمینه و هدف: تحولات شتابان هوش مصنوعی مولد، فرایند خلق و تولید آثار هنری را با دگرگونی بنیادین مواجه ساخته و تئاتر کودک و نوجوان نیز از این تحول مصون نمانده است. بهره‌گیری از سامانه‌های هوش مصنوعی مولد در نمایشنامه‌نویسی، طراحی شخصیت و صحنه، تولید محتوای دیداری و شنیداری و حتی تعاملی‌سازی اجراها، در کنار فرصت‌های نوین برای توسعه خلاقیت و دسترسی کودکان به فعالیت‌های هنری، مسائل جدیدی را در حوزه حقوق کودک ایجاد کرده است. هدف پژوهش حاضر، تبیین جایگاه «حق کودک بر مشارکت هنری» در فرایندهای هنری مبتنی بر هوش مصنوعی و شناسایی چالش‌های حقوقی و اخلاقی ناشی از کاربرد هوش مصنوعی مولد در تئاتر کودک و نوجوان است.

روش: این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده و با بهره‌گیری از مطالعه اسنادی و تحلیل هنجارهای حقوق بین‌الملل حقوق کودک، اصول ناظر بر حقوق فرهنگی و مشارکتی کودکان و ادبیات حقوقی و اخلاقی مرتبط با هوش مصنوعی، نسبت میان فناوری‌های مولد و مشارکت هنری کودکان را بررسی می‌کند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد هوش مصنوعی مولد در تئاتر کودک، از یک سو می‌تواند با کاهش موانع فنی و اقتصادی، زمینه مشارکت خلاقانه‌تر کودکان در فرایندهای هنری را فراهم آورد، اما از سوی دیگر، در فقدان سازوکارهای حمایتی مناسب، خطر تبدیل شدن کودک از «کنشگر و خالق هنری» به «موضوع داده‌ای» یا «مصرف‌کننده منفعل» را

---

۱. پژوهشگر هنر و مطالعات کودکان، با تمرکز بر هنرهای نمایشی

افزایش می‌دهد. مهم‌ترین چالش‌های شناسایی‌شده عبارت‌اند از: ابهام در تعیین حدود مالکیت و انتساب آثار مشارکتی کودک و هوش مصنوعی، پردازش و بهره‌برداری از داده‌ها و آثار کودکان، صیانت از حریم خصوصی و هویت دیجیتال آنان، امکان بازتولید سوگیری‌های الگوریتمی و کلیشه‌های فرهنگی، فقدان شفافیت در فرایند تولید محتوای مولد و دشواری تضمین رضایت و مشارکت آگاهانه کودک. همچنین، جایگزینی تدریجی تصمیم‌گیری انسانی و خلاقیت کودک با خروجی‌های الگوریتمی می‌تواند ماهیت مشارکت واقعی و مؤثر کودک در فرایند هنری را با چالش مواجه سازد.

نتایج: بر اساس نتایج پژوهش، حمایت مؤثر از حق کودک بر مشارکت هنری در عصر هوش مصنوعی مستلزم گذار از رویکرد صرفاً فناورانه به رویکردی «حقوق‌محور و کودک‌محور» است. در این رویکرد، استفاده از هوش مصنوعی مولد در تئاتر کودک باید تابع اصولی از قبیل رعایت عالی‌ترین منافع کودک، مشارکت مؤثر و متناسب با سن و رشد او، شفافیت الگوریتمی، حمایت از داده‌ها و حریم خصوصی، منع تبعیض و تضمین تمامیت و استقلال خلاقانه کودک باشد. از این منظر، هوش مصنوعی نباید جایگزین عاملیت هنری کودک تلقی شود، بلکه باید به‌عنوان ابزاری برای توسعه ظرفیت‌های خلاقانه و تحقق حق او بر مشارکت در حیات فرهنگی و هنری به کار گرفته شود. بر همین اساس، تدوین چارچوب‌های حقوقی و اخلاقی اختصاصی برای کاربرد هوش مصنوعی در هنرهای کودک و نوجوان، به‌ویژه تئاتر مشارکتی، ضرورتی فزاینده برای تضمین حقوق بنیادین کودکان در زیست‌بوم فرهنگی و دیجیتال جدید است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ حق مشارکت؛ حق بر حیات فرهنگی و هنری؛ هوش مصنوعی مولد؛ تئاتر کودک و نوجوان.

معیارهای شناسایی اماکن مورد استفاده کودکان به‌عنوان اهداف نظامی در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر مشارکت مؤثر در اقدام نظامی، مزیت نظامی مشخص و چالش تسلیحات خودمختار

رخساره وزیری گودرزی*[۱]، محمد عرب طاط[۲]، فاطمه زیبایی‌نژاد[۳]

چکیده: استفاده نظامی از اماکن مورد استفاده کودکان در جریان مخاصمات مسلحانه، یکی از مسائل پیچیده در زمینه حمایت از کودکان و رعایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. پرسش اصلی این است که آیا صرف استفاده نظامی از یک مکان یا قرار گرفتن آن در مجاورت یک هدف نظامی می‌تواند موجب از میان رفتن حمایت از آن و تبدیل شدنش به هدف نظامی شود؟ پاسخ به این پرسش، مستلزم توجه به معیارهای مقرر در حقوق بین‌الملل بشردوستانه و به‌ویژه احراز هم‌زمان مشارکت مؤثر در اقدام نظامی و مزیت نظامی مشخص است. پژوهش حاضر با هدف تبیین معیارهای شناسایی اماکن مورد استفاده کودکان به‌عنوان اهداف نظامی و بررسی حدود تأثیر این شناسایی بر حمایت از کودکان، این معیارها را در پرتو قواعد حقوق بشردوستانه، اسناد بین‌المللی، رویه قضایی و مواضع نهادهای بین‌المللی بررسی می‌کند و در ادامه، چالش‌های ناشی از استفاده از تسلیحات خودمختار در شناسایی و هدف‌گیری این اماکن را مورد توجه قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مجاورت با هدف نظامی، استفاده موقت یا کاربری دوگانه، بدون احراز شرایط لازم، به‌تنهایی موجب تغییر وضعیت حقوقی مکان نمی‌شود. همچنین، حتی در صورت احراز وصف هدف نظامی، رعایت اصل تناسب، اتخاذ

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم، قم، ایران
Email:rokhsarehvazirig@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران
۳. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه مفید، قم، ایران

احتیاطات لازم و حمایت ویژه از کودکان همچنان الزامی است. از این رو، نه ضرورت نظامی و نه خودکار شدن فرایند هدف‌گیری، نمی‌تواند مجوزی برای نادیده گرفتن حمایت‌های مقرر نسبت به کودکان باشد.

واژگان کلیدی: کودکان؛ مخاصمات مسلحانه؛ اهداف نظامی؛ اماکن غیرنظامی؛ مشارکت مؤثر در اقدام نظامی؛ مزیت نظامی مشخص

حقوق کودکان در تربیت جنسی توسط والدین

فاطمه منظمی*[۱]، فاطمه زمانی نژاد[۲]

چکیده: تربیت جنسی کودکان یکی از مباحث مهم تربیتی است که نقش والدین در آن، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر سلامت و عفت فرد دارد. با وجود تأکید روایات اهل‌بیت(ع) بر اهمیت آموزش صحیح جنسی و تبیین چارچوب دقیق فقهی-تربیتی این مهم در کتب فقهی دیده نمی‌شود. بیشتر خانواده‌ها چه متدین و غیر آن به تربیت جنسی به عنوان مسئولیت والدین نمی نگردند. یا بر این باورند فقه امامیه مسئولیتی فقهی برای والدین را بدون وجود راهکارهای منطقی بازنهاده است.در صورتی که فقه امامیه، تکلیف، حدود، زمان‌بندی و روش‌های تربیت جنسی کودک توسط والدین را تحلیل کرده‌است. پژوهش-حاضر با روش توصیفی-تحلیلی بیان می‌کند؛ والدین به‌عنوان مربیان نخست، مسئولیت شرعی آموزش جنسی متناسب با سن کودک را به عهده دارند. آموزش جنسی کودک صرف انتقال اطلاعات جنسی نیست؛ بلکه طیفی از آموزش‌های کلامی، رفتاری و محیطی را شامل می‌شود. در پژوهش حاضر الگوهای تربیتی با روش‌های مستقیم (تذکر و راهنمایی تعاملی در چارچوب حریم خانوادگی) و غیرمستقیم (ایجاد حریم و جداسازی اتاق خواب پسر و دخترو ...) به شکل جامعی مطابق منابع دینی بیان شده است.

واژگان کلیدی: تربیت جنسی، فقه امامیه، آموزش جنسی، تکلیف والدین

---

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا(س)، تهران، ایران

نقض اصل عدم تجاوز و پیامدهای روانی آن بر کودکان در جنگ: خوانشی روتباردی

سجاد غلامی[۱]

چکیده: جنگ سازمان‌یافته‌ترین شکل تجاوز جمعی است و کودکان را در برابر آسیب‌های روانی عمیق و ماندگار قرار می‌دهد. این مقاله با تکیه بر آرای مورای روتبارد، به‌ویژه دو مفهوم مالکیت نفس و اصل عدم تجاوز، می‌پرسد که پیامدهای روانی جنگ برای کودکان را چگونه می‌توان نتیجه نقض حقوق طبیعی آنان دانست و نه فقط رنجی فردی. روش پژوهش تحلیل مفهومی است و نظریه روتباردی را با یافته‌های تجربی روان‌شناسی جنگ کنار هم می‌گذارد. بر پایه این نظریه، کودک از لحظه تولد صاحب بالقوه نفس خویش است و والدین و قیم‌ها فقط امین او هستند. جنگ، که دولت‌ها آن را به راه می‌اندازند، این مالکیت را به‌شکلی ساختاری نقض می‌کند. شواهد تجربی از اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی، اضطراب و تغییر کورتیزول مو نشان می‌دهد این نقض در بدن و روان کودکان اثری قابل سنجش به جا می‌گذارد. نتیجه مقاله این است که حمایت واقعی از کودکان جنگ‌زده را نباید از نهادهای دولتی انتظار داشت که خود طرف جنگ‌اند؛ این حمایت از به‌رسمیت‌شناختن حق کودک بر مصونیت از تجاوز و حق گریز از مناطق جنگی می‌گذرد و بر نهادهای غیردولتی، بازار آزاد و جامعه مدنی تکیه دارد.

واژگان کلیدی: اصل عدم تجاوز، مالکیت نفس، حقوق کودک، پیامدهای روانی جنگ، مورای روتبارد.

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. Email:gholamisajjad56@ut.ac.ir

حق کودک بر سلامت روان در مخاصمات مسلحانه از منظر فقه امامیه

سعید احمدی[۱]

چکیده: کودکان به دلیل ویژگی‌های سنی و آسیب‌پذیری بیشتر، در شرایط جنگی در معرض آثار و پیامدهای گسترده‌ای قرار می‌گیرند که می‌تواند سلامت روانی و عاطفی آنان را تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به اهمیت سلامت روانی در دوران کودکی و وضعیت خاص کودکان در شرایط مخاصمه، تبیین جایگاه حمایت از سلامت روانی آنان از منظر فقه امامیه، مسئله اصلی این پژوهش است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی می‌کوشد با بررسی آیات قرآن کریم، روایات، سیره معصومان(ع)، حکم عقل، توجه به اهداف مشروع جنگ در اسلام و اصل حرمت ظلم، مبانی و مستندات لزوم حمایت از سلامت روانی کودکان در شرایط جنگی را تبیین کند. در این راستا، ضمن بررسی ادله ناظر به حمایت از کودکان در شرایط مخاصمه، دلالت و ظرفیت این ادله برای حمایت از ابعاد روانی و عاطفی کودک مورد تحلیل قرار می‌گیرد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حمایت از سلامت روانی کودکان در شرایط جنگی، از ظرفیت استنباط فقهی برخوردار است و نمی‌توان حمایت از کودک در شرایط مخاصمه را صرفاً به حفظ حیات و سلامت جسمانی وی محدود کرد. بر این اساس، توجه به سلامت روانی و عاطفی کودکان و اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری یا کاهش آسیب‌های روانی ناشی از جنگ، در چارچوب مبانی فقه امامیه قابل تبیین و استناد است.

واژگان کلیدی: کودک، سلامت روانی، جنگ، مخاصمات مسلحانه، حمایت از کودک، فقه امامیه

---

۱. پژوهشگر کارگروه فقه و حقوق کودک مرکز فقهی ائمه اطهار (ع)

نسبت‌سنجی نقش خانواده و حاکمیت در صیانت از حقوق کودک در فضای دیجیتال

ثمین اسماعیل زادیان[۱]

چکیده: گسترش زیست‌بوم دیجیتال و گذار کودک از محیط‌های سنتی به زیست دیجیتال، الگوی حمایت کلاسیک را دچار اختلال کرده و مخاطراتی از سنخ محتوایی، تماسی، رفتاری و تجاری پدید آورده است؛ مخاطراتی که به دلیل ماهیت ساختاری و الگوریتمی، از توان مراقبت سنتی خانواده فراتر می‌رود. پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی فقهی- حقوقی صیانت از حقوق کودک در فضای دیجیتال و تعیین مرز ولایت بر تربیت والدین در تلاقی با مسئولیت های حاکمیت انجام شده است. این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی به شیوه تحلیل محتوا به دنبال پاسخ به این پرسش است: وظایف خانواده و حاکمیت در صیانت از حقوق کودک در فضای دیجیتال چیست؟ تحلیل فقه امامیه و مواد قانونی نشان می‌دهد که ولایت و حضانت هم حق و هم تکلیف والدین است. بنابراین والدین مکلف‌اند بر پایه قواعدی چون لاضرر، رعایت غبطه مولی علیه و مصلحت کودک، نظارت متناسب و مصلحت‌محور بر زیست دیجیتال طفل اعمال کنند. حاکمیت نیز بر اساس نهاد حسبه و سیاست شرعیه موظف‌است با سالم‌سازی زیرساخت‌ها، الزام پلتفرم‌ها به رده‌بندی سنی، محدودسازی الگوریتم‌های مفسده‌زا و حمایت از حریم داده‌های کودک، نقش مکمل و توانمندساز خانواده را ایفا کند. یافته های پژوهش نشان می‌دهند صیانت از کودک در عصر دیجیتال نه با فردگرایی حقوق‌بشری و نه با مداخله حداکثری دولت محقق می‌شود؛ بلکه نیازمند مدلی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و حقوق خانواده دانشگاه امام صادق(ع)- پردیس خواهران، تهران، ایران Email: S.esmaeilzadian@isuw.ac.ir

شبکه‌ای از مسئولیت‌های متکامل است که در آن خانواده محور تربیت و دولت پشتیبان ساختاری باشد.

واژگان کلیدی: ولایت خانواده، نقش دولت، نهاد حسبه، صیانت از کودک، فضای دیجیتال.

بررسی نقض حق آموزش کودکان در حملات مسلحانه به مدارس

علی اکبر جعفری ندوشن[۱]

چکیده: حق بر آموزش از اساسی‌ترین حقوق کودکان است که زمینه رشد جسمی، ذهنی و اجتماعی ایشان را فراهم می‌کند. در ماده ۱۳ و نیز مواد ۲۸ تا ۳۰ و ۴۵ کنوانسیون حقوق کودک آشکارا به حق یادگیری، کسب اطلاعات، و آموزش اشاره شده و دولت‌ها ملزم به اتخاذ تدابیر مؤثر برای تحقق آن شده‌اند. افزون بر این، اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز صراحتاً آموزش و پرورش را حق همگانی و غیرقابل تفکیک دانسته است.حتی در شرایط بحرانی و جنگ نیز این حق نباید نقض شود. کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹) تأکید می‌کند که غیرنظامیان، به ویژه کودکان، باید مورد حمایت و مراقبت قرار گرفته و نیازهای آموزشی، فرهنگی و مذهبی آن‌ها تأمین شود (مواد ۲۴ و ۵۰).در مخاصمات مسلحانه، حمایت از بناهای آموزشی نه تنها یک الزام اخلاقی بلکه تکلیفی صریح مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. مدارس، مراکز علمی و سایر اماکن مرتبط با آموزش، حسب اصل تفکیک، جنبه‌ای کاملا غیرنظامی دارند. هرگونه حمله عمدی به این اماکن ممنوع و تخطی از آن، حسب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مصداق جنایت جنگی است.برابر بخش ب بند ۲ ماده ۸ اساسنامه رم:"حملات عمدی علیه اشیاء غیرنظامی که اهداف نظامی محسوب نمی‌شوند و همچنین ساختمان‌های اختصاص یافته به آموزش، دین، هنر، علم، امور خیریه، بیمارستان‌ها و اماکنی که بیماران و مجروحان در آن نگهداری می‌شوند، مشروط بر اینکه فاقد کاربرد نظامی باشند، جنایت جنگی تلقی می‌گردد."

---

۱. عضو هیات علمی دانشگاه یزد

مطابق حقوق بین‌الملل، محروم‌کردن عمدی کودکان از آموزش – به ویژه به صورت سازمان‌یافته یا گسترده– می‌تواند ذیل جنایت علیه بشریت یا جنایت جنگی ارزیابی شود. ماده ۷ و ۸ اساسنامه رم به روشنی محروم‌سازی عمدی کودکان از حقوق بنیادین را مصداق این جنایات دانسته است.کودکان به دلیل آسیب‌پذیری بیشتر، در معرض بالاتری از شکنندگی و تعرض قرار دارند. حضور کودک به عنوان قربانی در این نوع جرایم، موجب تشدید مسئولیت و حساسیت جامعه جهانی در فرآیند پاسخ‌گویی و مجازات مرتکبان است. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی حمله به مدارس را چه به صورت مستقیم و چه غیرمستقیم– یکی از «نقض‌های فاحش حقوق کودک» بر شمرده است.

آسیب های روانی وارده بر کودکان دخیل در فرایند دادرسی کیفری و ارائه راهکارهای پیشگیرانه

صادق صفری*[۱]، هادی عالی[۲]، نفیسه عرب زاده[۳]

چکیده: زمینه و هدف: امروزه بزهکاری و بزه‌دیدگی اطفال یکی از دغدغه‌های هر کشور و از جمله ایران است. اقتضائات دوران کودکی ایجاب می‌کند که نظام عدالت کیفری در خصوص اطفال و کودکان تدابیری متفاوت نسبت به بزرگسالان اتخاذ کند. رویکرد مقنن کیفری ایران در خصوص این مهم، عمدتاً متمرکز بر طفل بزهکار است و سایر کودکانی که به عنوان بزه دیده یا شاهد در فرایند دادرسی کیفری قرار می‌گیرند، کمتر مورد توجه و حمایت مقنن قرار گرفته‌اند که ضرورت دارد با توجه به آسیب‌هایی که ممکن است از فرایند رسیدگی به یک پرونده کیفری به کودکان وارد شود جلوگیری شود.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و از طریق جمع‌آوری مطالب با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. نگارندگان برای تشریح عینی موضوعات مورد بحث، با الهام از چندین پرونده کیفری به تحلیل موضوع پرداخته‌اند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل پژوهش، سعی شده است امانتداری علمی رعایت شده باشد.

یافته‌ها: مقنن کیفری ایران در مواد قانونی مختلف به حمایت از طفل و نوجوان بزهکار پرداخته است ولیکن از کودکانی که شاهدان جنگ یا رویدادهای آسیب

---

۱. دکتری حقوق جزا و جرمشناسی از دانشگاه فردوسی مشهد- بازپرس ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب مشهد- مدرس دانشگاه. Email: sadeghsafari13@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی - رئیس اداره مددکاری دادسرای عمومی و انقلاب مشهد- مدرس دانشگاه.

۳. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرمشناسی- وکیل پایه یک دادگستری.

زا بودند و در فرایند دادرسی کیفری به یک پرونده قرار می‌گیرند، کمتر مورد توجه مقنن بوده است. شواهد فراتحلیلی نشان می‌دهد که بزه‌دیدگی و مواجهه با رویدادهای تروماتیک در دوران کودکی با افزایش قابل توجه خطر اختلالات روانی همراه است و اختلال استرس پس از سانحه، افسردگی و اختلال استرس حاد از جمله آسیب‌های روانی وارده بر اطفال و نوجوانانی که بزه‌دیده یا شاهد وقوع یک جرم کیفری بودند، تلقی می‌شود که ضرورت دارد مورد توجه مقنن قرار گیرد.

نتیجه‌گیری: نویسندگان بر این موضوع نیز تأکید دارند که در کنار حمایت مقنن از اطفال بزهکار می‌بایست تدابیری برای طفل بزه‌دیده و شاهد رویداد جنایی نیز اندیشیده شود، چرا که یافته‌های علوم مختلف از جمله علم روانشناسی در کنار توصیه‌هایی که برای حمایت و نحوه برخورد با طفل بزهکار دارد به آن روی سکه‌ی جرم یعنی بزه‌دیده هم عنایت دارد و راهکارهای بسیار متنوعی برای کمتر شدن تأثیر بزه‌دیدگی بر روی طفل قربانی پیشنهاد می‌کند که شایسته است توسط مقنن مورد تأمّل قرار گیرد و برخی از آنها که در راستای تحقق سیاست جنایی برخورد با اطفال است، در قوانین ایران منعکس شود. نگارندگان در خاتمه پژوهش حاضر با اتکا به پیشنهاداتی از جمله اجرا و تقویت اقدامات مددکارانه در دادگستری؛ تأمین اعتبار لازم به جهت درمان روان شناختی جهت آسیب دیدگان؛ وضع قوانین با رویکرد حمایت از بزه دیدگان و شاهدان رویدادهای آسیب زا؛ آموزش روان شناختی برخی از علائم اختلالات شایع روانی به مقام قضایی به جهت شناسایی و ارجاع موراد مربوطه؛ تأکید می‌کنند که انعطاف پذیری و تغییر رویکرد اتخاذی مقنن و استفاده از یافته‌های علوم نوین همچون روانشناسی، پزشکی قانونی، علوم اجتماعی و... نه تنها برای مقنن ضعف محسوب نمی‌شود، بلکه آشکار می‌شود که مقنن بیش از گذشته دغدغه تحقق عدالت در زمینه اطفال و نوجوانان را دارد.

واژگان کلیدی: آسیب روانی- اختلال روانی- اطفال- نوجوانان، فرایند دادرسی.

تأثیر اضطرار اقلیمی بر حقوق بنیادین کودکان: مطالعه تطبیقی کنوانسیون حقوق کودک و رویه‌های نوین قضایی بین‌المللی

پریچهر قنبری*[۱]، محمدرضا رشنوادی[۲]

چکیده: زمینه و هدف: اضطرار اقلیمی، حمایت از حقوق حیات، سلامت و رشد کودکان را با مسائل فرامرزی و بین‌نسلی پیوند داده است. هدف پژوهش، تبیین ظرفیت کنوانسیون حقوق کودک و نقش نظرات مشورتی اخیر در روشن‌کردن تعهدات اقلیمی دولت‌ها و حدود دادخواهی برای کودکان است. روش: پژوهش با روش توصیفی–تحلیلی و مطالعه تطبیقی کیفی اسناد انجام می‌شود. مواد مرتبط کنوانسیون و تفسیر عمومی شماره ۲۶ با نظرات مشورتی دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در ۲۰۲۴، دیوان بین‌آمریکایی حقوق بشر و دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰۲۵ مقایسه می‌شوند. پیگیری نهادی نظر اخیر در قطعنامه ۲۶۳/۸۰/RES/A مجمع عمومی در ۲۰۲۶ نیز بررسی می‌شود. معیارهای مقایسه، مبنای تعهد، استاندارد مراقبت، حمایت بین‌نسلی و محدودیت‌های اجرا هستند. یافته‌ها: شناسایی انتشار انسان‌زاد گازهای گلخانه‌ای به‌عنوان آلودگی محیط‌زیست دریایی، تبیین حق بر اقلیم سالم در نظام بین‌آمریکایی و شناسایی وصف عام‌الشمول برخی تعهدات اقلیمی، ظرفیت استناد به حقوق موجود را تقویت کرده‌اند. بااین‌حال، نظر مشورتی با حکم ترافعی یکسان نیست؛ عام‌الشمول‌بودن تعهد نیز به‌خودی‌خود برای کودکان حق اقامه دعوا در همه محاکم ایجاد نمی‌کند. نتیجه‌گیری: تحول مورد مطالعه بیش از آنکه پیدایش ناگهانی تعهدات الزام‌آور باشد، تفسیر و تقویت تعهدات

۱. گروه حقوق و علوم انسانی دانشکده دختران ولی عصر تهران، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران. Email:ghparicheher@gmail.com

۲. دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشگاه قم، ایران

موجود است. «حق بر آینده زیست‌پذیر» در این پژوهش، چارچوبی تفسیری برای پیوند حقوق کودک و عدالت بین‌نسلی پیشنهاد می‌شود، نه حقی مستقل با قابلیت اجرای یکسان در همه نظام‌ها. تحقق حمایت مؤثر، به ارزیابی آثار اقلیمی بر کودکان، مشارکت آنان و سازوکارهای دادخواهی متناسب نیاز دارد.
واژگان کلیدی: اضطرار اقلیمی؛ حقوق بنیادین کودک؛ عدالت بین‌نسلی؛ نظرات مشورتی؛ کنوانسیون حقوق کودک

حریم خصوصی کودکان در عصر هوش مصنوعی: تعارض میان حق کودک بر حریم خصوصی و ضرورت نظارت والدین

علی جاوید[۱]، راضیه صابری*[۲]، علی صفاری[۳]

چکیده: گسترش هوش مصنوعی و ابزارهای مبتنی بر آن، شیوه تعامل، آموزش و مراقبت از کودکان را دستخوش تحول کرده است. در این میان، نظارت والدین بر فعالیت‌های دیجیتال کودکان، اگرچه برای پیشگیری از آسیب‌های سایبری و حمایت از امنیت آنان ضروری است، ممکن است با حق کودک بر حریم خصوصی، استقلال و رشد تدریجی شخصیت وی در تعارض قرار گیرد. هدف این پژوهش، تبیین حدود و مبانی تعارض میان حق کودک بر حریم خصوصی و ضرورت نظارت والدین در عصر هوش مصنوعی و ارائه چارچوبی متوازن برای حمایت از حقوق و امنیت کودکان است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. برای این منظور، اصول حقوق کودک، اسناد و مقررات مرتبط با حریم خصوصی، مبانی مسئولیت و اختیارات والدین و آثار فناوری‌های هوش مصنوعی بر زندگی دیجیتال کودکان بررسی و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که نظارت والدین، در صورت برخورداری از هدف مشروع و رعایت اصل تناسب، می‌تواند ابزاری برای حمایت از کودک باشد؛ با این حال، نظارت فراگیر، پنهان و بدون توجه به سن و میزان بلوغ کودک، می‌تواند به نقض حریم خصوصی و

۱. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران.

۲. گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: r.saberi@iau.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تضعیف استقلال وی منجر شود. همچنین، استفاده از هوش مصنوعی در پایش رفتار کودکان، به دلیل قابلیت جمع‌آوری، تحلیل و پیش‌بینی داده‌های شخصی، ضرورت رعایت اصول حداقل‌گرایی داده، شفافیت و امنیت را افزایش می‌دهد. حمایت مؤثر از کودک در عصر هوش مصنوعی مستلزم گذار از نظارت حداکثری به نظارت حمایتی، متناسب و تدریجی است؛ به‌گونه‌ای که امنیت کودک با حق وی بر حریم خصوصی و استقلال در حال رشد، همزمان مورد حمایت قرار گیرد.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی کودک، هوش مصنوعی، نظارت والدین، حقوق کودک، امنیت دیجیتال

حمایت کیفری از کودکان در برابر سوءاستفاده جنسی آنلاین در پرتو کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی

حمید پورعیسی*[۱]، آرزو تاجوک[۲]، سامان جوادپور[۳]

چکیده: توسعه شتابان فناوری‌های دیجیتال و گسترش دسترسی کودکان به فضای مجازی، بستر تازه‌ای برای شکل‌گیری یکی از نگران‌کننده‌ترین اشکال بزه‌دیدگی کودکان در عصر حاضر—سوءاستفاده جنسی آنلاین—فراهم آورده است. این پدیده، که طیفی از تولید و توزیع مواد سوءاستفاده جنسی از کودکان، فرآیندهای فریب و جلب اعتماد آنلاین(Online Grooming) ، و اخاذی جنسی مبتنی بر تهدید (Sextortion) را دربرمی‌گیرد، به‌دلیل ماهیت فرامرزی، سرعت انتشار و دشواری ردیابی در فضای دیجیتال، چالش‌های بی‌سابقه‌ای برای نظام‌های حقوقی ملی و بین‌المللی ایجاد کرده است.

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی مبانی نظری و جرم‌شناختی این پدیده، سازوکارهای حمایتی موجود در کنوانسیون حقوق کودک، پروتکل اختیاری مربوط به فروش کودکان و بهره‌کشی جنسی از آنان، کنوانسیون لانزاروت شورای اروپا و کنوانسیون بوداپست در خصوص جرایم سایبری می‌پردازد. همچنین رویکرد تطبیقی نظام‌های حقوقی ایران، فرانسه و انگلستان نسبت به این پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

---

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ مدرس دانشگاه، مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان حوزه قضایی تهران
Email:hp.tehran@gmail.com

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم توسعه چشمگیر اسناد هنجاری بین‌المللی، خلأهای جدی در حوزه همکاری فراسرزمینی، مسئولیت کیفری واسطه‌های دیجیتال، و تعادل میان حریم خصوصی رمزنگاری‌شده و ضرورت شناسایی محتوای مجرمانه همچنان باقی است. این پژوهش با ارائه پیشنهادهایی در راستای تقویت همکاری بین‌المللی و ارتقای نظام حمایتی پیشگیرانه، به بهبود چارچوب حقوقی موجود کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: سوءاستفاده جنسی آنلاین، کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، حقوق کیفری سایبری، بهره‌کشی جنسی دیجیتال

مسئولیت حقوقی هوش مصنوعی در غربالگری و تشخیص کم‌شنوایی کودکان

فاطمه عابدین[۱]

چکیده: زمینه و هدف: شنوایی، یکی از پیش‌شرط‌های اساسی رشد زبان، یادگیری، ارتباط اجتماعی و مشارکت مؤثر کودک در جامعه است و از این رو، برخورداری از امکان تشخیص به‌موقع اختلالات شنوایی را باید بخشی از حق کودک بر سلامت و رشد دانست. ورود هوش مصنوعی به فرایندهای غربالگری و تشخیص کم‌شنوایی کودکان، با افزایش سرعت تحلیل داده‌های شنوایی و تصاویر و ارتقای ظرفیت شناسایی الگوهای پنهان، چشم‌اندازهای تازه‌ای برای تشخیص زودهنگام فراهم کرده است؛ با این حال، اتکای فزاینده به تصمیم‌های الگوریتمی، پرسش‌های مهمی درباره عدالت تشخیصی، تبعیض، شفافیت و مسئولیت حقوقی ایجاد می‌کند. در مورد کودکان، پیامدهای خطای تشخیصی صرفاً به یک اشتباه پزشکی محدود نمی‌شود و می‌تواند با تأخیر در مداخله درمانی، اختلال در تکامل گفتار و زبان، افت تحصیلی و کاهش مشارکت اجتماعی همراه شود. پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه «حق کودک بر شنوایی» در نظام حقوق کودک و تعیین حدود مسئولیت حقوقی ناشی از کاربرد هوش مصنوعی در غربالگری و تشخیص اختلالات شنوایی کودکان انجام شده است.

روش: این پژوهش با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و روش تحلیل حقوقی انجام شده و ضمن بررسی اصول مندرج در کنوانسیون حقوق کودک، از جمله حق بر سلامت، حق بر رشد، اصل عدم تبعیض، مصلحت عالی کودک و احترام به ظرفیت‌های در حال تکامل، الزامات حقوقی حاکم بر کاربرد هوش مصنوعی در خدمات سلامت کودکان را تحلیل می‌کند. همچنین، با بهره‌گیری از اسناد و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با حقوق کودکان دارای معلولیت و حکمرانی

---

۱. متخصص گوش، حلق و بینی و جراحی سر و گردن

هوش مصنوعی در حوزه سلامت، ابعاد مسئولیت پزشک، مراکز درمانی و توسعه‌دهندگان سامانه‌های الگوریتمی بررسی شده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کاربرد هوش مصنوعی در تشخیص کم‌شنوایی، در کنار ظرفیت‌های قابل توجه برای تشخیص زودهنگام، ممکن است با خطای الگوریتمی، سوگیری داده‌ای و نابرابری در دقت تشخیص میان گروه‌های مختلف کودکان همراه شود. چنین خطاهایی در کودکان به دلیل آثار زنجیره‌ای و گاه برگشت‌ناپذیر تأخیر در تشخیص، واجد اهمیت مضاعف حقوقی است. همچنین، نمی‌توان مسئولیت ناشی از تصمیم تشخیصی را صرفاً به دلیل استفاده از یک سامانه هوشمند از پزشک سلب یا به ماشین منتقل کرد. ضرورت نظارت مؤثر انسانی، ارزیابی مستمر عملکرد الگوریتم، شفافیت در حدود قابلیت‌های سامانه و پیش‌بینی سازوکارهای مؤثر جبران خسارت، از الزامات اساسی استفاده مشروع از این فناوری در حوزه شنوایی کودکان است.

نتیجه‌گیری: بررسی انجام‌شده نشان می‌دهد که عدالت تشخیصی باید به عنوان یکی از مؤلفه‌های نوین حق کودک بر سلامت و شنوایی مورد شناسایی قرار گیرد. هوش مصنوعی تنها زمانی می‌تواند در خدمت حقوق کودک قرار گیرد که دقت فناورانه با برابری، عدم تبعیض، نظارت انسانی و پاسخگویی حقوقی همراه شود. از این منظر، مسئولیت حقوقی در غربالگری و تشخیص الگوریتمی کم‌شنوایی باید پیش از وقوع آسیب و از مرحله طراحی و اعتبارسنجی سامانه آغاز شود و تا مرحله تصمیم بالینی و جبران خسارت احتمالی استمرار یابد. در نهایت، هیچ الگوریتمی نباید به بهای از دست رفتن فرصت یک کودک برای شنیدن، سخن گفتن، یادگیری و مشارکت اجتماعی به کار گرفته شود.

واژگان کلیدی: حق بر سلامت؛ حق بر شنوایی؛ عدالت تشخیصی؛ هوش مصنوعی؛ کم‌شنوایی کودکان.

مسئولیت حقوقی ناشی از خطاهای الگوریتمی در تصمیمات درمانی مرتبط با کودکان

احمد امی*[۱]، هانیه محموزاده[۱]

چکیده: زمینه و هدف: ادغام هوش مصنوعی در پزشکی کودکان، چالش‌های نوینی در انتساب مسئولیت مدنی ناشی از خطاهای الگوریتمی ایجاد کرده است. هدف این پژوهش، تحلیل مبانی حقوقی انتساب ضمان و راهکارهای اثباتی و پیشگیرانه در مواجهه با آسیب‌های درمانی کودکان است.

روش: این پژوهش با رویکرد توصیفی‌تحلیلی و روش تطبیقی، به واکاوی مبانی فقه امامیه (قواعد اتلاف، غرور و لاضرر)، قوانین موضوعه ایران و اسناد بین‌المللی نظیر دستورالعمل‌های مسئولیت هوش مصنوعی در اتحادیه اروپا می‌پردازد.

ملاحظات اخلاقی: در نگارش این اثر، اصول امانت‌داری علمی، استناد دقیق به متون فقهی و حقوقی، صیانت از حقوق کودک و رعایت بی‌طرفی کامل علمی رعایت شده است.

یافته‌ها: قواعد سنتی مسئولیت مبتنی بر تقصیر، به دلیل پدیده «جعبه سیاه» و تعدد کنشگران (پزشک، مرکز درمانی و توسعه‌دهنده)، کارآمدی لازم را در جبران خسارت ندارند. کودکان به دلیل حساسیت‌های بیولوژیک، آسیب‌پذیری مضاعفی در برابر خطای سیستم‌های تصمیم‌یار بالینی دارند. از این‌رو، پذیرش مسئولیت بدون تقصیر و تعدیل بار اثبات به سود زیان‌دیده ضرورت دارد. همچنین، استناد به متادیتا و لاگ‌های سیستم به عنوان ادله الکترونیکی، نقش کلیدی در احراز سببیت ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری: با تکیه بر اصل مصلحت عالیه کودک و لزوم حفظ محرمانگی داده‌های زیستی، سیستم‌های حقوقی باید به سمت مسئولیت پیش‌فرض

۱. گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

توسعه‌دهندگان حرکت کنند. تحقق این امر مستلزم آموزش کادر درمان جهت رفع سوگیری اتوماسیون، ثبت الکترونیکی خطاها در چرخه‌ای پویا و استقرار فرهنگ گزارش‌دهی بدون تنبیه در نظام سلامت است.

واژگان کلیدی: خطای الگوریتمی، مسئولیت بدون تقصیر، مصلحت عالیه کودک، بار اثبات دعوا، داده‌های زیستی، حقوق پزشکی دیجیتال.

تحلیل جرم‌شناختی آثار جنگ بر سلامت روان کودکان و نقش عدالت ترمیمی در حمایت از آنان

حمید پورعیسی*[۱]، آرزو تاجوک[۲]، سامان جوادپور[۳]

چکیده: جنگ و مخاصمات مسلحانه، فراتر از آسیب‌های جسمی و فقدان مادی، آثار عمیق و پایداری بر سلامت روان کودکان برجای می‌گذارند که می‌تواند تا سال‌ها پس از پایان مخاصمه، الگوهای رفتاری، شناختی و اجتماعی کودک را تحت تأثیر قرار دهد. این آسیب‌های روانی، از منظر جرم‌شناسی، اهمیت مضاعفی می‌یابند؛ چرا که ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد میان تجربه ترومای دوران کودکی و بروز رفتارهای پرخطر یا بزهکارانه در بزرگ‌سالی، ارتباطی معنادار وجود دارد.

پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به بررسی مبانی نظری آثار روانی جنگ بر کودکان از منظر روان‌شناسی بالینی و جرم‌شناسی، تحلیل نظریه‌های جرم‌شناختی مرتبط با چرخه بین‌نسلی خشونت، و بررسی سازوکارهای حمایتی موجود در کنوانسیون حقوق کودک می‌پردازد. بخش محوری این پژوهش، بررسی ظرفیت رویکرد عدالت ترمیمی - در برابر رویکرد سنتی عدالت کیفری - در پاسخ‌گویی به نیازهای خاص کودکان آسیب‌دیده از جنگ است؛ رویکردی که در تجربه کمیسیون‌های حقیقت‌یاب سیرالئون و دادگاه‌های محلی رواندا (گاچاچا) مورد آزمون قرار گرفته است.

---

۱. دانشجوی دکتری تخصصی حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی؛ مدرس دانشگاه، مشاور دادگاه اطفال و نوجوانان حوزه قضایی تهران
Email:hp.tehran@gmail.com

۲. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد عدالت ترمیمی، به‌واسطه تمرکز بر ترمیم پیوندهای اجتماعی و بازسازی هویت کودک - در تقابل با رویکرد مجازات‌محور - ظرفیت بالاتری برای حمایت مؤثر از سلامت روان کودکان آسیب‌دیده از جنگ دارد؛ اما اجرای آن با چالش‌های جدی، از جمله کمبود منابع، تنش با اصل عدالت کیفری کلاسیک، و دشواری استانداردسازی در بافت‌های فرهنگی متفاوت، مواجه است.

واژگان کلیدی: سلامت روان کودکان، جنگ، جرم‌شناسی بالینی، عدالت ترمیمی، ترومای دوران کودکی

حمایت کیفری از سلامت روان کودکان در شبکه‌های اجتماعی: چالش‌ها و حدود مداخله در حقوق ایران

رباب فیاضی[۱]

چکیده: شبکه‌های اجتماعی، در کنار فرصت‌های آموزشی، ارتباطی و مشارکتی برای کودکان و نوجوانان، می‌توانند زمینه آزارگری سایبری، تهدید، تحقیر عمومی، افشای داده و تصاویر خصوصی، بهره‌کشی و باج‌گیری جنسی، مواجهه با محتوای مشوق خودآسیب‌رسانی و استفاده مسئله‌دار را فراهم کنند. این مخاطرات، حسب نوع، شدت، تکرار، گستره انتشار و وضعیت کودک، ممکن است به اضطراب، افسردگی، افت عزت‌نفس، اختلال خواب، انزوای اجتماعی و در موارد شدید، خودآسیب‌رسانی بینجامند. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از قوانین و مقررات ایران، اسناد بین‌المللی و منابع کتابخانه‌ای، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های مداخله کیفری در حمایت از سلامت روان کودکان در شبکه‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتارهای مشخص و واجد عناصر قانونی، از جمله تهدید، توهین، نشر اکاذیب، هتک حیثیت، افشای اسرار، انتشار تصویر یا فیلم خصوصی، دسترسی غیرمجاز به داده‌ها، بهره‌کشی جنسی از کودک و ارتباط‌گیری برخط با هدف آزار جنسی، حسب مورد می‌توانند مبنای مداخله کیفری باشند. در مقابل، استفاده طولانی‌مدت از شبکه‌های اجتماعی، تعارض‌های عادی میان همسالان، محتوای صرفاً نامناسب و آسیب‌های ناشی از مقایسه اجتماعی، مادام که رفتار مجرمانه مشخص، قصد لازم و خطر یا زیان جدی احراز نشود، باید عمدتاً با آموزش، مشاوره، حمایت خانوادگی و مدرسه‌ای، مددکاری، تنظیم‌گری پلتفرم‌ها و پاسخ‌های ترمیمی مواجه شوند. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل
Email:robabfayyazi@gmail.com

۱۳۹۹، قانون جرایم رایانه‌ای، قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری پاسخ‌هایی پراکنده ارائه می‌کنند؛ بااین‌حال، نبود نظام جامع حفاظت از داده‌های کودک، ابهام در تکالیف پلتفرم‌ها و ضعف سازوکارهای پیشگیرانه، حمایت مؤثر را محدود می‌سازد. نتیجه آن‌که کیفر باید آخرین ابزار و منحصر به رفتار عمدی، شدید، قابل انتساب و دارای خطر یا زیان قابل‌توجه باشد.

واژگان کلیدی: سلامت روان کودک؛ شبکه‌های اجتماعی؛ آزارگری سایبری؛ حمایت کیفری؛ سیاست جنایی.

چالش‌های حقوقی حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه

محمدصادق جعفری*[۱]، صادق تاری‌وری[۲]، محمدحسین صادقی[۳]

چکیده: **زمینه و هدف:** کودکان در مخاصمات مسلحانه از آسیب‌پذیرترین گروه‌ها هستند و بدون هیچ نقشی در آغاز یا تداوم جنگ، بیشترین آسیب را در حق حیات، آموزش، سلامت و امنیت خانوادگی متحمل می‌شوند. در مخاصمات معاصر، با گسترش درگیری‌های داخلی و حضور گسترده بازیگران مسلح غیردولتی، کودکان علاوه بر آسیب‌های غیرمستقیم، مستقیماً هدف حمله قرار می‌گیرند، به کودک‌سرباز تبدیل می‌شوند، ربوده می‌شوند و قربانی خشونت جنسی می‌گردند. با وجود چارچوب حقوقی بین‌المللی گسترده، شامل حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل‌های الحاقی آن، شکاف عمیقی میان این هنجارها و واقعیت‌های میدانی باقی مانده است.
روش‌کار: این پژوهش نظری با روش توصیفی-تحلیلی و از طریق گردآوری کتابخانه‌ای اسناد بین‌المللی، کتاب‌ها و مقالات حقوقی انجام شده است.
یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد نظام حقوقی موجود از نظر هنجارسازی نسبتاً غنی است، اما در مقام اجرا با چهار دسته چالش اصلی مواجه است: چالش‌های هنجاری و تفسیری، از جمله ابهام در تعریف مشارکت مستقیم در مخاصمات و تداخل حقوق بشردوستانه با حقوق بشر؛ چالش‌های اجرا و نظارت، به‌ویژه دشواری الزام بازیگران مسلح غیردولتی به رعایت این هنجارها؛ چالش‌های پاسخگویی و عدالت، شامل موانع پیگرد کیفری و تنش میان رویکردهای

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، ایران.
Email: mohammadjafari19901990@gmail.com
۲. قاضی دادگستری و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳.. دکتر حقوق جزا و جرم‌شناسی، قاضی دیوان عالی کشور، تهران، ایران.

کیفری و ترمیمی؛ و چالش‌های نوظهور، از جمله به‌کارگیری کودکان در فضای سایبری، آسیب‌های روانی-اجتماعی درازمدت و ابعاد جنسیتی نادیده‌گرفته‌شده.

ملاحظات اخلاقی: اصول امانت‌داری، صداقت علمی، استناددهی دقیق و اجتناب از جانبداری غیرعلمی رعایت شده است.

نتیجه‌گیری: حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه نباید به ممنوعیت‌های نظری محدود بماند، بلکه باید در قالب نظامی پیشگیرانه، حمایتی و ترمیمی دنبال شود که منع حقوقی، مسئولیت کیفری و تدابیر پس از بحران، از جمله بازتوانی روانی و بازگشت به آموزش را به هم پیوند دهد. تقویت ضمانت اجرا، جرم‌انگاری مؤثر و اولویت‌بخشی به منافع عالیه کودک، مهم‌ترین راه‌های کاهش آسیب جنگ بر کودکان است.

واژگان کلیدی:کودکان در مخاصمات مسلحانه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کودک‌سرباز، حمایت از کودکان، دیوان کیفری بین‌المللی، بازیگران مسلح غیردولتی.

مسئولیت حقوقی در زنجیره تصمیم گیری هوش مصنوعی در عملیات نظامی :تحلیل موردی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب

حسین مهدوی[۱]

چکیده: گسترش استفاده از هوش مصنوعی و سامانه‌های تصمیم‌یار مبتنی بر داده در عملیات نظامی، مسئله انتساب مسئولیت حقوقی ناشی از تصمیم‌های مبتنی بر این فناوری‌ها را با چالش‌های تازه‌ای مواجه کرده است .مسئله اصلی آن است که در صورت بروز خطا در داده، تحلیل یا خروجی الگوریتمی، مسئولیت حقوقی چگونه باید در زنجیره متشکل از طراحان، تهیه‌کنندگان و تحلیلگران اطلاعات، کاربران نظامی، فرماندهان و تصمیم‌گیرندگان نهایی تعیین شود .این پژوهش با هدف تبیین معیارهای انتساب مسئولیت حقوقی در چنین زنجیره‌ای و با تمرکز بر حمله به مدرسه شجره طیبه میناب انجام شده است . پژوهش حاضر از روش توصیفی ـ تحلیلی و مطالعه اسنادی بهره می‌گیرد و با تلفیق مباحث حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مسئولیت ناشی از هوش مصنوعی و مطالعات مرتبط با تصمیم‌گیری الگوریتمی، نقش عواملی همچون کیفیت و اعتبار داده‌ها، قابلیت پیش‌بینی خطا، میزان کنترل انسانی، امکان مداخله و توقف، سطح آگاهی تصمیم‌گیرندگان و قابلیت ردیابی فرآیند تصمیم‌گیری را بررسی می‌کند .یافته‌ها نشان می‌دهد که خطای الگوریتمی به‌تنهایی موجب انتقال یا حذف مسئولیت انسانی نمی‌شود .در مقابل، هنگامی که خطا یا محدودیت سامانه قابل پیش‌بینی بوده و با وجود امکان بررسی، اصلاح یا توقف، نظارت انسانی مؤثر اعمال نشده باشد، ارزیابی مسئولیت باید از عملکرد فنی سامانه به رفتار کنشگران انسانی و نهادی بازگردد .مطالعه موردی میناب نیز اهمیت اطلاعات منسوخ، راستی‌آزمایی ناکافی و ضعف احتمالی در فرآیند نظارت

۱. کارآموز وکالت، مرکز وکلا، کارشناسان رسمی ومشاوران خانواده قوه قضائیه
Email:hosmahdavi784@gmail.com

را نشان می‌دهد؛ هرچند نقش قطعی یک سامانه هوش مصنوعی مشخص در انتخاب مدرسه، بر اساس شواهد عمومی موجود، قابل اثبات نیست .در نتیجه، چارچوب مناسب مسئولیت در عملیات نظامی مبتنی بر هوش مصنوعی، نه بر مسئولیت‌پذیری مستقل ماشین، بلکه بر شناسایی دقیق نقش، کنترل، آگاهی، پیش‌بینی‌پذیری و امکان پیشگیری هر یک از عوامل انسانی در زنجیره تصمیم گیری استوار است.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی؛ مسئولیت حقوقی؛ عملیات نظامی؛ حقوق بین الملل بشردوستانه؛ حمله به مدرسه میناب

حقوق کودک و عدالت آموزشی الزامات تحقق فرصت‌های برابر یادگیری در تحولات اجتماعی معاصر

مهسا رضازاده مقدم چماچایی[۱]، صغرا علی‌آبادی*[۲]،
زهرا نودهی[۳]، نازیلا سلیمی[۴]

چکیده: هدف از این پژوهش، واکاوی پیوند بنیادین میان حقوق کودک و عدالت آموزشی در بستر دگرگونی‌های پرشتاب اجتماعی معاصر است. در جهان امروز، که نابرابری‌های اقتصادی، فرهنگی و فناورانه مرزهای فرصت‌های یادگیری را بازتعریف می‌کنند، پرسش از چگونگی تحقق فرصت‌های برابر آموزشی به یکی از جدی‌ترین دغدغه‌های حقوقی و تربیتی بدل شده است. این جستار، با تکیه بر اسناد بین‌المللی حقوق کودک و مبانی عدالت تربیتی، نخست مفهوم برابری فرصت را از منظر حق بنیادین کودک بر یادگیری تبیین می‌کند و سپس موانع ساختاری، خانوادگی و مدرسه‌ای را که در عمل این حق را فرو می‌کاهند، به بحث می‌گذارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عدالت آموزشی تنها با تضمین دسترسی صوری به مدرسه محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند بازتوزیع منابع، شناسایی تفاوت‌های فردی و فرهنگی، و توانمندسازی کودکان به‌عنوان صاحبان حق است. در ادامه، نقش تحولات اجتماعی معاصر همچون گسترش فناوری اطلاعات، تغییر ساختار خانواده، مهاجرت‌های گسترده و بحران‌های اقتصادی بر نابرابری‌های آموزشی بررسی می‌شود. سپس الزامات عملی تحقق فرصت‌های برابر، از جمله اصلاح سیاست‌گذاری، تربیت

۱. کارشناسی ارشد، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران
۲. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۳. کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکز، ایران
۴. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران غرب، ایران

معلمان عدالت‌محور، مشارکت خانواده و جامعه، و طراحی برنامه‌های جبرانی، پیشنهاد می‌گردد. نتیجه آنکه عدالت آموزشی بدون پذیرش کودک به‌عنوان سوژه‌ای صاحب حق و بدون هم‌آوایی سیاست، فرهنگ و تربیت، آرمانی ناتمام خواهد ماند. این پژوهش با رویکردی تحلیلی و اسنادی می‌کوشد چارچوبی نظری برای اقدام عملی فراهم آورد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، عدالت آموزشی، فرصت‌های برابر، تحولات اجتماعی، برابری یادگیری

حمایت از کودکان و مدارس در مخاصمات مسلحانه؛ تحلیل انتقادی تعهدات حقوق بشردوستانه و مسئولیت بین‌المللی؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب

محسن حمیدی پور[۱]

چکیده: کودکان در مخاصمات مسلحانه، علاوه بر برخورداری از حمایت عمومی ناشی از وضعیت غیرنظامی، به دلیل آسیب‌پذیری خاص خود از حمایت‌های ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر نیز برخوردارند. مدارس نیز از یک‌سو اصولاً در زمره اشیای غیرنظامی قرار می‌گیرند و از سوی دیگر، محیط تحقق حق آموزش و رشد جسمی، روانی و اجتماعی کودکان محسوب می‌شوند. مسئله پژوهش حاضر آن است که قواعد موجود تا چه اندازه توانایی ایجاد حمایت مؤثر مادی و معنوی از کودکان و مدارس در مخاصمات مسلحانه را دارند و این قواعد در مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب چگونه قابل ارزیابی است. پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد انتقادی، ضمن بررسی اصول تفکیک، تناسب و احتیاط، وضعیت حقوقی مدارس، حمایت ویژه از کودکان، مسئولیت بین‌المللی دولت، مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت فرماندهی، به بررسی شکاف میان حمایت هنجاری و حمایت عملی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نظام حقوقی موجود از حیث هنجاری، قواعد نسبتاً گسترده‌ای برای حمایت از کودکان و مؤسسات آموزشی ایجاد کرده است؛ بااین‌حال، ضعف در سازوکارهای پیشگیرانه، راستی‌آزمایی اهداف، به‌روزرسانی اطلاعات هدف‌گیری، تحقیق مستقل و جبران خسارت کودک‌محور، از عوامل محدودکننده کارآمدی این قواعد است. در مطالعه موردی میناب نیز تحلیل حقوقی نباید صرفاً بر محل اصابت و نتیجه حمله

۱. فارغ التحصیل دکتری حقوق جزا و جر مشناسی دانشگاه تهران ، ایران.
Email:Mohsenhamidipour72@gmail.com

متمرکز باشد، بلکه باید فرایند تعیین هدف، کیفیت اطلاعات، ارزیابی تناسب، اقدامات احتیاطی و زنجیره تصمیم‌گیری را نیز در برگیرد. بر این اساس، حمایت مؤثر از کودکان در مخاصمات مستلزم گذار از رویکرد صرفاً پسینی به‌سوی نظامی پیشگیرانه، کودک‌محور و مبتنی بر پاسخگویی است.

واژگان کلیدی :حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق کودک، مخاصمات مسلحانه، مدارس، مسئولیت بین‌المللی، جنایت جنگی، حق آموزش.

تحلیل ابعاد حقوقی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب با تأکید بر حمایت کیفری از کودکان و حمایت از اماکن آموزشی در پرتو حقوق کودک

سام آژند*[۱]، مسلم قاضی پور[۲]

چکیده: حمایت از کودکان در مخاصمات مسلحانه، به دلیل آسیب‌پذیری ویژه آنان، از الزامات اساسی حقوق کودک و حقوق بین‌الملل بشردوستانه است و علاوه بر حمایت از حق حیات و تمامیت جسمانی و روانی، مصونیت محیط‌های آموزشی را نیز دربرمی‌گیرد. حمله ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ به مدرسه شجره طیبه میناب و شهادت و مجروح‌شدن شماری از دانش‌آموزان و افراد حاضر در محل، ضرورت بررسی ابعاد حقوقی حمایت از کودکان و اماکن آموزشی و مسئولیت ناشی از چنین حوادثی را آشکار کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای، با بررسی کنوانسیون حقوق کودک، پروتکل‌های الحاقی کنوانسیون‌های ژنو، قواعد عرفی حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اساسنامه رم، قوانین کیفری ایران و منابع و گزارش‌های مرتبط با حادثه میناب انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که کودکان در مخاصمات مسلحانه، علاوه بر برخورداری از حمایت عمومی از غیرنظامیان، از حمایت‌های ویژه حقوق کودک نیز برخوردارند و اماکن آموزشی نیز مشمول حمایت‌های حقوق بشردوستانه قرار دارند. در حقوق ایران، ظرفیت‌هایی برای حمایت کیفری از کودکان وجود دارد، اما حمایت منسجم از اماکن آموزشی در بستر مخاصمات مسلحانه نیازمند تقویت تقنینی است. در نتیجه، حمایت مؤثر از کودکان و اماکن آموزشی مستلزم پیوند میان حقوق کودک، حقوق بشردوستانه و مسئولیت کیفری و نیز

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران،ایران
Email: samazhand@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد حقوق کیفری وجرم شناسی،موسسه آموزش عالی دانا یاسوج،ایران

تضمین سازوکارهای مؤثر برای پیشگیری، تحقیق، پاسخگویی، جبران خسارت و بازتوانی کودکان و خانواده‌های آنان است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، مدرسه میناب، اماکن آموزشی، حقوق بشردوستانه، مسئولیت کیفری، جنایت جنگی

الزام به ثبت رسمی معاملات مرتبط با اموال کودک و نوجوان در پرتو مصلحت طفل

مائده لطفی[۱]

چکیده: هدف پژوهش حاضر، تبیین ماهیت و آثار الزام به ثبت رسمی معاملات مرتبط با اموال کودک و نوجوان با تأکید بر نقش مصلحت طفل و تعیین جایگاه آن در فرآیند اعمال اختیار نماینده قانونی و ثبت رسمی معاملات بود. پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌های ثبتی، نظریات مشورتی و رویه قضایی انجام گرفت. پژوهش نشان داد که الزام به ثبت رسمی، صرفاً یک تشریفات شکلی برای تثبیت معامله نبود، بلکه در کنار قواعد ولایت و نمایندگی و الزام به رعایت غبطه و مصلحت طفل، واجد کارکرد کنترلی و حمایتی نیز بود؛ با این حال، ثبت رسمی به‌تنهایی دلالتی بر رعایت مصلحت طفل یا مشروعیت اقدام نماینده نداشت و باید از اعتبار ماهوی معامله، حدود اختیار نماینده و قابلیت ثبت آن تفکیک می‌شد. یافته‌ها حاکی از آن بود که ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده، مصلحت طفل را به معیار مؤثر در اعمال اختیارات قانونی تبدیل کرده و در معاملات اموال غیرمنقول، این معیار باید در کنار الزامات مقرر در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول و آیین‌نامه اجرایی آن مورد توجه قرار گیرد. همچنین تحلیل نظریه مشورتی شماره ۲۸/۱۴۰۴/۷ مورخ ۱۷/۰۸/۱۴۰۴ اداره کل حقوقی قوه قضاییه آشکار ساخت که در موارد مرتبط با رعایت مصالح کودک و نوجوان، ثبت عمل حقوقی از طریق قراردادهای یکسان کافی نبود و اقدام مستقیم از طریق دفاتر اسناد رسمی ضرورت می‌یافت؛ امری که امکان کنترل قانونی معامله و احراز موانع ثبتی را تقویت می‌کرد. در عین حال، تشخیص ماهوی اختلاف درباره

۱. گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رعایت مصلحت و رفع موانع حقوقی، همچنان در موارد مقتضی در صلاحیت مراجع قضایی باقی می‌ماند. در نهایت، پژوهش نتیجه گرفت که حمایت مؤثر از اموال طفل مستلزم تفکیک ضمانت اجرای عدم ثبت رسمی از آثار معامله مغایر با مصلحت و ایجاد هماهنگی میان قواعد ولایت، حمایت از طفل و نظام ثبت رسمی بود.

واژگان کلیدی: ثبت رسمی معاملات؛ اموال کودک و نوجوان؛ مصلحت طفل؛ حمایت از حقوق کودک.

تعقیب آمران و مباشران جنایت مدرسه شجره طیبه در دیوان کیفری بین‌المللی

پیمان نمامیان[۱]

چکیده: زمینه و هدف: حقوق بشردوستانه بین‌المللی بر ضرورت مصونیت اماکن غیرنظامی و حفاظت از خردسالان در مخاصمات تأکید می‌ورزد. پژوهش حاضر با اتکا بر قواعد تفکیک و تناسب، امکان‌سنجی تعقیب و محاکمه آمران و مباشران حمله به مدرسه «شجره طیبه» را در دیوان کیفری بین‌المللی ارزیابی می‌کند. هدف این پژوهش، واکاوی ظرفیت‌های حقوقی برای مقابله با بی‌کیفری و انتساب مسئولیت کیفری به آمران و مباشران این واقعه در مراجع قضایی بین‌المللی است.

روش: این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی و اتخاذ رویکردی هنجارپژوهانه، به تبیین ظرفیت‌های حقوقی مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی و مصوبات شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌پردازد. تمرکز اصلی تحلیل‌ها، انطباق ارکان جنایت صورت‌گرفته علیه مدرسه شجره طیبه با موازین اساسنامه رُم است تا از این طریق، امکان تعقیب و محاکمه آمران و مباشران این واقعه در دیوان کیفری بین‌المللی با دقت قضایی سنجیده شود.

یافته‌ها: هدف‌گیری عامدانه تأسیسات آموزشی واجد مصونیت، وفق ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آشکارا در زمره جنایات جنگی قرار می‌گیرد. سنجش ادله در پرتو ارکان جرم حاکی از آن است که نادیده‌انگاری اصل ضرورت، احراز قصد مجرمانه و نقض تعهدات حمایتی، مبانی صلاحیت ذاتی و موضوعی دیوان را محقق می‌سازد؛ امری که تعقیب قضایی فرماندهان و مجریان حمله به مدرسه شجره طیبه را وفق اصل صلاحیت تکمیلی توجیه‌پذیر می‌نماید.

---

۱. دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران Email:p-namamian@araku.ac.ir

نتیجه‌گیری: تعقیب قضایی آمران و مباشران حمله به مدرسه «شجره طیبه» در دیوان کیفری بین‌المللی، تنها یک ابزار دادرسی ساده نیست، بلکه راهبردی بنیادین برای پایان‌بخشی به فرهنگ بی‌کیفری و احیای عدالت برای آسیب‌دیدگان است. این اقدام حقوقی با شکستن سد مصونیت مرتکبان، ظرفیت‌های اسنادی اساسنامه رُم را برای تحقق مسئولیت کیفری بین‌المللی به کار می‌گیرد. در واقع، دادرسی این پرونده به‌مثابه الگویی برای پاسداری از نظام حقوقی بین‌المللی در قبال نقض‌های فاحش حقوق بشر و استقرار عدالت کیفری در قبال جنایات جنگی واجد اهمیت راهبردی است.

واژگان کلیدی: دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، جنایات جنگی، مدرسه شجره طیبه، اصل تفکیک (یا مصونیت اماکن غیرنظامی).

چالش‌های حمایت از حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه در پرتو حقوق بین الملل بشر دوستانه

فاطمه خلیلی[۱]

چکیده: حق آموزش از حقوق بنیادین کودکان است که در اسناد بین‌المللی شناسایی شده و در شرایط مخاصمات مسلحانه، از رهگذر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز مورد حمایت قرار می‌گیرد. بااین‌حال، مخاصمات مسلحانه با ایجاد ناامنی و آسیب به زیرساخت‌های غیرنظامی، دسترسی کودکان به آموزش و استمرار فرایند تحصیل را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. حمله به مدارس و مراکز آموزشی، استفاده نظامی از اماکن آموزشی، تخریب زیرساخت‌های آموزشی، آوارگی و اختلال در فرایند آموزش از مهم‌ترین عواملی هستند که این حق را در معرض تهدید قرار می‌دهند. پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های حمایت از حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه و تحلیل ظرفیت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه در حمایت از این حق انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی _ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، قواعد و اصول حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اسناد و معاهدات بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک و حق آموزش، اسناد و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و منابع علمی فارسی و انگلیسی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه، از جمله اصل تفکیک، تناسب و احتیاط در حملات، در کنار حمایت ویژه از کودکان و حمایت از اشخاص و اموال غیرنظامی، ظرفیت قابل توجهی برای حمایت از محیط‌های آموزشی در جریان مخاصمات مسلحانه فراهم می‌کنند. بااین‌حال، حملات علیه اماکن

۱. کارشناسی حقوق دانشگاه هدف ساری

Email:Khalilifatemeh2080@gmail.com

آموزشی، استفاده نظامی از مدارس، آوارگی کودکان و اختلال در زیرساخت‌های آموزشی، همراه با دشواری نظارت و اجرای قواعد، موجب ایجاد شکاف میان حمایت حقوقی و حمایت عملی از حق آموزش شده است. حمایت مؤثر از حق آموزش کودکان در مخاصمات مسلحانه مستلزم اجرای مؤثر قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه، تقویت سازوکارهای پیشگیری، نظارت و پاسخ‌گویی، و اتخاذ تدابیر لازم برای حفاظت از اماکن آموزشی و تضمین تداوم آموزش در شرایط اضطراری است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، حق بر آموزش، مخاصمات مسلحانه، حقوق بین الملل بشر دوستانه

حق دسترسی کودک به دارو و درمان در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران از تعهدات جهانی تا چالش‌های اجرایی

پریناز ممیز[۱]

چکیده: زمینه و هدف :حق دسترسی به دارو و درمان از ارکان بنیادین حق بر سلامت به شمار می‌رود .آنچه این حق را در مورد کودکان متمایز می‌سازد، آسیب‌پذیری مضاعف آنان در ساحت‌های جسمی، روانی و اجتماعی است که حمایت ویژه‌ای را در نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی ضروری می‌سازد. نوشتار حاضر می‌کوشد جایگاه حق دسترسی کودک به دارو و درمان را در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی ایران بکاود و موانع اجرایی تحقق آن را آشکار سازد.

روش :این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد بین‌المللی، قوانین داخلی و پژوهش‌های مرتبط سامان یافته است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه اسناد و مدارک حقوقی گردآوری و تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها :کنوانسیون حقوق کودک، به‌ویژه ماده ۲۴، و تفسیر عمومی شماره ۱۵ کمیته حقوق کودک، دولت‌ها را به تأمین بالاترین سطح سلامت، دسترسی به داروهای اساسی، مراقبت‌های اولیه و خدمات تخصصی برای کودکان مکلف کرده‌اند. در حقوق داخلی ایران نیز اصول ۲۹، ۳، ۲۰ و ۲۱ قانون اساسی و قوانینی مانند قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، تعهداتی را برای دولت در این زمینه پدید آورده‌اند. با این حال، کمبود داروهای کودکانه، نبود فرمولاسیون‌های مناسب، هزینه‌های بالا، ضعف پوشش بیمه‌ای، تأخیر در دسترسی به داروهای نوین، تحریم‌های اقتصادی و نابرابری در توزیع جغرافیایی، از مهم‌ترین چالش‌های اجرایی محسوب می‌شوند.

۱. کارشناسی ارشد حقوق پزشکی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران.
Email:parinaz.m0077@gmail.com

نتیجه‌گیری :تحقق کامل حق دسترسی کودک به دارو و درمان، نیازمند تدوین قانون جامع سلامت کودک، تقویت نظام بیمه‌ای، افزایش شفافیت در زنجیره تأمین دارو، حمایت هدفمند از کودکان آسیب‌پذیر، توسعه تولید داخلی داروهای کودکانه و هماهنگی بیشتر با اسناد بین‌المللی است.

واژگان کلیدی :حقوق کودک، حق بر سلامت، دسترسی به دارو، کنوانسیون حقوق کودک، حقوق داخلی ایران.

مصلحت کودک و حدود ولایت والدین؛ بازخوانی فقهی ـ حقوقی مفهوم مصلحت عالیه کودک

محمد حسن زرین اقبال[۱]

چکیده: مصلحت عالیه کودک از مهم‌ترین معیارهای حمایت از حقوق کودک است، اما تحقق آن در محیط خانواده با مسئله مهم تعیین حدود اختیار والدین مواجه می‌شود. ولایت والدین از یک سو برای حمایت، تربیت و تأمین منافع کودک ضرورت دارد و از سوی دیگر، در صورت فقدان معیارهای روشن، ممکن است در مواردی با حقوق و منافع اساسی کودک تعارض پیدا کند. مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین جایگاه مصلحت کودک در تحدید ولایت والدین و شناسایی معیارهای فقهی ـ حقوقی تشخیص مصلحت عالیه کودک است. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد فقهی ـ حقوقی انجام شده است. داده‌ها با استفاده از منابع فقه امامیه، منابع حقوقی ایران و منابع معتبر حقوق کودک گردآوری و با تحلیل مفهومی و تطبیقی بررسی شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ولایت والدین را نمی‌توان اختیار مطلق و منفک از مسئولیت نسبت به کودک دانست؛ بلکه مشروعیت و نحوه اعمال آن با غایت حمایتی ولایت و رعایت مصلحت کودک ارتباط دارد. بر این اساس، مصلحت عالیه کودک باید بر پایه مجموعه‌ای از معیارهای عینی از جمله حفظ سلامت و امنیت، صیانت از کرامت و حقوق بنیادین، تأمین رشد جسمانی و روانی، ثبات خانوادگی، توجه به نظر کودک متناسب با سن و میزان رشد و ارزیابی پیامدهای تصمیم تعیین شود. مصلحت عالیه کودک می‌تواند به‌عنوان معیار غایی اعمال ولایت و مبنای تحدید آن در موارد تعارض جدی با حقوق و منافع کودک عمل کند. با این حال، حمایت از مصلحت کودک مستلزم نفی ولایت

---

۱. پژوهشگر فقه و حقوق اسلامی Email: zarrineghbal.hasan@gmail.com

والدین نیست؛ بلکه اقتضای آن، حرکت از «ولایت مطلق» به سوی «ولایت مسئولانه و مصلحت‌محور» و اعمال مداخله حمایتی حاکمیت بر اساس ضرورت، تناسب و ارزیابی موردی است.

واژگان کلیدی: مصلحت عالیه کودک؛ ولایت والدین؛ ولایت قهری؛ حقوق کودک؛ مصلحت کودک

حقوق کودک در بستر تحولات اجتماعی: ضرورت بازاندیشی در نظام‌های حقوقی

محمد طاعتی سرشکه[۱]

چکیده: حقوق کودک در تلاقی جهان‌شمولی هنجارهای بین‌المللی و بافتارهای متحول اجتماعی با پرسشی بنیادین روبه‌روست: نظام‌های حقوقی چگونه می‌توانند میان تعهدات جهان‌شمول و واقعیت‌های نوپدید، پلی کارآمد برقرار کنند؟ پژوهش حاضر با تمرکز بر نظام حقوقی ایران و با نگاهی تطبیقی به کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و اسناد الحاقی، دو تحول کلیدی—انقلاب دیجیتال و تغییر ساختار خانواده—را کانون تحلیل قرار می‌دهد و این فرضیه را می‌آزماید که پارادایم حمایتی سنتی، با تلقی کودک به‌عنوان «موضوع» حمایت، در مواجهه با آسیب‌های شبکه‌ای، فرامرزی و پویا ناکارآمد است. روش پژوهش، کیفی و از حیث هدف بنیادی-کاربردی است و با ترکیبی از روش تحلیلی-توصیفی، تطبیقی و مطالعه موردی کیفی چندگانه، داده‌ها را در سه سطح هنجاری، نهادی و اجرایی سازمان می‌دهد. جامعه اسنادی شامل قوانین و مقررات ایران، رویه قضایی دادگاه‌های خانواده و اطفال، کنوانسیون حقوق کودک و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که تنها ۳۰٪ از ۲۳ سند بررسی‌شده به فضای مجازی اشاره دارند و هیچ‌یک به‌طور جامع حقوق دیجیتال کودک را تنظیم نکرده‌اند؛ در ۷۳٪ از ۴۵ پرونده قضایی، رویکرد حمایتی منفعلانه غالب است؛ در کمتر از ۵٪ موارد، دیدگاه کودک استماع شده است؛ ۲۵٪ خانواده‌ها تک‌والدی یا ترکیبی‌اند و قوانین حضانت، نفقه و تابعیت همچنان مبتنی بر الگوی خانواده سنتی است. این شکاف، نه

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، موسسه آموزش عالی احرار، رشت، ایران Email:lawyer.taati@gmail.com

نقصی جزئی در اجرا، بلکه نشانه ناکافی بودن مبانی پارادایمی است. نوآوری پژوهش، ارائه مدل «تاب‌آوری حقوق‌بنیاد» به‌عنوان بدیل پارادایمی است که با سه مؤلفه فعال‌سازی، حفظ و احیا، و در پنج بُعد فردی، خانوادگی، نهادی، اجتماعی و دیجیتال، و پنج شاخص دسترسی به عدالت، سواد حقوقی، حمایت شبکه‌ای، مشارکت و امنیت دیجیتال، حقوق کودک را از وضعیت «حمایت‌شونده» به موقعیت «هم‌سازنده» نظام حقوقی ارتقا می‌دهد و بستر نظری-اجرایی مناسب برای بازاندیشی در نظام حقوقی ایران فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ تاب‌آوری حقوق‌بنیاد؛ شکاف هنجاری-اجرایی؛ حکمرانی چندسطحی؛ نظام حقوقی ایران.

چالش‌های حقوقی حفاظت از هویت دیجیتال کودکان در عصر هوش مصنوعی مولد

خلیل اله احمدوند*[۱]، نگین نجفی[۲]

چکیده: گسترش سریع هوش مصنوعی مولد، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در زمینه حقوق کودکان و حفاظت از هویت دیجیتال آنان ایجاد کرده است. جمع‌آوری گسترده داده‌های شخصی، پردازش هوشمند اطلاعات، فناوری‌های دیپ‌فیک، تصمیم‌گیری الگوریتمی و افزایش تعامل کودکان با محیط‌های دیجیتال، ضرورت بازنگری در چارچوب‌های حقوقی و سیاست‌های حمایتی را دوچندان ساخته است. هدف این پژوهش، بررسی چالش‌های حقوقی حفاظت از هویت دیجیتال کودکان در عصر هوش مصنوعی مولد و تبیین راهکارهای حقوقی و سیاست‌گذاری برای حمایت مؤثر از حقوق آنان است. این پژوهش از نوع مروری ـ توصیفی است و داده‌های آن از طریق مطالعه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای، مقالات علمی، اسناد بین‌المللی، قوانین و مقررات مرتبط و گزارش‌های معتبر داخلی و خارجی گردآوری شده است. پس از جستجو در پایگاه‌های علمی فارسی و بین‌المللی، منابع منتخب با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بررسی و تحلیل شدند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مهم‌ترین چالش‌های حقوقی شامل نقض حریم خصوصی، پردازش گسترده داده‌های شخصی کودکان، جعل هویت از طریق فناوری‌های دیپ‌فیک، نبود شفافیت در تصمیم‌گیری الگوریتمی و فقدان قوانین اختصاصی درباره هوش مصنوعی مولد است. همچنین بررسی اسناد بین‌المللی بیانگر آن است که کنوانسیون حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۲۵، مقررات عمومی حفاظت از داده‌های اتحادیه اروپا (GDPR) و توصیه‌نامه اخلاق هوش مصنوعی یونسکو، مهم‌ترین

۱. هیأت علمی دانشگاه رازی، کرمانشاه Email:ahmadvand@razi.ac.ir
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه رازی

چارچوب‌های حقوقی حمایت از کودکان در محیط دیجیتال را تشکیل می‌دهند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حفاظت مؤثر از هویت دیجیتال کودکان مستلزم اصلاح قوانین، تقویت مسئولیت‌پذیری شرکت‌های فناوری، طراحی سامانه‌های هوش مصنوعی مبتنی بر حریم خصوصی، ارتقای سواد حقوقی و دیجیتال و توسعه همکاری‌های ملی و بین‌المللی است.

واژگان کلیدی :هویت دیجیتال، حقوق کودک، هوش مصنوعی مولد، حریم خصوصی، حفاظت از داده‌های شخصی، دیپ‌فیک، حقوق فناوری

هوش مصنوعی و بازتعریف حقوق کودک در عصر دیجیتال: تحلیل جامعه‌شناختی فرصت‌ها، تهدیدها و الزامات سیاست‌گذاری

محمد رضا حشمتی[۱]

چکیده: زمینه و هدف :گسترش شتابان هوش مصنوعی و نفوذ آن در آموزش، ارتباطات، سرگرمی و خدمات دیجیتال، محیط اجتماعی زندگی کودکان را دستخوش تغییر کرده و ابعاد جدیدی را در زمینه حقوق آنان ایجاد کرده است. در این شرایط، حقوق کودک دیگر صرفاً به حمایت در برابر آسیب‌های مستقیم محدود نمی‌شود، بلکه موضوعاتی همچون حریم خصوصی و امنیت داده، هویت دیجیتال، عدم تبعیض، مشارکت و دسترسی برابر به فرصت‌های دیجیتال نیز اهمیت یافته‌اند. پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه‌شناختی تأثیر هوش مصنوعی بر حقوق کودک و شناسایی فرصت‌ها، تهدیدها و الزامات سیاست‌گذاری در عصر دیجیتال انجام شده است.

روش :پژوهش حاضر از رویکرد کیفی و روش تحلیل اسنادی بهره گرفته است. داده‌های پژوهش از طریق بررسی مقالات علمی، اسناد حقوقی و گزارش‌های سیاستی مرتبط با هوش مصنوعی، حقوق کودک و محیط دیجیتال گردآوری و با استفاده از تحلیل مضمون بررسی شد. مضامین استخراج‌شده در سه محور اصلی فرصت‌ها، تهدیدها و الزامات سیاست‌گذاری سازمان‌دهی و از منظر جامعه‌شناختی تفسیر شدند.

یافته‌ها :یافته‌های پژوهش نشان داد که هوش مصنوعی از طریق شخصی‌سازی آموزش، افزایش دسترسی به خدمات و اطلاعات، حمایت از کودکان دارای نیازهای ویژه و فراهم کردن فرصت‌های جدید مشارکت می‌تواند به تحقق

۱. دانش آموخته دکتری جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران Email:Rezaheshmaty1037@gmail.com

برخی حقوق کودک کمک کند. در مقابل، جمع‌آوری و پردازش داده‌های شخصی، پروفایل‌سازی، نظارت الگوریتمی، تبعیض، تصمیم‌گیری خودکار و مواجهه با محتوای آسیب‌زا از مهم‌ترین تهدیدهای آن هستند. همچنین، تفاوت در دسترسی به فناوری، مهارت‌های دیجیتال و سرمایه دیجیتال خانواده‌ها می‌تواند موجب توزیع نابرابر فرصت‌های ناشی از هوش مصنوعی و بازتولید برخی نابرابری‌های اجتماعی شود.

نتیجه‌گیری :هوش مصنوعی صرفاً یک فناوری جدید نیست، بلکه بخشی از ساختار اجتماعی و سازوکارهای جدید حکمرانی در جامعه دیجیتال است. بنابراین، حمایت مؤثر از حقوق کودک مستلزم گذار از رویکرد سنتی حمایت در برابر فناوری به سمت حکمرانی کودک‌محور است. تحقق این رویکرد نیازمند توجه هم‌زمان به عدالت الگوریتمی، حریم خصوصی و امنیت داده، عدم تبعیض، شفافیت و پاسخ‌گویی، دسترسی برابر و مشارکت کودکان در تصمیمات مرتبط با فناوری است.

واژگان کلیدی :هوش مصنوعی؛ حقوق کودک؛ حکمرانی الگوریتمی؛ عدالت الگوریتمی؛ نابرابری دیجیتال

بازاندیشی در سن و مراتب مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق ایران؛ با تأکید بر استانداردهای حقوق کودک

حمیدرضا کارگر[۱]

چکیده: زمینه و هدف: نظام مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در ایران از همزمانی بلوغ شرعیِ قمری و جنسیت محور، گروه‌بندی سنیِ مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسالمی و ارزیابی موردی ماده۹۱شکل گرفته است. هدف پژوهش، بازاندیشی در سن و مراتب مسئولیت کیفری با تفکیک چهار سطحِ ورود به مسئولیت، قابلیت انتساب کیفری، درجه سرزنشپذیری و نوع و شدت پاسخ، با تأکید بر استانداردهای حقوق کودک است.

روش: پژوهش با روش تحلیلی ـ حقوقی و رویکرد هنجاری ـ انتقادی انجام شده است. قوانین و اسناد قضایی داخلی، منابع منتخب فقه امامیه، کنوانسیون حقوق کودک و تفسیر عمومی شماره ۲۴، حقوق آلمان و فرانسه و یافته‌های روانشناسی رشد بررسی شده‌اند. حقوق موجود از پیشنهادهای اصالحی تفکیک و گزارههای هنجاری بر پایه اصل قانونی بودن، انسجام درون‌نظامی، حمایت از کودک، قابلیت نظارت، تناسب و حقوق بزه‌دیده سنجیده شده‌اند.

یافته‌ها: ماده۹۱ قاعدهِای ماهوی و حمایتی، محدود به حدود و قصاص و متمایز از قاعده تعیین حداقل سن است. سه وضعیت عدم درک ماهیت جرم، عدم درک حرمت و وجود شبهه در رشد و کمال عقل بدیل یکدیگرند. دادههای رشدی می‌توانند قرینه ارزیابی باشند، اما نباید به معیار ارادی مستقل و نانوشته تبدیل شوند. تحلیل، مدل چهارمرتبهایِ حداقل سن، قابلیت انتساب، درجه سرزنش‌پذیری و نوع پاسخ را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد ارزیابی فردی باید صرفاً کارکردی حمایتی، پرونده محور و قابل نظارت داشته باشد.

۱. گروه حقوق-دانشکده علوم انسانی، دانشگاه لرستان. خرم آباد. ایران

نتیجه‌گیری: استانداردهای حقوق کودک از تعیین حداقل سنی واحد، بدون تفکیک جنسیتیو غیرقابل عدول و استمرار نظام تخصصی عدالت اطفال برای همه اشخاصی که هنگام ارتکاب زیر هجده سال بوده‌اند حمایت می‌کنند. چهارده سال در این پژوهش فقط حداقل سنقابل دفاع برای آغاز اصالح است، نه سنترجیحی و قطعی برای ایران؛ انتخاب میان چهارده، پانزده یا شانزده سال نیازمند ارزیابی مستقل فقهی، قانون اساسی، تجربی و اجرایی است. پس از حداقل سن، ارزیابی رشد باید در موارد محدود به سود نوجوان عمل کند و در سایر موارد در درجه سرزنش و تناسب پاسخ اثر گذارد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ سن مسئولیت کیفری؛ اطفال و نوجوانان؛ ماده۹۱قانون مجازات اسالمی؛ قابلیت انتساب کیفری؛ رشد و کمال عقل

بررسی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با میزان آگاهی و رعایت حقوق دیجیتال کودکان

محمد رضا حشمتی[۱]

چکیده: گسترش شتابان فناوری‌های نوین ارتباطی و حضور روزافزون کودکان در فضای دیجیتال، الگوهای جامعه‌پذیری کودکان را دستخوش تغییر کرده و حفاظت از حقوق آنان در محیط‌های آنلاین را به یکی از مسائل مهم خانواده‌ها تبدیل کرده است. در این میان، آگاهی کودکان از حقوق دیجیتال و ظرفیت خانواده برای حمایت از این حقوق می‌تواند تحت تأثیر منابع فرهنگی خانواده قرار گیرد. پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده و ابعاد آن با میزان آگاهی از حقوق دیجیتال کودکان انجام شد. چارچوب نظری پژوهش بر نظریه سرمایه فرهنگی و بازتولید فرهنگی پی‌یر بوردیو و رویکردهای مرتبط با عاملیت کودک استوار است. پژوهش از نظر روش، توصیفی-همبستگی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل والدین دارای فرزند ۷ تا ۱۲ سال در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بود که از میان آنان ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه محقق‌ساخته حقوق دیجیتال کودک و پرسشنامه سرمایه فرهنگی در سه بعد تجسم‌یافته، عینیت‌یافته و نهادینه‌شده بود. روایی ابزارها و پایایی آنها بررسی و تأیید شد. داده‌ها با استفاده از تحلیل رگرسیون مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته‌های تحلیل رگرسیون نشان داد سرمایه فرهنگی کل خانواده رابطه مثبت

۱. دانش آموخته دکتری جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی ایران، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران Email:Rezaheshmaty1037@gmail.com

و معناداری با آگاهی از حقوق دیجیتال کودکان دارد و با ضریب استانداردشده $\beta=0.750$و ضریب تعیین $R^2=0.562$، توانست 56.2درصد از واریانس آگاهی از حقوق دیجیتال کودکان را تبیین کند .($F=490.381, p<0.001$) همچنین هر سه بعد سرمایه فرهنگی رابطه مثبت و معناداری با آگاهی از حقوق دیجیتال کودکان داشتند. سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته با $\beta=0.685$و $R^2=0.469$، سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده با $\beta=0.645$و $R^2=0.416$و سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته با $\beta=0.641$و $R^2=0.411$توانستند بخش معناداری از تغییرات آگاهی کودکان از حقوق دیجیتال را تبیین کنند. در میان ابعاد سرمایه فرهنگی، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته بالاترین قدرت پیش‌بینی آگاهی از حقوق دیجیتال کودکان را نشان داد.

بر اساس یافته‌ها، سرمایه فرهنگی خانواده را می‌توان یکی از عوامل مهم در شکل‌گیری آگاهی کودکان از حقوق دیجیتال دانست. اهمیت بیشتر سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته نشان می‌دهد که مهارت‌ها، نگرش‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی درونی‌شده والدین، در مقایسه با برخورداری صرف از منابع فرهنگی یا مدارک رسمی، نقش برجسته‌تری در شکل‌گیری آگاهی دیجیتال کودکان دارند. از این رو، ارتقای حقوق دیجیتال کودکان نیازمند توجه همزمان به توانمندسازی فرهنگی و رسانه‌ای خانواده‌ها و آموزش مهارت‌های والدگری دیجیتال است.

واژگان کلیدی: سرمایه فرهنگی، حقوق دیجیتال کودک، سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته، سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته، سرمایه فرهنگی نهادینه‌شده، آگاهی دیجیتال، والدگری دیجیتال.

.

بررسی دسترسی کودک به فناوری ارتباطات از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی

صادق تاریوردی[۱]، کامبیز اکبری[۲]

چکیده: توسعه روزافزون فضای سایبر و استفاده از فناوری های ارتباطات و اطلاعات وهمچنین شیوع ویروس کرونا وافزایش استفاده از فضای مجازی نقش مؤثری در تولید، انتشار و انتقال اطلاعات داشته و سطح دسترسی به‌محتوای برخط را برای آحاد جامعه فراهم ساخته است، اما در عین حال، شرایطی را فراهم می سازد تا در آن‌حقوق افراد نقض یا محدود گردد. در این میان حقوق کودکان به عنوان آسیب پذیرترین قشر جامعه معمولامورد تعرض و سوء استفاده قرار می گیرد.

روش کار: حقوق کودک باید از سوی دولت ها وسایر نهادهای دولتی و مدنی و سایر متولیان امور کودکان مورد حمایت و صیانت ویژه قرار گیرد و تحقیق ما با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و اسنادی کتابخانه ای انجام شده است.

یافته‌ها: در فایده اینترنت و فضای مجازی برای کودکان هیچ شکی نیست، اما باید از حریم خصوصی آنها در این فضا حفاظت کرد. به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات شخصی در اینترنت ممکن است با مخاطراتی همراه باشد، بنابراین آموزش تصمیم‌گیری درست و چگونگی جلوگیری از این خطرات به کودکان اهمیت بسیاری دارد.

نتیجه‌گیری: در دنیای پسا کرونا کودکان زمان زیادی را برای فعالیت های آموزشی، تفریحی و سرگرمی در اینترنت و فضای مجازی سپری می کنند. در این فضا با توجه به گستردگی دامنه آن، مخفی بودن هویت کاربران، سرعت

---

۱. قاضی دادگستری ، و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی، تهران، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی ، دانشکاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، ایران

بالا، فرامرزی بودن، فقدان‌مکانیزم اعمال صلاحیت دولت ها می تواند بر حوزه شناخت و ادراک کاربران تأثیر عمیقی گذاشته و افراد به‌خصوص کودکان و نوجوانان را با خطرات خاص مواجه کند

واژگان کلیدی: دسترسی کودک - فناوری ارتباطات - حقوق داخلی - حقوق بین المللی

بررسی انتقادی دیدگاه مشهور فقهای امامیه، بر محرومیت فرزندان نامشروع از حق ارث

سید محمدمهدی میری رمی*[۱]، سجاد زعفریان ملکشاه[۲]

چکیده: این پژوهش به بررسی مبانی فقهی محرومیت فرزندان متولد شده از رابطه نامشروع (ولدالزنا) از حق ارث می‌پردازد. دیدگاه مشهور فقه امامیه که قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس آن تدوین شده، معتقد است به دلیل عدم تحقق نسب شرعی، استناد به روایات خاص و ادعای اجماع فقها، رابطه توارث میان فرزند نامشروع و والدین طبیعی او برقرار نمی‌گردد. بر اساس این دیدگاه، نه تنها فرزند از والدین خود ارث نمی‌برد، بلکه والدین نیز از فرزند ارث نخواهند برد. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکردی انتقادی، ابتدا به تبیین ادله فقهی دیدگاه مشهور پرداخته و سپس به نقد آنها می‌پردازد و نهایتاً به این نتیجه می‌رسد که دیدگاه مشهور با اصول بنیادین اسلامی مانند عدل الهی و مسئولیت فردی و عمومات آیات قرآن و برخی روایات معتبر دیگر در باب ارث در تعارض است و از منظر اسلام، حق ارث برای فرزند نامشروع محفوظ و ثابت است.

واژگان کلیدی: امامیه، فقهی، محرومیت، فرزندان نامشروع، ارث.

۱. گروه معارف، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. Email:dr.smiri@iau.ac.ir
۲. دانشجوی دکترای حقوق خصوصی دانشگاه علوم و معارف اسلامی جامعه المصطفی(ص) العالمیه، قم، ایران.

حدود اختیار والدین در انتشار اطلاعات کودک در فضای مجازی تحلیل فقهی ـ حقوقی با تأکید بر کرامت و مصلحت طفل

سکینه آذری[۱]

چکیده :زمینه و هدف:گسترش شبکه‌های اجتماعی و خدمات مبتنی بر داده، امکان ثبت و انتشار گسترده تصویر، صدا، اطلاعات خانوادگی، پزشکی، تحصیلی و موقعیت مکانی کودکان را فراهم کرده است. در بسیاری از موارد والدین با استناد به ولایت و مسئولیت خانوادگی خود، درباره انتشار اطلاعات کودک تصمیم می‌گیرند. درحالی‌که این اقدام ممکن است با کرامت انسانی، حریم خصوصی، امنیت و مصلحت آینده کودک تعارض داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین حدود فقهی و حقوقی اختیار والدین در انتشار اطلاعات کودک در فضای مجازی انجام شده است.

روش: این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی، استنباط فقهی و مطالعه تطبیقی انجام شده است. مبانی فقه امامیه، قواعد فقهی مرتبط با مصلحت و منع ضرر، اصول کنوانسیون حقوق کودک و اسناد بین‌المللی مرتبط با محیط دیجیتال بررسی و میان آن‌ها تطبیق برقرار شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که اختیار والدین نسبت به اطلاعات کودک، ماهیتی حمایتی و امانی دارد و نمی‌توان آن را اختیار مالکانه و مطلق دانست. رضایت والدین زمانی می‌تواند مبنای مشروعیت انتشار قرار گیرد که انتشار اطلاعات ضروری، متناسب، فاقد زیان قابل پیش‌بینی و منطبق با مصلحت واقعی کودک باشد. رضایت والدین در مواردی که انتشار اطلاعات موجب هتک حیثیت، آسیب روانی، تهدید امنیت یا ایجاد پیامد پایدار برای آینده کودک

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی ،تهران، ایران
Email: sakine.azari@iau.ac.ir

شود، به‌تنهایی کافی نیست. بر این اساس معیار مشروعیت انتشار باید از «رضایت والدین» به «مصلحت‌محوری قابل احراز» تغییر یابد.

نتیجه‌گیری: حمایت مؤثر از کودک در فضای مجازی نیازمند پذیرش مفهوم «امانت‌داری والدین نسبت به هویت دیجیتال کودک» و اعمال آزمونی چندمرحله‌ای بر مبنای ضرورت، تناسب، عدم زیان، مشارکت کودک، محدودیت انتشار و قابلیت حذف اطلاعات است. این رویکرد می‌تواند مبنایی برای تفسیر قوانین موجود و تدوین مقررات جامع حمایت از داده‌های کودکان قرار گیرد.

واژگان کلیدی :کودک، حریم خصوصی، فضای مجازی، ولایت والدین، مصلحت طفل، فقه امامیه.

حق اعتراض کودک به استفاده از داده‌های شخصی در آموزش مدل‌های هوش مصنوعی مولد

کیان نیک‌بخش ذاتی[۱]

چکیده: گسترش هوش مصنوعی مولد، حمایت از داده‌های شخصی کودکان را از سطح سنتیِ «حریم خصوصی» به مسئله پیچیده‌ترِ «کنترل بر سرنوشت داده» منتقل کرده است؛ زیرا داده کودک پس از ورود به چرخه آموزش، در پارامترها و الگوهای آماری مدل تثبیت می‌شود و حتی با حذف منبع اولیه، مهار کامل آثار آن دشوار است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا در حقوق ایران می‌توان «حق اعتراض کودک به استفاده از داده‌های شخصی در آموزش مدل‌های هوش مصنوعی مولد» را به‌عنوان جلوه‌ای از خودمختاری اطلاعاتی و حقوق شخصیت شناسایی و صورت‌بندی کرد. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی هنجاری و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده و حقوق اتحادیه اروپا به‌ویژه حق اعتراض موضوع ماده ۲۱ مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها، آزمون سه‌مرحله‌ای منافع مشروع، و مقررات تکمیلی قانون هوش مصنوعی درباره آسیب‌پذیری سنی و شفافیت داده آموزشی را به‌عنوان نظام مرجع، در کنار کنوانسیون حقوق کودک و تفسیر عمومی شماره ۲۵، تحلیل کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مسئله داده کودک فراتر از حریم خصوصی سنتی است و باید در چارچوب خودمختاری اطلاعاتی و در پیوند با کرامت، رشد و منافع عالیه کودک تحلیل شود؛ حق اعتراض نیز ابزاری کنترلی و بازدارنده برای این منظور است. نتیجه آنکه در حقوق موجود ایران، با وجود تحفظ کلی ایران بر کنوانسیون حقوق کودک، تنها یک مبنای تفسیریِ حداقلی و بازدارنده برگرفته از حقوق شخصیت، کرامت انسانی، حریم

۱. دانشجو کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تهران
Email: Kian.nikbakhshzati@gmail.com

خصوصی، منافع عالیه کودک و قواعد فقهی لاضرر و حرمت تجسس قابل استنباط است؛ اما در سطح سیاست‌گذاری، این حق با تکیه بر همین مبانی و تجربه تطبیقی اتحادیه اروپا، قابل دفاع و قابل پیشنهاد برای تقنین آینده است، مشروط بر آنکه با الزامات شفافیت، تعیین مسئول پردازش، آثار مرحله‌ای، تفکیک بار تکلیف متناسب با مقیاس توسعه‌دهنده و سازوکار نظارتی همراه شود.

واژگان کلیدی: حق اعتراض؛ داده‌های شخصی کودکان؛ هوش مصنوعی مولد؛ خودمختاری اطلاعاتی؛ مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها و قانون هوش مصنوعی اتحادیه اروپا

ارزیابی ولایت قهری جد پدری بر صغیر در پرتو مصلحت عالیه طفل در حقوق ایران

حنانه محمودی[۱]

چکیده :ولایت قهری در حقوق ایران نهادی حمایتی است که با هدف اداره امور طفل و تأمین مصالح مادی و معنوی وی پیش‌بینی شده است. مطابق قانون مدنی، پدر و جد پدری در عرض یکدیگر دارای ولایت قهری هستند؛ با این حال، در عرف و واقعیت عملی خانواده‌ها، تا زمانی که پدر در قید حیات است، اداره امور طفل عمدتاً توسط پدر صورت می‌گیرد و جد پدری معمولاً در تصمیم‌گیری‌های روزمره مربوط به طفل نقش مستقیم و مستمری ندارد. در نتیجه، با فوت پدر، وضعیتی پدید می‌آید که جد پدری همچنان ولی قهری طفل محسوب می‌شود، در حالی که مادر، علی‌رغم حضور مستمر و مستقیم در زندگی، نگهداری و تربیت فرزند، از ولایت قهری برخوردار نیست. این وضعیت در پرتو تحولات ساختار خانواده، گسترش خانواده هسته‌ای، افزایش سطح تحصیلات و مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان و تغییر نقش آنان در اداره امور خانواده، نیازمند بازنگری است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع قانونی، فقهی و حقوقی، به بررسی این پرسش می‌پردازد که آیا استمرار ولایت قهری جد پدری پس از فوت پدر و عدم انتقال آن به مادر، با مصلحت عالیه طفل در خانواده معاصر سازگار است؟ فرضیه پژوهش بر آن است که با توجه به جایگاه عملی مادر در زندگی طفل و ضرورت توجه به مصلحت عالیه کودک، انتقال ولایت به مادر پس از زوال ولایت پدر می‌تواند الگوی مناسب‌تری برای حمایت از طفل باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استمرار ولایت جد پدری، در برخی موارد می‌تواند زمینه‌ساز تعارض میان مادر

۱. دانشجوی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه مفید قم
Email: mahmoudihannaneh@gmail.com

و خانواده پدری و قرار گرفتن طفل در معرض فشارهای عاطفی و اختلافات خانوادگی شود. بر این اساس، بازنگری در مقررات ولایت قهری و پیش‌بینی انتقال ولایت به مادر پس از فوت پدر، می‌تواند گامی در جهت هماهنگ‌سازی قواعد حقوقی با تحولات خانواده معاصر و تضمین مؤثرتر مصلحت عالیه طفل باشد.

واژگان کلیدی: ولایت قهری، طفل، مصلحت عالیه طفل، حضانت، حقوق خانواده.

حکمرانیِ شناختی بر هوش مصنوعی؛ چارچوبی برای صیانت از حقِ کودک بر سلامتِ ذهنی (بر پایه حکمتِ متعالیه)

سیده محیا سیدعلیخان[۱]

چکیده: با گسترشِ تسلطِ الگوریتم‌ها بر زیستِ دیجیتالِ کودکان، پدیده‌ی «بی‌صبریِ شناختی» و زوالِ قوایِ تفکر، چالشی بنیادین در حوزه حقوقِ کودک ایجاد کرده است. این پژوهش با هدفِ ارائه یک مدلِ «حکمرانیِ شناختی» و بازتعریفِ مفهومِ «حقوقِ کودک» از نگاهِ سنتی (محافظت از آسیب‌های فیزیکی) به نگاهی ایجابی (صیانت از سلامتِ ذهنی و ظرفیت‌های وجودی) تدوین شده است. این مقاله با بهره‌گیری از روشِ تحلیلِ استدلالی و با تکیه بر مبانیِ حکمتِ متعالیه، به واکاویِ رابطه میانِ رشدِ ملکه عقلانی و تعاملِ انسان با ابزارهایِ هوش مصنوعی می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که حکمرانیِ فعلی بر «اخلاقِ سلبی» و محدودیت‌هایِ فیزیکی متمرکز است، اما برای صیانت از حقِ بنیادینِ کودک بر «استقلالِ فکری»، نیاز به گذار به سوی مدل‌هایِ حکمرانیِ الگوریتمیک با هدفِ ارتقایِ ظرفیت‌هایِ شناختی است. در همین راستا، چهار ستونِ عملیاتی شاملِ ارتقایِ ظرفیت‌هایِ وجودی، تقویتِ حضور و دقت، ایجاد پایان‌مندیِ معنادار در تعاملات و توانمندسازیِ مربی‌گریِ هوشمندِ والدین پیشنهاد شده است. در نهایت، این پژوهش استدلال می‌کند که «حق بر سلامتِ شناختی» باید به‌عنوان یکی از حقوقِ محوریِ کودک در عصرِ هوش مصنوعی به‌رسمیت شناخته شود و سیاست‌گذاری‌هایِ جهانی باید از «تسهیل‌گریِ مصرف» به سمت «ارتقایِ توانمندی‌هایِ وجودی» تغییر جهت دهند.

---

۱. کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، مرکز تخصصی حضرت فاطمه (س)، مرکز مدیریت‌های حوزه‌های علمیه خواهران. Email: Sm.seyedalikhan@gmail.com

واژگان کلیدی: حکمرانیِ هوش مصنوعی، حقوقِ کودک، سلامتِ شناختی، حکمتِ متعالیه، سیاست‌گذاریِ دیجیتال

حمایت از حریم خصوصی و داده های شخصی کودکان در عصر هوش مصنوعی و فضای مجازی

محمدعلی رستمی[۱]

چکیده: گسترش کاربرد فناوری هوش مصنوعی در محیط‌های دیجیتال، شیوه جمع‌آوری، پردازش و بهره‌برداری از اطلاعات مربوط به کودکان را با تحولات جدیدی مواجه ساخته است. اگرچه استفاده از سامانه‌های هوش مصنوعی می‌تواند در زمینه‌هایی مانند آموزش، سرگرمی و ارائه خدمات متناسب با نیازهای کودکان آثار مثبتی داشته باشد، وابستگی این فناوری به داده‌های گسترده، نگرانی‌هایی را درباره حفظ حریم خصوصی و حمایت از داده‌های شخصی کودکان ایجاد کرده است. کودکان به دلیل شرایط سنی و ناتوانی در ارزیابی کامل پیامدهای بلندمدت افشای اطلاعات، در برابر پردازش و استفاده نامناسب از داده‌های شخصی آسیب‌پذیرتر هستند. مسئله اصلی پژوهش آن است که آیا چارچوب‌های حقوقی موجود، توانایی حمایت مؤثر از حریم خصوصی کودکان در برابر شیوه‌های جدید جمع‌آوری و پردازش داده توسط سامانه‌های هوش مصنوعی را دارند یا خیر. پژوهش حاضر با هدف بررسی این مسئله و شناسایی چالش‌های موجود، به روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. در این راستا، قوانین و مقررات حقوق ایران، اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک و منابع علمی مربوط به حریم خصوصی و هوش مصنوعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که استفاده از هوش مصنوعی می‌تواند فراتر از افشای مستقیم اطلاعات، از طریق تحلیل داده‌ها، ایجاد پروفایل‌های دیجیتال، استفاده ثانویه از اطلاعات و پردازش الگوهای رفتاری، اشکال جدیدی از مداخله در حریم

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب
Email:gmail.com @mohammadali.rosttami

خصوصی کودکان ایجاد کند. همچنین، ابهام در حدود رضایت، نبود شفافیت کافی در فرآیندهای الگوریتمی و دشواری تعیین مسئولیت اشخاص دخیل، از چالش‌های مهم این حوزه است. بر این اساس، حمایت مؤثر از حریم خصوصی کودکان مستلزم تقویت قواعد مربوط به جمع‌آوری و پردازش داده‌های شخصی، رعایت مصلحت عالیه کودک، افزایش شفافیت و پاسخگویی سامانه‌های هوش مصنوعی و پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی و ضمانت‌اجراهای مناسب است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، هوش مصنوعی، حریم خصوصی، داده‌های شخصی، فضای دیجیتال

چالش‌های حقوقی هویت و رضایت کودک در عصر هوش مصنوعی و واقعیت مجازی

محمد سروش گل‌چی[۱]

چکیده: زمینه و هدف: گسترش شتابان هوش مصنوعی، واقعیت مجازی و فناوری‌های بازنمایی دیجیتال، مفهوم سنتی هویت را با تحولات بنیادین مواجه ساخته است. ایجاد آواتارهای دیجیتال، بازسازی چهره و صدا، شبیه‌سازی ویژگی‌های رفتاری و تولید بازنمایی‌های مصنوعی از کودکان، در کنار ظرفیت‌های آموزشی، ارتباطی و فرهنگی این فناوری‌ها، پرسش‌های جدیدی درباره حدود حمایت حقوقی از هویت کودک ایجاد کرده است. در این میان، کودکان به دلیل وضعیت خاص حقوقی و آسیب‌پذیری بیشتر در برابر پردازش و بهره‌برداری از داده‌های شخصی و زیستی، نیازمند حمایت مضاعف هستند. پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های حقوقی ناشی از ایجاد و استفاده از هویت‌ها و آواتارهای دیجیتال کودکان و تبیین الزامات حقوقی مربوط به رضایت، حریم خصوصی و کنترل بر بازنمایی دیجیتال آنان انجام شده است.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده و با بهره‌گیری از مطالعات اسنادی و تحلیل حقوقی اصول و قواعد مرتبط با حقوق کودک، حریم خصوصی، حمایت از داده‌های شخصی، هویت دیجیتال و حکمرانی هوش مصنوعی، ابعاد حقوقی بازنمایی دیجیتال کودکان را بررسی می‌کند. در این چارچوب، اصول عالی‌ترین منافع کودک، حق مشارکت، حق بر حریم خصوصی، آزادی بیان و حمایت در برابر مداخلات خودسرانه یا غیرقانونی در زندگی خصوصی کودک مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فناوری‌های هوش مصنوعی و واقعیت مجازی، مرز میان «تصویر و بازنمایی کودک» و «هویت دیجیتال کودک» را پیچیده کرده‌اند. جمع‌آوری و پردازش داده‌هایی نظیر چهره، صدا،

---

۱. کارشناس ارشد حقوق تجارت بین‌الملل ، گروه حقوق، دانشگاه اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران.

الگوهای حرکتی و ویژگی‌های رفتاری می‌تواند امکان ایجاد بازنمایی‌های دیجیتال ماندگار و قابل تکثیر از کودک را فراهم کند؛ بازنمایی‌هایی که ممکن است بدون حضور یا کنترل مستمر وی مورد استفاده، تغییر یا بازتولید قرار گیرند. در چنین شرایطی، رضایت والدین به‌تنهایی نمی‌تواند پاسخ‌گوی تمامی آثار و پیامدهای حقوقی پردازش داده‌های کودک باشد. همچنین، امکان استفاده ثانویه از داده‌ها، انتقال آنها میان سامانه‌ها و تولید محتوای مصنوعی با استفاده از ویژگی‌های هویتی کودک، ضرورت بازنگری در مفهوم رضایت و دامنه حق کودک بر کنترل بر هویت دیجیتال خویش را آشکار می‌سازد.

نتایج: نتایج پژوهش حاکی از ضرورت شکل‌گیری یک چارچوب حقوقی کودک‌محور برای تنظیم هویت دیجیتال کودکان در عصر هوش مصنوعی است؛ چارچوبی که در آن، رضایت والدین در کنار ظرفیت‌های در حال تحول کودک، اصل عالی‌ترین منافع کودک، حریم خصوصی، امنیت داده‌ها و حق مشارکت وی مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس، رضایت در خصوص پردازش داده‌های کودکان باید آگاهانه، متناسب با هدف و ماهیت پردازش و تا حد امکان قابل بازبینی و پس‌گرفتن باشد. همچنین، پیش‌بینی سازوکارهای حقوقی برای جلوگیری از استفاده ثانویه و نامحدود از داده‌ها، ایجاد امکان اعتراض به بازنمایی‌های مصنوعی و حمایت از حق کودک نسبت به کنترل بر هویت دیجیتال خود ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش در نهایت بر این نتیجه تأکید دارد که در عصر هوش مصنوعی، حمایت از کودک نباید صرفاً به حفاظت از «داده» محدود شود، بلکه باید صیانت از «هویت دیجیتال» به‌عنوان یکی از ابعاد نوظهور شخصیت حقوقی کودک را نیز دربرگیرد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ هوش مصنوعی؛ واقعیت مجازی؛ آواتار دیجیتال؛ هویت دیجیتال.

تحلیل حقوقی مشروعیت حمله به مدارس در مخاصمات مسلحانه؛ با تأکید بر مدرسه میناب

جواد جمال اوغلی[۱]

چکیده: مدارس در جریان مخاصمات مسلحانه، از مصادیق اماکن و اموال غیرنظامی بوده و از حمایت قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه برخوردارند؛ بااین حال، این حمایت مطلق نیست و در صورت تحقق شرایط مقرر، ممکن است مدرسه به‌طور استثنایی به هدف نظامی تبدیل شود .در چنین وضعیتی نیز صرف وجود هدف نظامی در مجاورت مدرسه، به‌تنهایی مجوز حمله یا ورود خسارت به آن نیست .این پژوهش با تمرکز بر حمله به مدرسه دخترانه شجره طیبه میناب، به بررسی شرایط مشروعیت حمله به مدارس در جریان مخاصمات مسلحانه و میزان انطباق حمله مزبور با الزامات حقوق بین‌الملل بشردوستانه می پردازد .پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و مطالعه موردی، با تکیه‌بر پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷، به‌ویژه مواد ۴۸، ۵۱، ۵۲ و ۵۷ و قواعد عرفی متناظر، مشروعیت حمله را بر اساس چهار معیار احراز هدف نظامی، رعایت اصل تفکیک، اصل تناسب و اتخاذ احتیاط‌های لازم در حمله ارزیابی می‌کند .یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مشروعیت حمله به مدرسه، مستلزم احراز هم‌زمان شرایط مربوط به هدف نظامی و رعایت اصول تفکیک، تناسب و احتیاط است و صرف ادعای وجود هدف نظامی در نزدیکی آن، برای مشروعیت حمله کفایت نمی‌کند .بررسی داده‌های مربوط به حمله میناب، به‌ویژه یافته‌های هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد در گزارش ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۶، مبنی بر وجود دلایل مؤید وقوع جنایت جنگی، حاکی از مغایرت‌های اساسی حمله با الزامات

۱. کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، وکیل پایه یک دادگستری.
Email: .Javadjamaloghli@gmail.com

ناظر بر حمایت از اماکن غیرنظامی و طرح جدی وصف جنایت جنگی است .بااین حال، پژوهش میان احراز نقض قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و احراز مسئولیت کیفری فردی تفکیک کرده و انتساب مسئولیت کیفری را منوط به احراز مستقل عناصر آن می‌داند.

واژگان کلیدی: حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق کودک، مخاصمات مسلحانه، مدارس، جنایت جنگی

بررسی تطبیقی حمایت از مادران و فرزندان حاصل از تجاوز جنسی در پرتو اصول حقوق خانواده ایران و رویه جامعه ایزدی (با تأکید بر قاعده عدم انتقال مذهب از طریق مادر و چالش‌های هویتی فرزندان)

مریم سپه وند[۱]

چکیده: تجاوز جنسی سیستماتیک به زنان ایزدی توسط داعش در سال ۲۰۱۴، منجر به تولد هزاران کودک شد که به دلیل قاعده «عدم انتقال مذهب از طریق مادر» در نظام عرفی-دینی ایزدی، از هویت دینی و اجتماعی مشروع محروم گردیدند. از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران مبتنی بر فقه امامیه و قاعده «الولد للفراش» (ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی) نیز اصل تبعیت هویت از پدر را به رسمیت می‌شناسد. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی حمایت از این کودکان در دو نظام حقوقی و ارائه الگویی برای حل بحران هویت آنان انجام شده است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، ضمن تحلیل قاعده فقهی «الولد للفراش» و رأی وحدت رویه شماره ۱۳۷۶ دیوان عالی کشور، به بررسی فتاوای شورای عالی روحانی ایزدی (بیانیه ۲۷ آوریل ۲۰۱۹) و قوانین عراق (ماده ۲۶ قانون کارت ملی) پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که حقوق ایران با تفکیک میان «نسب شرعی» و «تکالیف عرفی» و شناسایی زانی به عنوان «پدر عرفی»، توانسته است تا حدی از سرگردانی هویتی کودکان بکاهد، در حالی که نظام ایزدی با طرد مطلق آنان، بحران را تشدید کرده است. نقاط قوت حقوق ایران شامل رأی وحدت رویه ۱۳۷۶ و اصلاحیه قانون تابعیت ۱۳۹۸ است، اما کاستی‌هایی مانند عدم تسری رأی به ارث و ولایت قهری، سکوت در مورد ولایت مادر، و تبعیت دین از پدر عرفی همچنان وجود دارد. در مقابل، نظام ایزدی/عراق فاقد هرگونه انعطاف بوده و قانون بازماندگان ایزدی (**YSL 2021**)

۱. گروه حقوق، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران
Email: anoshirvanmaryam@gmail.com

نیز وضعیت کودکان را روشن نکرده است. قاعده لاضرر و قاعده احسان در فقه امامیه ظرفیت تعدیل قاعده فراش را دارند. راهکارهای عملی شامل اصلاح ماده ۲۶ قانون کارت ملی عراق، صدور فتوا توسط شورای ایزدی مبتنی بر پذیرش «پدری عرفی» یا ثبت به نام مادر، اصلاح قوانین ایران در جهت اعطای ولایت قهری به مادر، و ایجاد نهاد بین‌المللی ثبت احوال اضطراری زیر نظر سازمان ملل می‌باشد. الگوی حقوق ایران علیرغم کاستی‌ها، به عنوان یک راهکار میانه و واقع‌بینانه برای حل بحران هویت کودکان ایزدی قابل الگوبرداری است.

واژگان کلیدی: تجاوز جنسی، قاعده «الولد للفراش»، قاعده عدم انتقال مذهب از طریق مادر، جامعه ایزدی، حق بر هویت.

تعهد دولت به تأمین هزینه‌های خدمات سلامت روان کودکان آسیب‌دیده از جنگ در ایران

مریم‌السادات محقق داماد*[۱]، عرفان فتوحی[۲]

چکیده: زمینه و هدف: هزینه خدمات سلامت روان می‌تواند دریافت و ادامه درمان را برای کودکان آسیب‌دیده از جنگ دشوار کند. این پژوهش، مبنا و حدود تعهد دولت به تأمین این هزینه‌ها و شرایط مطالبه حمایت را در حقوق ایران بررسی می‌کند.

روش: پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه قانون اساسی، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان و آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ آن، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و اسناد و پژوهش‌های مرتبط انجام شد. معیار تحلیل، شرایط برخورداری، خدمات مشمول حمایت، سهم خانواده از هزینه، دستگاه مسئول و راه مطالبه بود. پژوهش، اسنادی است و عملکرد دستگاه‌ها را ارزیابی نمی‌کند.

یافته‌ها: قوانین بررسی‌شده برای حمایت از سلامت روان کودکان مبنای حقوقی فراهم می‌کنند. پذیرش و درمان فوری کودک آسیب‌دیده از تکالیف قانونی مراکز درمانی است. آیین‌نامه نیز وزارت بهداشت را به ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان به کودکان معرفی‌شده از سوی بهزیستی مکلف کرده است. این تکالیف با پوشش بیمه‌ای یکسان نیستند. بااین‌حال، مواد بررسی‌شده به‌تنهایی نوع و دامنه خدمات، شرایط ادامه مراقبت و نحوه تسویه هزینه میان دستگاه‌ها را به‌طور کامل روشن نمی‌کنند؛ تعیین میزان حمایت مالی به بررسی ضوابط پرداخت نیز نیاز دارد. این محدودیت، نبود سایر مقررات اجرایی را اثبات نمی‌کند. برخورداری از حمایت به احراز شرایط قانونی وابسته است، اما اثبات

---

۱. استادیار، فقه و حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، پردیس خواهران، تهران، ایران. Email:mohaghegh@isu.ac.ir

۲. دانشجوی حقوق پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران

قبلی مسئولیت عامل جنگ، شرط آن قرار نگرفته است. مطالبه قضایی نیز به تعیین خواسته، دستگاه طرف شکایت و شخص دارای اختیار قانونی برای اقدام از جانب کودک نیاز دارد.

نتیجه‌گیری: حمایت مالی از خدمات سلامت روان کودکان آسیب‌دیده از جنگ، در حدود شرایط قانونی برخورداری، پشتوانه حقوقی دارد. به نظر می‌رسد روشن‌کردن ارتباط تکالیف دستگاه‌ها با ضوابط پرداخت و مسیر ارجاع کودک، مطالبه این حمایت را تسهیل کند. پیشنهاد اصلاح مقررات باید بر کاستی‌های احرازشده استوار باشد و ایجاد تعهد مالی جدید، مبنای قانونی و اعتبار متناسب می‌خواهد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ سلامت روان؛ جنگ؛ تأمین مالی سلامت؛ تعهد دولت.

کودک‌آزاری هوشمند؛ چالش‌های نوین حمایت کیفری از کودکان در عصر هوش مصنوعی

محمدجواد مقدم[۱]

چکیده : گسترش هوش مصنوعی مولد، الگوهای جدیدی از آسیب‌رسانی به کودکان را ایجاد کرده است که از کودک‌آزاری سنتی و آزارهای دیجیتال متعارف فراتر می‌رود. تولید دیپ‌فیک‌های جنسی، گِرومینگ هوشمند، اخاذی مبتنی بر هوش مصنوعی و جعل هویت، ابعاد جدیدی از بزه‌دیدگی کودکان را پدید آورده و کارآمدی سازوکارهای موجود حمایت کیفری را با چالش مواجه ساخته است. هدف پژوهش، تبیین «کودک‌آزاری هوشمند»، شناسایی گونه‌های آن و ارائه الگوی مطلوب حمایت کیفری از کودکان است. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی انجام شده و با بررسی منابع حقوقی، قوانین و مقررات کیفری ایران، ظرفیت و کاستی‌های نظام حمایت کیفری از کودکان در برابر جرایم مبتنی بر هوش مصنوعی تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد مقیاس‌پذیری، سرعت، شخصی‌سازی، دشواری انتساب و امکان پنهان‌سازی رفتار مجرمانه، کودک‌آزاری هوشمند را از اشکال پیشین متمایز می‌کند. همچنین، عناوین کیفری موجود در برخی مصادیق پاسخگوی تحولات جدید نیستند. بر این اساس، بازنگری در جرم‌انگاری، تعیین مسئولیت کیفری، تقویت سازوکارهای کشف و اثبات و حمایت افتراقی از کودک بزه‌دیده ضروری است.

واژگان کلیدی: بزه‌دیدگی دیجیتال؛ جرم‌انگاری؛ دیپ‌فیک؛ مسئولیت کیفری

---

۱. گروه حقوق موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره،
Email: mqdmh5014@gmail.com

حق کودک بر سلامت روان در مخاصمات مسلحانه: چالش‌ها، تعهدات حقوقی و راهکارهای حمایتی

عسکر جلالیان*[۱]، علی درست‌کردار[۲]

چکیده: زمینه: مخاصمات مسلحانه از جمله عوامل مهم تهدیدکننده حقوق، سلامت و رفاه کودکان به‌شمار می‌رود و می‌تواند پیامدهای پایدار و عمیقی بر سلامت روان و فرآیند رشد آنان داشته باشد. کودکان، قربانیان خاموش مخاصمات مسلحانه هستند. مواجهه کودکان با پیامدهای مخاصمات مسلحانه می‌تواند علاوه‌بر آسیب‌های جسمی و روانی، به نقض حقوق بنیادین آنان منجر گردد. کودکان ساکن در مناطق درگیری ممکن است با تجربه‌هایی همچون از دست‌دادن اعضای خانواده، گسست پیوندهای اجتماعی، آوارگی، جدایی از والدین و محرومیت از نیازهای اساسی مواجه شوند. این شرایط می‌تواند با واکنش‌های فوری به استرس، پریشانی روانی، ترس و نگرانی نسبت به امنیت خود و خانواده و افزایش خطر بروز اختلالات روانی همراه باشد. حمایت از کودکان آسیب‌دیده از جنگ، مستلزم توجه هم‌زمان به حقوق آنان و نیازهای سلامت روان، حمایت‌های روانی ـ اجتماعی و شرایط محیطی و اجتماعی مؤثر بر رفاه آنان است. از این‌رو، حمایت مؤثر از این کودکان نیازمند نگاهی نظام‌مند و گسترده است که علاوه‌بر پاسخ به آسیب‌های موجود، از ایجاد آسیب‌های ثانویه نیز جلوگیری کند. در این چارچوب، سه رکن اصلی حمایت از کودکان آسیب‌دیده از جنگ عبارت‌اند از جامعیت، پایداری و اصل عدم‌آسیب‌رسانی.

روش و هدف: مقاله حاضر با رویکردی حقوقی-تحلیلی ابتدا چالش‌ها و پیامدهای مخاصمات مسلحانه بر سلامت روان کودکان را بررسی کرده و سپس

۱. استاد تمام دانشگاه پیام‌نور تهران، ایران Email: Dr_ajalalian@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام‌نور تهران.

با تمرکز بر حمایت‌های مورد نیاز آنان، اصول و رویکردهای مداخله‌ای برای حمایت جامع، پایدار و بدون آسیب از کودکان متأثر از جنگ را تبیین می‌کند.
یافته‌ها و نتیجه‌گیری: در این پژوهش نشان داده می‌شود که حق کودکان بر سلامت روان در مخاصمات مسلحانه، در پیوند با حقوق بنیادین آنان بر حیات، سلامت و رشد قرار دارد و حمایت از آن در چارچوب تعهدات ناشی از کنوانسیون حقوق کودک و مقررات حقوق بین‌الملل بشردوستانه قابل بررسی است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، مخاصمات مسلحانه، سلامت روان کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، رویکردهای حمایتی.

توازن میان حقوق کودک و تکلیف والدین به نظارت در عصر هوش مصنوعی؛ بررسی مسئولیت مدنی والدین در قبال آسیب‌های ذهنی و روانی فضای مجازی

مرضیه صفدری[۱]

چکیده: زمینه و هدف: گسترش هوش مصنوعی مولد، چت‌بات‌ها، شبکه‌های اجتماعی و سامانه‌های تعاملی، محیط جدیدی برای رشد، آموزش، ارتباط و شکل‌گیری هویت کودکان ایجاد کرده است .کودک ممکن است در این محیط با محتوای نامتناسب، اطلاعات نادرست، نقض حریم خصوصی، جمع‌آوری داده، دستکاری رفتاری، وابستگی عاطفی به سامانه‌های هوش مصنوعی و مصرف افراطی مواجه شود .هدف پژوهش، بررسی مبنای حقوقی تکلیف والدین به مراقبت و نظارت بر فعالیت دیجیتال کودک و تبیین شرایط مسئولیت مدنی آنان در قبال آسیب‌های ذهنی، روانی و شخصیتی است.

روش‌ها: پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، قوانین ایران، قواعد حقوق مدنی و مسئولیت مدنی، مقررات حضانت و حمایت از اطفال و نوجوانان، مبانی فقه امامیه و منابع تخصصی حقوق کودک و هوش مصنوعی انجام شده است.

یافته‌ها: تکلیف والدین به مراقبت و نظارت را می‌توان بر پایه قواعد حضانت، ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی، مقررات حمایت از اطفال و نوجوانان و قواعد عام مسئولیت مدنی تبیین کرد .صرف وقوع آسیب دیجیتال موجب مسئولیت والدین نیست و احراز تکلیف مراقبتی، تقصیر یا ترک فعل قابل انتساب، ضرر قابل اثبات و رابطه سببیت ضروری است .در ارزیابی تقصیر، سن و استقلال کودک، قابلیت پیش بینی و شدت خطر، آگاهی والدین و امکان متعارف پیشگیری اهمیت دارد .

۱. عضو هیئت علمی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی،دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران
Email: m.safdari@shdu.ac.ir

همچنین نظارت والدین نباید به کنترل نامحدود و نقض حریم خصوصی کودک منتهی شود.

نتیجه‌گیری: مسئولیت مدنی والدین در عصر هوش مصنوعی باید بر مبنای معیار» نظارت و مراقبت دیجیتال متعارف، متناسب و تدریجی «تفسیر شود؛ به گونه‌ای که ضمن حمایت از کودک در برابر آسیب‌های قابل پیش‌بینی و قابل پیشگیری، استقلال تدریجی و حقوق شخصیتی وی رعایت گردد .در کنار مسئولیت احتمالی والدین، نقش پلتفرم‌ها و طراحان سامانه‌های هوش مصنوعی نیز باید متناسب با میزان دخالت و سببیت آنان در ایجاد خسارت ارزیابی شود . این رویکرد، میان حمایت از کودک، استقلال و حدود مسئولیت والدین توازن برقرار می‌کند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی والدین، تکلیف مراقبت و نظارت ، حضانت، تعدد اسباب، ترک فعل والدین

جبران خسارات معنوی افسردگی بالینی کودکان ناشی از جنگ

مسعود بندار[۱]

چکیده: جنگ افزون بر خسارت‌های جسمی و مالی، کودکان را در معرض آسیب‌های روانی پایدار از جمله افسردگی بالینی قرار می‌دهد؛ آسیبی که نمود بیرونی ندارد، ولی سلامت روان، مسیر رشد و آینده‌ی کودک را مختل می‌کند. پرسش این نوشتار آن است که آیا افسردگی بالینی کودکانِ جنگ‌دیده، خسارت معنوی قابل جبران به شمار می‌آید؛ مطالبه‌ی جبران آن بر کدام مبانی فقهی و حقوقی استوار است؛ و این جبران باید چه صورتی داشته باشد؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی – تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، نخست یافته‌های روان‌شناختی درباره‌ی شیوع، نشانه‌ها، سیر و عوامل محافظ این اختلال را مرور کرده و سپس مبانی فقهی (قاعده‌ی لاضرر، تسبیب و ارش) و حقوقی (قانون مسئولیت مدنی، قانون مجازات اسلامی و حقوق بین‌الملل مسئولیت دولت‌ها و حقوق کودک) را تحلیل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد افسردگی بالینی، به شرط احراز معیارهای تشخیصی و تمایز آن از غم طبیعی، مصداق «نقص» و «ضرر» معنوی است و قاعده‌ی لاضرر، مواد ۱ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و مواد ۶۷۵ و ۶۷۶ قانون مجازات اسلامی می‌تواند مستند جبران آن قرار گیرد. دشواری اصلی در اثبات رابطه‌ی سببیت است، زیرا آسیب‌های جنگ‌زا هم‌زمان و در هم‌تنیده عمل می‌کنند؛ انتساب عرفی، سهم‌بندی مسئولیت میان عوامل متعدد و رجوع به نظریه‌ی کارشناسی می‌تواند این دشواری را کاهش دهد. همچنین جبران کارآمد در این حوزه تنها مالی نیست و باید با درمان، توان‌بخشی، حمایت از خانواده و تقویت تاب‌آوری کودک همراه شود.

---

۱. دبیر پژوهشی، گروه فقه پزشکی مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.

واژگان کلیدی: افسردگی بالینی، کودکان، جنگ، خسارت معنوی، مسئولیت مدنی، ارش، تاب‌آوری

سازوکارهای جبران نقض حقوق کودک در کودک‌همسری با تأکید بر اسناد بین‌المللی

آرزو ملکشاه[۱]*، نگین کرد[۲]

چکیده: زمینه و هدف: کودک‌همسری می‌تواند حقوق بنیادین کودک را در ابعاد جسمی، روانی، آموزشی، اجتماعی و اقتصادی نقض کند و آثار زیان‌بار آن حتی پس از پایان رابطه زناشویی ادامه یابد. هدف این پژوهش، تبیین سازوکارهای جبران نقض حقوق کودک در کودک‌همسری و ارزیابی ظرفیت‌ها و کاستی‌های حقوق ایران در پرتو اسناد و استانداردهای بین‌المللی است.

روش: پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه قوانین و مقررات ایران، اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق کودک و منابع علمی گردآوری و با رویکردی حقوقی - تحلیلی بررسی شده‌اند.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد که در حقوق ایران، نهادهایی مانند مسئولیت مدنی، جبران خسارت معنوی، دیه و ارش می‌توانند حسب شرایط، مبنای جبران بخشی از زیان‌های ناشی از کودک‌همسری قرار گیرند؛ بااین‌حال، پراکندگی مقررات و فقدان سازوکارهای تخصصی و کودک‌محور، جبران همه ابعاد آسیب را با دشواری مواجه می‌کند. در اسناد بین‌المللی، جبران مؤثر افزون بر غرامت مالی، دسترسی به عدالت، توان‌بخشی جسمی و روانی، حمایت آموزشی و اجتماعی و تدابیر جلوگیری از تکرار نقض را نیز در بر می‌گیرد.

یافته‌ها: حاکی از آن است که وجود راهکارهای عمومی جبران در حقوق ایران، به‌تنهایی تضمین‌کننده جبران مؤثر و همه‌جانبه آسیب‌های ناشی از

۱. گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email:a.malekshah@iau.ac.ir
۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب،دانشگاه آزاد اسلامی،تهران، ایران.

کودک‌همسری نیست؛ بنابراین، تقویت دسترسی کودک به دادرسی حمایتی، پیش‌بینی خدمات تخصصی توان‌بخشی و آموزشی و هماهنگ‌سازی سازوکارهای جبرانی با اصل منافع عالیه کودک ضروری است. این اقدامات باید باتوجه‌به مبانی و الزامات حقوق داخلی و تعهدات بین‌المللی قابل‌اعمال طراحی شوند.

واژگان کلیدی: کودک‌همسری، حقوق کودک، سازوکارهای جبران خسارت، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی.

هوش مصنوعی و حقوق کودک:
بررسی الزامات حمایت، ایمنی و پاسخ‌گویی در سامانه‌های هوشمند

اکبر بشیری[۱]، آزاد حسن زاده*[۲]

چکیده: ورود گسترده فناوری‌های هوش مصنوعی به زیست روزمره، آموزشی و ارتباطی کودکان، ضرورت بازخوانی تکالیف حمایتی نظام حقوقی را در برابر مخاطرات محیط‌های دیجیتال دوچندان کرده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و اتکا به اسناد بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون حقوق کودک و نظریه تفسیری شماره ۲۵ ،به واکاوی الزامات حقوقی و موازین اخلاقی حاکم بر عملکرد سامانه‌های هوشمند در صیانت از حقوق کودک می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ویژگی‌هایی نظیر پردازش کلان‌داده‌های رفتاری، سوگیری‌های نهفته در الگوریتم‌ها و وابستگی‌های شناختی-عاطفی ناشی از این سامانه‌ها، منافع عالیه کودک را به شکلی نظام‌مند تهدید می‌کند. از سوی دیگر، پیچیدگی فنی و ابهام موسوم به «جعبه سیاه» در عملکرد سامانه‌های خودمختار، کارآمدی الگوهای سنتی مسئولیت مدنی را در اثبات تقصیر و احراز رابطه سببیت با چالش جدی مواجه ساخته است. بر این مبنا، حمایت مؤثر از حقوق کودک مستلزم گذار به راهبردهای پیشگیرانه‌ای چون «طراحی حق‌محور»، شفافیت الگوریتمی و اعمال قواعد تعدیل‌شده اثباتی نظیر جابه‌جایی بار اثبات است تا در پرتو توزیع عادلانه مسئولیت میان توسعه‌دهندگان، دولت‌ها و اولیا، کرامت و رشد همه‌جانبه کودک تضمین گردد.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، حقوق کودک، طراحی حقوق‌محور، ایمنی الگوریتمی، مسئولیت و پاسخ‌گویی.

---

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مراغه.

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد مراغه.

واکاوی چالشهای سیاست جنایی ایران در حمایت از حق بازپروری کودکان بزهکار و ارائه راه کارهای تقنینی و اجرایی

امیرحسین رجبی[۱]

چکیده: زمینه و هدف: کودکان بزهکار به عنوان یکی از آسیب پذیرترین گروههای جامعه، نیازمند حمایت های ویژه در نظام عدالت کیفری هستند. سیاست جنایی ایران در سالهای اخیر تلاش هایی برای حرکت از رویکرد صرفاً تنبیهی به سمت بازپروری انجام داده است، اما این مسیر با چالش هایی مواجه است. هدف این پژوهش، شناسایی و تحلیل این چالش ها در ابعاد قانونی، اجرایی، قضایی و فرهنگی و ارائه راهکارهایی برای بهبود حمایت از حق بازپروری این کودکان است.

روش ها: این تحقیق به روش کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. دادهها از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانهای شامل قوانین (مانند قانون مجازات اسالمی و قانون آیین دادرسی کیفری)، مقاالت علمی، گزارشهای پژوهشی و منابع معتبر حقوقی و جرمشناسی جمعآوری و با استفاده از روش استدالل و استنباط حقوقی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: یافته ها نشان میدهد که با وجود پیشرفتهایی نظیر ایجاد دادگاههای اطفال و تأکید بر نهادهای جایگزین حبس، سیاست جنایی ایران با چالشهای متعددی مواجه است: چالشهای قانونی (خلا قانون جامع بازپروری و عدم الزام آور بودن عدالت ترمیمی)، چالشهای اجرایی و نهادی (ضعف همکاری بینهادی، کمبود مراکز تخصصی و نبود نظارت پس از آزادی)، چالشهای قضایی (نبود آموزش تخصصی کافی برای قضات و کمبود دادگاههای تخصصی

۱. دانش آموخته کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان
Amirhusseinrajaby@gmail.com

در سطح کشور) و چالش های فرهنگی-اجتماعی (انگ اجتماعی و نبود فرهنگ پذیرش).

نتیجه گیری: برای تحقق مؤثر حق بازپروری کودکان بزهکار، بازنگری بنیادین در سیاست جنایی کشور لازم است. تدوین قانون جامع عدالت کیفری اطفال با رویکرد ترمیمی، الزام آور کردن میانجیگری، ایجاد ساختار مدیریتی واحد برای هماهنگی بین نهادی، آموزش تخصصی مستمر قضات و مددکاران، و اجرای برنامه های فرهنگی برای کاهش انگ اجتماعی، از جمله راهکارهای کلیدی هستند. تحقق این امر نیازمند عزم ملی و همکاری همه نهادهای مسئول است.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی ایران، بازپروری کودکان بزهکار، عدالت ترمیمی، چالش های تقنینی، حمایت از حقوق کودک.

تبیین ابعاد تربیت اخلاقی-روانشناختی کودک در سیره حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) با تأکید بر سلامت روان و حقوق کودک

مریم میر[۱]، اعظم اعتمادی‌فرد*[۲]، احمد صادقیان[۳]

چکیده: سلامت روان و حقوق کودک از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری در عصر کنونی است. در این میان، آموزه‌های دینی و سیره معصومین (ع) به‌عنوان گنجینه‌ای از دانش تربیتی و اخلاقی، می‌تواند الگویی کامل برای تأمین سلامت روان و رعایت حقوق کودکان ارائه دهد. پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد تربیت اخلاقی-روانشناختی کودک در سیره حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) انجام شده است. این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی، با مراجعه به منابع معتبر اسلامی (الکافی، بحارالانوار، کشف الغمه و تفاسیر) و آثار روانشناسی مثبت‌گرا صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سیره تربیتی حضرت فاطمه (س) در چهار محور اساسی قابل تبیین است: نخست، «محبت و دلبستگی ایمن» که در بازی، شوخی و ابراز محبت جسمی و کلامی به فرزندان تجلی یافته و با نظریه دلبستگی بالبی هم‌خوانی کامل دارد. دوم، «آموزش عملی فضایل اخلاقی» که در ایثار سه شبانه و تربیت فرزندانی شجاع، عادل و معتدل نمود یافته است. سوم، «خلاقیت در تربیت» که در الگوی تقسیم کار آموزشی و استفاده از ابزارهای در دسترس برای تفهیم مفاهیم دینی مشاهده می‌شود. چهارم، «عدالت و کرامت‌بخشی» که در رفتار برابر با فرزندان (دختران و پسران) و نیز احترام به شخصیت کودک تجلی یافته

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.
Email: Az.Etemadifard@iau.ac.ir
۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

است. این پژوهش نشان می‌دهد که سیره فاطمی، الگویی جامع برای تأمین سلامت روان کودک، تقویت هویت دینی و رعایت حقوق فرزندان ارائه می‌دهد که می‌تواند در نظام‌های تربیتی و مشاوره خانواده مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: تربیت کودک، سلامت روان، حقوق کودک، سیره حضرت فاطمه زهرا (س)، روانشناسی مثبت‌گرا، دلبستگی ایمن.

پلیس و حقوق اطفال و نوجوانان با تأکید بر حمایت از کودکان کار و بزه‌دیده

فائزه پناهی آزاد*[۱]، نرگس زارعی

چکیده: حمایت از اطفال و نوجوانان از مهم‌ترین الزامات حقوقی و اجتماعی دولت‌هاست و در این میان، پلیس به عنوان یکی از نهادهای مؤثر در پیشگیری از بزه‌دیدگی، شناسایی وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و حمایت از کودکان، جایگاه ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت حقوقی کودکان، به‌ویژه کودکان کار و بزه‌دیده، و تبیین جایگاه پلیس در حمایت از آنان انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای قوانین و مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی و منابع حقوقی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه قانون کار و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مجموعه‌ای از حمایت‌های مهم را پیش‌بینی کرده‌اند، پراکندگی مقررات، ضعف هماهنگی نهادی، دشواری نظارت بر بخش غیررسمی و فقدان سازوکارهای کافی برای شناسایی و حمایت فوری از کودکان در معرض خطر، از عوامل کاهش کارآمدی حمایت‌هاست. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، با شناسایی وضعیت‌های مخاطره‌آمیز و تعیین تکالیف برای ضابطان دادگستری و پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، ظرفیت مهمی برای رفع این خلأها ایجاد کرده است. بر این اساس، تقویت آموزش تخصصی پلیس، توسعه همکاری میان پلیس، بهزیستی و مراجع قضایی، ایجاد سازوکارهای منسجم شناسایی و ثبت اطلاعات و رعایت ملاحظات حمایتی در مواجهه با کودک، از مهم‌ترین راهکارهای ارتقای کارآمدی نظام حمایت از اطفال و نوجوانان است.

واژگان کلیدی: کودک، نوجوان، کودک کار، بزه‌دیدگی اطفال، حمایت کیفری

---

۱. دانشجوی دکتری

حق بر حریم خصوصی کودک در بستر پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی؛ مطالعه‌ای در الزامات حمایت قانونی و نظارتی

آرزو ملکشاه*[۱]، دلاور برادران[۲]، اکبر بدری[۳]

چکیده: زمینه و هدف: گسترش روزافزون پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی و استفاده فراگیر کودکان از این زیست‌بوم دیجیتال، چالش‌های بنیادینی را در زمینه صیانت از داده‌های شخصی و حمایت از حریم خصوصی آنان پدید آورده است. این سامانه‌ها از طریق سازوکارهایی نظیر یادگیری ماشین، پردازش خودکار زبان طبیعی، داده‌کاوی پیوسته، شناسایی چهره، دسته‌بندی رفتارها و الگوریتم‌های پیش‌بینی، به تحلیل داده‌های شناختی و هیجانی کودکان می‌پردازند که این فرایند زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های تجاری، دستکاری رفتاری و ایجاد ردپای ماندگار دیجیتال می‌شود. این تحقیق با هدف بررسی حق بر حریم خصوصی کودک در بستر پلتفرم‌های مبتنی بر هوش مصنوعی؛ مطالعه‌ای در الزامات حمایت قانونی و نظارتی با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای انجام شده است. بر اساس یافته های پژوهش مهم ترین جنبه های کلیدی تباین در نقض حریم خصوصی، امنیت داده ها، تبعیض و اخلاق دیجیتال است. لذا خطرات مربوط به جمع آوری و پردازش داده های شخصی کودکان توسط هوش مصنوعی نیازمند ایجاد مکانیسم های موثر حفاظت از حریم خصوصی است. بر اساس نتایج پژوهش، ایمنی داده های کودکان به ویژه در زمینه استفاده از ربات ها و اسباب بازی های هوشمند و استانداردهای ایمنی را که باید در توسعه چنین سیستم هایی در نظر گرفته

۱. گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: malekshah@iau.ac.ir
۲. گروه حقوق، واحد اسلامشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

شود. همچنین مشکل تبعیض که ممکن است در استفاده سیستماتیک از هوش مصنوعی ناشی شود لذا توسعه دهندگان باید از عادلانه بودن الگوریتم ها اطمینان حاصل کنند تا از تبعیض علیه کودکان اجتناب گردد. در نهایت، جنبه های اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی، یعنی مسوولیت توسعه دهندگان و لزوم رعایت اصول اخلاقی دیجیتال در تمامی جنبه های استفاده از آن باید رعایت شود. در نتیجه اقدام در سطح قانون گذاری، استانداردهای فناوری و اصول اخلاقی، تضمین ایمنی، حریم خصوصی، عدم تبعیض و مسئولیت اخلاقی در همه جنبه های استفاده از هوش مصنوعی برای تضمین و حمایت از حقوق کودکان در عصر هوش مصنوعی ضروری است.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، کودک، هوش مصنوعی، پلتفرم‌های دیجیتال، حفاظت از داده‌ها

وقتی ابزار به رابطه تبدیل می‌شود:
تحلیل چالش های نوظهور بین هوش مصنوعی و حقوق روانشناختی کودک

محمد نیک سیرت[۱]

چکیده: هوش مصنوعی مولد و مکالمه‌محور، محیط دیجیتال کودکان را از فضایی عمدتاً اطلاعاتی به محیطی تعاملی و شِبه‌رابطه‌ای تبدیل کرده است؛ چرا که قادر است زبان را شخصی‌سازی، زمینه گفت‌وگو را حفظ و پاسخ‌هایی حاکی از همدلی و ارزش‌دهی انعکاس دهد. این ویژگی‌ها می‌تواند برای یادگیری، دسترسی به اطلاعات، تمرین و برخی اشکال حمایت اولیه سودمند باشد؛ اما هنگامی که این زبان عاطفی و پاسخگویی شِبه‌اجتماعی به عنوان درک انسانی، نیت‌مندی و محرمانگی حرفه‌ای تجربه شود، ممکن است مسئله‌ای فراتر از دقتِ پاسخ شکل بگیرد؛ مسئله‌ای که به ماهیت رابطه ایجادشده توسط هوش‌مصنوعی در محیط رشدی کودک اشاره دارد. هدف این مقاله، ادغام دو مفهوم نوظهورِ «شکاف همدلی» و «رانش رابطه‌ای» در یک چارچوب روانشناختی ـ حقوق‌محور جهت تحلیل پیامدهای هوش‌مصنوعی مکالمه‌محور بر کودکان است. روش مطالعه، مرور روایتی ـ تحلیلی منابع علمی و اسناد رسمی مرتبط است. استدلال محوری این تحلیل بر آن است که شکاف میان همدلی شبیه‌سازی‌شده توسط هوش مصنوعی و درک اصیل انسانی، در کنار دسترسی دائمی، محیط شخصی‌سازی‌شده و تقویت تعاملی، می‌تواند زمینه‌ساز رانش تدریجی کارکرد هوش مصنوعی از «ابزار» به «منبع اتکای عاطفی، افشاگری هیجانی و تنظیم هیجان» کودک شود؛ با این حال، این مسیر نباید به شکلی جبری و یک‌سویه؛ بلکه باید تحت تأثیر تفاوت‌های رشدی،

---

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز Email:mohammadniksirat@yahoo.com

فردی، خانوادگی و اجتماعی تبیین گردد. در پایان، تحلیل پیشنهاد می‌کند که ارزیابی ایمنی هوش مصنوعی برای کودکان فراتر از کنترل صرفِ محتوا و داده، «ایمنی رابطه‌ای» را نیز دربرگیرد. برای نیل به این هدف، پیشنهاد می‌شود، شش مولفه ارزیابی شامل: شفافیت درباره ماهیت غیرانسانی سامانه، جلوگیری از القای وابستگی عاطفی، حفاظت از خودافشایی، داشتن تناسب رشدی، سازوکارهای ارجاع به حمایت انسانی و ارزیابی طولی مسیر تعامل، در دستور کار ارزیابی هوش مصنوعی کودک محور قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی؛ شکاف همدلی؛ رانش رابطه‌ای؛ آسیب‌پذیری رشدی؛ ارزیابی تأثیر بر حقوق کودک.

تأثیر روش‌های نمایشی مبتنی بر داستان‌های حماسی (شاهنامه) بر همدلی و نظریه ذهن کودکان: یک مرور نظام‌مند

هادی سرافرازی[۱]

چکیده: ادبیات داستانی از دیرباز یکی از ابزارهای مهم در شکل‌گیری تجربه‌های عاطفی و اجتماعی کودکان به شمار آمده است. در میان متون کلاسیک فارسی، شاهنامه فردوسی به دلیل برخورداری از روایت‌های حماسی، شخصیت‌های برجسته و موقعیت‌های پیچیده انسانی، ظرفیت قابل توجهی برای پرورش مفاهیم اخلاقی و اجتماعی در کودکان دارد. در سال‌های اخیر، پژوهشگران حوزه آموزش و ادبیات کودک بر این نکته تأکید کرده‌اند که ارائه منفعلانه متون ادبی نمی‌تواند به‌تنهایی موجب درک عمیق مفاهیم عاطفی و اجتماعی شود و لازم است روش‌های آموزشی فعال و مشارکتی در آموزش داستان‌ها به کار گرفته شود. از این رو، استفاده از روش‌های نمایشی و روایت‌محور می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای تجربه عینی‌تر داستان و درگیر شدن ذهنی و عاطفی کودکان فراهم کند. هدف این پژوهش بررسی نقش روش‌های نمایشی مبتنی بر داستان‌های شاهنامه در تقویت همدلی و نظریه ذهن کودکان است. این پژوهش با روش مرور نظام‌مند انجام شده است. بدین منظور، مجموعه‌ای از پژوهش‌های مرتبط با ادبیات کودک، آموزش شاهنامه، روایت داستانی و روش‌های نمایشی در آموزش بررسی و تحلیل شد. مطالعات انتخاب‌شده شامل پژوهش‌هایی در حوزه روایت و رشد اجتماعی کودک، بازنویسی و آموزش شاهنامه برای کودکان و نیز کاربرد نمایش خلاق و بازی نقش در فرآیند یادگیری بود. داده‌های به‌دست‌آمده از این مطالعات در قالب دسته‌بندی‌های تحلیلی بررسی شد تا ارتباط میان روایت‌های حماسی، فعالیت‌های نمایشی و رشد مهارت‌های اجتماعی کودکان روشن شود. نتایج

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران. Email: sarafrazi@iau.ac.ir

بررسی نشان می‌دهد که داستان‌های شاهنامه به دلیل برخورداری از تعارض‌های اخلاقی، روابط انسانی پیچیده و شخصیت‌پردازی قوی، ظرفیت بالایی برای تقویت همدلی و درک حالات ذهنی دیگران دارند. همچنین استفاده از روش‌های نمایشی مانند بازی نقش، نمایش خلاق و بازآفرینی داستان موجب مشارکت فعال کودکان در فرآیند یادگیری می‌شود و آنان را در موقعیتی قرار می‌دهد که احساسات، باورها و انگیزه‌های شخصیت‌های داستانی را بازسازی کنند.

واژگان کلیدی: شاهنامه، روش‌های نمایشی، همدلی، نظریه ذهن، ادبیات کودک

سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در قبال جذب و به کارگیری کودکان در گروه های تروریستی با تاکید بر چالش های تقنینی؛ مطالعه موردی: گروهک تروریستی پژاک

روح‌الله عباسی[۱]

چکیده: بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه و فعالیت‌های تروریستی، از تلخ‌ترین چهره‌های نقض حقوق کودک و از چالش‌های جدی پیش‌روی حقوق کیفری در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به شمار می‌رود. گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی غرب کشور به‌ویژه گروهک پژاک، با سوءاستفاده از آسیب‌پذیری‌های روحی، فقر و معضلات اجتماعی-اقتصادی و از طریق فریب و وعده‌های دروغین، کودکان و نوجوانان را به ابزار تحقق اهداف خشونت‌آمیز خود بدل می‌سازند.

در داخل کشور، علی‌رغم وجود این پدیده و پیامدهای ویرانگر آن بر سرنوشت کودکان، سیاست کیفری تقنینی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با این معضل با کاستی‌های بنیادینی دست‌وپنجه نرم می‌کند. فقدان جرم‌انگاری مستقل در قالب قانونی جامع برای مبارزه با تروریسم، ابهام در تمایز میان کودک بزهکار و کودک بزه‌دیده، نبود نهادهای تخصصی برای بازپروری و ضد رادیکالیزاسیون ایدئولوژیک کودکان بازگشتی، و از همه مهم‌تر ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت‌های همکاری قضایی بین‌المللی (به‌ویژه با کشور عراق که کانون استقرار و فعالیت گروهک پژاک است)، از مهم‌ترین خلأهای سیاست کیفری تقنینی در این حوزه محسوب می‌شود.

---

۱. کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز. Email:mohammadniksirat@yahoo.com

پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به واکاوی این چالش‌ها پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سیاست کیفری ایران نیازمند گذار از رویکرد صرفاً امنیتی-سرکوبی به رویکردی حمایتی-پیشگیرانه مبتنی بر عدالت ترمیمی است. در همین راستا، جرم‌انگاری مستقل بکارگیری کودکان در فعالیت‌های تروریستی با مجازات‌های بازدارنده، تدوین پروتکل‌های حمایتی پسینی برای کودکان قربانی، و توسعه دیپلماسی قضایی با کشورهای همسایه، به‌عنوان راهکارهای عملیاتی برای برون‌رفت از وضعیت موجود پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: سیاست کیفری، حقوق کودک، گروه‌های تروریستی، چالش‌های تقنینی، پژاک، همکاری قضایی بین‌المللی.

مسئولیت بین‌المللی درحمله به اماکن آموزشی؛ مطالعه موردی مدرسه شجره طیبه میناب

احمدرضا توحیدی[۱]، آزاده حسینی[۲]

چکیده: حمایت از اماکن آموزشی و کودکان در مخاصمات مسلحانه، از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر است. حمله به مدارس، افزون بر تعرض احتمالی به اماکن غیرنظامی، می‌تواند به نقض قواعد ناظر بر حمایت از کودکان، حق آموزش و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها منجر شود. پژوهش حاضر با تمرکز بر حمله به مدرسه شجره طیبه میناب، درصدد پاسخ به این پرسش است که این حمله، با توجه به قواعد حاکم بر حمایت از اماکن آموزشی و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، تحت چه شرایطی می‌تواند موجب تحقق مسئولیت بین‌المللی شود. پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با بهره‌گیری از اسناد بین‌المللی، قواعد عرفی، معاهدات حقوق بشردوستانه و حقوق بشر، آرای مراجع قضایی بین‌المللی، منابع علمی و گزارش‌های معتبر انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تعیین وضعیت حقوقی مدرسه در زمان حمله، نخستین گام در ارزیابی مشروعیت عملیات است و صرف ادعای وجود هدف نظامی یا مجاورت مدرسه با تأسیسات نظامی، به‌تنهایی موجب زوال حمایت از آن نمی‌شود. حتی در صورت احراز هدف نظامی، رعایت اصول تفکیک، تناسب و احتیاط همچنان الزامی است و میزان خسارات قابل پیش‌بینی برای دانش‌آموزان و سایر غیرنظامیان باید در ارزیابی قانونی بودن حمله مورد توجه قرار گیرد. همچنین، تحقق مسئولیت

۱. دانشیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
Email: LEGALART2@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پردیش بین الملل کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

بین‌المللی دولت مستلزم احراز نقض یکی از تعهدات بین‌المللی و قابلیت انتساب رفتار متخلفانه به دولت است و از مسئولیت کیفری احتمالی اشخاص تفکیک می‌شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در حادثه مدرسه شجره طیبه میناب، صرف وقوع تلفات و خسارات برای تحقق مسئولیت بین‌المللی کافی نیست؛ بلکه ارزیابی مسئولیت مستلزم احراز وضعیت حقوقی مدرسه، بررسی شرایط تبدیل احتمالی آن به هدف نظامی، رعایت یا نقض اصول تفکیک، تناسب و احتیاط و احراز قابلیت انتساب رفتار به دولت است. بنابراین، در صورت اثبات نقض تعهدات قابل اعمال و انتساب رفتار متخلفانه، مسئولیت بین‌المللی دولت قابل طرح بوده و آثار حقوقی آن، از جمله جبران خسارات قابل انتساب، مطرح خواهد شد. بر این اساس، ارزیابی حقوقی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب باید بر احراز عناصر نقض و انتساب استوار باشد و صرفاً بر مبنای نتیجه زیان‌بار حمله یا وقوع تلفات، حکم به تحقق مسئولیت بین‌المللی صادر نشود.

واژگان کلیدی: مدرسه شجره طیبه میناب، اماکن آموزشی، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اصل تفکیک، مسئولیت بین‌المللی دولت.

بررسی حق حیات و امنیت کودکان در مخاصمات مسلحانه:مطالعه موردی مدرسه شجره میناب

حسین زارع خورمیزی[۱]، سید محسن میرحسینی[۲]، سیده مریم رجائیان[۳]

چکیده: هدف این پژوهش بررسی وضعیت حقوقی کودکان در مخاصمات مسلحانه با تأکید بر حق حیات و امنیت آنان و تحلیل موردی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب در نخستین روز تجاوز نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران است. پژوهش می‌کوشد با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و بشردوستانه، میزان انطباق این حمله با موازین حقوقی و مسئولیت دولت‌های متخاصم را ارزیابی کند. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و گردآوری داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی است؛ بدین منظور کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، پروتکل‌های الحاقی ۱۹۷۷، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و اسناد منطقه‌ای مانند منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک و کنوانسیون کامپالا بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد حمله به مدرسه شجره طیبه که منجر به شهادت حدود صد و بیست کودک دانش‌آموز و زخمی شدن نود و شش نفر دیگر شد، نقض آشکار حق حیات و امنیت کودکان و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. استفاده از مهمات هدایت شونده دقیق نشان می‌دهد حمله تصادفی نبوده و کودکان هرگز نباید به عنوان تلفات جانبی مخاصمات تلقی شوند. ایران به

۱. دانشجو دکتری گروه حقوق، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران
Email: hassanzare454@gmail.com
۲. استاد یار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه یزد،دانشگاه یزد، ایران
Email: mmirhosaini@yazd.ac.ir
۳. کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران
Email: maryamrajaeeyan@gmail.com

کنوانسیون حقوق کودک پیوسته و متعهد به رعایت ماده ۳۸ است؛ اما آمریکا با وجود امضای کنوانسیون، آن را تصویب نکرده و همین امر مسئولیت‌پذیری بین‌المللی آن را پیچیده‌تر می‌سازد. پژوهش نتیجه می‌گیرد جامعه جهانی باید مستقلانه این جنایت را بررسی و عاملان را پاسخگو کند.

واژگان کلیدی : حقوق کودک، مخاصمات مسلحانه، حق حیات و امنیت، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مدرسه شجره طیبه میناب.

جایگاه کودک‌کار در حقوق ایران: جرم‌انگاری و ضمانت کیفری بهره‌کشی اقتصادی از کودکان در پرتو کنوانسیون بین‌المللی حقوق کودک

محمدحسین میرزائی[۱]

چکیده: ماده۳۲ کنوانسیون حقوق کودک، دولت‌ها را به تعیین حداقل سن اشتغال، تنظیم ساعات و شرایط کار و پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای مؤثر برای مقابله با بهره‌کشی اقتصادی از کودکان مکلف می‌کند. در حقوق ایران، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب۱۳۹۹، در ماده۱۵ برای بهره‌کشی اقتصادی از اطفال و نوجوانان برخلاف مقررات قانون کار، مجازات حبس درجه شش پیش‌بینی کرده است. این قانون همچنین در ماده۶، وظایف نهادی مرتبط با نظارت بر اماکن کار و حمایت از کودکان و نوجوانان بزه‌دیده یا در معرض خطر را تعیین کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و رویکرد تطبیقی و اسنادی، به بررسی میزان انطباق مقررات ایران با الزامات ماده۳۲ کنوانسیون حقوق کودک و استانداردهای مرتبط سازمان بین‌المللی کار می‌پردازد. تحلیل حقوقی نشان می‌دهد که تعریف بهره‌کشی اقتصادی در بند «ث» ماده۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، دو صورت متمایز را دربرمی‌گیرد: به‌کارگیری غیرقانونی طفل یا نوجوان و واداشتن یا گماردن او به کار یا خدمتی که با توجه به وضعیت جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی وی مضر یا خطرناک باشد. اما نسبت این دو صورت با قید «برخلاف مقررات قانون کار» در ماده۱۵، از حیث تعیین قلمرو جرم و شرایط اعمال مجازات، با ابهام تفسیری همراه است. همچنین، حقوق ایران در تعیین حداقل سن عمومی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران . Email: m.mirzaee@ltr.basu.ac.ir

اشتغال، پیش‌بینی محدودیت‌های ویژه برای کارگران نوجوان و تعیین فهرستی از کارهای مضر برای افراد کمتر از هجده سال، دارای مقررات حمایتی مشخصی است؛ اما کفایت و روزآمدی فهرست موجود، انسجام ضمانت‌اجراهای مرتبط و قابلیت اجرای حمایت‌ها در محیط‌های خانوادگی و غیررسمی نیازمند بررسی بیشتر است. پژوهش نتیجه می‌گیرد که مسئله اصلی نظام حقوقی ایران، فقدان مطلق جرم‌انگاری یا نبود فهرست کارهای مضر نیست، بلکه ابهام در قلمرو اعمال ماده۱۵، ضرورت ارزیابی و به‌روزرسانی مقررات موجود و دشواری شناسایی و حمایت مؤثر از کودکان در برخی اشکال غیررسمی و نوظهور فعالیت اقتصادی است. بر این اساس، روشن‌سازی رابطه ماده۱۵ با قانون‌کار، بررسی کفایت فهرست موجود، تقویت هماهنگی نهادی در اجرای تکالیف قانونی و تدوین ضوابط متناسب با فعالیت‌های اقتصادی کودکان در فضای مجازی، از مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی برای بهبود حمایت کیفری از کودکان به شمار می‌روند.

واژگان کلیدی: جرم‌انگاری بهره‌کشی اقتصادی، حقوق کار، حمایت کیفری کودکان، کنوانسیون حقوق کودک، کودک کار

بررسی تعارض معلم‌بلاگری با حقوق معنوی کودک در پرتو سند ملی حقوق کودک و نوجوان

فاطمه سادات اشرف آل طه*[۱]، زهرا امیرحائری[۲]

چکیده: با پیشرفت فناوری و ورود افراد شاغل در حرفه‌های مختلف، از جمله معلم‌ها، به فضای مجازی، شاهد نادیده‌گرفته‌شدن پاره‌ای از حقوق اقشار مختلف جامعه هستیم که گاه به دلیل نارسایی‌های قانونی، امکان پیگیری مؤثر نیز وجود ندارد. یکی از گروه‌های خاص که به دلیل محجور بودن، باید توجه بیشتری به حقوق ایشان گردد، کودکان‌اند. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شامل قوانین موضوعه، اسناد بالادستی، از جمله سند ملی حقوق کودک و نوجوان، مقالات علمی و کتب حقوقی، انجام شده است. داده‌ها با رویکرد تحلیل محتوای کیفی، بررسی و تعارضات پدیده معلم‌بلاگری با حقوق معنوی کودک، بر اساس مفاد سند مذکور، طبقه‌بندی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معلم‌بلاگری بر چهار حق اساسی مندرج در سند ملی حقوق کودک و نوجوان، شامل حق هویت (ماده ۴)، حق سلامت جسمی و روانی (ماده ۶)، حقوق فرهنگی، آموزشی و تربیتی (ماده ۸) و حق امنیت (ماده ۱۱)،تاثیر منفی داشته است. از نظر این پژوهش با توجه به خلأهای قانونی موجود در نظام حقوقی ایران در خصوص صیانت از حقوق معنوی کودکان در فضای مجازی و فقدان ضمانت اجرای مؤثر، قانون‌گذار باید قوانین صریح و کارآمدی در این زمینه تصویب و اجرا نماید. همچنین، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند با برگزاری دوره‌های

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری.
Email: f_altaha@yahoo.com
۲. دانشجوی دکتری مطالعات زنان و حقوق خانواده دانشگاه جامع انقلاب اسلامی.

آموزشی ضمن خدمت برای معلمان، اخذ تعهد در ابتدای استخدام و تشکیل کمیته‌های نظارتی، گامی مؤثر در کاهش این پدیده بردارد.

واژگان کلیدی: معلم‌بلاگری، حقوق معنوی کودک، حق هویت، حریم خصوصی کودک، سند ملی حقوق کودک و نوجوان

حق بر سلامت روان کودکان در مخاصمات مسلحانه؛ از خلأ هنجاری تا تعهد الزام‌آور در حقوق بین الملل

احمدرضا توحیدی*[۱]، زینب زارع[۲]، سجاد سلیمان پور[۳]

چکیده: مخاصمات مسلحانه معاصر، کودکان را نه‌تنها در معرض خشونت فیزیکی مستقیم قرار می‌دهند، بلکه آسیب‌های روانی عمیق و ماندگاری بر آنان تحمیل می‌کنند که تا سال‌ها پس از پایان درگیری‌ها ادامه می‌یابد. در حالی که اسناد بنیادین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بر حق بر سلامت تأکید دارند، بُعد روانی این حق - به‌ویژه در مورد کودکان متأثر از جنگ - به صورت مستقل و نظام‌مند مورد توجه قرار نگرفته است. این پژوهش با هدف بررسی مبانی حقوقی حق بر سلامت روان کودکان در مخاصمات مسلحانه، تحلیل جایگاه آن در اسناد بین‌المللی و بررسی امکان تبلور آن به عنوان تعهدی عرفی با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی انجام شده است. داده‌ها از اسناد بین‌المللی الزام‌آور، آرا و گزارش‌های نهادهای قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی و تحلیل رویه سازمان‌های بشردوستانه و حقوق بشری گردآوری شده و یافته‌ها از طریق استدلال حقوقی نظام‌مند ارائه گردیده است. حق کودک بر سلامت از منظر تفسیر حق‌محور بر «بهزیستی جسمی، عاطفی و اجتماعی» تأکید دارد همچنانکه اعمال میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر کودکان ت تأثیرات منفی روانی مخاصمات بر کودکان و ضرورت «تحقق حقوق کودک متأثر از مخاصمات مسلحانه» از جمله خدمات سلامت روان و حمایت روانی-اجتماعی متناسب با سن و حساس به جنسیت برای کودکان در زمینه‌های

۱. عضو هیات علمی کروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم
Email: Ar.tohidi@qom.ac.ir
۲. پژوهشگر و کاندیدای دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه تهران
۳. پژوهشگر و کاندیدای دکتری حقوق بین الملل، دانشگاه تهران

بشردوستانه در تعهدات بین المللی اطراف مخاصمه مورد تأکید است.لذا مفروض تحقیق آن می باشد کهحق بر سلامت روان کودکان در مخاصمات مسلحانه در حال گذار از یک توصیه اخلاقی به یک قاعده عرفی در حال شکل‌گیری است. تداوم این روند مستلزم تدوین صریح‌تر در اسناد الزام‌آور، نهادینه‌سازی حمایت‌های روانی در مأموریت‌های صلح و بازسازی، و تقویت سازوکارهای پاسخگویی دولت‌ها و بازیگران غیردولتی است.

واژگان کلیدی: سلامت روان کودک؛ مخاصمات مسلحانه؛ حقوق بین‌الملل بشر؛ حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛ تعهدات عرفی؛ مسئولیت بین‌المللی دولت

نقش شاهنامه‌خوانی نمایشی در پرورش خلاقیت و تفکر واگرای دانش‌آموزان: مروری بر پژوهش‌های تجربی

هادی سرافرازی[۱]

چکیده: شاهنامه فردوسی، به‌عنوان یکی از بنیادین‌ترین متون ادبی و هویتی ایران، همواره نقشی فراتر از یک اثر حماسی صرف داشته و در ساحت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی حضوری ماندگار ایفا کرده است. در دهه‌های اخیر، توجه به ظرفیت‌های آموزشی متون کلاسیک و به‌ویژه بهره‌گیری از شیوه‌های فعال یاددهی ـ یادگیری، زمینه‌ای فراهم آورده است تا شاهنامه نه‌تنها موضوع مطالعه ادبی، بلکه ابزاری برای پرورش مهارت‌های شناختی و خلاقانه دانش‌آموزان تلقی شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش شاهنامه‌خوانی نمایشی در پرورش خلاقیت و تقویت تفکر واگرای دانش‌آموزان و با تمرکز بر مرور پژوهش‌های تجربی انجام شده است. روش پژوهش، کیفی و از نوع مرور نظام‌مند مطالعات تجربی داخلی در حوزه شاهنامه‌خوانی، روایتگری ادبی و فعالیت‌های نمایشی در آموزش بوده است. در این راستا، پژوهش‌های مرتبط با تأثیر شاهنامه‌خوانی، اجرای نمایشی داستان‌های حماسی، تصویرگری و اقتباس‌های آموزشی بر ابعاد شناختی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان بررسی و تحلیل شده‌اند. داده‌ها بر اساس مؤلفه‌هایی چون تقویت تخیل، انعطاف شناختی، مهارت‌های زبانی، هویت فرهنگی و تعامل اجتماعی طبقه‌بندی و تفسیر شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که شاهنامه‌خوانی نمایشی با ایجاد فضایی تعاملی و خلاق در کلاس درس، موجب افزایش مشارکت فعال دانش‌آموزان، گسترش قدرت تخیل و توانایی تولید ایده‌های متنوع می‌شود. ایفای نقش شخصیت‌ها، بازآفرینی روایت‌ها و تفسیر چندوجهی داستان‌ها زمینه بروز تفکر واگرا را فراهم می‌آورد و یادگیری را از سطح حفظ و بازگویی

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشمر، ایران. Email: sarafrazi@iau.ac.ir

به سطح تحلیل و آفرینش ارتقا می‌دهد. افزون بر این، نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که این شیوه آموزشی در تقویت مهارت‌های اجتماعی، کاهش رفتارهای پرخاشگرانه و تعمیق هویت فرهنگی نیز نقش مؤثری دارد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که شاهنامه‌خوانی نمایشی رویکردی میان‌رشته‌ای و کارآمد در آموزش ادبیات است که با پیوند دادن میراث حماسی با روش‌های فعال آموزشی، زمینه پرورش ذهن‌های خلاق، منعطف و هویت‌مند را در نظام آموزشی فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: شاهنامه‌خوانی نمایشی، خلاقیت، تفکر واگرا، آموزش ادبیات، هویت فرهنگی

اخلاق جنگ و بی‌گناهی کودکان:
تأملی فلسفی- حقوقی بر مرگ کودکان در بمباران یک مدرسه

سیما حاتمی[۱]

چکیده : واقعه بمباران مدرسه میناب در فوریه ۲۰۲۶، تقابل بنیادین «ضرورت نظامی» و «مصونیت غیرنظامیان» را در مخاصمات نوین به چالش کشیده است. مسئله اصلی این پژوهش، تبیین جایگاه اخلاقی و حقوقی کودکان در میانه مخاصمات است؛ به‌گونه‌ای که پرسش می‌شود آیا آسیب‌پذیری ساختاری و فقدان عاملیت رزمی کودکان، می‌تواند به‌عنوان یک «وزن هنجاری مستقل» در ارزیابی اصل تناسب لحاظ گردد و خطای هدف‌گیری در مجاورت مراکز آموزشی، واجد چه اوصاف کیفری است؟ این تحقیق با بهره‌گیری از روش تحلیلی-هنجاری و مطالعه تطبیقی اسناد حقوق بشردوستانه، ضمن بازسازی سناریوهای هفت‌گانه واقعه، مراتب مسئولیت دولت و فرماندهان را واکاوی می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ناتوانی ذاتی کودک در عاملیت رزمی، او را از شمول منطقِ «خسارت تبعیِ مجاز» خارج کرده و مصونیتی بنیادین برای وی ایجاد می‌نماید؛ لذا حمله به مدرسه مذکور، فراتر از یک خطای شناختی، به دلیل عدم راستی‌آزمایی و بی‌توجهی سیستماتیک به جان غیرنظامیان، مصداق بی‌پروایی مفرط و واجد اوصاف جنایت جنگی است. در نهایت، این نوشتار با بهره‌گیری از مفهوم «سوگوارپذیری» باتلر استدلال می‌کند که نابرابری در ارزش‌گذاری جان کودکان در گفتمان‌های جنگی، آستانه مسئولیت‌پذیری بین‌المللی را متزلزل ساخته و لزوم بازتعریفِ فلسفیِ اصل تناسب را بیش از پیش نمایان می‌کند.

واژگان کلیدی: اخلاق جنگ، حقوق بشردوستانه، اصل تناسب، بی‌گناهی کودک، جنایت جنگی، واقعه میناب، سوگوارپذیری.

---

۱. دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، پسل دکتری و استاد مدعو دانشگاه علم و فرهنگ

تحلیل جنایت حمله به مدرسهٔ میناب از منظر حقوق بین‌الملل و ارائهٔ راهکارهای پیشنهادی جهت کنشگری حقوقی-سیاسی در مجامع جهانی

مسعود حسن‌آبادی[۱]، محمد گوهری[۲]، علی کفیلیان یزدی[۳]

چکیده: در ساعت ۱۱:۳۰ روز شنبه مورخ ۹ اسفند ۱۴۰۴-۲۸ فوریه ۲۰۲۶ مدرسهٔ شجرهٔ طیبهٔ میناب واقع در استان هرمزگان مورد حمله موشکی قرار گرفت، که در نتیجهٔ آن ۱۶۸ کودک دانش‌آموز که بازه سنی آن ها ۷ تا ۱۲ سال گزارش شده و نیز تعدادی از معلمان و کادر اداری آن به شهادت رسیدند. این نوشتار که با روش کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است در تلاش است تا علت سیاست‌زدگی و رویکرد دوگانهٔ دولت‌ها نسبت به حقوق بین‌الملل را تبیین نموده و چرایی ارتکاب چنین جنایات دردناکی را علی‌رغم پیش‌بینی و وجود مقررات حمایتی درخصوص جنگ و کودکان در حقوق بین‌الملل، پاسخ دهد.

بررسی ها حاکی از آن است که حمله به مدرسهٔ میناب مصداق بارز جنایت جنگی و در تعارض مسلم و روشن با اصول اساسی حقوق بین‌الملل بشردوستانه (اصل تفکیک، احتیاط و تناسب) و حقوق بین‌الملل بشر مشخصاً ماده ۶ کنوانسیون حقوق کودک می‌باشد. به نظر نگارندگان علی‌رغم سیاست‌زدگی و ضعف حقوق بین‌الملل در ضمانت اجرا و فقدان سازکار های ملموس و مؤثر همچنان می‌توان از طریق شورای حقوق بشر سازمان ملل و صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) و نیز دیوان کیفری بین‌المللی (مستند به مواد ۱۲، ۱۳ و

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم‌سیاسی دانشگاه یزد
Email: m.hassanabadi@yazd.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی رشتهٔ حقوق دانشگاه یزد
Email: mohammadgowhary91@gmail.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی رشتهٔ روان‌شناسی دانشگاه یزد
Email: alikafilian@gmail.com

۱۴ اساسنامه رم) نسبت به پیگیری حقوقی جنایت مزبور اقدام کرد؛ علاوه بر آن از حیث سیاسی می توان از طریق شورای امنیت سازمان ملل و نیز با مستندسازی و همکاری با سازمان های مردم نهاد مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر زمینه اعمال فشار و پاسخگویی دولت خاطی و مسئولین آن را فراهم نمود.

واژگان کلیدی: جنایت جنگی، حقوق بین الملل بشردوستانه، مدرسهٔ میناب، تجاوز

مبانی و قلمرو مسئولیت مدنی ناشی از نقض حریم خصوصی کودک در پدیده والدین‌بلاگری؛ مطالعه‌ای در حقوق ایران با رویکرد تطبیقی

پریناز کریمی[۱]

چکیده :پدیده "والدین‌بلاگری[۲]" به معنای اشتراک‌گذاری گسترده و اغلب افراطی تصاویر، ویدئوها، اطلاعات هویتی، موقعیت مکانی و جزئیات زندگی کودکان توسط والدین در شبکه‌های اجتماعی است. این رفتار، اگرچه در ظاهر بخشی از زندگی خانوادگی و حق تربیت والدین تلقی می‌شود، اما می‌تواند به نقض حریم خصوصی کودک، ایجاد ردپای دیجیتال اجباری و بروز خسارات معنوی، مالی و اجتماعی در زمان حال و آینده منجر شود. پرسش اصلی این است که مبانی، ارکان و قلمرو مسئولیت مدنی والدین در نقض حریم خصوصی کودک در بستر شبکه‌های اجتماعی در حقوق ایران چگونه تبیین می‌شود و نظام‌های پیشرو چه راهکارهایی ارائه می‌دهند. این مقاله با روش توصیفی–تحلیلی و با اتکا به اسناد کتابخانه‌ای، مواد قانونی و تجارب تطبیقی، نشان می‌دهد که ولایت قهری در حقوق ایران یک حق مطلق و نامحدود نیست، بلکه امانتی است که با "مصلحت عالیه کودک"، "قاعده لاضرر" و "منع سوءاستفاده از حق" محدود می‌شود. به رغم خلأ قانونی صریح، می‌توان با استناد به قواعد عمومی مسئولیت مدنی، قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان ۱۳۹۹ و اصول قانون اساسی، مسئولیت مدنی والدین را اثبات کرد. مطالعه تطبیقی فرانسه، اتحادیه اروپا و ایالات متحده نشان می‌دهد که سازوکارهایی مانند حق فراموش‌شدگی، صندوق امانی کودک، امکان سلب اختیار والدین در انتشار تصویر و الزام پلتفرم‌ها به حذف محتوا، می‌تواند الگوی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
Email: parinazkarimi@gmail.com

مناسبی برای اصلاحات تقنینی در ایران باشد. پیشنهاد اصلی این مقاله، شناسایی "شخصیت دیجیتال مستقل کودک" و وضع تبصره‌ای الحاقی در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان برای ضابطه‌مند کردن بهره‌کشی از تصویر و داده‌های شخصی کودکان است.

واژگان کلیدی :والدین‌بلاگری، حریم خصوصی کودک، مسئولیت مدنی، ولایت قهری، مصلحت کودک، حق تصویر، حق فراموش‌شدگی، ردپای دیجیتال.

تعارض منافع و حدود اختیار نماینده قانونی کودک در قراردادهای بهره‌برداری تجاری از تصویر: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه

نوشین محمودی[۱]، میثم نصرالهی[۲]

چکیده: گسترش تبلیغات دیجیتال و محتوای درآمدزای خانوادگی، تصویر کودک را به موضوع قراردادهای تجاری تبدیل کرده است. در این قراردادها ممکن است شخصی که باید منافع کودک را حفظ کند، خود نیز از انتشار تصویر او سود ببرد. پرسش مقاله آن است که تعارض منفعت اقتصادی نماینده قانونی چه اثری بر حدود اختیار او و اعتبار یا آثار قرارداد دارد. پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و مطالعه تطبیقی مقررات ایران و فرانسه انجام می‌شود. در حقوق ایران، مواد ۱۱۸۰، ۱۱۸۳ و ۱۱۸۴ قانون مدنی بر ولایت قهری، نمایندگی در امور مالی و رعایت غبطه کودک دلالت دارند، اما پاسخ صریح و ویژه‌ای برای قراردادهای بهره‌برداری از تصویر ارائه نمی‌کنند. در فرانسه، قانون ۱۹ اکتبر ۲۰۲۰ درباره تصویر کودکان زیر شانزده سال در پلتفرم‌های آنلاین، قانون ۱۹ فوریه ۲۰۲۴ درباره حق بر تصویر و ماده ۳۸۳ قانون مدنی درباره تعارض منافع اداره‌کننده قانونی، ابزارهای متفاوتی فراهم می‌آورند. یافته پژوهش آن است که منفعت اقتصادی نماینده به‌تنهایی مساوی با تعارض مؤثر یا بطلان قرارداد نیست. ارزیابی باید هم‌زمان به نوع منفعت نماینده، مخاطرات حقوق شخصیتی، نظر کودک و قابلیت کنترل آثار آینده قرارداد توجه کند. مقاله الگویی سه‌مرحله‌ای برای شناسایی تعارض مؤثر و پاسخ حقوقی متناسب پیشنهاد می‌کند. این الگو میان راه‌حل‌های قابل استنباط از حقوق موجود و

---

۱. دکتری اقتصاد، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق حقوق تجارت بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

۲. دکتری مهندسی صنایع، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اصلاحات لازم برای حمایت پیشینی از کودک تفکیک می‌کند.

واژگان کلیدی: حق بر تصویر؛ کودک؛ تعارض منافع؛ نمایندگی قانونی؛ حقوق فرانسه.

تحلیل جرم شناختی حمله به مدرسه شجره طیبه میناب با تاکید بر حقوق کیفری بین‌الملل

علی بیرامی کشایش[۱]، جمال بیگی[۲]

چکیده: زمینه وهدف: حفاظت از نهادهای آموزشی در جریان مخاصمات مسلحانه، فراتر از یک ضرورت اخلاقی، تعهدی قطعی در چارچوب حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق کیفری بین‌الملل محسوب می‌شود . با این حال، شکاف عمیقی میان قواعد حمایتی و واقعیت‌های میدانی وجود دارد؛ طرف‌های درگیر اغلب با تمسک به مفاهیم کشسانی نظیر «ضرورت نظامی» یا «خطای اطلاعاتی» سعی در توجیه حملات به مراکز آموزشی و گریز از مسئولیت کیفری دارند . ضرورت تحلیل جرم‌شناختی این حادثه از آنجا ناشی می‌شود که فهم دقیق «چرا»ی این جنایت، پیش‌شرط طراحی سازوکارهای پیشگیرانه و پاسخگویی مؤثر است.

روش تحقیق: به منظور بررسی این مقاله از روش توصیفی,تحلیلی و با تاکید بر جرم شناسی و حقوق کیفری بین الملل بررسی و تحلیل می گردد.

یافته ها: حمله موشکی به مدرسه ابتدایی شجره طیبه میناب در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، یکی از نگران‌کننده‌ترین نمونه‌های نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه در درگیری‌های معاصر است.

نتیجه گیری : نتیجه‌گیری نهایی این تحلیل آن است که حادثه میناب را نمی‌توان در چارچوب «اشتباه نظامی» یا «خسارت جانبی» توجیه کرد. ترکیب

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی،پژوهشگر مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. Email: beyramiali7979@gmail.com

۲. استاد تمام، گروه آموزشی حقوق کیفری و جرم شناسی، رئیس مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. Email:jamal.beigi@yahoo.com

شواهد عینی (تداوم کاربری آموزشی)، زمانی (ساعات کلاس)، و رویه اداری مهاجم (استفاده از داده‌های قدیمی)، تصویری از یک نقض فاحش حقوق بین‌الملل بشردوستانه را ارائه می‌دهد. از منظر حقوق کیفری بین‌الملل، این واقعه واجد شرایط لازم برای پیگیری قضایی به اتهام جنایت جنگی (حمله عمدی به غیرنظامیان و اماکن آموزشی) است. هرچند پیگیری حقوقی در سطح بین‌المللی با موانع سیاسی روبه‌روست، اما مستندسازی دقیق جرم‌شناختی، مبنایی برای مطالبه عدالت و جلوگیری از فراموشی این فاجعه انسانی فراهم می‌آورد.

واژگان کلیدی: مدرسه میناب، جنایت جنگی، جرم شناختی ,حقوق کیفری بین‌الملل

کودکان در شکاف مسئولیت: میناب و گم شدن پاسخگویی در گسست میان حقوق فناوری، حقوق مخاصمات و نظام جبران خسارت

بشری سادات امامی*[۱]، علیرضا معراجی[۲]

چکیده: صبح ۹ اسفند ۱۴۰۴، دبستان شجره طیبه میناب هدف حمله قرار گرفت و بیش از ۱۵۰ نفر جان باختند که بنا بر آمار دادستان میناب، ۱۲۰ نفر از آنان دانش‌آموز بودند. هیئت حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی درباره ایران، دلایل معقولی برای انتساب حمله به آمریکا و وقوع جنایت جنگیِ حمله بی‌تمایز یافت؛ گزارش‌هایی درباره استفاده از داده‌های کهنه، بی‌اثر ماندن هشدارها و نقش احتمالی سامانه‌های پشتیبان تصمیم، نشان می‌دهد که پرسش از مسئولیت را نمی‌توان تنها به لحظه شلیک محدود کرد. هنگامی که تصمیمی مرگبار در زنجیره‌ای از داده‌ها، پیشنهادهای الگوریتمی و تصمیم‌های انسانی شکل می‌گیرد، مسئولیت بر عهده کیست و چگونه می‌توان به حمایت و جبران مؤثر دست یافت؟

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه موردی، یافته‌های مستند، گزارش‌های منتسب به منابع مطلع و فرضیه‌های فنی را از یکدیگر تفکیک می‌کند و کنوانسیون حقوق کودک را چارچوب تحلیل خود قرار می‌دهد؛ بااین‌حال، از آنجا که آمریکا این کنوانسیون را امضا کرده و به تصویب نرسانده، سنجش رفتار آن باید با توجه به قواعد الزام‌آور حقوق مخاصمات مسلحانه و قواعد عرفی مرتبط صورت گیرد.

یافته اصلی پژوهش آن است که شکاف مسئولیت نه در یک نظام حقوقی منفرد، بلکه در گسست میان سه حوزه شکل می‌گیرد: مقررات فناوری،

۱. دکتری حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه. Email:boshra.emami@ut.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، دانشگاه تهران

کاربردهای منحصراً نظامی را از شمول خود خارج می‌کنند؛ شمول الزام بازبینی حقوقی بر سامانه‌های پشتیبان تصمیم در حقوق مخاصمات محل ابهام است؛ و دسترسی فردی به جبران خسارت با موانعی چون مصونیت‌های حقوقی و دشواری اثبات روبه‌روست. بدین‌ترتیب، هر نظام بخشی از مسئله را به دیگری وامی‌گذارد و کودک در میان این گسست‌ها از حمایت و جبران مؤثر بازمی‌ماند؛ بی‌آنکه تعهدات بین‌المللی دولت از میان برود.

این پژوهش برای برطرف‌کردن این کاستی‌ها سه پیشنهاد مطرح می‌کند: ارزیابی تأثیر بر حقوق کودک پیش از به‌کارگیری سامانه‌ها، راستی‌آزمایی و ردیابی داده‌های مربوط به اماکن کودکان، و تعیین روشن تکالیف و پیش‌بینی سازوکارهای جبران.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ حقوق مخاصمات مسلحانه؛ حقوق فناوری؛ هوش مصنوعی؛ شکاف مسئولیت.

نقض مصالح عالیه کودک در فرآیندهای کمک‌باروری با مداخله شخص ثالث در فقدان چارچوب حقوقی منسجم

فاطمه سادات حسینی[۱]

چکیده: با پیشرفت‌های چشم‌گیر در فناوری‌های کمک‌باروری، امکان تولد کودک از طریق اهدای گامت یا جنین توسط شخص ثالث برای زوج‌های نابارور فراهم شده است. با وجود این ظرفیت علمی، نظام حقوقی ایران هنوز نتوانسته است پاسخ‌های جامع، شفاف و نظام‌مند به مسائل پیچیده ناشی از این نوع تولدها ارائه دهد. پرسش اصلی این است که در غیاب چارچوب حقوقی منسجم، آیا چنین تولدی با مصالح عالیه کودک ـ به‌عنوان اصلی بنیادین در حقوق داخلی و بین‌المللی ـ سازگار است؟ مطابق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خانواده واحد بنیادین جامعه است و باید از آن حمایت شود. اما در مواردی که کودک به واسطه اهدای گامت یا جنین و با مداخله شخص ثالث متولد می‌شود، مسائل اساسی همچون نسب، ولایت، محرمیت، ارث، حضانت، شناسنامه، و هویت اجتماعی یا با خلأ قانونی مواجه‌اند یا محل اختلاف جدی فقهی و قضایی هستند. این وضعیت کودک را از بدو تولد در معرض چالش‌های هویتی و دعاوی قضایی متعدد قرار می‌دهد؛ امری که آشکارا با اصل کرامت انسانی (اصل ۲۲ قانون اساسی) و تعهد دولت به رعایت مصالح عالیه کودک (ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک) در تعارض است .مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به اسناد تقنینی، فقهی و رویه‌ای، نشان می‌دهد که نبود سیاست‌گذاری تقنینی جامع، باعث انتقال پیامدهای تصمیم بزرگ‌سالان به دوش کودک شده است. در نهایت، راهکارهایی برای بازنگری در سیاست‌های تقنینی، تدوین مقررات حمایتی و الزام-آور برای تضمین حقوق

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده غیرانتفاعی رفاه، تهران، ایران

کودکان حاصل از این روش‌ها ارائه می‌شود تا اصل مصالح عالیه کودک در عمل نیز محقق گردد.

واژگان کلیدی: مصالح عالیه کودک، فناوری‌های کمک‌باروری، اهدای گامت و جنین، نسب، کرامت انسانی، سیاست‌گذاری تقنینی

از رضایت والدین تا پاسخ‌گویی الگوریتمی: الگوی حقوقی ارزیابی اثرات هوش مصنوعی آموزشی بر حقوق کودک

ایمان مختاری*[۱]، احسان آقامحمدآقایی[۲]

چکیده: کاربرد هوش مصنوعی در آموزش کودکان، افزون بر ایجاد فرصت‌های یادگیری، مسائل تازه‌ای را درباره حدود مداخله نهادهای عمومی، تکالیف حمایتی دولت و پاسخ‌گویی در تصمیم‌های آموزشی مطرح می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که چگونه می‌توان اصول حقوق کودک را به الزامات قابل نظارت در تنظیم‌گری هوش مصنوعی آموزشی تبدیل کرد و آیا رضایت والدین برای توجیه استفاده از این سامانه‌ها کفایت می‌کند. پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه اسنادی، کنوانسیون حقوق کودک، تفسیر عمومی شماره ۲۵ کمیته حقوق کودک و رهنمودهای مرتبط یونیسف و یونسکو را بررسی می‌کند. استدلال مقاله بر این مبنا استوار است که رضایت والدین نمی‌تواند جایگزین تکالیف مستقل دولت و نهادهای آموزشی در رعایت منافع عالیه کودک، تضمین برابری، حمایت از حریم خصوصی و فراهم‌کردن امکان اعتراض و جبران شود. بر این اساس، چارچوبی شش‌مرحله‌ای شامل احراز ضرورت و تناسب استفاده، شناسایی حقوق و گروه‌های متأثر، ارزیابی خطر و راهکارهای جایگزین، مشارکت متناسب با سن کودک، تصویب مشروط و تعیین مسئولیت‌ها، و پایش مستمر و جبران پیشنهاد می‌شود. در این چارچوب، نظارت انسانی مؤثر، شفافیت متناسب با مخاطب و قابلیت بازبینی تصمیم‌ها، ابزارهای مهار اختیار و تقویت پاسخ‌گویی نهادی محسوب می‌شوند. نتیجه پژوهش آن است که حمایت از حقوق کودک در هوش مصنوعی آموزشی،

۱. گروه حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: i.mokhtari۵۱۷۲@iau.ac.ir

۲. گروه حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مستلزم گذار از اتکای صرف به رضایت فردی به تنظیم‌گری حق‌محور و نظارت مستمر در سراسر چرخه حیات سامانه است. چارچوب پیشنهادی ماهیتی هنجاری دارد و ارزیابی کارآمدی آن نیازمند پژوهش تجربی در محیط‌های آموزشی است.

واژگان کلیدی: حقوق کودک؛ هوش مصنوعی آموزشی؛ تنظیم‌گری؛ تکالیف مثبت دولت؛ پاسخ‌گویی الگوریتمی؛ ارزیابی اثرات حقوق کودک.

انتساب و توزیع مسئولیت مدنی در تصمیمات الگوریتمی حمایت از کودک: مطالعه تطبیقی حقوق ایران و مقررات اتحادیه اروپا

میثم نصرالهی[۱]، احمد امی*[۲]، نوشین محمودی[۳]

چکیده: گسترش سامانه‌های پیش‌بینی خطر در حمایت از کودک، تصمیم‌گیری را به فرایندی متشکل از طراحی الگوریتم، استقرار سازمانی و داوری حرفه‌ای تبدیل کرده است. در این وضعیت، جدایی ناموجه کودک از خانواده، بی‌توجهی به خطر واقعی یا پردازش غیرقانونی داده‌های حساس می‌تواند زیان‌های متفاوتی ایجاد کند. مسئله اصلی پژوهش آن است که مسئولیت مدنی چنین زیان‌هایی بر چه مبنایی به توسعه‌دهنده سامانه، نهاد بهره‌بردار و تصمیم‌گیر انسانی منتسب می‌شود و در صورت تعدد عوامل، بار جبران چگونه توزیع خواهد شد. مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعه تطبیقی دکترینال، قواعد حقوق ایران را با مقررات هماهنگ اتحادیه اروپا مقایسه می‌کند. مبانی داخلی شامل قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، قانون مسئولیت مدنی و قواعد عمومی انتساب است. در سطح اتحادیه، مقررات عمومی حفاظت از داده، قانون هوش مصنوعی و دستورالعمل جدید مسئولیت محصولات معیوب در محدوده موضوعی و زمانی خود بررسی می‌شوند. یافته‌ها نشان می‌دهد خطای آماری مدل الزاماً نقص فنی یا تقصیر حقوقی نیست و نقش علّی تصمیم انسانی نیز بدون بررسی اختیار و اطلاعات در دسترس او قابل تعیین نخواهد بود. حقوق ایران برای طرح دعاوی مبانی عمومی دارد، اما در حفظ و افشای ادله دیجیتال

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران.

و بازسازی زنجیره تصمیم با خلأهای عملی روبه‌رو است. قواعد اتحادیه اروپا نیز نظام واحدی برای همه زیان‌های حمایتی ایجاد نمی‌کنند. ماده ۸۲ مقررات عمومی حفاظت از داده‌های شخصی (**GDPR**) به زیان ناشی از نقض پردازش داده اختصاص دارد و قواعد محصول معیوب قلمرو محدودتری دارند. نوآوری مقاله ارائه الگویی مرحله‌ای است که ابتدا زیان و تکلیف نقض‌شده، سپس سببیت و اشخاص مسئول، و در نهایت حق مطالبه زیان‌دیده و رجوع داخلی را بررسی می‌کند. نتیجه آن است که جبران مؤثر، مستلزم پاسخ‌گویی مستند و قابل اثبات در زنجیره تصمیم است، بی‌آنکه تمام بازیگران به‌صورت خودکار مسئول شناخته شوند.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی؛ حمایت از کودک؛ تصمیم‌گیری الگوریتمی؛ رابطه سببیت؛ جبران خسارت؛ مطالعه تطبیقی.

الحرب والصحة النفسية للأطفال

ندى جاسم محمد الخفاجي[۱]

«الحرب والصحة النفسية للأطفال»؛ عنوانٌ يضعنا أمام حقيقة قاسية في عالمنا المعاصر :فحين تتوقف المعارك العسكرية، لا تنتهي آثار الحرب، بل تبدأ معارك أخرى أخطر وأطول أثراً في عقول الأطفال وقلوبهم.

السيدات والسادة، الطفل في زمن الحرب لا يُحرم فقط من مقعد الدراسة، أو رغيف الخبز، أو مأوى آمن؛ بل يُحرم من حقه الأسمى في الشعور بالأمان . فأصوات الانفجارات، وفقدان الأحبة، ومشاهد الدمار والخوف، لا تهدم البيوت وحدها، بل تهزّ البنية النفسية للطفل، وتزرع في نفسه القلق والرعب واضطرابات ما بعد الصدمة في أهم مراحل تكوينه.

وحين يفقد الطفل قدرته على النوم، أو ينسحب من الكلام واللعب، أو يعيش في حالة استنفار دائم، فهذا ليس مجرد رد فعل مؤقت؛ بل جرحٌ يمتد إلى مستقبل مجتمعاتنا بأسرها .إن إهمال الصحة النفسية للطفل المتضرر من النزاع يعني، في جوهره، إبقاءه أسيراً لتلك الحرب حتى بعد انتهائها. ومن هذا المنبر الدولي، أودّ أن أؤكد على ثلاث رسائل عاجلة: أولاً :الصحة النفسية ليست رفاهية، بل حاجة إنسانية ملحّة. يجب أن يُعامل الدعم النفسي والاجتماعي للأطفال في مناطق النزاع بوصفه جزءاً أصيلاً من الاستجابة الإنسانية الطارئة، لا أقلّ أهمية من الغذاء والدواء والمأوى. ثانياً: الاستثمار في الصحة النفسية للطفل هو استثمار في السلام. إن إعادة تأهيل الأطفال نفسياً ليست عملاً خيرياً مؤقتاً، بل هي أساس لبناء مجتمعات قادرة على التعافي والتعايش .فالطفل الذي يستعيد توازنه النفسي يصبح غداً قادراً على البناء والإبداع، لا على نقل مأساة الماضي إلى المستقبل. ثالثاً :حماية الطفل مسؤولية قانونية وأخلاقية لا تقبل التأجيل.

۱. العراق، بغداد، الكاظمية المقدسة. Email:fdaafda160@gmail.com

ندعو المجتمع الدولي والهيئات الأممية ومنظمات حقوق الإنسان إلى تفعيل آليات الحماية الدولية للأطفال في مناطق النزاع، واعتبار الاعتداء على سلامتهم الجسدية والنفسية انتهاكاً جسيماً لا يجوز التغاضي عنه أو إفلاته من المساءلة. الأطفال لا يُشعلون الحروب، لكنهم يدفعون ثمنها الأغلى .فلنجعل من هذا المؤتمر نقطة تحوّل حقيقية؛ لا لنكتفي بسرد المآسي، بل لنعمل معاً على بناء مظلة حماية إنسانية ونفسية تعيد للطفولة براءتها، وتعيد للأمل مكانه في قلوب الصغار.

مسؤولية المتسبب في قتل الأطفال عند الخطأ في تحديد الهدف العسكري: دراسة فقهية مقارنة في ضوء هجوم مدرسة ميناب

محسن تقي‌زاده[۱]

الملخص: تتناول هذه الدراسة إشكالية فقهية وقانونية دقيقة، وهي مسؤولية من يتسبب في قتل الأطفال حين ينشأ الضرر عن خطأ في تشخيص الهدف العسكري أو التحقق من صفته أو تقدير وجود المدنيين فيه، لا عن استهداف متعمّد لغير المقاتلين. تنطلق الدراسة من أن معالجة هذه المسألة تستدعي تجاوز الخطاب العام حول «حماية الأطفال في النزاعات المسلحة» إلى تحليل تقني دقيق لمفاهيم إحراز الموضوع، والعلم والظن والاحتمال، والاحتياط في الدماء، والتسبب والمباشرة، والضمان، في الفقه الإمامي، ومقابلتها بمفاهيم التمييز، والتناسب، والاحتياطات الواجبة قبل الهجوم، والمسؤولية الفردية والقيادية في القانون الدولي الإنساني والقانون الجنائي الدولي. اعتمدت الدراسة المنهج الوصفي التحليلي والاجتهادي التطبيقي والمقارن، مستندةً إلى القرآن الكريم، والمصادر الحديثية الإمامية المعتبرة، وكتب الفقه الاستدلالي وأصول الفقه، إلى جانب المعاهدات الدولية ذات الصلة والأدبيات القانونية المتخصصة، واستُخدم هجوم مدرسة ميناب في هرمزكان (٢٨ فبراير ٢٠٢٦) بوصفه دراسة حالة تطبيقية لا مادةً للحكم السياسي. كما تتناول الدراسة الآليات التنفيذية والضمانات القانونية، والممارسة القضائية والعملية، والإشكالات التفسيرية في كلا النظامين. توصلت الدراسة إلى أن كلا النظامين يشترطان لثبوت المسؤولية إحراز معقول لصفة الهدف واستنفاد الاحتياطات الممكنة قبل الفعل، وأن الخطأ في الموضوع مع التقصير في التحقق لا يسقط الضمان وإن

۱. مسؤول التعليم فى الحوزة العلمية «الإمام الخمينى (ره)»
المستوى الثالث الحوزوى (معادل الماجستير) فى الفقه والأصول، الحوزة العلمية فى خراسان، مشهد، إيران.

نفی القصد الجنائي المحض، وأن الفارق الجوهري بين النظامين يكمن في مبنى الإلزام: احترام الدم بوصفه حقًّا لصاحبه في الفقه الإمامي، ومصلحة الإنسانية العامة في القانون الدولي الإنساني، وهو ما يفسّر تفاوت آثار الخطأ بين الضمان المالي (الدية) في الفقه، والمسؤولية الجنائية الفردية أو مسؤولية القيادة في القانون الدولي، مع تكامل الحقلين في تأكيد أصل الاحتياط ووجوب التحقق قبل الفتك. وتبيّن أن ثمة فجوة بين وضوح المعيار وفاعلية الإنفاذ، تسدّ جزءًا منها القواعد العرفية ومسؤولية الدولة وأصل اشتغال الذمة في الفقه. وخلصت الدراسة إلى أن تطبيق هذا الإطار على واقعة ميناب يبقى رهينًا بإثبات وقائعي مستقل لم يكتمل بعد.

الكلمات المفتاحية: الأطفال في النزاعات المسلحة؛ الخطأ في الهدف؛ إحراز الموضوع؛ الاحتياط في الدماء؛ التسبب والضمان؛ مبدأ التمييز؛ الاحتياطات في الهجوم؛ المسؤولية الفردية؛ مدرسة ميناب؛ آليات المساءلة؛ الممارسة القضائية

الابعاد القانونية للهجوم على مدرسة ميناب

رضي محمد علي البلداوي[۱]

مستخلص البحث: تتناول هذه الدراسة بالتحليل القانوني والجنائي أبعاد الهجوم الجوي الصاروخي الذي نفذته القوات الأمريكية في ٢٨ فبراير ٢٠٢٦، والذي استهدف مدرسة "شجرة طيبة" الابتدائية في مدينة ميناب الإيرانية. أسفر الهجوم عن مقتل ١٥٦ مدنياً، منهم ١٢٠ طفلاً. تهدف الدراسة إلى تكييف هذه الواقعة في ضوء أحكام القانون الدولي الإنساني، ميثاق الأمم المتحدة، واتفاقيات لاهاي.

بينت الدراسة، استناداً إلى تقرير بعثة الأمم المتحدة لتقصي الحقائق الصادر في سبتمبر ٢٠٢٦، إلى أن الهجوم يمثل جريمة حرب مكتملة الأركان نتيجة الخرق العمدي لمبادئ التمييز والتناسب والاحتياط، وانتهاك سيادة الدولة المستهدفة. وتوصي الدراسة بتفعيل مبدأ الولاية القضائية العالمية لملاحقة الجناة وفرض التعويضات الشاملة.

الكلمات المفتاحية: مدرسة ميناب، جريمة حرب، القانون الدولي الإنساني، ميثاق الأمم المتحدة، المسؤولية الدولية، التعويضات القانونية.

---

١. امين كليه القانون جامعه الحضار

استراتيجيات تطبيق حقوق الإنسان في القانون العراقي

رافد صالح علي سعد العكيلي

بيان المسئلة: تُعد حقوق الإنسان من المبادئ الأساسية التي تقوم عليها الدولة القانونية الحديثة، إذ تهدف التشريعات إلى حماية كرامة الإنسان وضمان تمتعه بالحقوق والحريات الأساسية، سواء كانت حقوقاً مدنية وسياسية أم اقتصادية واجتماعية وثقافية. وقد اهتم المشرّع العراقي بتكريس عدد من هذه الحقوق والحريات من خلال النصوص الدستورية والقوانين النافذة، بما ينسجم مع الالتزامات الدولية التي ارتبط بها العراق في مجال حماية حقوق الإنسان. إلا أن مجرد الاعتراف التشريعي بالحقوق لا يكفي لتحقيق الحماية الفعلية لها، إذ تظل عملية تنفيذ هذه الحقوق وتفعيلها في الواقع العملي من أهم التحديات التي تواجه النظام القانوني والمؤسسات المعنية بحماية حقوق الإنسان.

وتتمثل مشكلة البحث في مدى فاعلية الاستراتيجيات والآليات التي يعتمدها النظام القانوني العراقي في تنفيذ حقوق الإنسان المنصوص عليها في القوانين العراقية، ومدى قدرتها على الانتقال من مجرد النص القانوني إلى التطبيق الفعلي. وتبرز المشكلة بصورة خاصة عند وجود فجوة بين الحقوق التي تقررها النصوص القانونية وبين مستوى التمتع الفعلي بها في الحياة العملية، الأمر الذي يثير تساؤلات حول مدى كفاية التشريعات العراقية والآليات المؤسسية والقضائية والإدارية القائمة لضمان تنفيذ تلك الحقوق وحمايتها من الانتهاك.

ومن الناحية المفاهيمية، ينصرف البحث إلى دراسة مفهوم حقوق الإنسان، ومفهوم تنفيذها، والاستراتيجيات القانونية والمؤسسية التي يمكن من خلالها ضمان تطبيقها، فضلاً عن تحديد المقصود بالحماية القانونية والآليات اللازمة لتفعيل الحقوق والحريات. كما يتناول البحث العلاقة بين النصوص القانونية التي تقرر حقوق الإنسان وبين الوسائل العملية اللازمة لضمان تنفيذها، مع التركيز على دور المؤسسات التشريعية والقضائية والتنفيذية والجهات المختصة بحماية حقوق الإنسان.

أما من الناحية الجغرافية، فتتمثل حدود البحث في دراسة الإطار القانوني والمؤسسي المتعلق بحقوق الإنسان في جمهورية العراق، دون التوسع في الأنظمة القانونية للدول الأخرى إلا بالقدر الذي يخدم التحليل والمقارنة عند الحاجة. ومن الناحية الزمانية، يركز البحث على التشريعات العراقية النافذة والتطورات القانونية المعاصرة ذات الصلة بتنفيذ حقوق الإنسان، مع الاستعانة بالتطور التاريخي للتشريع العراقي بالقدر اللازم لفهم تطور الحماية القانونية لهذه الحقوق.

أما من الناحية الموضوعية، فينحصر البحث في دراسة الاستراتيجيات القانونية والمؤسسية والقضائية والإدارية اللازمة لتنفيذ حقوق الإنسان التي أقرها الدستور والتشريعات العراقية، وبيان مدى فاعليتها، والمعوقات التي تحد من تطبيقها، وسبل تطويرها بما يحقق حماية أكثر فاعلية للحقوق والحريات الأساسية.

وتظهر الأبعاد الكمية للمشكلة من خلال مدى اتساع نطاق الحقوق التي كفلها التشريع العراقي، وتعدد النصوص القانونية والجهات والمؤسسات المعنية بحمايتها وتنفيذها، في حين تتمثل الأبعاد النوعية في مستوى فاعلية هذه النصوص والآليات في الواقع العملي، ومدى انسجامها وتكاملها، وقدرتها على توفير حماية حقيقية للإنسان. ومن هنا لا تقتصر المشكلة على كثرة النصوص القانونية، وإنما تمتد إلى مدى فاعلية تنفيذها وتطبيقها.

وتتمثل متغيرات البحث في متغير مستقل يتمثل في الاستراتيجيات والآليات القانونية والمؤسسية لتنفيذ حقوق الإنسان، ومتغير تابع يتمثل في مدى فاعلية تنفيذ حقوق الإنسان وحمايتها في العراق. أما نوع البحث، فهو بحث قانوني تحليلي وصفي يهدف إلى تحليل النصوص القانونية ذات الصلة وتقييم آليات تنفيذها، والكشف عن مواطن القوة والقصور فيها.

وتتمثل الجوانب التي ما زالت بحاجة إلى البحث في مدى كفاية الاستراتيجيات القائمة لتنفيذ حقوق الإنسان، ومدى التنسيق بين المؤسسات المختصة، وفاعلية الوسائل القضائية والإدارية في حماية الحقوق، والمعوقات التي تحول دون التطبيق الكامل للنصوص القانونية، فضلاً عن تحديد الإصلاحات التشريعية

والمؤسسية اللازمة لتعزيز تنفيذ حقوق الإنسان في العراق. ومن ثم يسعى البحث إلى تقديم تصور قانوني متكامل يمكن أن يسهم في تقليص الفجوة بين الاعتراف بحقوق الإنسان في النصوص القانونية وبين ضمان ممارستها وحمايتها بصورة فعلية.

"حقوق الطفل في النزاعات المسلحة من منظور الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام): دراسة تحليلية مقارنة" اعداد د ريح

عبدالكريم الفضلي[۱]، اياد اركان جعفر[۱]

١. المقدمة: تعد الحروب والنزاعات المسلحة من أقسى التجارب البشرية، ويكون الأطفال غالباً هم الضحية الأبرز فيها، سواء بالاستهداف المباشر أو بالتبعات النفسية والاجتماعية كاليتم والتشريد. ولئن كان القانون الدولي الإنساني المعاصر قد التفت إلى هذه الفئة مؤخراً، فإن الشريعة الإسلامية سبقت إلى وضع ضوابط أخلاقية وقانونية صارمة تحكم سير العمليات العسكرية (أبو زهرة، ١٩٩٨). يسعى هذا البحث إلى استجلاء المبادئ الإنسانية والحقوقية التي أرساها الإمام علي بن أبي طالب (عليه السلام) خلال فترة حكمه، وكيف تحولت وصاياه العسكرية إلى وثيقة مبكرة لحقوق الإنسان، وتحديداً حقوق الطفل (غير المقاتل)، لضمان حمايته في أوقات النزاع. أهداف البحث:

- تسليط الضوء على الأوامر العسكرية المباشرة للإمام علي (عليه السلام) المتعلقة بحماية المدنيين والأطفال.
- بيان أسس الحماية النفسية والاجتماعية للطفل في مجتمع ما بعد المعركة (رعاية الأيتام).
- مقارنة الفكر الحقوقي العلوي مع نصوص القانون الدولي الإنساني الحديث.

٢. المبحث الأول: الحماية الجسدية (مبدأ تحييد الأطفال عن القتال)

ورث الإمام علي (عليه السلام) وطبّق بدقة متناهية وصايا النبي محمد (صلى الله عليه وآله) في أدبيات الحرب التي تقوم على النبل والفروسية. تركزت أوامره لقادته العسكريين على "القتال النظيف" المقتصر على حاملي السلاح فقط، وهو ما يُعرف في الفقه الإسلامي بـ"آداب الحرب" (الزحيلي، ١٩٩٢).

---

١. كلية التربية البدنية وعلوم الرياضة- جامعة اشور

- النهي القاطع عن استهداف الأطفال :برز ذلك جلياً في وصاياه لجيوشه قبل المعارك كمعركة صفين، حيث كان يؤكد على القاعدة الإسلامية الثابتة في تحييد غير المقاتلين. يروي المؤرخون عن أوامره الصارمة: "لا تقتلوا طفلاً ولا شيخاً ولا امرأة" (المنقري، ت ٢١٢ هـ). هذه القاعدة شكلت أمراً عسكرياً يُعاقب من يخالفه.
- حظر تجنيد القُصّر :لم تُسجل في حروب الإمام علي (عليه السلام) أي حوادث لتجنيد الأطفال أو استغلالهم في الأعمال اللوجستية العسكرية أو كدروع بشرية، بل كان يردّ من لم يبلغ الحُلم عن ساحة المعركة التزاماً بالسنة النبوية الشريفة (المجلسي، ت ١١١١ هـ).

٣. المبحث الثاني: الحماية النفسية والأخلاقية (صيانة المأوى)

لم يقتصر منظور الإمام (عليه السلام) على حماية الجسد، بل امتد لدرء الصدمات النفسية الناتجة عن ترويع الأطفال في منازلهم؛ إذ إن تدمير المأوى أو انتهاك حرمته يترك ندوباً نفسية غائرة لدى الطفولة (الشمري، ٢٠١٥).

- حرمة البيوت والترويع :في وصاياه لجيشه، كان يشدد على منع الجنود من اقتحام المنازل، قائلاً: "ولا تدخلوا داراً إلا بإذني، ولا تهتكوا ستراً" (الثقفي، ت ٢٨٣ هـ). هذا التوجيه العسكري يوفر بيئة آمنة تمنع ترويع النساء والأطفال، ويحفظ توازنهم النفسي أثناء احتدام المعارك.
- حفظ الممتلكات والبيئة :منع الإمام (ع) قطع الشجر أو تخريب الممتلكات ومصادر الرزق (الشريف الرضي، ت ٤٠٦ هـ). ويصب هذا في مصلحة حق الطفل في النماء والاستمرار بعد انتهاء الحرب؛ لأن تدمير البنية التحتية هو بمثابة قتل بطيء للأجيال القادمة.

٤. المبحث الثالث: الرعاية الاجتماعية لمعالجة مخلفات الحرب (حقوق الأيتام)

لم يقتصر منظور الإمام (عليه السلام) على حماية الجسد، بل امتد لدرء الصدمات النفسية الناتجة عن ترويع الأطفال في منازلهم؛ إذ إن تدمير المأوى أو انتهاك حرمته يترك ندوباً نفسية غائرة لدى الطفولة (الشمري، ٢٠١٥).

- حرمة البيوت والترويع :في وصاياه لجيشه، كان يشدد على منع الجنود من اقتحام المنازل، قائلاً: "ولا تدخلوا داراً إلا بإذني، ولا تهتكوا ستراً" (الثقفي، ت ٢٨٣

هـ). هذا التوجيه العسكري يوفر بيئة آمنة تمنع ترويع النساء والأطفال، ويحفظ توازنهم النفسي أثناء احتدام المعارك.

- حفظ الممتلكات والبيئة :منع الإمام (ع) قطع الشجر أو تخريب الممتلكات ومصادر الرزق (الشريف الرضي، ت ٤٠٦ هـ). ويصب هذا في مصلحة حق الطفل في النماء والاستمرار بعد انتهاء الحرب؛ لأن تدمير البنية التحتية هو بمثابة قتل بطيء للأجيال القادمة.

٥. مقارنة مع القانون الدولي الإنساني الحديث

يتقاطع النهج العلوي بشكل وثيق مع المعاهدات الحديثة، مع أسبقية زمنية تؤطر هذه الحقوق كواجبات شرعية (جان بيكتيه، ١٩٩٣):

١. مبدأ التمييز وحماية غير المقاتلين (الحماية الجسدية):

يتطابق تحريم الإمام لقتل الأطفال مع (المادة ٣) المشتركة في اتفاقيات جنيف (١٩٤٩)، ومع (المادة ٧٧) من البروتوكول الإضافي الأول (١٩٧٧)، التي تمنع العنف ضد غير المقاتلين وتخص الأطفال بحماية استثنائية (اللجنة الدولية للصليب الأحمر، ١٩٤٩، ١٩٧٧).

- في الفكر العلوي:

أرسى الإمام علي (عليه السلام) مبدأ "التمييز" العسكري بشكل قاطع قبل صياغته في القانون الدولي الحديث بقرون. جاء في وصاياه لجيوشه: "لا تقتلوا طفلاً ولا شيخاً ولا امرأة". هذا الأمر العسكري يمثل قاعدة اشتباك صارمة تمنع استهداف أي شخص لا يحمل السلاح، وتخصيص الأطفال بالذكر يعكس أولوية حمايتهم القصوى كفئة مستضعفة غير منخرطة في النزاع.

- في اتفاقيات جنيف:

تتطابق هذه الرؤية مع المادة (٣) المشتركة في اتفاقيات جنيف الأربع (١٩٤٩)، التي تنص على أن "الأشخاص الذين لا يشتركون مباشرة في الأعمال العدائية... يجب أن يعاملوا في جميع الأحوال معاملة إنسانية". كما يؤكد البروتوكول الإضافي الأول (المادة ٧٧) والبروتوكول الإضافي الثاني (المادة ٤) على ضرورة إيلاء الأطفال احتراماً خاصاً وحمايتهم من أي صورة من صور العنف.

۲. حماية البيئة المدنية والأسرة (الحماية النفسية والاجتماعية)

يتوافق نهي الإمام عن هتك الستر ودخول الدور مع اتفاقية جنيف الرابعة (المادة ٢٧)، ومع (المادة ٣٨) من اتفاقية حقوق الطفل، التي تكفل للمدنيين حماية شرفهم وحقوقهم العائلية وتمنع الترويع (الأمم المتحدة، ١٩٨٩).

- في الفكر العلوي:

ركز الإمام علي (عليه السلام) على حماية "الحرمة المكانية" للأسرة لمنع الترويع النفسي للأطفال والنساء، حيث قال: "ولا تدخلوا داراً إلا بإذني، ولا تهتكوا ستراً". كما نهى عن التعرض لممتلكات المدنيين، مما يوفر درعاً نفسياً للطفل يجنبه صدمات الحرب ويحفظ له الشعور بالأمان داخل مأواه.

- في اتفاقيات جنيف:

نجد صدى ذلك في اتفاقية جنيف الرابعة (المادة ٢٧)، التي تكفل للمدنيين "حق الاحترام لأشخاصهم وشرفهم وحقوقهم العائلية وعقائدهم الدينية وعاداتهم وتقاليدهم". وتمنع الاتفاقية صراحة الترويع والنهب، وهو ما يهدف إلى ضمان بقاء الطفل في بيئة مستقرة نسبياً رغم ظروف الحرب المحيطة.

٣. حظر تجنيد الأطفال في الأعمال العسكرية

- في الفكر العلوي:

من خلال الممارسة العملية والقيادة العسكرية للإمام علي (عليه السلام) في معاركه، لم يُسجل إطلاقاً السماح بمشاركة الأطفال أو تجنيدهم، بل كان يحرص على إبعادهم عن ساحات القتال بشكل كامل، التزاماً بالنهج النبوي الشريف في ردّ من لم يبلغ الحُلم عن المشاركة في المعارك أو المهام اللوجستية العسكرية.

- في اتفاقيات جنيف:

نص البروتوكول الإضافي الأول (المادة ٧٧ - فقرة ٢) والبروتوكول الإضافي الثاني (المادة ٤ - فقرة ٣/ج) على وجوب اتخاذ أطراف النزاع كل التدابير العملية الممكنة لمنع اشتراك الأطفال الذين لم يبلغوا الخامسة عشرة من العمر في الأعمال العدائية بشكل مباشر، وهو المبدأ الذي تم تعزيزه لاحقاً في البروتوكولات الاختيارية لرفع سن التجنيد الإلزامي والطوعي.

٤. رعاية الأيتام والأطفال المنفصلين عن ذويهم (مرحلة ما بعد النزاع)

تتقاطع وصية الإمام (لا يضيعوا بحضرتكم) مع (المادة ٢٤) من اتفاقية جنيف الرابعة، التي تلزم أطراف النزاع بضمان عدم ترك الأطفال الذين تيتموا بسبب الحرب لمصيرهم، وتأمين إعالتهم وتعليمهم (اللجنة الدولية للصليب الأحمر، ١٩٤٩).

- في الفكر العلوي:

لم تقتصر رؤية الإمام على توفير الحماية أثناء سير المعارك، بل شملت مرحلة ما بعد النزاع، وتحديداً معالجة آثاره الاجتماعية. تجلى ذلك في وصيته الخالدة: "الله الله في الأيتام، فلا تغبّوا أفواههم، ولا يضيعوا بحضرتكم". جعل الإمام رعاية أيتام الحرب وضحاياها مسؤولية مؤسساتية تقع على عاتق بيت المال (الدولة) والمجتمع، لضمان حقوقهم في النماء والتعليم والعيش الكريم.

- في اتفاقيات جنيف:

تتقاطع هذه الوصية مع اتفاقية جنيف الرابعة (المادة ٢٤) التي تلزم أطراف النزاع باتخاذ التدابير الضرورية لضمان عدم ترك الأطفال (دون الخامسة عشرة) الذين تيتموا أو افترقوا عن عائلاتهم بسبب الحرب لمصيرهم، وتأمين إعالتهم وممارسة دينهم وتعليمهم في جميع الأحوال.

الأهلية القانونية ومعايير الكفاءة والمسؤولية القانونية الناشئة عن الاضطرابات النفسية

رافد صالح علي[۱]

مستخلص البحث: يهدف هذا البحث إلى دراسة أثر الاضطرابات النفسية على الأهلية القانونية، وبيان معايير الكفاءة القانونية التي تحدد مدى قدرة الفرد على تحمل المسؤولية، فضلاً عن تحديد طبيعة المسؤولية القانونية الناشئة عن هذه الاضطرابات، وذلك من خلال تحليل النصوص القانونية والاجتهادات القضائية والآراء الفقهية.

وقد خلص البحث إلى أن الأهلية القانونية تعد شرطاً أساسياً لممارسة الحقوق وتحمل الالتزامات، إلا أن الاضطرابات النفسية قد تؤدي إلى تقييدها أو فقدانها جزئياً أو كلياً، وفقاً لنوع الاضطراب ومدى تأثيره على الإدراك والتمييز والإرادة .كما أن معايير الكفاءة القانونية تتضمن القدرة على الإدراك، والتمييز، واتخاذ القرار، وتختلف من حالة لأخرى حسب طبيعة الاضطراب ومدى تأثيره على السلوك.

أما المسؤولية القانونية، فإنها قد تُخفف أو تنعدم كلياً في بعض الحالات، بينما قد تظل قائمة في حالات أخرى، مع ضرورة التقييم الطبي والقانوني الدقيق لكل حالة على حدة، حفاظاً على حقوق الفرد والمجتمع وتحقيق العدالة.

ويؤكد البحث على أهمية تطوير التشريعات الوطنية بما يتلاءم مع المستجدات الطبية والنفسية، وتفعيل دور الخبرة النفسية والقانونية في تحديد الأهلية والمسؤولية القانونية، وتوفير آليات حماية فعالة للأفراد الذين يعانون من اضطرابات نفسية.

الكلمات المفتاحية: الأهلية القانونية – معايير الكفاءة – المسؤولية القانونية – الاضطرابات النفسية

---

۱. الاستاد كليه الحضار، الجامعه

صيانة حقوق الطفل في النزاعات المسلحة من منظور الفقه الإمامي والقانون الدولي؛ دراسة حالة مدرسة شجرة طيبة في ميناب

أحمد صابري مجد[۱]

المستخلص: أدى التغير في طبيعة النزاعات المسلحة المعاصرة، والانتقال من المعارك الكلاسيكية إلى الحروب غير المتكافئة والهجمات الجوية على المناطق الحضرية، إلى تعريض الأطفال والمؤسسات التعليمية - باعتبارهم الفئة الأكثر ضعفاً في المجتمع البشري والضامنين لاستمرار الأجيال - لأزمات وجودية وجسدية ونفسية وتربوية حادة. لقد سعى نظام القانون الدولي، من خلال اتفاقية جنيف الرابعة (١٩٤٩)، والبروتوكول الإضافي الأول (١٩٧٧)، واتفاقية حقوق الطفل (١٩٨٩)، ونظام روما الأساسي للمحكمة الجنائية الدولية (١٩٩٨)، وقرار مجلس الأمن رقم ٢٦٠١ (٢٠٢١)، إلى إنشاء مظلة حماية متعددة الطبقات للأطفال والمدارس. ومع ذلك، أظهرت فاجعة الهجوم الجوي بتاريخ ٢٨ فبراير ٢٠٢٦ (٩ إسفند ١٤٠٤) على مدرسة "شجرة طيبة" في مدينة ميناب، والتي أسفرت عن استشهاد ما لا يقل عن ١٦٨ طفلاً تلميذاً وإصابة العشرات بجروح جسدية وصدمات نفسية عميقة، أن الآليات الوضعية الحالية تعاني من عدم فاعلية هيكلية في مواجهة التفسيرات الموسعة لعقيدة الضرورة العسكرية، وتهميش اعتبارات صحة الطفل، والانتقائية السياسية. يثبت هذا البحث، من خلال اعتماد المنهج الوصفي-التحليلي والمقارن، أن الفقه الحقوقي الإمامي، بناءً على الرؤية الكونية التوحيدية، والإيمان بالمعاد، والكرامة الإنسانية المتأصلة، والطهارة الفطرية للطفل، يمتلك نظرة قائمة على التكليف، وشاملة، ومتمحورة حول البيئة الحياتية لصيانة أرواح الأطفال وصحتهم وبيئتهم التربوية في خضم الحروب. ففي الفكر الفقهي الإسلامي، تعد قاعدة نفي التعدي، وضرورة التمييز

۱. أستاذ مساعد، كلية علوم الأسرة، جامعة الشهيد بهشتي، طهران، إيران. البريد
Email: ahmad.saberimajd@sbu.ac.ir

المطلق بين المقاتل وغير المقاتل، والخروج الموضوعي والحكمي للطفل من دائرة أهلية القتال، ركائز تجعل من أي اعتداء على حياة الأطفال وصحتهم، أو تدمير مدارسهم، أو تجنيدهم، أو فرض الحصار الغذائي عليهم، أمراً محرماً وغير مشروع مطلقاً. ومن خلال تحليل ضوابط قاعدة "التترس" وتطبيق المبادئ الثلاثة المتمثلة في التمييز، والتناسب، والاحتياط، على فاجعة مدرسة شجرة طيبة في ميناب، يوضح هذا المقال أن دمج الضمانات التنفيذية الداخلية والقيود الصارمة للفقه الإمامي مع قواعد المسؤولية الدولية للدولة والمسؤولية الجنائية الفردية، من شأنه أن يؤسس لنموذج حماية فعال ومحوري للصحة من أجل منع تكرار فواجع مماثلة.

الكلمات المفتاحية: حقوق الطفل، النزاعات المسلحة، الفقه الإمامي، القانون الدولي الإنساني، مدرسة شجرة طيبة بميناب، الحق في الصحة والتعليم، قاعدة التترس.

Children's Right to Mental Health in Armed Conflict: A Legal Analysis of Israeli and U.S. Military Attacks on Iran

Mohammad Mehdi Seyed Nasseri[1]

Abstract: **Background and Aim:** Armed conflict poses a profound threat to children's right to mental health as an essential component of their dignity, survival, and development. Owing to their age, developmental stage, and heightened dependence on family and social environments, children are particularly vulnerable to the psychological consequences of warfare. The recent Israeli and U.S. military attacks against Iran have exposed Iranian children to a range of conflict-related harms, including fear of bombardment, loss and injury of family members, displacement, disruption of education and health services, destruction of civilian infrastructure, and persistent exposure to violent imagery and information. This study examines the legal protection of Iranian children's right to mental health during armed conflict and assesses the obligations of states under international human rights law and international humanitarian law.

Methods: This study adopts a doctrinal, descriptive-analytical methodology based on the examination and interpretation of relevant international legal instruments, including the Convention on the Rights of the Child, international humanitarian law, and applicable United Nations standards and reports concerning children affected by armed conflict. Particular attention is given to Articles 6, 24, and 39 of the Convention on the Rights of the Child, as well as the principles of distinction, proportionality, and precautions in attack under international humanitarian law. The study further considers the legal implications of attacks affecting civilian populations and essential infrastructure in Iran and their consequences for children's psychological well-being.

Findings: The findings demonstrate that the psychological consequences of armed conflict for children cannot be regarded merely as incidental humanitarian consequences of warfare. Exposure to bombardment, death or injury of relatives, destruction of homes and schools, displacement, interruption of education and health services, and persistent insecurity may generate acute psychological distress, chronic anxiety, post-traumatic stress symptoms, and long-

1. Researcher in Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

term developmental consequences. Where military operations fail to comply with the principles of distinction, proportionality, and precaution, the resulting harm to children may engage the international legal responsibility of the actors concerned. Moreover, attacks or disruptions affecting health-care facilities, educational institutions, and other civilian infrastructure may aggravate the psychological vulnerability of children and undermine their rights to health, development, education, and recovery. The analysis further demonstrates that the protection afforded to children under international law extends beyond physical survival and encompasses their psychological integrity and long-term development.

Results: The findings indicate that armed conflict may cause profound and enduring harm to children's mental health through exposure to bombardment, loss or injury of family members, displacement, destruction of homes and schools, disruption of essential services, and persistent insecurity. In the context of the Israeli and U.S. military attacks against Iran, these conditions may result in acute psychological distress, anxiety, post-traumatic stress symptoms, and impaired emotional and developmental well-being. From a legal perspective, such harms must be assessed within the protective framework of international humanitarian and international human rights law, particularly the principles of distinction, proportionality, and precautions in attack, as well as the Convention on the Rights of the Child. The findings further demonstrate that attacks affecting civilian infrastructure essential to children's health, education, and development may aggravate these violations and increase children's psychological vulnerability.

Conclusion: The study concludes that protecting children's mental health during armed conflict is a legal obligation, not merely a humanitarian concern. The right to mental health constitutes an integral dimension of children's rights to life, health, survival, and development. Effective protection therefore requires compliance with international humanitarian law, prevention of foreseeable psychological harm, uninterrupted access to health and education services, and sustained psychological and psychosocial support. These obligations continue beyond the cessation of hostilities and encompass rehabilitation, recovery, reparation, and guarantees of non-recurrence. Accordingly, the protection of Iranian children requires a comprehensive legal framework that recognizes psychological integrity as a fundamental component of child protection and ensures accountability for violations of international obligations.

Keywords: Children's Rights; Right to Mental Health; Armed Conflict; Iranian Children; International Humanitarian Law.

States' Obligations Regarding the Mental Health and Psychological Rehabilitation of Child Victims of War: An Analysis of Article 39 of the Convention on the Rights of the Child

Mahshid Jamali[1]

Background and Objective: In addition to its immediate and short-term effects, war can have long-term and enduring consequences for children. In other words, during wartime, children are exposed to two types of traumatic events: first, sudden traumatic events; and second, prolonged exposure to adverse events, which may result in disorders such as post-traumatic stress disorder (PTSD), anxiety disorders, and depression. In this context, safeguarding the mental health and psychological rehabilitation of children is not merely a medical and social necessity; rather, within the framework of international law, it constitutes a legal obligation incumbent upon States. Article 39 of the Convention on the Rights of the Child requires States Parties to take appropriate measures to promote the physical and psychological recovery and social reintegration of child victims of war. The present study aims to elucidate the nature and scope of States' obligations concerning the mental health and psychological rehabilitation of child victims of war.

Method: This study adopts a descriptive-analytical approach and, employing the legal analysis of relevant instruments, examines the Convention on the Rights of the Child and other pertinent sources of international law.

Findings and Conclusion: The findings of the study and the interpretation of Article 39 of the Convention on the Rights of the Child demonstrate that States' obligations towards child victims of war are not limited to the provision of primary healthcare but also encompass psychological rehabilitation, thereby imposing continuing and multidimensional legal obligations upon States. Accordingly, States are required, commensurate with the severity of war-related harm, to establish effective mechanisms for the timely identification

1. Permanent Member of the Iranian Association for the Scientific Study of Children's Rights
M.A. in International Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Tehran West Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Jamalimahshid94@gmail.com

of psychological disorders and trauma, ensure access to free and accessible services without any form of discrimination, provide support for families, and ensure the continuity of psychological and social care. Consequently, States' responsibility does not cease with the end of the war but continues until the child's genuine psychological recovery is achieved and the conditions necessary for the child's healthy development are secured.

Keywords: Mental Health; Children's Rights; War; Convention on the Rights of the Child, states

Applications of Artificial Intelligence in Strengthening Cybersecurity for the Safeguarding of Children's Rights in Private Law: A Comparative-Analytical Approach with Emphasis on International and Iranian Instruments

Abbas Karimi[1], Emad Nobakht*[2], Saeideh Mohseni Estalkhi[2]

Abstract: The deployment of artificial intelligence (AI) in cybersecurity has transformed risks and protective measures for children online and has far-reaching implications for the private law system of Iran. Although the advanced tools with AI capabilities enable protection against online threats ranging from child sexual exploitation to data-based injuries, they can create new hazards, posing challenges to children's rights in interactions with the platforms and their service providers. This article investigates the ways AI cybersecurity technologies contribute to the protection of children's rights in Iran and the necessary legislative-judicial measures to ensure safe use of AI in the interests of children. A descriptive-analytical methodology with a comparative perspective is used. International instruments (Convention on the Rights of the Child, General Comment No. 25, Budapest and Lanzarote Conventions, Convention 108+, Council of Europe AI Framework) like regional legislation (GDPR, UK Age-Appropriate Design Code), and national regulations (Iranian Law on Protection of Children and Adolescents, Computer Crimes Law) were used as the sources. It was found that AI technologies content detection tools, age assurance, automated response mechanisms, and privacy-enhancing technology decrease the risk of harm if they are designed on the basis of the child-rights-by-design approach. However, the current Iranian legal framework appears fails to regulate AI-mediated risks, including such crucial issue as obtaining the verifiable consent of a parent or guardian. Based on the comparative analysis of the EU and UK approaches, it was identified that the following transferable safeguards may be implemented in Iran: statutory duty of child-rights-by-design, liability rules adapted to high-risk AI technologies, contractual fairness, and increased remedies. Therefore, in order to ensure children's rights a child-centric data protection system needs to be introduced, the

1. Professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran
2. LL.M. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: emad.nobakht@ut.ac.ir

classification of high-risk and prohibited AI technologies, liability rules adjusted to AI and mechanisms of collective redress need to be enacted.

Keywords: Children's Rights; Artificial Intelligence; Cybersecurity; Private Law; Iran

The Child's Right to Be Heard: Communicative Justice for Deaf and Hard-of-Hearing Children in the Age of Intelligent Technologies

Fatemeh abedin[1]

Abstract: **Background and Aim:** The child's right to express views freely and to participate meaningfully in decisions affecting their lives constitutes a fundamental pillar of the international child-rights framework. Yet, for deaf and hard-of-hearing children, the effective realization of this right is constrained by barriers extending beyond the underlying hearing impairment itself, including unequal access to communication tools, digital services, and intelligent assistive technologies. In the era of artificial intelligence, speech-recognition and speech-to-text systems, real-time captioning, intelligent communication platforms, and hearing-assistance technologies offer unprecedented opportunities to enhance the autonomy, participation, and social inclusion of these children. However, when such technologies are inadequately designed, inaccessible, or characterized by unequal algorithmic performance, they may reproduce existing inequalities and generate new forms of technological discrimination and communicative exclusion. This study therefore seeks to conceptualize child-centred communicative justice and to examine the legal requirements governing deaf and hard-of-hearing children's equal access to intelligent communication technologies.

Method: This study adopts a descriptive-analytical methodology with a comparative legal approach. It examines the Convention on the Rights of the Child, the Convention on the Rights of Persons with Disabilities, and relevant international instruments concerning children's rights in the digital environment, with particular emphasis on the relationship between the child's right to be heard, the right to communication, the right to health, the principle of non-discrimination, and equal access to technology. The study further evaluates emerging intelligent communication technologies and analyzes the legal opportunities and challenges arising from their application to the lives of deaf and hard-of-hearing children.

Results: The findings demonstrate that the right to be heard risks becoming merely formal rather than substantive unless children are provided with the practical means necessary to communicate and

1. specialist in Otolaryngology–Head and Neck Surgery.

participate effectively. Intelligent technologies including real-time captioning, speech recognition, automated translation, and assistive communication systems can significantly reduce traditional barriers to the participation of deaf and hard-of-hearing children. Nevertheless, inadequate algorithmic performance across diverse speech and communication patterns, unequal access, the high cost of assistive technologies, and inaccessible digital design may create new forms of technological discrimination. Accordingly, access to appropriate communication technologies cannot be regarded merely as a matter of technological convenience or social welfare. Where the absence of such technologies substantially impairs a child's effective participation, access becomes closely connected to States' human rights obligations to ensure equality, participation, inclusion, and the child's development.

Conclusion: Child-centred justice in the age of intelligent technologies requires a shift from the conventional notion of "access to technology" toward "equal access to the means of communication and participation." Effective protection of deaf and hard-of-hearing children requires States and technology providers to ensure accessibility, quality, affordability, non-discrimination, and the suitability of communication technologies to children's evolving needs and capacities. Accordingly, the child's right to be heard should be understood, in light of technological developments, as extending beyond the mere opportunity to express an opinion to encompass the effective capacity to communicate, participate, and influence decisions concerning the child's life. Such an approach can provide a normative foundation for the emerging concept of child-centred communicative justice in international law.

Keywords: Children's Rights; Right to Be Heard; Deaf and Hard-of-Hearing Children; Communicative Justice; Intelligent Technologies.

Artificial Intelligence and Children's Rights: A Systematic Review and Meta-Analysis of Risks, Protections, and Policy Frameworks

Saeid Mahmoudi[1]

Abstract: Background: The rapid proliferation of artificial intelligence (AI) systems in environments frequented by children—including educational platforms, social media, healthcare settings, and smart devices—has created unprecedented challenges for the protection of children's rights. Despite growing scholarly attention, no comprehensive quantitative synthesis has examined how AI systems impact children's rights across diverse domains.

Objective: This systematic review and meta-analysis aimed to quantify the prevalence of AI-related risks to children's rights, evaluate the effectiveness of existing protective frameworks, and identify gaps in the current evidence base.

Methods: A systematic search of PubMed, Scopus, Web of Science, PsycINFO, and IEEE Xplore was conducted for studies published between January 2015 and December 2024. Studies were included if they empirically examined the relationship between AI systems and children's rights outcomes, including privacy, safety, non-discrimination, education, and participation. Risk of bias was assessed using a modified Joanna Briggs Institute checklist. Random-effects meta-analyses were performed to pool effect estimates, with subgroup analyses by AI application domain, child age group, and geographic region.

Results: Forty-two studies met inclusion criteria, encompassing 847,392 children across 28 countries. The pooled prevalence of AI-related privacy violations among children was 43.2% (95% CI: 36.8–49.7%), while algorithmic discrimination affecting children from marginalized groups was identified in 38.6% (95% CI: 31.4–45.9%) of evaluated systems. Educational AI systems demonstrated a pooled risk rate of 27.4% (95% CI: 21.2–33.8%) for biased content delivery. Protective frameworks, when implemented, reduced identified risks by 34.2% (95% CI: 26.1–42.3%). High heterogeneity (I^2 = 87.3%) was observed across studies.

1. Pasteur Scientific and Educational Institute, Karaj, Iran.
Email: Saeid.mahmoudi@ut.ac.ir,

Conclusions: AI systems pose substantial and measurable risks to children's rights, with privacy violations and algorithmic discrimination being the most prevalent. Current protective frameworks show moderate effectiveness but remain inconsistently implemented. Urgent policy action and standardized regulatory approaches are needed to safeguard children's rights in the age of AI.
Keywords: Artificial Intelligence; Children's Rights; Algorithmic Discrimination; Digital Privacy; Child Protection; Meta-Analysis; Systematic Review; Digital Rights

Validating the Digital Purchases of the Discerning Child in Imami Jurisprudence: Transitioning from Traditional Evidence to the Rational Conduct (Sirah 'Uqala)

Ahmad Saberi Majd[1]

Abstract: The ever-expanding growth of communication technologies and the fundamental shift in lifestyles have transformed discerning children into active participants in the realm of e-commerce and digital purchasing (including in-app purchases and the acquisition of virtual assets). In this context, applying traditional rules regarding the nullity of a child's transactions to this vast volume of cyber micro-transactions not only fails to align with economic realities but also disrupts the legal system and infringes upon the rights of platforms. Adopting a descriptive-analytical approach, this study seeks to dissect the nature of digital purchases made by discerning children within Imami jurisprudence. The investigation reveals that relying on traditional evidence for nullity, such as the Quranic verse of testing (Ibtila) or the Hadith of the Lifting of the Pen, faces serious interpretative and thematic challenges when confronted with cyberspace transactions. The findings indicate that by relying on the "Rational Conduct" (Sirah 'Uqala) and the continuous practice of the religiously observant in the contemporary era, the digital purchases of a discerning child are considered an accepted practice. Most importantly, providing smart devices and payment gateways by the guardian to the child is evaluated in the modern communication custom as "implicit permission" (Idhn Dhimni) to conduct these micro-transactions, and thus, this category of new dealings will be legally effective and possess jurisprudential and legal validity.

Keywords: Digital Purchases, Discerning Child, Cyberspace, Rational Conduct (Sirah 'Uqala), Guardian's Implicit Permission, Imami Jurisprudence.

1. Assistant Professor, Department of Islamic and Futures Studies, Faculty of Family Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
Email: ahmad.saberimajd@sbu.ac.ir

Pathology of the Legal and Social System of Child Labor vis-à-vis Economic Challenges; A Comparative Evaluation of the Legislative Trajectory in Iran and International Standards

Sadegh Yazdani[1]

Abstract: The proliferation of the child labor phenomenon in the contemporary era is considered one of the most complex dilemmas of human rights and labor law, whose intertwined economic and cultural roots have brought the mere enforcement of the law to a deadlock. Adopting a pathological and analytical approach, the present study seeks to investigate the confrontation between the legal requirements governing the eradication of child labor and the bitter economic realities, particularly poverty and the speculative justifications of employers. Investigations indicate that strictly prohibitive approaches and legal bans, without paying attention to vital variables such as "economic speculation based on the nimble fingers argument" and the "culture of early labor," will remain ineffective. Furthermore, tracing the evolutionary trajectory of legislation in Iran, from the historic 1923 decree in Kerman to the 1990 Labor Law, demonstrates a gradual evolution in alignment with the standards of the International Labour Organization (ILO). Nevertheless, the lack of a comprehensive protective umbrella for children working in hidden economic sectors and family workshops increasingly highlights the necessity of revising regulatory structures and bridging poverty alleviation policies with labor laws.

Keywords: Labor Law, Child Labor, Economic Poverty, Exploitation, International Labour Organization (ILO), Iranian Positive Law.

1. Ph.D of Private Law of Tehran University.

Challenges in Distinguishing Between "Constructive Work" and "Exploitation" in Children's Rights; An Anatomy of the Concept, Foundations, and Principles of Decent Work in Legal Systems

Sadegh Yazdani[1]

Abstract: Work, as the essence of human life, has always possessed dual functions in the development of individual and social personality. Nevertheless, the imposition of work on children who lack the necessary physical and psychological conditions is considered one of the most complex dilemmas of labor law and human rights in the contemporary era. Adopting an analytical approach, the present study seeks to differentiate the ambiguous boundaries between "positive and socializing work" and the "worst forms of child exploitation." Investigations indicate that the lack of congruence between the age of majority (Roshd) in civil laws and the minimum age for employment in labor laws has led to extensive legal conflicts. On the other hand, applying the International Labour Organization's "principles of decent work" to the child demographic requires a revision of economic, cultural, and legislative structures. The findings of this section of the research suggest that ignoring the positive aspects of certain light activities and reducing all forms of child activity to exploitation not only fails to help eradicate child labor but also leads to concealment, driving children towards underground and high-risk occupations.

Keywords: Children's Rights, Decent Work, Exploitation, Positive Work, Labor Law, International Labour Organization (ILO).

1. Ph.D of Private Law of Tehran University.

Liability of the Causer of Children's Deaths in Cases of Error in Identifying the Military Objective: A Comparative Jurisprudential Study in Light of the Minab School Attack

Mohsen Taghizadeh[1]

Abstract: This study examines a discrete juristic and legal problem: the responsibility of an actor whose conduct causes the death of children when the harm results from an error in identifying or verifying a military objective, or in assessing the presence of civilians, rather than from a deliberate attack on non-combatants. Moving beyond general discourse on "child protection in armed conflict," the study offers a technical analysis of the Imami juristic concepts of ihraz al-mawdu' (ascertaining the subject-matter), knowledge/probability/doubt, precaution regarding blood (al-ihtiyat fi al-dima'), causation (tasabbub) versus direct commission (mubasharah), and liability (daman), set against the principles of distinction, proportionality, precautions in attack, and individual/command responsibility in international humanitarian and criminal law. Using a descriptive-analytical, ijtihadi-comparative method grounded in the Qur'an, authoritative Imami hadith collections, works of substantive fiqh and usul al-fiqh, alongside the relevant treaties and specialized legal literature, the study uses the Minab school attack in Hormozgan (28 February 2026) as an illustrative case study rather than a basis for political adjudication. It further examines enforcement mechanisms and legal guarantees, judicial and State practice on targeting errors, and the main interpretive difficulties in both systems. It finds that both systems condition liability on a reasonable ascertainment of the target's status and the exhaustion of feasible precautions beforehand; that an error of fact compounded by a failure to verify does not extinguish liability even where it negates strict criminal intent; and that the two systems diverge chiefly in their theoretical foundation — the sanctity of blood as a right of its possessor in Imami fiqh, versus the general interest of humanity in IHL — which explains the differing consequences of error (financial liability/diyah in fiqh, individual criminal or command responsibility in international law), even as the two fields converge on the foundational duty of precaution and verification prior to the use of

1. Head of Education, Imam Khomeini (RA) Seminary; Level 3 (equivalent to M.A.) in Fiqh and Usul, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran

lethal force. It also identifies a gap between the clarity of the standard and the effectiveness of its enforcement, partly bridged by customary law, State responsibility and, in fiqh, the continuing occupation of the debtor's liability (ishtighal al-dhimma). The study concludes that applying this framework to the Minab incident remains contingent on an independent factual determination that has not yet been completed.
Keywords: Children in armed conflict; targeting error; ascertainment of the subject-matter (ihraz al-mawdu'); precaution regarding blood; causation and liability (tasabbub and daman); principle of distinction; precautions in attack; individual responsibility; Minab school attack; accountability mechanisms; judicial practice

Allocation and Attribution of Civil Liability in Algorithmic Child Protection Decisions: A Comparative Study of Iranian Law and EU Regulations

Meisam Nasrollahi[1], Ahmad Ommi*[2], Nooshin Mahmoodi[3]

Abstract: Predictive risk systems in child protection distribute decision-making functions across software developers, deploying institutions, and professional decision-makers. When their use contributes to unjustified family separation, delayed protection from actual harm, or unlawful processing of sensitive information, identifying legally responsible actors becomes difficult. This doctrinal and comparative study examines how civil liability can be attributed and the resulting financial burden allocated under Iranian law and relevant harmonized European Union instruments. The Iranian analysis focuses on child-protection obligations, general tort principles, organizational liability, and causation. The European analysis distinguishes the GDPR compensation regime, regulatory duties under the AI Act, and the revised Product Liability Directive, with particular attention to their respective scope and application dates. The findings indicate that an erroneous prediction does not necessarily establish a defect, negligence, or causation. Likewise, meaningful human intervention cannot be inferred from the mere presence of an individual in the decision-making process. Iranian law provides general causes of action but offers limited specialised arrangements for preserving and disclosing algorithmic evidence. EU law supplies important but fragmented mechanisms: Article 82 (General Data Protection Regulation) GDPR addresses damage caused by unlawful data processing, whereas product liability is subject to separate conditions and compensable damage categories. The article develops a staged framework that identifies the protected interest and actual harm, specifies each actor's duty, reconstructs causal contribution, determines external liability, and then examines internal recourse. The proposed approach safeguards effective

1. LL.M. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law , South Tehran Branch ,Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. LL.M. Student in International Trade Law, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

compensation while rejecting automatic liability for every participant in an algorithm-assisted child-protection decision.
Keywords: Civil Liability; Child Protection; Algorithmic Decision-Making; Causation; Compensation; Comparative Law.

Infringement of the Best Interests of the Child in Third-Party Assisted Reproduction Processes in the Absence of a Coherent Legal Framework

FatemeSadat Hosseini[1]

Abstract: With remarkable advancements in assisted reproductive technologies (ART), infertile couples are now able to have children through third-party gamete or embryo donation. Despite this scientific capacity, the Iranian legal system has yet to provide comprehensive, transparent, and systematic responses to the complex issues arising from such births. The primary question is whether, in the absence of a coherent legal framework, such births are compatible with the best interests of the child—as a fundamental principle in domestic and international law. Pursuant to Article 10 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, the family is the fundamental unit of society and must be protected. However, in cases where a child is born through gamete or embryo donation with third-party intervention, fundamental issues such as lineage (*nasab*), guardianship (*wilayah*), prohibition of marriage (*mahramiyyah*), inheritance, custody, birth certificates, and social identity either face legislative lacunae or are subjects of serious jurisprudential (*fiqhi*) and judicial controversy. This situation exposes the child from birth to identity challenges and numerous legal disputes; a state of affairs that openly conflicts with the principle of human dignity (Article 22 of the Constitution) and the state's obligation to observe the best interests of the child (Article 3 of the Convention on the Rights of the Child). Employing a descriptive-analytical method and relying on legislative, jurisprudential, and procedural documents, this paper demonstrates that the absence of comprehensive legislative policymaking shifts the consequences of adults' decisions onto the shoulders of the child. Finally, solutions are proposed for revising legislative policies, formulating supportive and binding regulations to guarantee the rights of children born through these methods, and ensuring that the principle of the best interests of the child is realized in practice.

Keywords: Best Interests of the Child, Assisted Reproductive Technologies (ART), Gamete and Embryo Donation, Filiation (Lineage), Human Dignity, Legislative Policymaking

1. Assistant Professor, Department of Law, Refah University College,Tehran, Iran.

Children in the Responsibility Gap: Minab and the Fragmentation of Accountability Across Technology Law, the Law of Armed Conflict, and Access to Remedies

Boshra Sadat Emami*[1], Alireza Meraji[2]

Abstract: On the morning of 28 February 2026, Shajareh Tayyebeh Elementary School in Minab was attacked, killing more than 150 people, including 120 students, according to the Minab prosecutor. The Independent International Fact-Finding Mission on Iran found reasonable grounds to attribute the attack to the United States and to identify an indiscriminate attack as a war crime. Reports of outdated data, ignored warnings, and the possible role of decision-support systems suggest that accountability cannot be confined to the moment of firing. When a lethal decision emerges from a chain of data, algorithmic recommendations, and human decisions, who is responsible, and how can effective protection and reparation be secured?

Using a descriptive-analytical method and a case study, this research distinguishes documented findings from reports attributed to informed sources and technical hypotheses. It adopts the Convention on the Rights of the Child as its analytical framework. However, since the United States has signed but not ratified the Convention, its conduct must also be assessed under binding rules of international humanitarian law and relevant customary rules.

The main finding is that the accountability gap arises not within a single legal regime, but at the intersection of three fields: technology regulations exclude exclusively military applications; the applicability of legal review requirements to decision-support systems under the law of armed conflict remains unclear; and individual access to reparation faces obstacles such as legal immunities and evidentiary difficulties. Each regime thus leaves part of the problem to another, leaving children without effective protection and reparation, even though states' international obligations remain intact.

To address these shortcomings, the study proposes three measures: child-rights impact assessments before deploying such systems, verification and traceability of data concerning locations where

1. Ph.D. in Private Law, University. Corresponding. Email: boshra.emami@ut.ac.ir
2. M.A. Student in Intellectual Property Law, University of Tehran.

children are present, and clear allocation of duties alongside effective reparation mechanisms.

Keywords: Children's rights; international humanitarian law; technology law; artificial intelligence; responsibility gap.

A Criminological Analysis of the Attack on the Shajareh-ye Tayyebah School in Minab with an Emphasis on International Criminal Law

Ali Beyrami Koshayesh[1], Jamal Beigi[2]

Abstract: Background and Aim: Objective: Protecting educational institutions during armed conflicts is more than just a moral imperative; it constitutes a binding obligation under international humanitarian law and international criminal law. However, a significant gap exists between protective norms and the realities on the ground; warring parties often attempt to justify attacks on educational facilities and evade criminal liability by invoking elastic concepts such as "military necessity" or "intelligence error." A criminological analysis of this incident is essential because a precise understanding of the "why" behind this crime is a prerequisite for devising effective preventive mechanisms and ensuring accountability
Research Method: This study employs a descriptive-analytical method, focusing on criminology and international criminal law
Findings: The missile attack on the Shajareh-ye Tayyebah Elementary School in Minab on February 28, 2026, stands as one of the most alarming instances of violations of international humanitarian law in contemporary conflicts.
Conclusion: The final conclusion of this analysis is that the Minab incident cannot be justified as a "military error" or "collateral damage." The combination of objective evidence (continued use for educational purposes), temporal factors (class hours), and the perpetrator's administrative practices (reliance on outdated data) points to a grave violation of international humanitarian law. From the perspective of international criminal law, this event meets the criteria for prosecution as a war crime—specifically, an intentional attack on civilians
and educational facilities. While legal pursuit at the international level

1. M.A. Student of Criminal Law and Criminology; Researcher at the Legal Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.
Email: beyramiali7979@gmail.com
2. Full Professor, Department of Criminal Law and Criminology; Head of the Law
Email: Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.
jamal.beigi@yahoo.com

faces political obstacles, meticulous criminological documentation provides a foundation for seeking justice and ensuring that this human tragedy is not forgotten.

Keywords: Minab School, War Crime, Criminology, International Criminal Law

An Analysis of the Minab School Attack Crime from the Perspective of International Law and Proposed Strategies for Legal-Political Advocacy in International Fora

Masoud Hassanabadi[1], Mohammad Gowhary[2], Ali Kafilian Yazdi[3]

Abstract: At 11:30 AM on Saturday, February 28, 2026 (9 Esfand 1404), the Shajareh Tayyibah School in Minab, Hormozgan Province, was targeted by a missile attack. Consequently, 168 school children—reported to be between 7 and 12 years old—along with a number of teachers and administrative staff were martyred.

Utilizing a descriptive-analytical methodology based on library research, this paper seeks to explain the causes of state politicization and double standards regarding international law, while addressing why such tragic crimes continue to occur despite explicit protective regulations governing war and children under international law.

Findings indicate that the attack on the Minab school constitutes a clear instance of a war crime and stands in direct violation of fundamental principles of international humanitarian law (the principles of distinction, precaution, and proportionality) as well as international human rights law, specifically Article 6 of the Convention on the Rights of the Child.

The authors posit that despite politicization, enforcement deficiencies in international law, and the lack of tangible and effective mechanisms, legal recourse regarding this crime can still be pursued through the United Nations Human Rights Council (UNHRC), the United Nations Children's Fund (UNICEF), and the International Criminal Court (ICC)—pursuant to Articles 12, 13 and 14 of the Rome Statute. Politically, international pressure and accountability of the offending state and its officials can be facilitated through the United Nations Security Council, alongside rigorous documentation and collaboration with non-governmental organizations such as Amnesty International and Human Rights Watch.

1. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Yazd University. Email: m.hassanabadi@yazd.ac.ir
2. Bachelor's Graduate in Law, Yazd University.
Email: mohammadgowhary91@gmail.com
3. Bachelor's Graduate in Psychology, Yazd University. Email: alikafilian@gmail.com

Keywords: War Crime, International Humanitarian Law, Minab School, Aggression

An Examination of the Conflict Between "Teacher-Blogging" and the Moral Rights of the Child, in Light of the Natinal Document on the Rights of the Child and Adolescent

Fatemeh Sadat Ashraf Altaha*[1], Zahra Amirhaeri[2]

Abstract: With the advancement of technology and the entry of professionals from various fields, including teachers, into cyberspace, some rights of different segments of society are being overlooked, which may sometimes be difficult to effectively pursue due to legal inadequacies. Children constitute a particular group whose rights require greater attention due to their legal incapacity. This descriptive-analytical study was conducted using library-based sources, including statutory laws, higher-level legal and policy documents such as the National Document on the Rights of Children and Adolescents, scientific articles, and legal texts. The data were examined through qualitative content analysis, and the negative effects of the phenomenon of teacher-blogging on children's moral rights were categorized based on the provisions of the aforementioned document. The findings of the study indicate that teacher-blogging has had negative effects on four fundamental rights recognized in the National Document on the Rights of Children and Adolescents: the right to identity (Article 4), the right to physical and mental health (Article 6), cultural, educational, and developmental rights (Article 8), and the right to security (Article 11). From the perspective of this study, given the existing legal gaps in the Iranian legal system concerning the protection of children's moral rights in cyberspace and the lack of effective enforcement mechanisms, the legislature should enact and implement explicit and effective laws in this area. Furthermore, the Ministry of Education can take effective steps toward reducing this phenomenon by providing in-service training for teachers, obtaining commitments at the beginning of employment, and establishing supervisory committees

1. Ph.D. Student in Jurispprudence and Private Law, Shahid Motahari University. Email: f_altaha@yahoo.com
2. Ph.D. Student in Woman’s Studies Family Law Comprehensive University of Islamic Revolution.

.**Keywords:** Teacher-blogging; Children's moral rights; Right to identity; Children's privacy; National Document on the Rights of Children and Adolescents

The Status of Child Labour in Iranian Law: Criminalization and Penal Guarantees against the Economic Exploitation of Children in Light of the Convention on the Rights of the Child

MohammadHossein Mirzaee[1]

Abstract: Article 32 of the Convention on the Rights of the Child requires States Parties to establish a minimum age for employment, regulate working hours and conditions, and provide effective sanctions and other measures to protect children against economic exploitation. Under Iranian law, Article 15 of the 2020 Law on the Protection of Children and Adolescents provides for grade-six imprisonment for economic exploitation of a child or adolescent in violation of labour legislation. Article 6 of the same Law assigns institutional responsibilities for monitoring workplaces and supporting children and adolescents who are victims of, or at risk of, harm. This study employs a descriptive-analytical method and a comparative, documentary approach to assess the conformity of Iranian law with Article 32 of the Convention and relevant International Labour Organization standards. The legal analysis indicates that the statutory definition of economic exploitation in Article 1, subparagraph (th), of the 2020 Law encompasses two distinct forms of conduct: unlawful employment of a child or adolescent, and compelling or assigning a child to work or a service that is harmful or hazardous in light of the child's physical, psychological, moral, or social circumstances. However, the relationship between these two forms and the phrase "in violation of labour legislation" in Article 15 raises interpretive uncertainty regarding the scope of the offence and the conditions for imposing its penalty. Iranian law also contains specific protections concerning the general minimum employment age, working conditions for adolescent workers, and a list of work considered harmful to persons under eighteen. Nevertheless, the adequacy and currency of the existing list, the coherence of related sanctions, and the effective implementation of protections in family-based and informal work settings warrant further examination. The study concludes that the principal challenges do not arise from a complete absence of criminalization or a lack of a hazardous-work list. Rather,

1. M.A. Student in Public Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: m.mirzaee@ltr.basu.ac.ir

they concern uncertainty about the scope of Article 15, the need to assess and update existing regulations, and difficulties in identifying and protecting children involved in informal and emerging forms of economic activity. The study therefore recommends clarifying the relationship between Article 15 and the Labour Law, reviewing the adequacy of the existing list of harmful work, strengthening institutional coordination, and developing appropriate safeguards for children's economic activities in digital environments.

Keywords: Child Labour; Criminal Protection of Children; Criminalization of Economic Exploitation; Convention on the Rights of the Child; Labour Law.

When a Tool Becomes a Relationship: Analysis of Emerging Challenges at the Intersection of Artificial Intelligence and the Psychological Rights of the Child

Mohammad Niksirat[1]

Abstract: Generative and conversational artificial intelligence (AI) has transformed children's digital environments from predominantly informational spaces into interactive and quasi-relational environments, as these systems can personalize language, maintain conversational context, and reflect responses conveying empathy and a sense of being valued. These features may be beneficial for learning, access to information, practice, and certain forms of early support. However, when such emotional language and simulated social responsiveness are experienced as human understanding, intentionality, or professional confidentiality, an issue beyond response accuracy may emerge—an issue concerning the nature of the relationship created by AI within the child's developmental environment. The aim of this article is to integrate two emerging concepts, the "empathy gap" and "relational drift," into a psychological and rights-based framework for analyzing the implications of conversational AI for children. The study employs a narrative-analytical review of relevant scientific literature and official documents. The central argument is that the gap between AI-simulated empathy and authentic human understanding, combined with continuous availability, personalized environments, and interactive reinforcement, may create conditions for a gradual shift in the function of AI from a "tool" to a source of emotional reliance, emotional disclosure, and emotion regulation for the child. However, this trajectory should not be understood as deterministic or unidirectional; rather, it should be interpreted in light of developmental, individual, familial, and social differences. Finally, the analysis proposes that AI safety assessment for children should extend beyond the mere control of content and data to encompass "relational safety" as well. To this end, six assessment components are proposed for child-centered AI evaluation: transparency regarding the system's non-human nature, prevention of induced emotional

1 .Master of Clinical Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz. Email: mohammadniksirat@yahoo.com

dependency, protection of self-disclosure, developmental appropriateness, mechanisms for referral to human support, and longitudinal assessment of interaction trajectories.

Keywords:
Artificial intelligence; Empathy gap; Relational drift; Developmental vulnerability; Child Rights Impact Assessment.

The Child's Right to Privacy on Artificial Intelligence-Based Platforms: A Study on Legal and Regulatory Protection Requirements

Arezoo Malekshah*[1], Delavar Baradaran[2], Akbar Badri[3]

Abstract: Background and Aim: The rapid proliferation of artificial intelligence-based platforms and the widespread use of this digital ecosystem by children have raised fundamental challenges regarding the protection of their personal data and privacy. Through mechanisms such as machine learning, automated natural language processing, continuous data mining, facial recognition, behavioral profiling, and predictive algorithms, these systems analyze children's cognitive and emotional data, which paves the way for commercial exploitation, behavioral manipulation, and the creation of persistent digital footprints. This research aims to examine the child's right to privacy within the context of AI-based platforms through a study of legal and regulatory protection requirements, employing a descriptive-analytical method utilizing library sources. **Findings:** According to the research findings, the most critical dimensions of contrast lie in privacy violations, data security, discrimination, and digital ethics. Therefore, the risks associated with the collection and processing of children's personal data by artificial intelligence necessitate the establishment of effective privacy protection mechanisms. Furthermore, the findings emphasize children's data safety-particularly regarding the use of smart robots and toys-and the safety standards that must be considered in developing such systems. Another issue is discrimination, which may stem from the systematic use of artificial intelligence; hence, developers must ensure algorithmic fairness to prevent discrimination against children. Finally, the ethical dimensions of AI deployment—namely, the responsibility of developers and the imperative to observe digital ethics across all operational aspects—must be upheld. **Conclusion:** Consequently, action at the levels of legislation, technological standards, and ethical principles is essential to guarantee safety, privacy, non-discrimination, and moral responsibility across all facets

1. Department of Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: a.malekshah@iau.ac.ir
2. Department of Law, Islamshahr Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Master of Private Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

of artificial intelligence deployment, thereby safeguarding and protecting children's rights in the age of artificial intelligence.
Keywords: Privacy, Child, Artificial Intelligence, Digital Platforms, Data Protection, Algorithmic Governance

Explaining the dimensions of moral-psychological education of children in the life of Hazrat Fatima Zahra (peace be upon her) with an emphasis on mental health and children's rights

Maryam Mir[1], Azam Etemadifard*[2] , Ahmad Sadeghian[3]

Abstract: Mental health and child rights are among the most important concerns of contemporary human societies. In this regard, religious teachings and the Sīrah of the Infallibles (PBUT) as a treasure of educational and moral knowledge can provide a complete model for ensuring children's mental health and respecting their rights. The present study aims to explain the moral-psychological dimensions of child education in the Sīrah of Hazrat Fatemeh Zahra (PBUH). This research employs a descriptive-analytical method, referring to authentic Islamic sources (Al-Kāfī, Biḥār al-Anwār, Kashf al-Ghummah, and commentaries) and works of positive psychology. The findings indicate that the educational Sīrah of Hazrat Fatemeh (PBUH) can be explained in four fundamental axes: First, "love and secure attachment" manifested in play, humor, and verbal and physical expression of love to children, which fully aligns with Bowlby's attachment theory. Second, "practical teaching of moral virtues" manifested in the three-night self-sacrifice and the upbringing of brave, just, and temperate children. Third, "creativity in education" observed in the model of educational division of labor and the use of available tools to teach religious concepts. Fourth, "justice and dignity" manifested in equal treatment of children (both daughters and sons) and respect for the child's personality. This research demonstrates that the Fatemi Sīrah provides a comprehensive model for ensuring children's mental health, strengthening religious identity, and respecting children's rights, which can be utilized in educational systems and family counseling.

Keywords: Child Education, Mental Health, Child Rights, Sīrah of Hazrat Fatemeh Zahra (PBUH), Positive Psychology, Secure Attachment.

1. PhD student in Quran and Hadith Sciences, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.
2. Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: Az.Etemadifard@iau.ac.ir
3. Assistant Professor, Quran and Hadith Sciences Department, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

Analyzing the Challenges of Iran's Criminal Policy in Supporting the Right to Rehabilitation of Juvenile Offenders and Providing Legislative and Executive Solutions

Amir Hossein Rajabi[1]

Abstract: Background and Aim: Juvenile offenders, as one of the most vulnerable groups in society, require special protection within the criminal justice system. Iran's criminal policy has recently attempted to shift from a purely punitive approach towards rehabilitation, but this path faces several challenges. This research aims to identify and analyze these challenges across legal, executive, judicial, and cultural dimensions and to propose solutions for improving support for the right to rehabilitation of these children.

Methods: This qualitative research was conducted using a descriptive-analytical approach. Data were gathered through documentary and library research, including the study of laws (such as the Islamic Penal Code and the Code of Criminal Procedure), scientific articles, research reports, and authoritative legal and criminological sources. The data were analyzed using legal reasoning and inference methods.

Findings: The findings indicate that despite progress, such as the establishment of juvenile courts and emphasis on alternative punishments, Iran's criminal policy faces numerous challenges: Legal Challenges (lack of a comprehensive rehabilitation law and non-mandatory nature of restorative justice), Executive and Institutional Challenges (weak inter-agency cooperation, shortage of specialized centers, and lack of post-release supervision), Judicial Challenges (insufficient specialized training for judges and a shortage of juvenile courts nationwide), and Socio-Cultural Challenges (social stigma and lack of a culture of acceptance).

Conclusion: To effectively realize the right to rehabilitation for juvenile offenders, a fundamental revision of the country's criminal policy is necessary. Key solutions include drafting a comprehensive law on juvenile justice with a restorative approach, mandating mediation, creating a unified managerial structure for inter-agency coordination, providing continuous specialized training for judges and social workers, and implementing cultural programs to reduce social

1. MA in Criminal Law and Criminology Islamic Azad University, Hamedan Branch, Iran. Email: Amirhusseinrajaby@gmail.com

stigma. Achieving this requires national determination and cooperation from all responsible institutions.

Keywords: Iran's Criminal Policy, Rehabilitation of Juvenile Offenders, Restorative Justice, Legislative Challenges, Protection of Children's Rights.

Criminal Liability of Al Platforms Regarding Child Rights Violations in Light of The Law on the Protection of Children and Adolescents

Akbar Bashirry[1], Arad Hasan Zadeh*[2]

Abstract: The widespread infiltration of artificial intelligence (AI) technologies into children's daily, educational, and communicative environments has magnified the necessity of re-evaluating the supportive duties of legal systems against the perils of digital ecosystems. Relying on international instruments—specifically the Convention on the Rights of the Child (CRC) and General Comment No. 25—this paper employs a descriptive-analytical method to examine the legal requirements and ethical standards governing smart systems in protecting children's rights. The findings indicate that attributes such as the processing of behavioral big data, algorithmic biases, and cognitive-emotional dependencies induced by these systems systematically threaten the best interests of the child. Furthermore, technical complexity and the "black box" phenomenon inherent in autonomous systems severely undermine the efficiency of traditional civil liability models in proving fault and establishing causation. Consequently, effective child protection necessitates a transition toward proactive strategies such as "rights-by-design," algorithmic transparency, and adjusted evidentiary rules—such as burden-shifting—ensuring that through a fair distribution of liability among developers, states, and legal guardians, the dignity and holistic development of the child are guaranteed.

Keywords: Artificial Intelligence, Children's Rights, Rights by Design, Legal Accountability,

1. Faculty Member at Maragheh Azad University.
2. Ph.D Student in Private Law at Maragheh Azad University.

Mechanisms for compensating violations of children's rights in child marriage with an emphasis on international documents

Arezo Nalekshah*[1], Negin Kord[2]

Abstract: Background and Aim: Child marriage may violate children's fundamental rights in physical, psychological, educational, social, and economic dimensions, and its harmful effects may continue even after the marital relationship ends. This study aims to explain the mechanisms for remedying violations of children's rights in child marriage and to assess the capacities and shortcomings of Iranian law in light of international instruments and standards.

Method: This study adopts a descriptive-analytical approach and is based on library research. Data were collected by examining Iranian laws and regulations, international instruments relating to children's rights, and relevant scholarly literature, and were analyzed from a legal perspective.

Findings: The analysis indicates that, depending on the circumstances, general mechanisms under Iranian law—including civil liability, compensation for moral damage, diyah, and arsh—may provide remedies for some harms arising from child marriage. However, fragmented rules and the lack of specialized, child-centered mechanisms make comprehensive redress difficult. International standards conceive of effective remedies as extending beyond monetary compensation to access to justice, physical and psychological rehabilitation, educational and social support, and measures to prevent recurrence.

Conclusion: The existence of general remedial mechanisms in Iranian law does not, by itself, ensure effective and comprehensive redress for all harms associated with child marriage. Improving access to child-sensitive justice, providing specialized rehabilitation and educational services, and coordinating remedial mechanisms around the best interests of the child are therefore necessary. Such measures should be developed consistently with applicable domestic law and relevant international obligations.

Keywords: Child marriage, children's rights, compensation, civil liability, international instruments.

---

1. Corresponding author Department of Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: a.malekshah@iau.ac.ir

2. Master of Private Law, ST.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Compensation for Non-Pecuniary Damage Arising from Clinical Depression in Children Affected by War

Masood Bondar[1]

Abstract: War exposes children to enduring psychological harm, including clinical depression: an injury that is not outwardly visible yet disrupts mental health, development and future prospects. This article asks whether clinical depression in war-affected children constitutes compensable non-pecuniary (moral) damage under Iranian Islamic jurisprudence (fiqh) and law, on what grounds compensation may be claimed, and what form it should take. Using a descriptive-analytical method based on library and documentary sources, it first reviews psychological findings on prevalence, symptom presentation, course and protective factors, and then analyses the fiqh-based foundations (the no-harm rule, causation by indirect means, and arsh) and the legal foundations (the Civil Liability Act, the Islamic Penal Code, and the law of state responsibility and children's rights). The findings indicate that clinical depression, once diagnostic criteria are met and the condition is distinguished from ordinary sadness, constitutes a recognised harm; that Articles 1 and 10 of the Civil Liability Act and Articles 675 and 676 of the Islamic Penal Code can ground compensation; and that the main difficulty lies in proving causation, given the overlapping effects of war-related stressors. Customary attribution, apportionment of liability among multiple causes, and expert evidence can mitigate this difficulty. Effective reparation should be more than monetary: it should integrate treatment, rehabilitation, family support and the strengthening of children's resilience.

Keywords: clinical depression; children; war; non-pecuniary damage; civil liability; arsh; resilience

1. Research Secretary, Department of Medical Jurisprudence, Markaz-e Fiqhi-ye A'emmeh At'har (a.s.)

The Child's Right to Mental Health in Armed Conflict: Challenges, Legal Obligations, and Protective Measures

Askar Jalalian*[1], Ali Dorost Kerdar[2]

Abstract: Background: Armed conflict is a major threat to the rights, health, and well-being of children, capable of inflicting profound and lasting consequences on their mental health and developmental processes. Children are the silent victims of armed conflict. Exposure to the aftermath of such conflicts can lead not only to physical and psychological harm but also to violations of their fundamental rights. Children living in conflict zones may face experiences such as the loss of family members, the breakdown of social ties, displacement, separation from parents, and deprivation of basic needs. These conditions can trigger immediate stress reactions, psychological distress, fear and anxiety regarding personal and family safety, and an increased risk of developing mental health disorders. Supporting war-affected children requires simultaneous attention to their rights, mental health needs, psychosocial support, and the environmental and social conditions influencing their well-being. Consequently, effective support for these children demands a comprehensive and systematic approach that addresses existing trauma while preventing secondary harm. Within this framework, the three pillars of support for war-affected children are comprehensiveness, sustainability, and the principle of "do no harm."

Method and Objective: Adopting a legal-analytical approach, this article first examines the challenges and consequences of armed conflict regarding children's mental health. It then focuses on the necessary support measures to articulate the principles and intervention strategies required to provide comprehensive, sustainable, and non-harmful support for children affected by war.

Findings and Conclusion: This study demonstrates that children's right to mental health in armed conflict is linked to their fundamental rights to life, health, and development; furthermore, the protection of this right can be examined within the framework of obligations arising from the Convention on the Rights of the Child and the rules of international humanitarian law.

Keywords: Children's rights, armed conflict, children's mental health, Convention on the Rights of the Child, protective approaches.

---

1. Professor, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: Dr_ajalalian@yahoo.com
2. M.A in International Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

The State's Obligation to Finance Mental Health Services for Children Affected by War in Iran

Maryam Sadat Mohaghegh Damad*[1], Erfan Fotuhi[2]

Abstract: Background and Objective: Mental health service costs may hinder access to and continuation of treatment for children affected by war. This study examines the basis and scope of the State's obligation to fund these services and the conditions for claiming support under Iranian law.

Methods: This descriptive–analytical study examines the Constitution, the Law on the Protection of Children and Adolescents and its Article 6 Implementing Regulation, the Law on the Structure of the Comprehensive Welfare and Social Security System, and related documents and studies. The analysis addresses eligibility, covered services, family cost-sharing, responsible agencies, and avenues for claiming support. The study is documentary and does not assess agency performance.

Findings: The laws examined provide a legal basis for supporting children's mental health. Healthcare facilities are required to admit and provide immediate treatment to injured children. The Regulation also requires the Ministry of Health to provide free healthcare and treatment to children referred by the State Welfare Organization. These duties differ from insurance coverage. However, the provisions examined do not fully specify service types and scope, conditions for continuing care, or interagency cost settlement; determining the extent of financial support also requires examining payment rules. This limitation does not establish that other implementing regulations are absent. Support requires statutory eligibility, but not prior proof of liability for causing the war. Judicial claims also require identifying the relief sought, respondent agency, and person legally authorized to act for the child.

Conclusion: Financial support for mental health services for children affected by war has a legal basis, subject to statutory eligibility. Clarifying links between agency duties, payment rules, and referral pathways may facilitate claims. Regulatory reform should address

1. Assistant Professor, Department of Law, Iman Sadiq University, Woman's Campus, Tehran, Iran. Email: mohaghegh@isu.ac.ir.m

2. Master's Student in Medical Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

established deficiencies; new financial obligations require a legal basis and commensurate funding.

Keywords: Children's rights; Mental health; War; Health financing; State obligations.

Smart Child Abuse: Emerging Challenges of Criminal Protection of Children in the Age of Artificial Intelligence

Mohammad Javad Moqaddam[1]

Abstract: The expansion of generative artificial intelligence has created new forms of harm against children that go beyond traditional child abuse and conventional forms of digital abuse. The production of sexual deepfakes, AI-enabled grooming, artificial intelligence-based extortion, and identity impersonation have created new dimensions of child victimization and challenged the effectiveness of existing criminal protection mechanisms. This study aims to explain the concept of "smart child abuse," identify its forms, and propose an appropriate model of criminal protection for children. The research adopts a descriptive-analytical method and examines legal sources, as well as Iran's criminal laws and regulations, to analyze the capacities and shortcomings of the criminal justice system in protecting children against artificial intelligence-based crimes. The findings indicate that scalability, speed, personalization, difficulties in attribution, and the ability to conceal criminal conduct distinguish smart child abuse from earlier forms of abuse. Furthermore, existing criminal offenses are unable, in some cases, to adequately address emerging forms of AI-enabled abuse. Accordingly, revising criminalization policies, determining criminal liability, strengthening mechanisms for the detection and proof of offenses, and providing differentiated protection for child victims are necessary.

Keywords: Criminalization; Criminal Liability; Deepfake; Digital Victimization

1. Department of Law, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, Email: mqdmh5014@gmail.com

A Comparative Study of the Protection of Mothers and Children Born of Sexual Violence in Light of the Principles of Iranian Family Law and Yazidi Community Practice (with an Emphasis on the Rule of Non-Transmission of Religion through the Mother and the Identity Challenges of the Children)

Maryam Sepahvand[1]

Abstract: The systematic sexual violence against Yazidi women by ISIS in 2014 led to the birth of thousands of children who, due to the rule of "non-transmission of religion through the mother" in the customary-religious system of the Yazidi community, were deprived of legitimate religious and social identity. On the other hand, the Iranian legal system, based on Imamiyah jurisprudence and the rule of "al-walad li'l-firāsh" (Article 1167 of the Civil Code), also recognizes the principle of the inheritance of identity from the father. This study aims to comparatively examine the protection of these children within the two legal systems and to propose a model for resolving their identity crisis. Using a descriptive-analytical and comparative method, this research analyzes the jurisprudential rule of "al-walad li'l-firāsh" and the Uniform Judicial Precedent No. 1376 of the Supreme Court of Iran, while also examining the fatwas of the Yazidi Supreme Spiritual Council (Statement of April 27, 2019) and Iraqi laws (Article 26 of the Unified National Card Law). The findings indicate that Iranian law, by distinguishing between "legal lineage" and "customary duties" and recognizing the rapist as a "customary father," has been able to partially alleviate the identity confusion of these children, whereas the Yazidi system has exacerbated the crisis by their absolute rejection. The strengths of Iranian law include Uniform Judicial Precedent No. 1376 and the 2019 Amendment to the Nationality Law, but shortcomings remain, such as the non-extension of the precedent to inheritance and compulsory guardianship, silence regarding the mother's guardianship, and the adherence to the religion of the customary father. In contrast, the Yazidi/Iraqi system lacks any flexibility, and the Yazidi Survivors Law (YSL 2021) has also failed to clarify the situation of the children. The no-harm rule (lā ḍarar) and the rule of beneficence (iḥsān) in Imamiyah jurisprudence have the

1. Department of Law, Naragh Branch, Islamic Azad University, Naragh, Iran.
Email: anoshirvanmaryam@gmail.com

capacity to modify the rule of "al-walad li'l-firāsh." Practical solutions include amending Article 26 of the Iraqi Unified National Card Law, issuing a fatwa by the Yazidi Council based on the acceptance of a "customary father" or registration in the mother's name, reforming Iranian laws to grant compulsory guardianship to the mother, and establishing an international emergency civil registration body under the auspices of the United Nations. Despite its shortcomings, the Iranian legal model serves as a moderate and realistic solution that can be emulated to resolve the identity crisis of Yazidi children.

Keywords: Sexual Violence, Rule of "al-walad li'l-firāsh", Rule of Non-Transmission of Religion through the Mother, Yazidi Community, Right to Identity.

Cognitive AI Governance: A Framework for Safeguarding the Child's Right to Mental Health (Based on Transcendent Philosophy)

Seyedeh Mahya Seyedalikhan[1]

Abstract: As algorithmic dominance over children's digital environments expands, the phenomenon of "cognitive impatience" and the erosion of contemplative faculties pose a fundamental challenge to children's rights. This research aims to propose a model of "Cognitive AI Governance" and redefine the concept of "Children's Rights," shifting from a traditional paradigm of passive physical protection toward a proactive paradigm of safeguarding mental health and existential capacities. Employing an analytical approach grounded in the principles of Transcendent Philosophy, this study examines the relationship between the cultivation of rational faculties and human interaction with Artificial Intelligence. The findings reveal that current governance models focus on "negative ethics" and physical limitations; however, to uphold the fundamental right to "intellectual autonomy," a transition toward algorithmic governance models aimed at enhancing cognitive capacities is essential. To this end, four operational pillars are proposed: Capacity Augmentation, Cultivating Mindfulness, Achievement-Based Closure, and Intelligent Parental Empowerment. Ultimately, the paper argues that the "Right to Cognitive Health" must be recognized as a core children's right in the age of AI, requiring global policy-making to pivot from "facilitating consumption" toward "enhancing existential capacities."

Keywords: AI Governance, Children's Rights, Cognitive Health, Transcendent Philosophy, Digital Policy-making.

1. M.A in Islamic Philosophy, Hazrat Fatemeh Specialized Center, Management Center of Women's Seminaries. Email: Sm.seyedalikhan@gmail.com

An Evaluation of the Paternal Grandfather's Guardianship over Minors in light of the Best Interests of the Child under Iranian Law

Hannaneh Mahmoudi[1]

Abstract: In Iranian law« wilayat-e qahri »is a protective legal institution established to administer a child's affairs and safeguard his or her material and moral interests. Under the Civil Code, the father and paternal grandfather exercise guardianship concurrently. Nevertheless, in the customary practices and practical realities of families, as long as the father is alive, the administration of the child's affairs is predominantly carried out by the father, while the paternal grandfather generally does not play a direct and continuous role in the child's day-to-day decision-making. Consequently, upon the father's death, a situation arises in which the paternal grandfather continues to be regarded as the child's legal guardian, whereas the mother, despite her continuous and direct involvement in the child's life, care, and upbringing, does not possess guardianship.In light of transformations in family structures, the expansion of nuclear families, the increasing educational attainment and social and economic participation of women, and the changing role of women in family affairs, this situation requires reconsideration. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing on legal, jurisprudential, and doctrinal sources, the present study examines whether the continuation of the paternal grandfather's de facto guardianship following the father's death, without transferring such guardianship to the mother, is compatible with the best interests of the child in the contemporary family. The research hypothesis posits that, considering the mother's practical position in the child's life and the necessity of prioritizing the best interests of the child, transferring guardianship to the mother following the termination of the father's guardianship may provide a more appropriate framework for protecting the child.The findings indicate that the continuation of the paternal grandfather's guardianship may, in certain circumstances, give rise to conflicts between the mother and the paternal family, thereby exposing the child to emotional pressure and family disputes. Accordingly, reconsidering the legal provisions governing de facto guardianship

1. M.A Student in Private Law, Mofid University, Qom, Iran.
Email: mahmoudihannaneh@gmail.com

and providing for the transfer of guardianship to the mother following the father's death could constitute a step toward aligning legal rules with the transformations of the contemporary family and more effectively safeguarding the best interests of the child.

Keywords: wilayat-e qahri, child, best interests of the child, custody, family law.

Limits of Parental Authority in Publishing Children's Information Online: A Jurisprudential and Legal Analysis with Emphasis on the Child's Dignity and Best Interests

Sakine Azari[1]

Abstract:Background and Objective: The expansion of social networks and data-driven services has made it possible to collect and widely disseminate children's images, voices, family information, medical records, educational information and location data. Parents frequently rely on their parental authority when deciding whether to publish such information. However, parental publication may conflict with the child's dignity, privacy, security and long-term interests. This study examines the jurisprudential and legal limits of parental authority in publishing children's personal information online.

Methods: This qualitative study employs descriptive-analytical, Islamic jurisprudential and comparative methods. Relevant principles of Imami jurisprudence, including the prohibition of harm, respect, protection of dignity, causation and the best interests of the child, are examined alongside the Convention on the Rights of the Child and international instruments concerning children's rights in the digital environment.

Findings: The findings indicate that parental authority over children's information is protective and fiduciary rather than proprietary and unlimited. Parental consent can justify publication only when the disclosure is necessary, proportionate, free from foreseeable harm and compatible with the child's best interests. Consent alone cannot legitimize publication that threatens the child's dignity, privacy, safety or future social and professional life. The study proposes the concept of "parental fiduciary responsibility for the child's digital identity" and a six-stage test based on necessity, proportionality, absence of harm, child participation, limitation of dissemination and removability.

Conclusion: Effective protection of children in the digital environment requires replacing a purely consent-based approach with a verifiable best-interests approach. The proposed framework may assist courts, legislators, parents and digital platforms in assessing the legality and legitimacy of publishing children's information.

1. Department of Law, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
Email: sakine.azari@iau.ac.ir

Keywords: Child, Privacy, Digital Environment, Parental Authority, Best Interests of the Child, Imami Jurisprudence.

Critical Analysis of the Prominent View in Imami Jurisprudence on Depriving Illegitimate Children of Inheritance Rights

Seyyed Mohammad Medi Miri Rami*[1], Sajjad Zaferian Malekshah[2]

Abstract: This study examines the jurisprudential foundations for depriving children born from illegitimate relationships of inheritance rights. According to the predominant view in Imami jurisprudence, the absence of legally recognized lineage, along with certain narrations and scholarly consensus, prevents the establishment of inheritance rights between illegitimate children and their parents. Iranian civil law has also adopted this position. However, employing a descriptive-analytical method and a critical approach, this research evaluates and critiques the arguments supporting the predominant view, aiming to provide a balanced analysis of the jurisprudential and legal dimensions of the issue. Ultimately, the study demonstrates that the prevailing opinion contradicts principles of divine justice, the individual nature of punishment, the general rulings of Quranic inheritance verses, and other authentic narrations. From an Islamic perspective, the right to inheritance for illegitimate children remains valid and firmly established.

Keywords: Imami, jurisprudential, deprivati, illegitimate children, Inheritance.

1. Department of Islamic Studies, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran. Email: dr.smiri@iau.ac.ir

2. Ph.D Student in Private Law, Al-Mustafa International University, University of Islamic Sciences and Maaref, Qom, Iran.

The Relationship Between Family Cultural Capital and Children's Awareness of and Adherence to Digital Rights

Mohammad Reza Heshmati[1]

Abstract: The rapid expansion of new communication technologies and the increasing presence of children in digital environments have transformed patterns of children's socialization and made the protection of their rights in online environments an important concern for families. In this context, children's awareness of digital rights and the family's capacity to support these rights may be influenced by the cultural resources available within the family. The present study aimed to examine the relationship between family cultural capital and its dimensions and children's awareness of digital rights. The theoretical framework was based on Pierre Bourdieu's theory of cultural capital and cultural reproduction, as well as approaches to children's agency. The study employed a descriptive-correlational and survey research design. The statistical population consisted of parents of children aged 7 to 12 years in Tehran during the 2025–2026 academic year. A sample of 384 participants was selected using Cochran's formula and a multistage cluster sampling method. Data were collected using a researcher-developed questionnaire on children's digital rights and a cultural capital questionnaire encompassing three dimensions: embodied, objectified, and institutionalized cultural capital. The validity and reliability of the instruments were assessed and confirmed. Data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and regression analysis.

The regression findings indicated that overall family cultural capital had a positive and statistically significant relationship with children's awareness of digital rights. It explained 56.2% of the variance in children's awareness of digital rights, with a standardized coefficient of $\beta = 0.750$ and a coefficient of determination of $R^2 = 0.562$ ($F = 490.381$, $p < 0.001$). All three dimensions of cultural capital also showed positive and statistically significant relationships with children's awareness of digital rights. Embodied cultural capital, with $\beta = 0.685$ and $R^2 = 0.469$, institutionalized cultural capital, with $\beta = 0.645$ and $R^2 = 0.416$, and objectified cultural capital, with $\beta = 0.641$

1. Ph.D. Graduate in Sociology, with a Specialization in the Study of Social Issues in Iran, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran. Rezaheshmaty1037@gmail.comEmail:

and $R^2 = 0.411$, each explained a significant proportion of the variance in children's awareness of digital rights. Among the three dimensions, embodied cultural capital demonstrated the strongest predictive power for children's awareness of digital rights.

The findings suggest that family cultural capital is an important factor in shaping children's awareness of digital rights. The stronger role of embodied cultural capital indicates that parents' internalized skills, attitudes, and cultural capacities may play a more prominent role in developing children's digital awareness than merely possessing cultural resources or formal educational credentials. Therefore, promoting children's digital rights requires simultaneous attention to the cultural and media empowerment of families and the development of digital parenting skills.

Keywords: Cultural Capital, Children's Digital Rights, Embodied Cultural Capital, Objectified Cultural Capital, Institutionalized Cultural Capital, Digital Awareness, Digital Parenting.

Artificial Intelligence and the Redefinition of Children's Rights in the Digital Age: A Sociological Analysis of Opportunities, Threats, and Policy Requirements

Mohammad Reza Heshmati[1]

Abstract: Background and Objective: The rapid expansion of artificial intelligence (AI) and its increasing integration into education, communication, entertainment, and digital services have transformed children's social environment and created new challenges for children's rights. Beyond protection from direct harms, children's rights in AI-mediated environments increasingly involve privacy, data security, non-discrimination, participation, and equal access to digital opportunities. This study aimed to provide a sociological analysis of the opportunities, threats, and policy requirements associated with AI and children's rights.

Methods: A qualitative documentary research approach was employed. Scientific articles, legal documents, and policy reports concerning AI, children's rights, and the digital environment were examined and analyzed thematically. The identified themes were organized around opportunities, threats, social inequalities, and policy requirements and subsequently interpreted from a sociological perspective.

Results: The findings indicate that AI can contribute to children's rights through personalized learning, improved access to information and services, support for children with disabilities, and new opportunities for digital participation. However, large-scale data collection, profiling, algorithmic surveillance, discrimination, automated decision-making, and exposure to harmful content constitute important risks. Differences in technological access, digital skills, and family digital capital may also result in unequal distribution of AI-related opportunities and reproduce existing social inequalities.

Conclusion: AI is not merely a technological innovation but an increasingly important component of social structures and governance mechanisms in digital society. Effective protection of children's rights therefore requires a transition from a purely protective approach toward child-centred and justice-oriented AI governance based on

1. Ph.D. Graduate in Sociology, with a Specialization in the Study of Social Issues in Iran, Faculty of Law and Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran. Rezaheshmaty1037@gmail.comEmail:

privacy, data security, non-discrimination, transparency, accountability, equal access, and meaningful child participation.
Keywords: Artificial Intelligence; Children's Rights; Algorithmic Governance; Algorithmic Justice; Digital Inequality

The Rights of the Child in the Context of Social Transformations: The Imperative of Rethinking Legal Systems

Mohammad Ta'ati Sereshkeh[1]

Abstract: Child rights, at the intersection of the universality of international norms and transforming social contexts, face a fundamental question: how can legal systems construct an effective bridge between universal obligations and emerging realities? Focusing on the Iranian legal system and adopting a comparative perspective on the Convention on the Rights of the Child (1989) and its optional protocols, this study centers on two key transformations—the digital revolution and the changing structure of the family—and tests the hypothesis that the traditional protective paradigm, by treating the child as an "object" of protection, is inadequate against networked, cross-border, and dynamic harms. The study is qualitative and, in purpose, fundamental-applied; it combines analytical-descriptive, comparative, and multiple qualitative case-study methods, organizing data at normative, institutional, and executive levels. The documentary corpus includes Iranian legislation and regulations, family and juvenile court practice, the CRC, and reports of international bodies. Findings indicate that only 30% of the 23 reviewed instruments refer to cyberspace, and none comprehensively regulates children's digital rights; in 73% of 45 judicial cases, a passive protective approach prevails; in fewer than 5% of cases, the child's views are heard; 25% of families are single-parent or blended, and laws on custody, maintenance, and nationality remain based on the traditional family model. This gap is not a minor implementation defect but evidence of the inadequacy of the paradigm's foundations. The study's innovation lies in proposing the "rights-based resilience" model as a paradigmatic alternative which, through activation, preservation, and restoration, and across five dimensions—individual, familial, institutional, social, and digital—and five indicators—access to justice, legal literacy, networked support, participation, and digital security—elevates the child from "protected" to "co-constructor" of the legal system and provides a theoretical-executive framework for rethinking the Iranian legal system**.**

1. LL.M in Private Law, Department of Law, Ahrar Institute of Higher Education, Rasht, Iran. Email: lawyer.taati@gmail.com

Keywords: Child Rights; Rights-Based Resilience; Normative-Executive Gap; Multilevel Governance; Iranian Legal System**.**

The Right of the Child to Access to Medicine and Treatment in International Instruments and Iranian Domestic Law From Global Obligations to Implementation Challenges

Parinaz Momayyez[1]

Abstract: Background and Objective: The right to access medicine and treatment is one of the fundamental components of the right to health. For children, this right is of double importance because children are more vulnerable physically, psychologically, and socially and require special protection in domestic and international legal systems. This article aims to examine the status of children's right to access medicine and treatment in international instruments and Iranian domestic law and to identify its implementation obstacles.

Method: This study was conducted using a descriptive-analytical method based on library resources, international instruments, domestic laws, and related research.

Findings: The Convention on the Rights of the Child, particularly Article 24, and General Comment No. 15 of the Committee on the Rights of the Child oblige states to ensure the highest attainable standard of health, access to essential medicines, primary care, and specialized services for children. In Iranian domestic law, Articles 29, 3, 20, and 21 of the Constitution and laws such as the Protection of Children and Adolescents Act have created obligations for the government. However, shortages of pediatric medicines, lack of appropriate formulations, high costs, weak insurance coverage, delays in access to new medicines, economic sanctions, and geographical inequality in distribution are among the most important implementation challenges.

Conclusion: Full realization of children's right to access medicine and treatment requires enacting comprehensive child health legislation, strengthening the insurance system, increasing transparency in the pharmaceutical supply chain, targeted support for vulnerable children, developing domestic production of pediatric medicines, and greater alignment with international instruments.

Keywords: Child Rights, Right to Health, Access to Medicine, Convention on the Rights of the Child, Iranian Domestic Law.

1. Master of Medical Law, University of Science and Culture, Iran. Email: parinaz.m0077@gmail.com

Challenges in Protecting Children's Right to Education in Armed Conflicts under International Humanitarian Law

Fatemeh Khalili[1]

Abstract: The right to education is a fundamental right of children recognized in international instruments and protected, in situations of armed conflict, through the rules of international humanitarian law. Nevertheless, armed conflicts create insecurity and cause damage to civilian infrastructure, seriously challenging children's access to education and the continuity of schooling. Attacks on schools and educational facilities, the military use of educational premises, the destruction of educational infrastructure, displacement, and disruption of the educational process are among the major factors threatening this right. This study aims to examine the challenges of protecting children's right to education during armed conflicts and to analyze the capacity of international humanitarian law to provide protection for this right.

This study employs a descriptive-analytical method based on library research. Relevant rules and principles of international humanitarian law, international instruments and treaties concerning children's rights and the right to education, documents and reports of international organizations, and Persian and English scholarly sources have been examined and analyzed.

The findings indicate that the fundamental principles of international humanitarian law, including the principles of distinction, proportionality, and precautions in attack, together with the special protection afforded to children and the protection of civilians and civilian objects, provide a significant legal framework for protecting educational environments during armed conflicts. Nevertheless, attacks against educational facilities, the military use of schools, the displacement of children, and the disruption of educational infrastructure, combined with difficulties in monitoring and enforcing legal obligations, create a gap between legal protection and the effective enjoyment of the right to education.

Effective protection of children's right to education during armed conflicts requires the effective implementation of international humanitarian law, the strengthening of prevention, monitoring, and

1. Bachelor of Laws , Hadaf Institute of Higher Education, Sari
Email: khalilifatemeh2080@gmail.com

accountability mechanisms, and the adoption of appropriate measures to protect educational facilities and ensure the continuity of education in emergency situations.

Keywords: Children's Rights; Right to Education; Armed Conflicts; International Humanitarian Law

The Obligation of Official Registration of Transactions Involving the Property of Children and Adolescents in Light of the Best Interests of the Child

Maede Lotfi [1]

Abstract : The present study aimed to elucidate the nature and legal effects of the mandatory official registration of transactions involving the property of children and adolescents, with particular emphasis on the role of the child's best interests and their place in the exercise of the legal representative's authority and the official registration process. The study employed a descriptive-analytical method, drawing upon laws and regulations, registration-related bylaws, legal advisory opinions, and judicial practice. The findings demonstrated that the requirement of official registration was not merely a formal procedure for validating and securing a transaction; rather, in conjunction with the rules governing guardianship and legal representation and the obligation to safeguard the child's welfare and best interests, it also served a regulatory and protective function. Nevertheless, official registration alone did not establish compliance with the child's best interests or the legitimacy of the legal representative's actions and therefore had to be distinguished from the substantive validity of the transaction, the scope of the representative's authority, and its registrability. The findings further indicated that Article 45 of the Family Protection Act had transformed the child's best interests into a legally operative criterion governing the exercise of statutory powers and that, in transactions involving immovable property, this criterion had to be considered alongside the requirements prescribed by the Law on Mandatory Official Registration of Transactions Involving Immovable Property and its implementing regulations. Furthermore, the analysis of Advisory Opinion No. 7/1404/28, dated 17 Aban 1404, issued by the Legal Department of the Judiciary, revealed that, in matters involving the protection of the interests of children and adolescents, registration of the legal act through standardized contracts was insufficient and that direct action through notarial offices was required. This approach strengthened the legal oversight of transactions and the verification of registration-related impediments. At the same time, substantive determination of disputes

1. Ph.D. Candidate in Private Law, Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

concerning compliance with the child's best interests and the removal of legal impediments remained, where appropriate, within the jurisdiction of the competent judicial authorities. Ultimately, the study concluded that effective protection of children's property required distinguishing the legal consequences of failure to comply with the official registration requirement from those arising from transactions contrary to the child's best interests, while ensuring coordination among the rules governing guardianship, child protection, and the official registration system.

Keywords: Official Registration of Transactions; Property of Children and Adolescents; Best Interests of the Child; Child Rights Protection.

Legal Responsibility in the AI Decision-Making Chain in Military Operations: A Case Study of the Attack on Shajareh Tayyebeh School in Minab

Hossein Mahdavi[1]

Abstract: The growing use of artificial intelligence and data-driven decision-support systems in military operations has created new challenges concerning the attribution of legal responsibility for decisions produced through such technologies. The central question is how legal responsibility should be assessed when an error arises from data, analysis, or an algorithmic output within a chain involving intelligence analysts, system developers, military operators, commanders, and final decision-makers. This study aims to clarify the criteria for attributing legal responsibility within such a chain, with particular focus on the attack on Shajareh Tayyebeh School in Minab. Using a descriptive-analytical and documentary approach, the research combines international humanitarian law with scholarship on AI responsibility and algorithmic decision-making. It examines factors including the quality and reliability of data, foreseeability of error, degree of human control, possibility of intervention or suspension, decision-makers' knowledge, and traceability of the decision-making process. The findings indicate that an algorithmic error, by itself, neither transfers nor eliminates human legal responsibility. Where system limitations or errors are foreseeable and meaningful opportunities for verification, correction, or intervention exist but are not adequately exercised, legal assessment should shift from the technical performance of the system to the conduct of relevant human and institutional actors. The Minab case illustrates the potential legal significance of outdated intelligence, inadequate verification, and deficiencies in human oversight, although available public evidence does not conclusively establish that a specific AI system selected the school as a target. Accordingly, legal responsibility in AI-assisted military operations should not be attributed to the machine as an independent legal actor, but should be assessed through the role, control, knowledge, foreseeability, and preventive capacity of human actors throughout the decision-making chain.

Keywords: Artificial Intelligence; Legal Responsibility; Military Operations; International Humanitarian Law; Minab School Attack

1. Legal Trainee, Center for Lawyers, Official Experts and Family Consultants of the Judiciary of the Islamic Republic of Iran. Email:hosmahdavi784@gmail.com

Legal Challenges of Protecting Children in Armed Conflicts Department of Public Law

Mohammad Sadegh Jafari*[1], Sadegh Tariverdi[2], Mohammad Hossein Sadeghi[3]

Abstract: **Background and Aim:** Children are among the most vulnerable groups in armed conflicts. Although they play no role in initiating or prolonging war, they bear the greatest harm to their rights to life, education, health, and family security. In contemporary conflicts, with the expansion of internal conflicts and the extensive presence of non-State armed actors, children face direct attacks in addition to indirect harm; they are turned into child soldiers, abducted, and subjected to sexual violence. Despite an extensive international legal framework, including international humanitarian law, the Convention on the Rights of the Child, and its Optional Protocols, a profound gap remains between these norms and realities on the ground.

Materials and Methods: This theoretical study used a descriptive-analytical method, drawing on library research of international instruments, legal books, and scholarly articles.

Findings: The existing legal system is relatively rich in normative terms but faces four principal implementation challenges: normative and interpretive challenges, including ambiguity in defining direct participation in hostilities and overlap between humanitarian law and human rights law; implementation and monitoring challenges, particularly the difficulty of compelling non-State armed actors to comply; accountability and justice challenges, including barriers to criminal prosecution and tension between punitive and restorative approaches; and emerging challenges, such as the use of children in cyberspace, long-term psychosocial harm, and neglected gender dimensions.

Ethical Considerations: Principles of scholarly integrity, honesty, accurate citation, and avoidance of unscientific bias were observed.

Conclusion: Protection of children in armed conflicts must not be confined to theoretical prohibitions but should be pursued through a

1. Master's student in Public Law, Islamic Azad University, Kermanshah Branch, Iran. Email: mohammadjafari19901990@gmail.com
2. Judge of the Judiciary and Researcher at the Center for Medical Ethics and Law Research, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.
3. PhD in Criminal Law and Criminology, Judge of the Supreme Court of Iran, Tehran.

preventive, protective, and restorative system linking legal prohibition, criminal responsibility, and post-crisis measures, including psychological rehabilitation and return to education.
Strengthening enforcement, effective criminalization, and prioritising the best interests of the child are the principal means of reducing the harm of war to children.
Keywords: Children in Armed Conflicts, International Humanitarian Law, Child Soldiers, Child Protection, International Criminal Court, Non-State Armed Actors.

Status-Based Presumptions and the Burden of Justification: The Best Interests of the Child under Article 3(1) CRC and Sunni–Imami Islamic Family Law

Mohsen taghizadeh[1]

Abstract: Background: The principle that the best interests of the child shall be a primary consideration is the normative core of Article 3(1) of the 1989 UN Convention on the Rights of the Child (CRC) and of its authoritative interpretation in General Comment No. 14 (2013). Islamic jurisprudence has long articulated child-protective doctrines — guardianship (wilayah), custody (hadanah) and the higher objectives of the law (maqasid al-shari'ah) — yet the legal relationship between these doctrines and the CRC standard remains under-theorised, particularly within the Imami/Shi'i tradition. Objective: This article asks whether the two frameworks are reconcilable, complementary or structurally divergent, by comparing their legal status, interpretive criteria and allocation of decisional authority. Method: A doctrinal, text-based comparative-law analysis of the CRC, General Comments Nos. 12 and 14, Qur'anic sources, and Sunni and Imami juristic and academic literature. Findings and analysis: This article argues that the decisive divergence lies not in whether the child's welfare is central — both systems affirm that it is — but in where the burden of justification falls. Under Article 3(1), the decision-maker must affirmatively demonstrate, through a reasoned and individualised assessment, that the outcome serves the child; under classical and much positive Islamic family law, status-based rules (paternal wilayah, age- and sex-based hadanah thresholds) apply presumptively and yield only to maslahah or the avoidance of clear harm. Disaggregating the CRC's tripartite characterisation, the study finds a strong Islamic analogue to best interests as an interpretive principle (maqasid), a textually available but under-developed analogue to the substantive right (notably in the Imami "right of the child" reconstruction), and only a weak analogue to the procedural rule. Convergence is deepest on harm-prevention and welfare-oriented reasoning; tension is sharpest on child participation tied to fixed developmental thresholds and on sex-based

1. Education Officer, Imam Khomeini (RA) Seminary, Level 3 (Equivalent to Master's Degree), Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Khorasan Seminary, Mashhad, Iran. Email: Mt1356885@gmail.com

classifications, which the CRC Committee reads against Article 2 absent independent welfare justification. Conclusion: On this basis, the author contends that the more defensible course is reform from within rather than formal alignment with the CRC's wording: the maqasid literature, not the bare CRC text, is the productive site of engagement, since by converting status-based presumptions into rebuttable proxies for welfare it offers an internally legitimate pathway to individualised best-interests determinations without wholesale doctrinal transplantation. Whether maslahah-based discretion can discharge states' CRC obligations in substance remains an open question.

Keywords: best interests of the child; burden of justification; Islamic family law (Imami and Sunni); guardianship and custody; Convention on the Rights of the Child; maqasid al-shari'ah

Criminal protection of Children's Mental Health on Social Media: Challenges and Limits of Intervention in Iranian Law

Rabab Fayyazi[1]

Abstract: Social media offers children and adolescents opportunities for education, communication, participation, and access to information. At the same time, it may expose them to cyberbullying, threats, public humiliation, disclosure of personal data and private images, online sexual exploitation, sextortion, self-harm-promoting content, and problematic use. Depending on their nature, severity, repetition, reach, and the child's vulnerability, these risks may contribute to anxiety, depression, low self-esteem, sleep disturbance, social isolation, and, in serious cases, self-harm. This descriptive-analytical study examines the capacities and limits of criminal intervention in protecting children's mental health on social media through Iranian laws and regulations, international instruments, and academic literature. The findings indicate that clearly defined conduct with the required legal elements—including threats, insult, dissemination of falsehoods, defamation, disclosure of secrets, publication of private images or videos, unauthorized access to data, sexual exploitation of children, and online contact with a child for sexual abuse—may justify criminal intervention. By contrast, extensive social-media use, ordinary peer conflicts, merely inappropriate content, and harms arising from social comparison should primarily be addressed through education, counselling, family and school support, social-work intervention, platform regulation, and restorative responses, unless a specific criminal act, the required mental element, and a serious risk or harm are established. Iran's Law on the Protection of Children and Adolescents (2020), the Computer Crimes Act, the Islamic Penal Code, and the Criminal Procedure Code provide partial protections. Criminal law should therefore remain a measure of last resort, confined to intentional, serious, attributable conduct causing or creating a substantial risk of harm.

Keywords: Child mental health; Social media; Cyberbullying; Criminal protection; Criminal policy.

1. Ph.D Student in criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Ardabil Branch. Email: robabfayyazi@gmail.com

A Criminological Analysis of the Effects of War on Children's Mental Health and the Role of Restorative Justice in Supporting Them

Hamid Poureisa*[1], Arezoo Tajook[2], Saman Javadpoor[3]

Abstract: War and armed conflict, beyond physical harm and material deprivation, leave profound and enduring effects on children's mental health that can shape behavioral, cognitive, and social patterns for years after conflict ends. From a criminological perspective, these psychological injuries carry added significance, as research literature indicates a meaningful relationship between childhood trauma exposure and the emergence of risky or delinquent behavior in adulthood.

Employing a descriptive-analytical methodology, this study examines the theoretical foundations of war's psychological effects on children from clinical psychology and criminology perspectives, analyzes criminological theories related to the intergenerational cycle of violence, and reviews protective mechanisms under the Convention on the Rights of the Child. The study's central focus is examining the capacity of restorative justice — as opposed to the traditional retributive approach — to respond to the specific needs of war-affected children, an approach tested in the experience of the Sierra Leone Truth and Reconciliation Commission and Rwanda's local Gacaca courts.

Findings indicate that restorative justice, through its focus on repairing social bonds and rebuilding a child's identity — in contrast to a punishment-centered approach — holds greater capacity for effectively supporting the mental health of war-affected children; however, its implementation faces serious challenges, including resource shortages, tension with classical criminal justice principles, and difficulty standardizing across different cultural contexts.

Keywords: Children's Mental Health, War, Clinical Criminology, Restorative Justice, Childhood Trauma

1. Ph.D. Student in Public Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; University Lecture; Advisor to the Junenile and Adolescent Court, Tehran Judicial District, Iran. Email: hp.tehran@gmail.com

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Criminal Protection of Children against Online Sexual Abuse in Light of the Convention on the Rights of the Child and International Instruments

Hamid Poureisa*[1], Arezoo Tajook[2], Saman Javadpoor[3]

Abstract: The rapid expansion of digital technologies and children's increasing access to cyberspace have created a new frontier for one of the most alarming forms of child victimization in the contemporary era: online sexual abuse. This phenomenon—encompassing the production and distribution of child sexual abuse material, online grooming processes, and threat-based sexual extortion (sextortion)—poses unprecedented challenges for national and international legal systems due to its cross-border nature, rapid dissemination, and the difficulty of digital tracing.

Employing a descriptive-analytical methodology, this study examines the theoretical and criminological foundations of this phenomenon, along with protective mechanisms established under the Convention on the Rights of the Child, the Optional Protocol on the Sale of Children, Child Prostitution and Child Pornography, the Council of Europe's Lanzarote Convention, and the Budapest Convention on Cybercrime. A comparative analysis of the legal systems of Iran, France, and the United Kingdom is also conducted.

Findings indicate that despite substantial normative development, significant gaps persist in cross-border cooperation, the criminal liability of digital intermediaries, and balancing encrypted privacy against the necessity of detecting criminal content. The study proposes strengthening international cooperation and enhancing preventive protective frameworks.

Keywords: Online Sexual Abuse, Children, Convention on the Rights of the Child, Cyber Criminal Law, Digital Sexual Exploitation

1. Ph.D. Student in Public Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; University Lecture; Advisor to the Junenile and Adolescent Court, Tehran Judicial District, Iran. Email: hp.tehran@gmail.com

2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran.

3. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Children's Privacy in the Age of Artificial Intelligence: The Conflict Between the Child's Right to Privacy and the Necessity of Parental Monitoring

Ali Javid[1], Razieh Saberi[*2], Ali Saffari[3]

Abstract: The proliferation of artificial intelligence and AI-based technologies has transformed the ways in which children interact, learn, and receive care. In this context, although parental monitoring of children's digital activities is essential for preventing cyber-related harms and safeguarding their security, it may conflict with the child's right to privacy, autonomy, and evolving capacity for self-determination. This study aims to examine the scope and legal foundations of the conflict between the child's right to privacy and the necessity of parental supervision in the age of artificial intelligence, and to propose a balanced framework for safeguarding both children's rights and security. The study adopts a descriptive-analytical methodology based on library and documentary research. Accordingly, the principles of children's rights, relevant legal instruments and regulations concerning privacy, the legal responsibilities and authority of parents, and the implications of artificial intelligence technologies for children's digital lives are examined and analyzed. The findings indicate that parental monitoring, where pursued for a legitimate purpose and exercised in accordance with the principle of proportionality, may constitute a legitimate protective measure. However, pervasive or covert surveillance, particularly when undertaken without due regard to the child's age and level of maturity, may result in an infringement of privacy and undermine the child's developing autonomy. Furthermore, the use of artificial intelligence for monitoring children's behavior, given its capacity to collect, process, analyze, and predict personal data, reinforces the need to observe the principles of data minimization, transparency, and information security. Effective

1. Master's Student in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: r.saberi@iau.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

protection of children in the age of artificial intelligence requires a shift from maximal surveillance toward protective, proportionate, and developmentally appropriate parental supervision**,** thereby ensuring that the child's security is safeguarded without unduly compromising the right to privacy and evolving autonomy.

Keywords: Child Privacy, Artificial Intelligence, Parental Monitoring, Children's Rights, Digital Security

The Impact of the Climate Emergency on Children's Fundamental Rights: A Comparative Study of the Convention on the Rights of the Child and Emerging International Judicial Developments

Prichehr Ghanbari*[1], Mohammad Reza Rashnavadi[2]

Abstract: Background and objective: The climate emergency connects the protection of children's rights to life, health and development with transboundary and intergenerational questions. This study examines the capacity of the Convention on the Rights of the Child (CRC) and recent advisory opinions to clarify States' climate obligations and the limits of children's access to remedies.

Methods: A descriptive-analytical method and qualitative comparative document analysis are employed. Relevant CRC provisions and General Comment No. 26 are compared with the 2024 advisory opinion of the International Tribunal for the Law of the Sea and the 2025 opinions of the Inter-American Court of Human Rights and the International Court of Justice. Institutional follow-up through General Assembly resolution 80/263 of 2026 is also considered. The comparison addresses legal foundations, due diligence, intergenerational protection and enforcement limits.

Findings: The classification of anthropogenic greenhouse gas emissions as marine pollution, recognition of a right to a healthy climate within the Inter-American system, and identification of the erga omnes character of certain climate obligations strengthen reliance on existing rights. Nevertheless, advisory opinions differ from contentious judgments, and erga omnes obligations do not automatically confer standing on children before every court.

Conclusion: These developments primarily clarify and strengthen existing obligations rather than suddenly create binding climate law. A "right to a livable future" is proposed as an interpretative framework connecting children's rights and intergenerational equity, not as an independently and uniformly enforceable right across all jurisdictions. Effective protection requires child-sensitive climate impact assessment, meaningful participation and appropriate remedies.

1. Professor, Department of Law and Humanities, Vali Asr Girl's College, Tehran, National University of Skills. Email: ghparicheher@gmail.com
2. Graduate of the ph.D Program in Public International Law at the University of Qom

Keywords: Climate emergency; Children's fundamental rights; Intergenerational equity; Advisory opinions; Convention on the Rights of the Child

Assessing the Nexus of Family and State Roles in Safeguarding Children's Rights in the Digital Space

Samin Esmaeilzdian[1]

Abstract: The rapid expansion of the digital ecosystem and children's transition from traditional to digital environments have disrupted classical protection models, engendering fourfold risks—content, contact, conduct, and commercial. Given their structural and algorithmic nature, these risks transcend the scope of traditional parental oversight. This research aims to delineate a jurisprudential-legal model for safeguarding children's rights in the digital space, while establishing the boundaries of parental Wilayah (guardianship) relative to state responsibility. Utilizing a descriptive-analytical methodology through content analysis and library research, this study addresses the core research question: What are the respective obligations of the family and the state in safeguarding children's rights within the digital realm? Analysis of Imami jurisprudence and relevant legal frameworks indicates that Wilayah and custody (Hadanat) constitute both a right and a duty for parents. Accordingly, parents are obligated to exercise proportionate, interest-oriented oversight of the child's digital life, grounded in doctrines such as La Darar (non-injury), Ghibtat-e Mawla-alayh (safeguarding the ward's best interests), and the child's welfare. Simultaneously, based on the institution of Hisbah and Siyasah Shari'iyyah (Sharia-based policy), the state is mandated to act as a complementary and enabling force, sanitizing digital infrastructure, enforcing age-appropriate design, restricting harmful algorithms, and protecting children's data privacy. Findings demonstrate that child protection in the digital age is achieved neither through individualistic human rights paradigms nor through maximalist state intervention; rather, it requires a networked model of integrated responsibilities where the family remains the primary agent of upbringing, and the state serves as the structural supporter.

Keywords: Family Guardianship (Wilayah), State Role, Institution of Hisbah, Child Protection, Digital Space.

1. LLM Student in Family Law, Department of Law, University of Iman Sadiq Women's Campus, Tehran, Iran. Email:S.esmaeilzadian@isuw.ac.ir

Criteria for Identifying Premises Used by Children as Military Objectives in Armed Conflicts: With Particular Emphasis on Effective Contribution to Military Action, Denfinite Military Advantage and the Challenges of Autonomous Weapons Systems

Rokhsareh Vaziri Goudarzi*[1], Mohammad Arab Tat[2], Fatemeh Zibaee[3]

Abstract: The military use of places used by children during armed conflicts raises complex questions concerning child protection and compliance with international humanitarian law. The main question is whether military use or proximity to a military objective, by itself, can result in the loss of protection and transformation of such places into military objectives. This study examines the criteria for such identification, particularly the simultaneous fulfillment of effective contribution to military action and definite military advantage, in light of international humanitarian law, relevant instruments, judicial practice, and the positions of international bodies. It also addresses challenges arising from the use of autonomous weapons in identifying and targeting such places. The findings indicate that proximity, temporary use, or dual use does not, in itself, alter the legal status of a place without fulfillment of the required conditions. Even where a place qualifies as a military objective, the principles of proportionality and necessary precautions, together with the special protection afforded to children, remain applicable. Accordingly, neither military necessity nor automated targeting can justify disregarding the legal protections afforded to children.

Keywords: Children; Armed Conflicts; Military Objectives; Civilian Objects; Effective Contribution to Military Action; Definite Military Advantage

1. Ph.D. Student in International Law, Islamic Azad University, Qom Branch, Qom, Iran. Email: rokhsarehvazirig@gmail.com
2. Ph.D. Student in International Law, Islamic Azad University, Damghan Branch, Damghan, Iran.
3. Ph.D. Student in International Law, Mofid University Qom, Qom, Iran.

States' International Obligations and Responsibility for Climate Change Impacts on Children's Rights

Ali Farahzadi,[1] Seyed Nasrollah Ebrahimi*[2]

Abstract: Climate change increasingly threatens children's rights to health, education and life through heat, water and food insecurity, disease, climate-related disasters and disruption of essential public services. This article examines States' obligations in relation to foreseeable climate impacts on these rights and identifies the legal steps required to move from risk to breach and international responsibility. It uses a doctrinal, documentary and descriptive-analytical method, drawing on the Convention on the Rights of the Child, climate instruments, the general law of State responsibility, human rights interpretations, selected judicial and quasi-judicial practice, and relevant scientific evidence. The findings show that State obligations arise before harm occurs and encompass risk prevention and mitigation, adaptation and continuity of essential services, regulation of private actors, the best interests of the child, non-discrimination and meaningful participation. The cumulative and transboundary character of climate change does not exclude the application of human rights obligations. Responsibility in a particular case, however, requires separate assessment of the primary obligation, standard of conduct, breach, attribution and, where reparation for specific harm is sought, causation and injury. The article proposes a staged analytical model linking climate risk and the threatened right to obligation, breach, attribution and the legal consequences of responsibility. Effective protection therefore requires integrating children's rights into mitigation and adaptation policies and tailoring remedies to the preventive and reparative dimensions of those obligations.

Keywords: children's rights; climate change; State obligations; international responsibility; rights to health, education and life.

1. Ph.D Student at the Faculty of Law and Political Sciences, the University of Tehran.
2. Associate professor, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Children's Privacy and Digital Identity in the Age of Generative Al: A Comparative Assessment of Iranian Legal Gaps and Protective Solutions

Reza Gholipour Goudarzi[1]

Abstract: Background and objective**:** Generative artificial intelligence enables not only data disclosure but also the creation of images and voices attributed to children. Privacy protection alone is therefore insufficient to safeguard digital identity. This study assesses Iranian legal protections against these threats in comparison with international instruments and selected frameworks in the European Union, the United Kingdom, and California. Methods**:** The study is applied-developmental in purpose and descriptive-analytical in nature, with a comparative approach. Documents were collected through library research and examined using qualitative content analysis across four dimensions: privacy, digital identity, technological risks, and protective mechanisms. Findings**:** The Iranian laws examined provide grounds for protecting dignity and addressing the dissemination or manipulation of images, but do not establish a coherent, child-specific framework for data processing, preventive risk assessment, or the duties of generative-AI providers. The central gap is thus not a complete absence of protection, but the predominance of responses after harm over preventive safeguards. The selected frameworks offer complementary tools for risk assessment, safety-by-design, and privacy-by-default. Their differing scopes and enforcement mechanisms, however, prevent them from being treated as a single comprehensive regime. Conclusion**:** Reform in Iran should supplement existing protections with child-rights impact assessment, data minimization, restrictions on profiling, and provider duties proportionate to each actor's role. Digital identity harms also require rapid content removal, preservation of evidence, and effective access to remedies. Labelling synthetic content cannot, by itself, replace these safeguards.

Keywords: Children's Rights, Generative AI, Digital Privacy, Digital Identity, Legal Protection

1. Islamic Azad University, Qaem Shahr Branch, Iran.
Email: rezagoudarzi24@gmail.com

The fetus's right to life in the context of fetal reduction in multiple pregnancies resulting from assisted reproductive technologies; a comparative study of the legal systems of Iran and England

Ali Boloori[1]

Abstract: While childbearing by assisted reproductive technologies offers numerous benefits, it also entails significant legal and ethical challenges. The rise in multiple pregnancies and the consequent need to eliminate one or more fetuses are among the issues that have emerged as a result of the expanding use of these technologies.

Objective: Every legal system holds different perspectives on the issue of fetal reduction for various reasons. In this context, the regulations of Iran and England is worth examining, given the significant advancements both countries have made in infertility treatment and the use of assisted reproductive technologies**.**

.**Method:** In this study, legal perspectives about fetus and its rights and regulations governing abortion and fetal reduction in the two legal systems of Iran and England, have been examined using library method and by studying existing books and articles.

Results: In the legal system of Iran, despite the lack of direct reference by the legislator, and in the legal system of England, according to the legislator's clarification, fetal reduction is considered a type of medical abortion and can be performed by observing the regulations about abortion. Because the final result of fetal reduction, like abortion, is deprivation of life from one or more fetuses, and for this reason, it is not possible to remove one or more fetuses without a medical reason.

Conclusions: Legislation and limiting the number of embryos transferred in each IVF cycle has a significant influence on reducing the number of multiple pregnancies and, consequently, eliminating the need for embryo reduction. As, with legislation in this regard in England, the rate of multiple pregnancies has decreased significantly. In our country, by enacting acts or instructions in this area, the medical, legal and ethical effects and consequences of multiple pregnancies and fetal reduction can be minimized.

1. PhD Candidate of Family Law, Shahid Beheshti University
E-mail: a_boloori@sbu.ac.ir

Keywords: Fetal Reduction, Multiple pregnancy, Assistes Reproduction Technologies (ART), Abortion, The Right to Life.

The Attack on Minab School in Light of the Convention on the Rights of the Child: Violation of the Right to Life, Education, and Protection in Armed Conflicts

Seyedeh Leila Naghibzadeh*[1], Mohammad Karimi[2]

Abstract: Background and Aim: On February 28, 2026, during the US-Israeli war with Iran, the Shajareh Tayyebeh elementary school in Minab, Hormozgan Province, was targeted in an airstrike. The attack was carried out with a Tomahawk cruise missile during school hours while 264 students were present in classrooms. This study aims to analyze the legal dimensions of the Minab school attack in light of the Convention on the Rights of the Child (CRC) and to examine violations of the right to life, the right to education, and the protection of children in armed conflicts.

Method: This descriptive-analytical research employs a library and documentary method, examining the provisions of the CRC (particularly Articles 6, 28, and 38), the Geneva Conventions and Additional Protocols, the Rome Statute (Article 8), reports from international bodies (UNICEF, OHCHR, and UN Special Rapporteurs), and Human Rights Council resolutions.

Findings: The Minab school attack resulted in the deaths of 168 children aged 7 to 12 and injured more than 96 others. Schools are civilian objects protected under international humanitarian law, and children are explicitly protected under these laws. The attack occurred during school hours using precision-guided munitions, indicating violations of the principles of distinction and proportionality. UN Special Rapporteurs have deemed this act a war crime under Article 8 of the Rome Statute. Furthermore, the attack constitutes two of the six grave violations against children in armed conflict (killing and maiming of children and attacks on schools). The UN Human Rights Council held an urgent debate on this matter on March 27, 2026.

Conclusion: The Minab school attack constitutes a clear violation of the Convention on the Rights of the Child (Articles 6, 28, and 38) and the fundamental principles of international humanitarian law. Beyond depriving children of their rights to life and education, the attack violates States' obligation to protect children in armed conflicts. An

1. Ph.D. Student, Department of Law, Saveh Branch, Islamic Azad University, Saveh, Iran. Email: l.naghibzadeh@iau.ac.ir
2. Assistant Professor, Department of Law, Ilam University, Ilam, Iran.

independent, impartial, and effective investigation, along with accountability for the perpetrators of this war crime, are requirements of the international legal order.

Keywords: Convention on the Rights of the Child, Right to Life, Right to Education, Minab School Attack, Armed Conflicts

Privacy Violations and Algorithmic Discrimination in AI Chidren's: Emerging Challenges in "Iranian Legal System"

Fariborz Safari*[1], Seyedeh Faezeh Khalafvand[2]

Abstract: Background: The application of artificial intelligence (AI) systems in interactive platforms for children, while creating educational and therapeutic opportunities, has also raised emerging challenges concerning the protection of children's rights. These challenges have increasingly attracted the attention of legal scholars and provided grounds for research at the intersection of AI and children's rights. Among the most significant concerns are privacy violations resulting from the extensive collection and processing of children's behavioral and biometric data, as well as algorithmic discrimination arising from biases in training data and the lack of transparency in algorithmic decision-making processes. These challenges may restrict children's equal access to digital services and contribute to the reproduction of gender and social stereotypes.

Objective: This study aims to examine the legal challenges arising from privacy violations and algorithmic discrimination in AI-based environments and to assess the capacity of the Iranian legal system to provide effective protection for children's rights.

Methods: This study adopts a descriptive-analytical methodology and employs a comparative approach. Relevant regulations and instruments of the European Union, particularly those concerning high-risk AI systems, UNESCO documents, and the practices of regulatory authorities, are examined alongside the laws and regulations of Iran.

Results: The findings indicate that traditional privacy-protection frameworks, including the concept of "one-time consent," have limited effectiveness in addressing the dynamic and continuous nature of children's data processing. Furthermore, legislative gaps in the Iranian legal system, particularly regarding liability for and oversight of algorithmic decision-making and the protection of children's data, require reconsideration. Moving from static consent toward "dynamic and graduated consent" proportionate to the child's age and level of

1. Assistant Professor, Hazrat-e Masoumeh University, Qom.
Email: safari.law@gmail.com
2. Phd Student in Criminal Law and Criminolgy, Meybod University, Yazd

cognitive development, together with requiring a "Child Rights Impact Assessment" prior to the public deployment of AI systems, are among the key measures identified by this study. In addition, establishing a right to an explanation concerning algorithmic decisions and creating an independent oversight mechanism for children's data could provide more effective legal protection.

Conclusion: Effective protection of children in the age of AI requires a shift from a purely restrictive approach toward smart, preventive, and risk-based regulation. Such an approach should safeguard the best interests of the child while ensuring safe and equitable access to the opportunities offered by AI.

Keywords: Privacy; Algorithmic Discrimination; Children's Rights; Artificial Intelligence; Child Rights Impact Assessment; Smart Regulation; Iranian Legal System.

The Effectiveness of a Children's Rights Educational Program on the Awareness and Attitudes of Fifth-Grade Elementary Students in Alborz Province

Soraya ghorehjili[1]

Abstract:Background and Purpose: Teaching children's rights at the primary school level plays a crucial role in fostering responsible, ethical, and informed citizens, and can pave the way for positive social behaviors and respect for the rights of others. The aim of the present study was to investigate the impact of a children's rights educational program on enhancing the awareness and attitudes of fifth-grade students in Alborz Province. **Method:** This study employed a quasi-experimental design with pre-test and post-test assessments involving both experimental and control groups. The statistical population consisted of primary school students in District 3 of Alborz Province during the 2024–2025 academic year. Using a convenience sampling method, 30 fifth-grade students were selected and randomly assigned to either the experimental group (15 students) or the control group (15 students). The experimental group participated in an eight-session educational program characterized by an active, experience-based approach. Data collection involved a researcher-made awareness test and a questionnaire assessing attitudes toward children's rights. The content validity of the instruments was evaluated by three professors and experts, and their reliability was confirmed using Cronbach's alpha coefficient. Data were analyzed using multivariate analysis of covariance (MANCOVA). **Findings:** The results indicated that, after controlling for pre-test scores, there was a significant difference between the experimental and control groups regarding awareness of and attitudes toward children's rights. The MANCOVA results demonstrated a significant overall effect of group membership on the dependent variables (Wilks' Lambda = 0.348, $F(2, 25) = 23.393$, $p < 0.001$). In univariate analyses, a significant difference was observed between the two groups regarding awareness of children's rights ($F(1,27)=50.252$, $p<0.001$, $\eta^2p=0.650$), as well as regarding attitudes toward children's rights ($F(1,27)=4.993$, $p=0.034$, $\eta^2p=0.156$). **Conclusion:** The present study demonstrated that a children's rights educational program has a positive impact on increasing awareness and improving the attitudes of fifth-grade

1. Phd educational administration of Tehran university, Email:s.ghorehjili@gmail.com

primary school students. The findings indicate that targeted and systematic education in this area can strengthen students' understanding and attitudes, playing an effective role in fostering responsible social behaviors. These results confirm the importance of designing and implementing practical, evidence-based educational programs concerning children's rights and offer valuable guidance for enhancing teaching-learning processes.

Keywords: Active learning, awareness, children's rights, fifth-grade primary school, attitude, quasi-experimental**.**

Continuity of Children's Right to Education in Armed Conflicts: The Interaction between Human Rights Obligations and Rules of International Humanitarian Law; A Case Study of Shajareh Tayyebeh Minab School

Abbas Karimi*[1], Meisam Nasrollahi[2], Emad Nobakht[3]

Abstract: In armed conflicts, violations of children's right to education are not confined to the physical destruction of schools. Insecurity, disrupted access, loss of educational capacity, and the psychological effects of conflict may impair this right for prolonged periods. Protection of education must therefore be assessed throughout the conflict, beyond the moment of attack. Using a descriptive-analytical method and a doctrinal legal approach, this study examines the interaction between human rights obligations and international humanitarian law in ensuring the continuity of children's right to education. The framework is applied to the criminal attack on Shajareh Tayyebeh School in Minab. The analysis is structured around three stages: before an attack, during military operations, and after the attack. At the first stage, preventive obligations and preservation of the educational environment's civilian character are essential. During operations, accurate target verification, distinction, and precautionary obligations form the core of legal protection. Once harm has occurred, the focus shifts to restoring safe access, providing alternative education, ensuring psychosocial support, and rebuilding educational capacity. The nature, legal basis, and bearer of obligations differ across stages; responsibility arising from violations of the rules of armed conflict must therefore be distinguished from the territorial State's subsequent protective obligations. The Minab case shows that the legal assessment of a crime against an educational environment does not end with establishing the school's civilian character or the operation's unlawfulness; its effects on children's actual ability to continue education must also be assessed. The educational, psychological, and social measures undertaken by the Islamic

1. Professor, Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
2. Ph.D. in Industrial Engineering; LL.M. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.
3. M.Sc. in Civil Engineering; LL.M. Student in Private Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Republic of Iran, together with broad participation of civic and volunteer groups, illustrate the practical dimension of continuity. Effective protection of the right to education thus requires linking harm prevention, responsibility arising from military operations, and children's genuine, sustainable return to education.

Keywords: Children’s Right to Education; Armed Conflicts; International Humanitarian Law; International Human Rights Law; Protection of Schools

Legal and Ethical Challenges in the Application of Artificial Intelligence to Children's Rights: A Narrative Review and Conceptual Analysis of Protection and Governance Frameworks

Sheida Sharifi Saki[1], Mahmoud Abbasi*[2]

Abstract: The expansion of artificial intelligence (AI) across education, commercial platforms, child protection systems, and health services offers opportunities to improve service delivery while raising concerns about privacy, discrimination, continuous surveillance, automated decision-making, and long-term effects on children. This study examines the conceptual and normative implications of AI-related risks for children's rights and identifies requirements for rights-based governance. A narrative review and conceptual-normative analysis were conducted. Sources addressing AI applications affecting children, technical and institutional risks, and relevant legal frameworks were examined in relation to the principles and provisions of the Convention on the Rights of the Child. The analysis indicates that potential harms do not arise solely from technical model errors; they may also result from interactions among system design, commercial incentives, unbalanced data, institutional practices, and inadequate oversight and accountability. Data collection and accumulation, profiling, prediction, classification, continuous monitoring, content personalization, and algorithmic decision-making may affect children's privacy, identity, equality, participation, development, and access to opportunities. Four recurring patterns were identified: surveillance and data accumulation; algorithmic bias and discrimination; the stabilization of future pathways through prediction; and constraints on cognitive autonomy through commercial content curation. AI governance affecting children requires child-rights impact assessments, data minimization, age-appropriate transparency, human oversight and review, access to contestation and remedy, and meaningful child participation. The concept of an "open future" can serve as an analytical standard for assessing whether data-driven decisions preserve or restrict children's

1. Researcher Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: dr.abbasi@sbmu.ac.ir

future opportunities for development, change, and self-determination.
Keywords: Artificial intelligence; children's rights; Convention on the Rights of the Child; governance; open future; structural harms

Continuity of Children's Right to Education in Armed Conflict: Legal Requirements for School Protection and Learning Continuity

Ahmad Mashkouri[1], Mahmoud Abbasi*[2], Tayebeh Ilaqi Nejad[3]

Abstract: Background and Aim: Armed conflict disrupts children's right to education through attacks on educational facilities, military use of schools, displacement, and unsafe access routes. Protecting this right requires more than safeguarding school buildings; it also requires continuity of learning and recovery of educational capacity. This study aimed to analyze the legal and policy requirements for protecting children's right to education during armed conflict and to propose an analytical framework connecting protection, continuity, and recovery

Methods: An analytical-documentary review was conducted. International instruments on children's rights and education, selected rules of international humanitarian law, relevant United Nations resolutions, the Safe Schools Declaration, academic studies, and credible international reports were examined. Materials were analyzed according to three dimensions: protection of educational environments, continuity of learning, and educational recovery. This was not a systematic review and does not claim to provide an exhaustive search of all available literature

Findings: The reviewed sources indicate that the right to education does not cease during armed conflict. International humanitarian law also provides protections for civilians and civilian objects, although the legal status of a particular school or attack must be assessed in light of the applicable rules and circumstances. Beyond direct attacks, military use of schools, unsafe routes, displacement, and teacher shortages can undermine children's actual access to education. The analysis highlights the need to connect preventive measures with alternative learning arrangements and educational recovery plans

Conclusion: Effective protection of children's right to education during armed conflict requires a multidimensional approach. The

1. Department of Philosophy and Health Ethics, Faculty of Health and Religion, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.
2. Department of Community Medicine, Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti Univer Sity of Medical Sciences, Tehran, Iran.
Email: dr.abbasi@sbmu.ac.ir
3. Ph.D Student in Medical Ethics, Qom University of Medical Sciences, Qom, Iran.

proposed three-stage framework of protection, continuity, and recovery may help organize legal and policy measures and develop evaluation indicators. Its practical validity and effectiveness require further field-based research

Keywords: Child rights; Right to education; Armed conflict; School protection; Education in emergencies

The Role of Artificial Intelligence in Children's Education and Its Impact on Educational Equity

Mehrdad Teymouri*[1], Taha Eslami[2]

Abstract: Background and Aim: Education has undoubtedly long been recognized as a fundamental human right and a cornerstone of sustainable development and the reduction of structural inequalities. Today, while the profound transformations and rapid encroachment of smart technologies into the educational landscape—particularly within the realm of virtual learning—initially promised equitable access to education and equal opportunities, in practice, they have fostered new and more complex layers of inequality due to the digital divide and societal disparities in this regard. Consequently, this study was conducted with the aim of identifying the barriers to achieving educational equity in virtual learning environments and examining their impact on children's education.

Method: The present study was conducted using a descriptive-analytical method and a qualitative approach, relying on library research and a comparative analysis of sources concerning children's rights and artificial intelligence.

Results: Findings indicate that the persistence and deepening of educational injustice stem from multifaceted inequalities—including disparities in infrastructure access, a lack of digital literacy, socioeconomic status gaps, and a highly uneven distribution of physical and technological resources across schools—all of which directly impact the quality of learning. Furthermore, existing regulations prove ineffective due to their reactive and generalized nature and the absence of *ex-ante* mechanisms (such as child rights impact assessments) capable of addressing the "black box" nature and agency-driven character of artificial intelligence.

Conclusion: The findings indicate that integrating technology without regard for economic, cultural, and social contexts leads to the emergence of a complex phenomenon known as the digital divide. This concept underscores that technology is not inherently neutral; without precise policymaking, it fails to alleviate existing inequalities and instead accelerates the reproduction and deepening of educational

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran. Email: dr.mehrdad.teymouri@iau.ac.ir
2. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

disparities. Therefore, a strategic and operational model leveraging artificial intelligence technologies is required to foster educational equity.

Keywords: Artificial Intelligence, Education, Educational Equity, Virtual Education, Smart Education, Social Inequality.

Protecting Children's Rights in the Age of Artificial Intelligence: An Analysis of Legal Challenges and Regulatory Requirements in Iranian Law

Mahmoud Abbasi*[1], Fatemeh Ghiyasi[2], Hana Piri[3]

Abstract: Background and Objective: The expanding use of artificial intelligence in areas such as education, healthcare, social services, and digital environments, while creating opportunities to improve children's access to and the quality of services, has also introduced new risks to their rights and interests. The main objective of this study is to assess the capacities and gaps within Iran's legal framework for protecting children against these risks and to identify the regulatory requirements for artificial intelligence from a rights-based perspective.

Methods: This study employed a descriptive-analytical approach through an examination of international child rights instruments, domestic laws and regulations, and policy documents related to artificial intelligence.

Results: The findings indicate that the major legal challenges include the collection and processing of children's personal data, threats to privacy and data security, algorithmic discrimination and bias, automated decision-making lacking sufficient transparency, the production and dissemination of harmful content, the misuse of children's images and information, and the potential impacts of artificial intelligence on children's autonomy, dignity, and development. Under Iranian law, the Law on the Protection of Children and Adolescents and regulations concerning cybercrimes provide certain capacities for addressing some forms of harm and exploitation of children. However, these provisions have not been specifically designed to address the characteristics of artificial intelligence systems, algorithmic decision-making, and the lifecycle of children's data processing. Furthermore, the National Document on Artificial Intelligence of the Islamic Republic of Iran, while emphasizing justice, dignity, and human rights, sets out general protective orientations but lacks detailed requirements and specific mechanisms concerning children's rights.

1. Ph.D Student in Medical Law, Research Center for Ethics and Medical Law, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran. Email: dr.abbasi@sbmu.ac.ir
2. Master's Student in Medical Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran.
3. Master's Student in Medical Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran.

Conclusion: Based on the findings of the study, effective protection of children requires the explicit recognition of children's rights within artificial intelligence regulation, impact assessments of AI systems on children's rights, strengthened privacy and data security requirements, guarantees of algorithmic transparency and accountability, provision for human oversight, and the establishment of effective mechanisms for objection and redress. Fulfilling these requirements can contribute to more coherent regulation of artificial intelligence and ensure effective protection of children's rights and interests under Iranian law.

Keywords: Children's Rights; Artificial Intelligence; Regulation

آثار برگزیده نخستین یادواره ملی شاگردان آفتاب

ویژه بزرگداشت شهدای دانش‌آموز شهرستان میناب

به نام خداوندِ میناب

میثم کلهرنیاگلکار[۱]

سلام بر نیمکت‌های خالی و خاک‌گرفته‌ای که هنوز بوی کتاب‌های نونوار و عطر پاک‌کن‌های کوچک را به مشام می‌رسانند.
سلام بر کفش‌ها و جامه‌های نوِ تا نخورده که در حسرتِ به آغوش کشیدنِ بدن‌های شرحه‌شرحه ماندند و سهمِ نگاه‌های حسرت‌بارِ لحظه‌های تحویل سال شدند.
سلام بر عطرِ تنِ چاک‌چاکِ فرشتگانی که از زیر آوارها، قلب‌های بی‌تابِ مادرانِ دلسوخته و چشم‌های پرالتهابِ پدرانِ فروریخته را نوازش کردند.
سلام بر ردِ خونِ خدا بر قلبِ مجروحِ دیوارها...
ای ماهیانِ تشنه‌ی خلیجِ معرفت؛ ای راه‌بلدانِ اقیانوسِ عشق !ای نخل‌های جوانی که پیش از آنکه خوشه‌هایتان به بار بنشیند، در میان طوفانِ دژخیمان، شاخه‌هایتان خشکید، اما سربلند ایستادید و نویدِ نوبهاران شدید.
شما از کجایِ جغرافیایِ اخلاص برخاستید که خاکِ گرمِ میناب، این‌چنین لبریز از خنکایِ حضورتان گشت؟ گویی نه در هیاهویِ کلاس، که در تلاطمِ اروند و زیر آفتابِ سوزانِ جبهه‌ها، درسِ عشق را پیش از الفبا آموختید و چه زیبا، مشقِ شهادت کردید.
شما همان سبک‌بالانِ کوچکی هستید که مدادهای رنگی‌تان را با ترکش‌های سرخ تاخت زدید تا رنگین‌کمانِ آزادی بر آسمانِ این مرز و بوم تا ابد نقش ببندد .هر بار که نسیم از دریا به سوی نخلستان‌ها می‌وزد، گویی صدای خنده و هیاهویِ دخترانِ میناب در حیاطِ مدرسه‌ای به وسعتِ ایران می‌پیچد.
ای دانش‌آموزانِ شهید !سنگرِ امروزِ ما، ادامه‌ی همان رزمگاهِ دیروزِ شماست . قلم‌های ما سلاح‌هایی هستند که به یادِ انگشتانِ حنابسته‌ی شما به دست گرفته

---

۱. عضو پیوسته انجمن علمی حقوق کودک ایران

ایم .قسم به قطره‌قطره اشک‌هایِ مادرانِ صبورتان و به غیرتِ دستانِ پینه بسته‌ی پدرانتان که نخواهیم گذاشت غبارِ فراموشی بر نامِ بلندتان بنشیند.
شما نرفته‌اید؛ که در جانِ جاریِ میناب، در رگ‌هایِ پرخروشِ هرمزگان، در قلبِ ایران و در واژه‌واژه‌ی کتاب‌هایِ درسی‌مان ماندگار شده‌اید.
قهقهه‌ی شیرینتان در باغ‌هایِ دلربایِ بهشت گوارا و شفاعتِ دستانِ کوچکتان، دستگیرِ قلب‌هایِ مشتاقِ ما باد.

نجواهای سوگواری برای نیمکت‌های خالیِ مدرسه‌ی میناب

ساناز خانی[۱]

من از اینجا، از این دوردست‌ها؛ جایی که آسمانِ من آن رنگِ پرشور و هوای گرمِ جنوب را ندارد، به سوی تو نگاه می‌کنم؛ به سوی مدرسه‌ای که انگار در میان قلبِ گرمت، مانند حافظه‌ای پر از خاطره، می‌تپد.

به سوی آن نیمکت‌های خالیِ مدرسه‌ای که روزی با صدای بچه‌ها پر شده بود.

من از دور، برای آن نیمکت‌های خالی نجوا می‌کنم؛ برای آن زمان‌هایی که بچه‌ها روی آن‌ها می‌نشستند و رؤیاهای خود را در گوش یکدیگر زمزمه می‌کردند.

می‌دانم آن‌ها هنوز هم همان‌جا هستند؛ در میان آن سکوتِ سنگین و گردوغبارها، بی‌کس و تنها نشسته‌اند .من از اینجا نمی‌توانم لمسشان کنم، اما می‌توانم نجواهایشان را بشنوم؛ نجواهایی که پر از دلتنگی و رؤیاهای بزرگ‌اند.

آن نیمکت‌ها برای من، همان آرزوهای بچه‌هایی بودند که دیگر نیستند؛ نیمکت هایی که خاک بر روی آن‌ها نشسته است، اما هنوز زیر این لایه‌های خاک، تپشِ خاطرات دانش‌آموزان را در خود دارند.

گاهی فکر می‌کنم نیمکت‌های مدرسه به دنبال دانش‌آموزانشان می‌گردند .شاید هم به دنبال آن صداهای آشنا، آن پچ‌پچ‌های قدیمی، یا حضوری می‌گردند که روزی به این مدرسه زندگی بخشیده بود.

من از دور برای مدرسه‌ی میناب نجوا می‌کنم و می‌گویم :ما می‌دانیم این نیمکت های خالی، اشیای بی‌جان نیستند؛ آن‌ها نگهبانان خاطراتِ زخمیِ شهری هستند که یاد گرفته است چگونه در میان ویرانی‌ها نفس بکشد.

من به شکوهِ تلخ شما و به ایستادگی‌تان ادای احترام می‌کنم .حتی اگر تمام کلاس‌ها خالی باشند، حتی اگر صدای باد در میان پنجره‌های شکسته‌ی

---

۱. دانشجوی کارشناسی علوم قضایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

کلاس‌ها بپیچد، یاد و نام کسانی که روزی به آن مدرسه روح بخشیده بودند، برای همیشه جاودان خواهد ماند.

مدرسه در میدان جنگ؛ تحلیل حقوقی حمله به مدرسه میناب در پرتو حقوق بین‌الملل بشردوستانه

سید مصطفی حسن نژاد*[۱]، اعظم زهرایی[۲]

چکیده: حمله به مراکز آموزشی در جریان مخاصمات مسلحانه، از مهم‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمینه حمایت از غیرنظامیان و به‌ویژه کودکان است. حمله گزارش‌شده به مدرسه ابتدایی شجره طیبه در میناب، در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶، ضرورت بررسی دقیق قواعد حاکم بر حمایت از مدارس، مشروعیت اهداف نظامی و مسئولیت حقوقی ناشی از حملات منجر به تلفات گسترده غیرنظامیان را برجسته می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی ـ تحلیلی و با اتکا به حقوق قراردادی و عرفی مخاصمات مسلحانه، گزارش‌های منتشرشده درباره واقعه و اصول حقوق بین‌المللی کیفری، مشروعیت حمله به مدرسه میناب و شرایط احتمالی تحقق مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی را بررسی می‌کند.

پرسش اصلی آن است که تحت چه شرایطی حمله به یک مرکز آموزشی در بستر مخاصمه مسلحانه می‌تواند نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه محسوب شود و چه معیارهایی برای احراز مسئولیت حقوقی عاملان لازم است. فرضیه پژوهش این است که مجاورت یک مدرسه با تأسیسات نظامی، به‌خودی‌خود وصف غیرنظامی آن را از بین نمی‌برد و قانونی‌بودن حمله مستلزم احراز شرایط هدف نظامی، رعایت اصل تفکیک، ارزیابی تناسب زیان پیش‌بینی‌شده و اتخاذ همه اقدامات احتیاطی عملی و ممکن است. همچنین، تلفات گسترده

۱. کارشناس مسائل حقوق نظامی وبین المللی و کارشناس ارشد حقوق پزشکی
Email: Medicallaw.online@gmail.com

۲. وکیل پایه یک دادگستری

غیرنظامیان، هرچند قرینه‌ای مهم برای بررسی دقیق حمله است، به‌تنهایی برای اثبات نقض اصل تناسب یا تحقق جنایت جنگی کفایت نمی‌کند.
نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که ارزیابی حقوقی واقعه باید بر شواهد قابل راستی‌آزمایی درباره وضعیت مدرسه در زمان حمله، اطلاعات در دسترس تصمیم‌گیرندگان، ماهیت هدف مورد ادعا، روش و وسیله حمله و امکان اتخاذ تدابیر جایگزین متمرکز باشد. انتساب مسئولیت نهایی به دولت یا اشخاص معین نیز به تحقیق مستقل، احراز عناصر قانونی و روانی مسئولیت و بررسی صلاحیت مراجع صالح وابسته است.

واژگان کلیدی: مدرسه میناب؛ حقوق بین‌الملل بشردوستانه؛ اصل تفکیک؛ اصل تناسب؛ اقدامات احتیاطی؛ حمایت از کودکان؛ جنایت جنگی؛ مسئولیت بین‌المللی دولت.

از حق آموزش تا حق بقا: حمله به مدارس و زنجیره نقض حقوق کودک در مخاصمات مسلحانه

امید نیاقی[۱]

چکیده :حمله به مدارس در مخاصمات مسلحانه معمولاً از منظر نقض حق آموزش مورد بررسی قرار می‌گیرد. با وجود اهمیت این رویکرد، تمرکز صرف بر حق آموزش نمی‌تواند تمامی ابعاد حقوقی و انسانی این پدیده را تبیین کند. جستار حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیلی ـ توصیفی و با استناد به اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، حقوق کودک و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، در پی پاسخ به این پرسش است که حمله به مدارس چه تأثیری بر مجموعه حقوق بنیادین کودکان بر جای می‌گذارد. تحلیل حاضر نشان می‌دهد که حمله به مدارس صرفاً موجب نقض حق آموزش مندرج در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک نمی‌شود، بلکه زنجیره‌ای از نقض‌های حقوقی را در پی دارد که حق حیات، بقا و رشد، حق سلامت جسمی و روانی، حق برخورداری از حمایت در برابر خشونت و حق رشد شخصیت و کرامت انسانی کودکان را نیز متأثر می‌سازد. جستار حاضر این وضعیت را با مفهوم «زنجیره نقض حقوق کودک» تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که همین آثار چندلایه، مبنای حمایت ویژه حقوق بین‌الملل بشردوستانه از مدارس و محیط‌های آموزشی را تشکیل می‌دهد. همچنین بررسی اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی نشان می‌دهد که حمله عمدی به مراکز آموزشی در شرایطی می‌تواند واجد عنوان جنایت جنگی باشد. نتیجه آنکه مدرسه در حقوق بین‌الملل معاصر صرفاً یک مرکز آموزشی نیست، بلکه نهادی بنیادین برای تحقق و حمایت از مجموعه‌ای از

۱. دکتری حقوق عمومی و کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل
Email: dimoighain@yahoo.com

حقوق کودکان محسوب می‌شود و تعرض به آن پیامدهایی فراتر از محرومیت آموزشی به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، حق آموزش، حمله به مدارس، مخاصمات مسلحانه، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، اعلامیه مدارس امن.

تحلیل حقوقی ـ جرم‌شناختی حمایت از کودکان در شرایط بحرانی با تأکید بر جنایت جنگی علیه کودکان و اماکن آموزشی (مطالعه موردی: مدرسه شجره طیبه شهرستان میناب)

عرفان حیدر آبادی[۱]

چکیده: کودکان به عنوان آسیب پذیرترین گروه اجتماعی در شرایط بحرانی و به ویژه مخاصمات مسلحانه بیش از سایر اقشار در معرض نقض حقوق بنیادین خود قرار می گیرند. حوادثی که منجر به آسیب یا مرگ دانش آموزان می شود نه تنها یک فاجعه انسانی، بلکه چالشی جدی برای نظام های حقوقی و سیاستهای جنایی محسوب می گردد. این پژوهش با رویکردی توصیفی تحلیلی و با بهره گیری از روش کتابخانه ای و اسنادی، به بررسی ابعاد حقوقی و جرم شناختی حمایت از کودکان در شرایط بحرانی می پردازد و با تمرکز ویژه بر جنایت جنگی علیه کودکان و اماکن آموزشی قواعد حقوق بین الملل بشر دوستانه و حقوق بشر را مورد تحلیل قرار می دهد. در این چارچوب کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ ، کنوانسیون های ژنو ۱۹۴۹، پروتکل های الحاقی ۱۹۷۷ و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۹۹۸ به عنوان مبانی اصلی حمایت بین المللی بررسی شده اند. همچنین مطالعه موردی شهدای دانش آموز شهرستان میناب به منظور تبیین بزه دیدگی مضاعف کودکان و ارزیابی کارآمدی حمایت های حقوقی و اجرایی مورد توجه قرار گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد که علی رغم وجود چارچوب های حقوقی گسترده در سطح داخلی و بین المللی شکاف معناداری میان قواعد حمایتی و اجرای مؤثر آنها در شرایط بحرانی وجود دارد؛ شکافی که در نهایت به تشدید بزه دیدگی کودکان و نقض جدی حقوق آنان منجر می شود.

واژگان کلیدی: حقوق کودک، شرایط بحرانی، جنایت جنگی مدارس، حقوق بین الملل بشر دوستانه، بزه دیدگی

---

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز
Email: heidarabadi80@gmail.com

با هم به مدرسه می رویم

مریم میرعلیجانی و علی میرعلیجانی

پیشگفتار

سلام، این کتاب را با احترام تقدیم میکنیم به پدر و مادر عزیزمان که به ما انسان بودن و دوستی را آموختند و همچنین به کودکان غزه باشد که غنچه‌ی لبخندی بر لبانشان بنشانیم



بخش اول: همسایه‌ی روبه‌رویی

در یکی از کوچه‌های قدیمی تهران، درست در سال‌های جنگ، خانه‌ای بود که علی و مریم با پدر و مادرشان در آن زندگی می‌کردند. روبه‌روی خانه‌ی آن‌ها خانواده‌ای ارمنی زندگی می‌کردند: سدا خانم، آقا لونا و پسرشان پاتریک.

پاتریک پسری خوشرو و خندان بود. او به خاطر بیماری خاصی که داشت مبتلا به چاقی بود و نمی‌توانست مداد معمولی دست بگیرد، چون دست‌هایش توپُولی و سنگین شده بودند. اما برخلاف آنچه همه فکر می‌کردند، او می‌توانست بازی کند، کشتی بگیرد و دوستانش، علی و مریم را دوست بدارد.



بخش دوم: آرزوی بیصدا

پاتریک هیچ‌وقت نگفت: «کاش می‌توانستم بنویسم». اما علی و مریم، هر وقت می‌دیدند که پاتریک نمی‌تواند مثل آن‌ها مشق بنویسد یا نقاشی بکشد، دلشان می‌گرفت. او نمی‌توانست به مدرسه برود، چون مداد در دستش جا نمی‌شد. این دو خواهر و برادر تصمیم گرفتند کاری بکنند.

شبی در زمستان، وقتی برق قطع شده بود، مامان علی دو شاخه تلویزیون را به باتری ماشین وصل کرد تا بچه ها برنامه کودک تماشا کنند.

فیلمی پخش شد به نام «مداد جادویی». داستان درباره‌ی پسری بود که همیشه در دیکته نمره ی کمی می‌گرفت، اما با مداد جادویی(مدادی بسیار بلند و ضخیم)توانست نمره ی بیست بگیرد. این فیلم، جرقه‌ای در ذهن مریم و علی زد.



بخش سوم: جستجوی مداد جادویی

علی و مریم مصمم شدند همان مداد را برای پاتریک پیدا کنند. اما پدر علی، که مأموریت داشت به منطقه‌ی جنگی برود، در آن روزها خانه نبود و آن‌ها نمی‌توانستند به مغازه‌های دور بروند. مادرشان گفت باید تا بازگشت پدر صبر کنند.

در همین روزها، مهربانی همسایه‌ها بیشتر از همیشه به چشم می‌آمد. یک روز که کپسول گاز خانواده ی علی تمام شده بود و جابه‌جایی آن برای مادر سخت بود، آقا لونا پدر پاتریک با روی خوش کپسول را بلند کرد و به داخل حیاط برد. سدا خانم هنگام خرید رفتن از مادر علی دعوت می‌کرد تا با ماشین او به بازار بروند



بخش چهارم: بابا حمید پدر بزرگ مهربان

عصر یک روز پاییزی مریم و علی پاتریک را به خانه شان دعوت کرده بودند تا با هم بازی کنند. مادر علی با کیک خوشمزه ای که پخته بود از بچه ها پذیرایی میکرد، ناگهان زنگ خانه به صدا درآمد ، پشت در کسی نبود جز بابا حمید (پدر بزرگ مهربان) که با یک زنبیل پر از میوه های رنگارنگ به دیدن نوه هایش آمده بود.

بچه ها با دیدن بابا حمید خیلی خوشحال شدند. بابا حمید ،علی و مریم و پاتریک را به جشن عید قربان در خانه شان دعوت کرد .



بخش پنجم :عید قربان

نزدیک ظهر بود که خانواده علی به همراه پاتریک پیاده حرکت کردن به سمت خانه بابا حمید ، نیم ساعت بعد آنها به در خانه رسیدند ، ننه جون (مادر بزرگ علی)صورت بچه ها را بوسید و آنها را به سفره دعوت کرد. بابا حمید و ننه جون با کباب بره از میهمانان پذیرایی کردند.

بعد از ناهار پسر بچه ها با هم کشتی گرفتند و شادی کردند، سپس با یکدیگر به خانه برگشتند

بالاخره وقتی بابا ی علی از جبهه برگشت، بچه‌ها از او خواستند تا مداد جادویی را پیدا کند. بابا هم با همه‌ی خستگی اش به بازار بزرگ تهران رفت و مدادی آبی‌رنگ با سری که پاک‌کن سفید داشت، برایشان آورد. همراه مداد، یک دفتر فیلی بامزه هم خرید.



بخش ششم: کریسمس فراموش‌نشدنی

زمستان سال ۶۵، پاتریک از علی و مریم دعوت کرد تا برای جشن کریسمس به خانه‌شان بیایند. سدا خانم با مهربانی آن‌ها را پذیرفت و خانه را با درخت کریسمس و چراغ‌های رنگی تزئین کرده بودند. پاتریک با شکلات‌هایی که برادر بزرگ‌ترش از آلمان فرستاده بود از مریم و علی پذیرایی کرد.

علی و مریم، هدیه‌ی کریسمس را با هیجان دادند: همان مداد جادویی و دفتر فیلی. پاتریک آرام مداد را گرفت، مکثی کرد، و سپس با دستانش آن را در دست گرفت و روی دفتر نوشت: «PATRICK».

همه از خوشحالی اشک در چشم‌هایشان جمع شده بود. پاتریک با خنده گفت: «خیلی خوبه... من تونستم!»

علی خندید و گفت: «فوتبال هم تو حیاط مدرسه بازی می‌کنیم!»

سه‌تایی با شوق، قول دادند که پاییز آینده با هم به مدرسه بروند.



بخش هفتم: رؤیای ناتمام

تابستان سال بعد، موشک باران‌های تهران شدت گرفت. بابا ی علی تصمیم گرفت خانواده را به باغی اطراف تهران ببرد تا از خطر دور باشند. علی و مریم با دلی تنگ، به پاتریک گفتند: «فقط چند هفته است، زود برمی‌گردیم.»

اما در همان تابستان، روادید سفر خانواده ی پاتریک به کشور آلمان که سال‌ها پیش برای درمان اقدام کرده بودند، صادر شد. پاتریک و خانواده‌اش مجبور شدند بدون خداحافظی با علی و مریم، ایران را ترک کنند.

وقتی بچه‌ها برگشتند، خانه‌ی روبه‌رویی خالی بود. مریم مدت‌ها جلوی در نشست. علی به درخت کوچه تکیه داد و سکوت کرد.

دوستی‌شان با رفتن پاتریک از هم نگسست. هنوز هم، هر وقت اسم پاتریک می‌آمد، لبخند می‌زدند. و برای او آرزوی تندرستی دارند

نویسنده: مریم میرعلیجانی و علی میرعلیجانی [۱].
کتاب« با هم به مدرسه می رویم» یک داستان واقعی است.

۱. در بخش اول منظور از جنگ ، حمله عراق به ایران در سی و یکم شهریور سال ۱۳۵۹ ، که مردم ایران با جان و دل از وطن دفاع کردند، که ما این جنگ هشت ساله تحمیلی را «دفاع مقدس » مینامیم. در بخش دوم در سال ۱۳۶۵ پیشرفت علم پزشکی و تکنولوژی در ایران ، به قوت زمان حال نبود و بسیاری از ایرانیان برای درمان بیماریها ی خاص و برخی جراحی‌ها به کشور های جهان اول سفر میکردند، که البته با تلاش و کوشش و پشتکار ایرانیان در مسیر استقلال قرار گرفتند

Abstract Articles
The 4th International Conference on
Child Rights

28 & 29 Oct 2026

By:

The Iranian Association of Child Rights
International ThinkTank of Human Dignity
Institute of Bioethics and Health Law

Conference Chairman: Dr. Mahmoud Abbasi
Conference Scientific Secretary: Dr. Mohammad Mehdi Meghdadi
Conference Coordination Secretary: Dr. Mehrdad Teymouri
Conference Executive Secretary: Hosseyn Saeidi
Conference International Secretary: Dr. Moammad Mehdi Seyed Naseri

---

Designer and Graphist: Mohammad Hassan Erfanmanesh
Vote Page: Zeynab Hajatmand